

"خداوند تو را برکت دهد، و محافظت کند؛

خداوند روی خود را بر تو تابان

سازد و تو را فیض عنایت فرماید؛

خداوند روی خود را بر تو برافرازد و تو را سلامتی بخشد "

اعداد باب ۶ آیات ۲۴ تا ۲۶

۶- از آنچه در این دروس آموخته اید، اکنون درباره بشارت به دنیای بیرون چه فکری می کنید؟

۷- آیا مایلید برخی از ایده های این کتاب را به کار به بندید و شروع به بشارت کنید؟ یا حتی خودتان روش هایی را فکر کنید تا برای عیسی مسیح به مردم بشارت دهید؟

۳- آیا در یک گروه کوچک مطالعه کتاب مقدس عضو هستید؟ چرا و یا چرا نه؟

۴- آیا گردهمایی یا گروه کوچک کلیسای شما، مشوق شما در عمل به کلام خداست یا صرفاً یک باشگاه اجتماعی است؟

۵- آیا وقتی با موسیقی خدا را پرستش می کنید روح خدا را حس می کنید؟ یا وقتی سرودهای پرستشی می خوانید احساس بی علاقگی می کنید؟

فصل ۱۲

کلیسا دارای چهار پایه

تفکر و تعمق در آنچه خواندیم

۱- آیا هر هفته از رفتن به کلیسای خود شادمان هستید؟ چرا و یا چرا نه؟

۲- آیا به عنوان نتیجه تعالیم شبان تان احساس می کنید در ایمانتان رشد می کنید؟

علاوه بر این، کسانی هستند که در ایمان خود بالغ ترند و می توانند به ایمانداران نابالغ و ضعیف تر برای هدایت در مسیر ایمانی کمک کنند.

نیز، افراد دیگری نیز هستند که ممکن است در بخش های معینی از ایمان خود با ثبات تر باشند و به رشد فرد دیگری در مسیح کمک کنند.

امیدوارم شما چنین شانسی داشته باشید که بتوانید کلیسایی برای عضویت پیدا کنید که از شما استقبال کند و مورد نیاز آنها باشید و از شما برای خدمت دعوت کنند.

دعا می کنم از این کتاب، بسیار آموخته باشید. امیدوارم وسیله ای باشد که اغلب به آن برای یاری رجوع می کنید تا تبدیل به شاگردی پویا برای عیسای مسیح گردید.

ما در عیسی مسیح است. ایمانداران عهد جدید به طور منظم دور هم گرد می آمدند (اعمال رسولان ۲ آیه ۴۲) و این الگوی ما است که باید از آن پیروی کنیم.

خدا کلیسای خود را به عنوان یکی از مهمترین راه ها برای کمک به رشد مسیحیان و پشتیبانی از آنان مقرر کرده است، زیرا در دنیایی زندگی می کنیم که روال آن اغلب مخالف با اراده خدا است. مهم است توجه داشته باشیم کلیسا از مردم ساخته شده است نه یک ساختمان؛ پس وجودی زنده ای است که یا در حال رشد است و یا در حال از میان رفتن. (لیکن این بدان معنا نیست که کلیسای آنلاین، جای گرد آمدن حضوری را می گیرد) ...

ما خلق شده ایم تا با یکدیگر در رابطه باشیم، پس شرکت در جلسات برای بنا شدن در مقدس ترین ایمان ها، امری ضروری است (رساله یهودا ۱ آیات ۲۰ و ۲۱). قرار نیست تکاورانی تنها باشیم. هر وقت می شنوم کسی بگوید: «برای مسیحی بودن نیازی ندارم به کلیسا بروم» یا «برای انجام دادن ایمانم، لازم نیست به کلیسا بروم»، متوجه می شوم اشکالی در عقایدشان هست. اگر چه موضوع اصلی، ساختمان کلیسا به خودی خود نیست، روابط روحانی ایمانداران با یکدیگر است که چنین فوایدی را به همراه دارد.

کتاب مقدس به ما می گوید که: " آهن آهن را تیز می کند"، بدین معنی که ما به یکدیگر نیاز داریم تا دستخوش افکار خود نشویم (امثال ۲۷ آیه ۱۷). نیاز داریم موعظه و تعلیم کلام خدا را بشنویم. نیاز داریم با هم پرستش کنیم، زیرا بدن مسیح تنها از «یک دست یا یک چشم» ساخته نشده، بلکه یک واحد کامل و یک بدن است و وقتی در بهترین وضعیت قرار دارد که اعضا به درستی و در تناسب با هم کار کنند (اول قرن تیان ۱۲ آیات ۱۲ تا ۲۷؛ افسسیان ۴ آیه ۱۶).

(* اگر علاقه مند به استفاده از کتاب ها و دیگر منابع ما برای بشارت هستید لطفا با ما تماس بگیرید (اطلاعات تماس با «خدمات تبدیل شوید» Be Transformed Ministries در ابتدای این کتاب فهرست شده است). می توانیم این منابع را به قیمت 20% بالاتر از هزینه ی خودمان در اختیار شما قرار دهیم.

جهت دریافت ایده های بیشتر می توانید ویدیو دو دقیقه ای را در مورد خدمات ما در یوتیوب به بینید:

<https://www.facebook.com/betransformedministries/videos/267549847281329>

(* همچنین می توانید به صفحه خدمات مسیحی ما در فیسبوک مراجعه نموده تا روشهای دیگری که به بی ایمانان بشارت می دهیم را مشاهده کنید:

[facebook.com/betransformedministries](https://www.facebook.com/betransformedministries)

می خواهیم بدانید سعی من بر این نیست که کتاب ها یا خدمت خود را تبلیغ کنم. سعی دارم ابزار و ایده هایی در اختیارتان قرار دهم تا با شما همکاری کرده باشم و تا اینکه شما بتوانید بروید و مأموریت عظیم خداوندان را انجام دهید!

پایه چهارم

چهارمین پایه مهم کلیسا مشارکت است. در کتاب مقدس، کلمه یونانی مورد استفاده برای مشارکت "کویونونیا" (کوین - او - نیا) می باشد که به معنی گروهی از ایمانداران است که با هم جمع می شوند تا در یک رابطه مشترک سهیم شوند. البته رابطه و پیوستگی

یا اگر سئوالی دارند وقت بیشتر به آنها بدهیم. اگر چه هر بار که با کسی ملاقات می کنیم اینگونه صحبت نمی کنیم، اما سعی داریم هوشیار باشیم و به بینیم آیا روح القدس کسی را برای بشارت سر راه ما قرار می دهد.

همچنین هزاران بروشور چاپ کرده ایم که دارای پیام انجیل هستند. آنها را در رستوران برای پیشخدمت ها باقی می گذاریم، یا روی نیمکت های پارک، در ایستگاه های استراحت مسافران در بزرگراه ها، ادارات پست، تابلوهای عمومی اعلانات خدمات، رختشور خانه ها و هر جا که می رویم می گذاریم. دیدیم خانمی از همین طریق به خداوند روی آورد. اینها بذرهایی هستند که حقیقتاً برای استفاده خداوند کاشته می شوند و دعا می کنیم که دقیقاً آن افرادی که باید، آنها را پیدا کنند!

همسرم این بروشورها را در نمایشگاه های اتومبیل، بازارهای میوه و سبزیجات محلی، اعیاد، و هر جای دیگر که عده ی زیادی تجمع می کنند، به تعداد زیاد پخش می کند. او از مردم می پرسد: "بروشور می خواهید؟" تقریباً همه ی کسانی که از آنها می پرسد، قبول می کنند. همچنین، این یک شروع عالی برای گفتگو است یا پس از صحبت با آنها، وسیله ای است تا راجع به آن فکر کنند.

اگر کلیسای شما به غیر مسیحیان بشارت نمی دهد، خودتان می توانید این کار را شروع کنید. بیندیشید خدا از شما چه می خواهد انجام دهید. خلاق و نو آور باشید! هدف این است که به فکر جهانیان باشیم. تنها داشتن یک باشگاه کوچک در کلیسا آن چیزی نیست که هدف مسیح از بنای کلیسا بوده باشد. در واقع، اگر پیروان مسیح در کلیسای خود و در حلقه دوستان خود باقی می ماندند احتمالاً امروز کلیسایی نداشتیم.

سفر خود انجیل را بشارت دادند، در پاسخ شنیدیم: "خیر، ما فقط به حفر چاهها کمک کردیم"، یا "خیر، در ساختن خانه همکاری کردیم."

البته، کمک به افرادی که نیازهای عملی دارند عالی است! در واقع، بر این پایه ی یاری دیگران است که می توانیم فرصت ایجاد کنیم و بشارت دهیم. اما اگر فعالیت کلیسا در اجتماع، انجام اعمال بشر دوستانه باشد اما بشارت ندهد، غفلت در انجام وظیفه است! تنها گروه مردم که در مورد مسیح بشارت می دهند مسیحیان هستند و این می بایست بالاترین اولویت ما باشد (متی ۲۸ آیات ۱۸ تا ۲۰)!

بشارت به مردم می تواند اشکال مختلفی داشته باشد. بعضی از روشهایی که من و همسر در بشارت استفاده می کنیم، خرید یک وعده غذا برای شخصی محتاج است. اسم شان را می پرسیم، از حالشان جويا می شویم، بعد می پرسیم آیا می خواهند برایشان دعا میکنیم. درباره خداوند با آنها صحبت می کنیم و می پرسیم عقیده آنها درباره مسیح چیست. بسیاری اوقات یکی از کتابهای خودم یا یک جلد کتاب مقدس را به آنها می دهیم تا چیزی برای خواندن داشته باشند و گفتگویمان به یادشان بماند.

راه دیگر بشارت این است که تابلویی با عنوان "اجازه می دهید برای شما دعا کنیم؟" تهیه کرده ایم. روی تابلو نیز نوشته است که کتابها و کتاب مقدس مسیحی را می توانند به رایگان دریافت کنند. ما به مناطق آسیب دیده، به کنار دریاها و معابر در مناطق توریستی رفته ایم و نتایج فوق العاده بوده اند! مردم به مسیح ایمان آورده اند و توانسته ایم با بسیاری افراد دعا کنیم!

وقتی به رستوران می رویم، با پیشخدمت گپ دوستانه ای میزنیم و هدفمندانه به دنبال فرصتی هستیم تا با چنین افراد در مورد خداوند صحبت کنیم و به کلیسا دعوتشان کنیم

در اینجا به طرز سرود خواندن تان برای خدا دقت کنید. اگر صرفاً دارید کلمات را می سرایید یا بدون هیچ احساسی آهنگ را با نوک پا ضرب گرفته اید، در این صورت هیچ نمی دانید چه فرصتی را برای ارتباط نزدیک و شادی آور با خدا دارید از دست می دهید.

یکی از بهترین تجربه هایی که در جلسه ی پرستشی داشته ایم زمانی بود که ما در زندان برای بیش از ۲۰۰ مرد زندانی صحبت می کردیم. من و همسر در ردیف جلو بودیم و وقتی به پشت سر خود نگاه انداختیم بسیاری از آنها را دیدیم که اشک می ریختند و دستهای خود را در پرستش بالا برده بودند. می توانستید به بینید که فهمیده بودند خدا برای شان چه کرده است و عمیقاً تحت تاثیر قرار گرفته بودند. پرستش و ستایش حقیقی این است!

شاید بخواهید با مسئول پرستش یا شبان خود صحبت کنید که اگر ممکن است سرودهایی را در نظر بگیرند که بیشتر حالت پرستشی دارند. یا می توانید در حالی که یکشنبه ها همچنان به کلیسای خود میروید، در طول هفته به کلیسای دیگری نیز بروید که آنگونه پرستش می کنند. ممکن است به بینید که حقیقتاً از چنین پرستش و اوج گرفتن روح و قلب تان لذت می برید!

پایه سوم

پایه سوم کلیسایی که تعلیم صحیح دارد، بشارت انجیل است. ما با مسیحیان بسیاری صحبت کرده ایم که کارهای "خوبی" برای مردم انجام داده اند و بعضی حتی در سفرهای کوتاه برای خدمت در خارج از کشور شرکت کرده اند. اما وقتی از آنها پرسیدیم که آیا در

ممکن است شما در برابر پرستش واقعی احساس ناراحتی کنید. پرستش صرفاً این نیست که سرایندگان سرود بخوانند یا عده‌ای موسیقی بنوازند یا از سیستم تقویت صدا استفاده شود یا شخص کلماتی را از روی یک نوشته بخواند. شاید نمی‌خواهید احساساتی که همراه با این شیوه ستایش خدا است به شما دست دهد. اما خدا بسیار بیشتر از این را از ما می‌خواهد! او می‌خواهد تمام وجود ما به او متصل باشد. و موسیقی یکی از قدرتمندترین راههایی است که خدا برای ما آفریده تا او را پرستیم.

زمان‌هایی که خداوند قلب مرا مجذوب حضور خود می‌کند، روح القدس اغلب بوسیله موسیقی مرا عمیقاً تحت تأثیر قرار داده است و این گاهی دگرگون‌کننده است! حضور او بسیار ژرفناک است و زمانی که در پرستش خدای زنده هستم تقریباً بی‌اختیار می‌شوم! اما این [همانند بعضی کلیساها] به معنی غلت زدن روی زمین یا فریاد کشیدن نیست.

منظورم این است که احساساتم غرق در محبت، هیبت، تکریم و شکرگزاری عمیق نسبت به خداوند می‌شود. این تجربه می‌تواند کمی ترس‌آور باشد اما بسیار طراوت بخش است و برای زندگی مسیحی ام حیاتی است. پرستش همراه با موسیقی، چنان جان و روح و قلب مرا پُر می‌سازد که هیچ روش دیگری همتای آن نیست.

آیا حس می‌کنید پرستش با موسیقی در کلیسایتان شما را به خدا نزدیک‌تر می‌کند؟ آیا در ضمن پرستش، فرصت کافی برای تأمل بر زیبایی و جلال مسیح هست یا مسئولین سعی دارند سرودها هر چه زودتر پایان بگیرند تا آنها به "قسمت بعدی کار خود" در جلسه بپردازند؟

فکر کنم ایده خوبی است با شبان خود دیداری داشته باشید (چه مدت‌ها است در کلیسا هستید چه مدت کمی) و از او چند سوال مهم بپرسید. برخی از این سوالات می‌توانند شامل اینها باشند:

باور شما درباره گناه چیست؟

باور شما در باره جهنم چیست؟

آیا باور دارید که کتاب مقدس حقیقت مطلق است؟

آیا باور دارید که من مسئولیت‌هایی نسبت به خدا دارم؟

شاید بخواهید پیش از ملاقات با رهبری کلیسای تان، اطلاعات بیشتری در مورد باورهای خودتان در زمینه مسائل فوق کسب کنید. دانستن باورها تان به شما کمک می‌کند بتوانید بسنجید آیا آن کلیسا جای درستی برای شما هست یا خیر. همچنین حاضر باشید به دیدگاه‌های متفاوت گوش فرا دهید - ممکن است اشتباهاتی در عقاید الهیاتی خود داشته باشید و عقاید شبان صحیح باشد.

پایه دوم

دومین پایه کلیسا با تعلیم صحیح، پرستشی است که آکنده از ستایش حقیقی باشد. موسیقی یکی از بهترین راههایی است که قلب و ذهن و روح ما با خداوند ارتباط می‌یابد. در واقع بنیان «پرستش به همراه موسیقی» را خدا در زمانهای خیلی پیش در عهد عتیق نهاد. گاهی پرستش آنها بسیار پر سر و صدا بود (مزمور ۸۱ آیه ۲؛ مزمور ۱۵۰ آیه ۴)!

در کلیسای دیگری، شبان، نیمی از پیغام را صرف این کرد که اعضاء چه مقدار پول باید بپردازند (و به گفته ی چند نفر از اعضای کلیسا، هر هفته اینطور بود). رهبری کلیسا ، زمان اهدای هدایا در جلوی کلیسا رفتند و نشستند تا ببینند چه مقدار پول در **سطل** های بسیار بزرگشان گذاشته می شود!!

من و همسرم به کلیسای دیگری رفتیم که شبان با فریاد به اعضای کلیسا در مورد گناهانشان موعظه می کرد و می گفت که چقدر آنها "بد" بودند. ما پیش از اتمام جلسه آنجا را ترک کردیم.

همچنین کلیساهای دیگری بودند که مردم اطراف سالن قدم می زدند و آنقدر با صدای بلند به زبانها صحبت می کردند که نتوانستم حواسم را جمع کنم و برای کلیسا قبل از شروع جلسه دعا کنم و یا در ضمن جلسه حواسم را به موعظه ی شبان جمع کنم.

بنا بر تجربه ی من، در هیچیک از این گونه کلیساهای روح القدس حس نمی شد. اگر علاقمندید بیشتر در مورد روح القدس بیاموزید، فصلی در یکی از کتاب های من با عنوان «شروعی تازه» درین مورد می باشد.

باز هم می گویم، ما نباید بیش از حد انتقادگر یا قضاوت کننده باشیم. اما می بینم که بسیاری از مردم فقط «به کلیسا می روند» بدون آنکه واقعاً بدانند شبان شان کیست و یا چه اعتقاداتی دارد. آنها هیچ اطلاعی راجع به اعتقادات کلیسایشان در مورد مأموریت و هدف های آن، یا عقیده شان در مورد هدیه دادن، یا آنچه کلیسایشان برای جامعه یا بشارت جهانی انجام می دهد ندارند.

رشد کنید و بخواهید مثل مسیح زندگی کنید. و اگر چنین کلاسی وجود ندارد شاید خدا می خواهد شما را به کار ببرد تا همچون کلاسی را شروع کنید! ☺

چهار پایه کدام اند؟

اگر به یک چهار پایه نگاه کنید متوجه می شوید که همه ی "پایه" ها باید طول یکسان داشته باشند. لازم است هر پایه چنان محکم باشد که بتواند وزن شخصی را که بر روی آن می نشیند تحمل کند. اگر یکی از پایه ها ضعیف یا ناقص باشد، آن چهار پایه در کل به درد نخواهد خورد و حتی ممکن است ایجاد خطر کند.

اولین پایه یک کلیسا با تعلیم صحیح، موعظه بر پایه ی کتاب مقدس است. تشخیص اینکه آیا کلیسای ما از لحاظ روحانی سالم است، کار دشواری می باشد. ما نمی خواهیم بیش از حد انتقاد کنیم، و در عین حال نمی خواهیم خطرات احتمالی را برای ایمان مان نادیده بگیریم.

تکرار می کنم، موعظه های شبان می بایست بیان کننده خصائل پر محبت خدا و نیز عدالت و داوری الهی باشد. اگر این دو جنبه ی شخصیت خدا به طرزی متعادل بیان نشوند، ما دیدگاه اشتباهی نسبت به آنچه خدا به ما ارائه می کند پیدا می کنیم - و همچنین آنچه از ما انتظار دارد. نیاز داریم بشنویم که فیض او عظیم و پر وسعت است، اما باید این را نیز بیاموزیم که اگر گناه کنیم عواقبی در انتظار ما خواهند بود، و اگر سعی ما برای زندگی درست، با بی علافگی و بدون خلوص باشد خدا آن را نمی پذیرد.

از کلیساهایی دیدار کرده ام که تاکید می کردند خدا چقدر می خواهد مرا برکت دهد. اگر چه درست است که خدا بهترین را برای من می خواهد، اما اشاره ای نبود که من چه مسئولیت هایی در برابر خدا دارم.

احتمالاً درین جا مناسب است اشاره کنیم اگر در کلیسایی هستید که شما را به خواب فرو می برد و یا صرفاً یک کلوب و باشگاه اجتماعی است، شاید بخواهید درباره یافتن کلیسایی دعا کنید که در شما رشد ایجاد می کند و نیز تعلیم می دهد چگونه در مورد ایمانتان با دیگران صحبت کنید.

با این حال، من اصلاً به این اعتقاد **ندارم** که افراد برای مدت کوتاهی به کلیسایی بروند و بعد به کلیسای دیگر، و این روال را پی در پی ادامه بدهند - به این معنی که برای یافتن "کلیسای کامل" شما از کلیسایی به کلیسای دیگری بروید یا چون در یک کلیسا شخصی احساسات شما را جریحه دار کرده یا از رنگ فرش آنجا خویشتان نیامده است با آن کلیسا قطع رابطه کنید! جزو کلیسا بودن، همانند روابط عادی، اغلب به معنی گذر از مراحل سخت و نیز دوران خوب است. هوشیار باشید که نسبت به رهبری خداوند حساس باشید.

اگر عضو کلیسایی هستید که به نظر نمی رسد از لحاظ روحانی دارای تعلیم آنقدرها صحیح باشد، اما احساس می کنید خدا می خواهد آنجا بمانید، شروع کنید برای اعضا و رهبری کلیسا دعا کنید. حتی می توانید دیگران را دعوت کنید تا با هم جلسات کوچک دعا داشته باشید. این کار برکات بزرگی برای شما و نیز برای کلیسای شما خواهد داشت!

یکی دیگر از جنبه های مهم زنده نگاه داشتن ایمان مان، شرکت در یک گروه کوچک درس کتاب مقدس است. همانطور که اشاره کردم، کلاس ها برای نوایمانان و کلاس های شاگردسازی باید در کلیسای شما دایر باشند. رهبران این گروه ها باید با کلام خدا به خوبی آشنا بوده و علاقه فراوان به تدریس داشته باشند. رهبر کلاس باید مشوق باشد تا

با وجود آنکه تقریباً در هر کلیسایی خاصی خوبی دیده ایم، وقتی سؤال کردیم که آیا کلاس هایی برای شاگرد سازی و برای نو ایمانان و یا فعالیت هایی در جامعه شان دارند، بسیاری از کلیساها به شدت کمبود داشتند.

درست است که از آن کلیساها دوباره دیدار نکرده ایم تا روال معمول اداره ی کلیسای شان را مشاهده کنیم، و اگر چه قطعاً تخصصی در فن سنجیدن و انتقاد این مسئله نداریم، به قدری این وضعیت را رایج دیده ایم که شروع کردیم از خود بپرسیم: «از نظر ما چه نوع کلیسایی می تواند تاثیر گذار ترین کلیسا باشد؟ و اگر ما می خواستیم کلیسایی برای عضویت پیدا کنیم برخی محک های عملی که می توانیم به کار به بندیم کدامند؟»

کدام کلیسا بروم؟

اولین و مهمترین مسئولیت ما مسیحیان، رابطه شخصی خود ما با مسیح است. سلامت روحانی یک کلیسا به همان اندازه ی سلامت روحانی یکایک اعضای آن است. در فصل های پیش دیدیم که چگونه می توانیم رابطه ای عمیق، مستحکم، محبت آمیز و درست را با خداوند در خود پرورش دهیم. همه چیز دیگر در زندگی ما از این شالوده سرچشمه می گیرد.

در قدم اول باید کلیسایی را پیدا کنیم که تعلیم صحیح می دهد و بنا کننده و پر قدرت است. اما این کار ساده ای نیست. صرفاً این نیست که جایی پیدا کنیم که احساس راحتی می کنیم، اگر چه این یک جنبه ی مهم است. برای شروع بهتر است دعا کنیم که **خدا** چه کلیسایی برای ما در نظر دارد تا در آنجا عضو شویم.

دیگر لزومی نیست نگران زندگی خود باشید. همه چیزهایی که می خواهید او به شما می دهد - تنها لازم است با شدت کافی دعا کنید و ایمان داشته باشید! او می خواهد شما شاد و بی خیال و ثروتمند باشید!"

بعضی شبانان حتی اشاره ای به کلمات «گناه» یا «مردن نسبت به نفس» و یا «جهنم» در موعظه هایشان نمی کنند. وخامت موضوع در این است که خودشان به این مفاهیم کتاب مقدسی حتی ایمان ندارند! فکر می کنند موعظه درباره این مباحث باعث می شود اهالی کلیسا «از خودشان خجالت بکشند و احساس گناه کنند» و از خدا رویگردان شوند. یا بیم دارند اگر مردم با گناهان خود مواجه شوند، دیگر مایل به آمدن به کلیسایشان نباشند. و مواردی هستند که اعضای کلیسا که با سخاوت «ده یک» می دهند، کنترل بیشتری بر کلیسا دارند تا مسئولین رهبری کلیسا.

به نظر می رسد دیگر خبری از آموزش انضباط های ایمان مسیحی که ما می آموختیم نیست - مانند خواندن منظم کلام خدا، ده یک دادن، روزه گرفتن، دعای بی وقفه، و فراتر رفتن از چهار دیوار خودمان جهت بشارت به بی ایمانان. برنامه ها و ساختمان کلیسا، از مردم مهم تر شده اند. اهمیت پول و نفوذ و مقام و سرگرمی، بیشتر از فروتنی و فداکاری شده است.

البته اگر چه همه کلیسا ها اینطور نیستند، من و همسر من متوجه شده ایم این وضعیت روز افزون شده است. در خدمات مسیحی و سفرهایمان، از کلیساهای بسیاری دیدار کرده ایم و شمار آنها از دستمان خارج شده است.

با اینحال، و همانطور که احتمالاً از سراسر این کتاب جمع بندی کرده اید، احساس می کنم در کلیساهای آمریکایی کمبود جدی در شاگرد سازی حقیقی وجود دارد. درباره کشورهای دیگر نمی توانم نظر بدهم زیرا در جلسات کلیسایی خارج از آمریکا نبوده ام. اما گزارشات بسیار و شرح اوضاع مردم در کشورهای دیگر را خوانده ام که چگونه زندگی خود را به خطر می اندازند تا تنها یک صفحه از کتاب مقدس را بدست بیاورند، یا کیلومتر ها راه می روند تا با ایمان دارانِ دیگر باشند.

به نظر من مقداری از مشکل آمریکا این است که کشوری ثروتمند است و مردم بخاطر فراوانی همه چیز، لوس شده اند. البته این پدیده ی نوینی نیست. در سراسر عهد عتیق می بینیم هر زمان قوم اسرائیل بجایی می رسیدند که «هر چه دلشان می خواست» را داشتند، **به خود متکی می شدند** و از خدا بر می گشتند.

موضوع دیگری که در آمریکا مانع می شود مردم به سوی مسیح بیایند این است که به قدری به انجیل موعظه شده است و شمار زیادی از مردم این پیام را مرتباً رد کرده اند که نسبت به محبت مسیح و هدیه نجات او دل هاشان سخت شده است. حتی مسیحیان در وفاداری نسبت به خداوند خود گاهی به مشکل بر می خورند؛ به راستی کتاب مقدس درباره «عصیان و سقوط عظیم» کلیسا در زمانهای آخر سخن می گوید (دوم تیموتائوس ۳ آیات ۱ تا ۵).

و در آخر، مشکل مهم در این نهفته است که بسیاری از واعظین علاقه ای ندارند انجیل را به طور کامل موعظه کنند. موضوع «فیض خدا» به قدری تأکید شده که معنای اصلی خود را دست داده است و مردم در باره آن مثل یک دستگاه اتوماتیک فروش تنقلات و نوشابه فکر می کنند. دیدگاه مردم به این تبدیل شده که: " اگر به مسیح ایمان بیاورید

فصل ۱۲

کلیسا دارای چهار پایه

کلیسا دارای چهار پایه دیگر چیست؟

البته آن کلیسایی است که چهار پایه دارد! 😊

چنین کلیسایی استوار و پر رونق و دارای تعادل متناسب است

اگر چه این موضوع ممکن است مستقیماً به شاگردسازی مربوط نباشد، اما اگر اهمیت شرکت در کلیسایی را که تعلیم صحیح می دهد ناگفته بگذاریم، کتاب ما ناتمام باقی می ماند.

هزاران کلیسا در دنیا وجود دارند، و به باور من خدا در حکمت نو آفرین خویش اکثر آنها را در "کلیسای واحد" خود جمع آوری می کند (می گویم "اکثر آنها را"، زیرا شماری از کلیساها اصلاً از خط مشی های مسیح یا کلام او پیروی نمی کنند).

زیبایی کلیسا در این است که از هر نقطه جهان و ملیت و فرهنگی باشید، اگر به عیسی مسیح ایمان دارید، او را محبت می کنید و زندگی خود را در خدمت او می گذرانید، عضوی از کلیسای جهانی او هستید (افسسیان ۳ آیه ۶).

۴- با استفاده از آیات کتاب مقدس که در پاسخ به سوال ۳ فهرست کردید، آیا حاضرید هر روز قدری وقت بگذارید و دوباره آنها را بخوانید؟ (این یاری خواهد کرد تا افکار شما تبدیل شوند، و آنگاه باورها و طرز فکر شما در باره شرایط و وضعیت تان عوض خواهند شد. رومیان فصل ۱۲ آیه ۲)

۲- آیا باور دارید که خدا می خواهد پیروز باشید؟ آیا به قدرت او برای هدایت شما به یک زندگی پیروزمندانه شک دارید؟ اگر بله، چرا؟

۳- کدام یک از آیات "پیروزی" که در این فصل فهرست شده اند به راستی قلب / ذهن / روح شما را لمس کردند؟

فصل ۱۱

زندگی پیروزمندانه

تفکر و تعمق در آنچه خواندیم



۱- آیا فکر می کنید زندگی کنونی شما با مسیح یک زندگی پیروزمندانه است؟
به چه دلیل اینطور است یا چنین نیست؟

اگر غالب آییم شادی توصیف ناپذیری را که در انتظار ما است تجربه خواهیم کرد!

خداوندا! در این لحظه دعا می کنم قدرت بیابم تا از کنج راحتی خویش قدم به بیرون گذاشته، به عرصه آن زندگی وارد شوم که تو برای من پیش از بنیاد جهان به جریان انداخته ای. می دانم کارهایی هست که باید در این زمان انجام دهم اما از انجام آنها قصور کرده ام.

همچنین در افکار و نگرشها و کردارم جنبه هایی منفی و آسیب زننده وجود دارند که قادر نیستم به وضوح آنها را ببینم، و از تو می خواهم در روزها و هفته ها و ماههای آینده آنها را برایم آشکار سازی.

مشتاقانه دعا می کنم به من این خواسته را ببخشی که بر طرز فکر نفسانی خویش غالب آییم. از تو امروز استدعا می کنم قدرت عظیمی از روح القدس گرانقدرت دریافت کنم تا نگرشها و تفکرات قدیمی خود را جایگزین سازم. می خواهم زندگی به زندگی ای تبدیل شود که مشابه اهداف فداکارانه عیسی مسیح باشد و ثمره روح تو را به وضوح و با شور و غیرت نمایان سازد. آمین!

اگر در حضور او آرامی گرفته ایم و زندگی ما جلال او را طنین انداز می کند،

وعده زندگی پیروزمندانه به ما تعلق می گیرد!

دیگر مزایای شگفت انگیز غالب و چیره شدن

تا اینجا آیات بسیاری را دیدیم که چه امتیازات برجسته ای در مسیح داریم. ما هم اکنون و تا ابد دارای گنج های فراوان هستیم، زیرا خدای زنده را می شناسیم. اما می خواهیم آخرین نکات پر بها را که مسیح خود به ما فرموده که به عنوان فاتحان در پادشاهی او به دست خواهیم آورد فهرست کنم:

(* مکاشفه ۲ آیه ۷

(* مکاشفه ۲ آیه ۱۱

(* مکاشفه ۲ آیه ۱۷

(* مکاشفه ۲ آیه ۱۹

(* مکاشفه ۲ آیه ۲۶

(* مکاشفه ۳ آیه ۵

(* مکاشفه ۳ آیه ۱۲

(* مکاشفه ۳ آیه ۲۱

(* مکاشفه ۱۵ آیه ۲

(* مکاشفه ۲۱ آیه ۷

به انتخاب خود آنچه را خدا از طریق روح و کلام خویش به من فرموده است باور می‌کنم. اگر فکری بر خلاف حقایقی باشد که خدا درباره من و وضعیت من و آینده ام فرموده است، آن افکار را قاطعانه و با قدرت به دور می‌افکنم. تمامی افکار یأس و ناامیدی و سرزنش خود و غرق در خود بودن را، به محض ورود به ذهنم متوقف می‌سازم و با حقیقت کلام خدا جایگزین می‌کنم.

ارزشهایی را که اعلام کرده ام به آنها ایمان دارم به کار خواهم بست زیرا عیسی مسیح در رتبه نخست زندگی ام قرار دارد. می‌دانم که این مستلزم قربانی کردن وقت، انرژی و منابع من است، اما می‌دانم که نتیجه آن درختی ابدی با میوه‌های شیرین خواهد بود. از مقداری از خواب صبحگاهی یا برنامه عادی خود صرف‌نظر می‌کنم تا با خدا در دعا و مطالعه کتاب مقدس خلوت کنم.

برای انجام چنین تغییری در زندگی، همین امروز قول می‌دهم از خداوند بخواهم به من **علاقه** ببخشد که هر روز با او وقت صرف کنم و دیداری صمیمانه و نزدیک با او داشته باشم. اگر کارهای اضافی دیگری هست که کنوناً انجام می‌دهم اما ضروری نیستند یا مرتبط با زندگی من با مسیح نمی‌باشند، به انتخاب خود دیگر آنها را انجام نمی‌دهم. تصمیم می‌گیرم بخشی از استفاده ام از اینترنت و تلویزیون و/یا رسانه‌های مجازی را متوقف کنم تا با خدا وقت بگذرانم. مشخص می‌کنم **چه چیزهایی** مرا از صرف اوقات پر کیفیت با خدا باز می‌دارند و از روح مقدس او می‌خواهم مرا یاری دهد تا تغییر کنم.

می توانیم قوی باشیم و از شرایط جنبش نخوریم.

ما در این زندگی، هدف واقعی و افتخار کار کردن برای خداوند را داریم.

هیچ کدام از کارهایی که برای او انجام می دهیم بیهوده نیست.

ما پاداش ابدی را درو خواهیم نمود.

بنابراین، آیا از این آیات عالی می بینید لزومی نیست افسرده یا هراسان باشیم؟؟ ☺

شما را تشویق می کنم تا بخش های مشابه را در کتاب مقدس برای خود بخوانید.

فکر می کنید خدا چه چیزی می خواهد به شما بگوید؟

کلام خدا را باور کنید که می توانید پیروز و غالب شوید

در اینجا راهی پیشنهاد می کنم تا بتوانید ذهن خود را متوجه حقیقت خدا درباره زندگی تان در مسیح نمایید. می توانید کتاب مقدس را هر روز بخوانید تا ذهن تان را برای باور داشتن کلام خدا تربیت کنید:

انتخاب می کنم طرز زندگی ام مطابق مقام و جایگاهی باشد که عیسی مسیح مرا در آن قرار داده است. من در خودم هیچ هستم - و این درست است. اما بر طبق نجاتی که خداوندم بخشیده است و آن «مرجع شاهانه»، به مقامی بسیار والا و پر افتخار در خانواده ی خدا نائل شده ام. و سرم را بر می افرازم تا با قدردانی و متانت، نمایانگر خاندان سلطنتی ام باشم.

ما ابدیت را یا در حضور مقدس او به سر خواهیم برد و خدا را محبت خواهیم نمود - یا در جهنم و دور از او و هر نیکویی خواهیم بود. این انتخاب با ما است.

رومیان ۸ آیه ۳۷ :

"خیر، با وجود همه این ها، پیروزی عظیم از آن ما است، به واسطهٔ مسیح که ما را محبت کرد."

ما صرفاً چیره نمی شویم، بلکه فراتر از فاتحان و پیروزمندان هستیم.

اول قرنطیان ۱۵ آیات ۵۴ تا ۵۸ :

"آنگاه، زمانی که جسم فناپذیر ما تبدیل به جسمی بی فنا گردد، آنگاه آن کلام مکتوب به حقیقت خواهد پیوست که می گوید: مرگ در پیروزی فرو بلعیده شده است. ای گور، پیروزی تو کجاست؟ و ای مرگ، نیش تو کجا؟ زیرا گناه آن نیش است که به مرگ می انجامد، و شریعت، قدرت گناه را به آن می بخشد.

اما شکر خدا را که به واسطهٔ خداوند ما عیسی مسیح ما را بر گناه و مرگ پیروز می سازد. پس برادران و خواهران عزیز، قوی و استوار بوده، همواره با تمام وجود به کار خداوند مشغول باشید، زیرا می دانید هر آنچه برای خداوند انجام دهید هرگز بیهوده نیست."

بدنهای ما تبدیل یافته، ابدی و کامل خواهند شد.

وقتی نجات را دریافت می کنیم دیگر لازم نیست از مرگ بترسیم.

خدا پیروزی را بر نیروهای روحانی قدرتمند، به ما عطا کرده است.

ها بگویند او چه کارها انجام داده است. به آنها اعلام کنید که چقدر قدرتمند است. برای خداوند بسرایید، زیرا کارهای عظیم کرده است؛ ستایش او را در سراسر جهان اعلام کنید. تمامی مردمان اورشلیم با صدای بلند در حمد او بانگ شادی سر دهند! زیرا قدوس اسرائیل که در میان شما زندگی می کند عظیم است. ”

خداى ما خداى تسلى است. بگذاريد شما را تسلى دهد.

او نجات دهنده ی ما و کاملاً قابل اعتماد است. نترسید!

خدا قوت ماست. اگر او در کنار ما است پس ضعیف نیستیم .

خدا شادی ماست. روی خود را برافرازید و بخاطر آن تبسم بر چهره شما باشد!

با دیگران درباره مسیح صحبت کنید – اینکار روز شما را روشنایی می بخشد. ☺

خدا مقتدر و تواناست. او شگفت انگیز و قدرتمند است.

خدا توسط روح القدس در درون شما زندگی می کند. این فوق العاده و عالی است!

اشعیا ۵۲ آیه ۱۰:

”خداوند قدرت مقدس خود را در برابر چشمان همگی ملل آشکار ساخته است. تمام کرانه‌های زمین پیروزی خدای ما را خواهند دید.“

روزی همه مردم، خدا را آنگونه که هست خواهند دید. همه ما در برابر او تعظیم خواهیم کرد، چه از روی محبت چه از روی ترس (فیلیپیان ۲ آیات ۹ تا ۱۱). بر جلال او خواهیم نگریست.

(این همچنین برای کسانی که مسیح را به عنوان منجی خود پذیرفته اند و قوم او شده اند صدق می کند)؛ همه کرانه‌های زمین پیروزی خداوند ما را دیده اند.“

برای خداوند سرود بخوانید. این یک روش عالی برای این است که فکر خود را به سویی دیگر معطوف بداریم!

به کارهای شکوهمندی که خدا انجام داده است فکر کنید - خانواده، دوستان، طبیعت، محبت ...

او از قبل پیروزی را برای ما به دست آورده است، زیرا او صاحب آن قدرتی است که ما نیاز داریم.

او کاملاً نیک است، بدین معنی که در هر آنچه می گوید و هر آنچه انجام می دهد حق است.

او وعده های خویش را برای محبت و وفاداری به قوم خویش فراموش نکرده است.

اشعیا ۱۲ :

”در آن روز با سرود خواهی گفت: خداوند! تو را سپاس می گویم، زیرا هرچند بر من غضبناک بودی، اما غضبت برگردانیده شده، مرا تسلی می دهی. به بینید، اینک خدا آمده است تا مرا نجات بخشد؛ بر او توکل کرده، نخواهم ترسید. زیرا خداوند یهوه قوت و سرود من است؛ او به من پیروزی بخشیده است. پس با شادمانی از چشمه های نجات به فراوانی آب خواهید نوشید!

در آن روز عالی با سرود خواهید گفت: خداوند را سپاس گوید، و نام او را بخوانید؛ به قوم

او را بپرستید زیرا او شایسته و سزاوار ستایش ما است.

او "مملو" از پیروزی است. پس با او می توانیم اطمینان داشته باشیم که در زندگی خود پیروز خواهیم شد.

مزمور ۶۲ آیات ۱ و ۲:

"در حضور خدا در سکوت انتظار می کشم، زیرا نجات من از جانب او می آید. او یگانه صخره و نجات من است و دژ بلند من. پس هرگز جنبش نخواهم خورد."

منتظر خداوند باش، در حضور او بنشین و بگذار در تو کار کند و برکت دهد.

پیروزی ما تنها از جانب خدا می آید.

او آن صخره حقیقی است که شرایط نمی توانند او را به لرزه در آورند.

او نجات ماست. ما از هلاکت ابدی نجات یافته ایم!

خدا قلعه و دژ ماست. می توانیم برای حفاظت و استواری خود "در او پناه بگیریم".

مزمور ۹۸ آیات ۱ تا ۳:

"برای خداوند سرودی تازه بسرایید، زیرا کارهای شگفت کرده است! دست راست او پیروزی قدرتمندانه به عمل آورده است؛ بازوی قدوسش قدرت نجات بخش او را نشان داده است! خداوند پیروزی خود را اعلام فرموده، و نیکی مطلق خویش را در نظر قومها آشکار ساخته است. او عهد خود را برای محبت و وفاداری نسبت به خاندان اسرائیل به یاد آورده است

وقتی انسانها به این سو و آن سو می دوند و سعی می کنند نقشه عالی و عظیم خدا را تباه کنند.

ما می توانیم این ضرب المثل قدیمی را مرام زندگی خود بسازیم:
خدایا، مرا آرامشی عطا فرما تا آنچه را نمی توانم تغییر دهم، بپذیرم
شهامتی عطا فرما تا آنچه را که از عهده من بر می آید، تغییر دهم
و حکمتی عطا فرما که تفاوت آن دو را بدانم.

خدای ما خدایی پیروز است و ما از آن او هستیم!

در اینجا آیاتی از کتاب مقدس هست که روحیه شما را شاد می سازد. همانطور که بارها در این کتاب گفته ام، لازم است حقایق الهی را باور داریم. باید حاضر باشیم دروغهایی را که شاید از بچگی با آنها بزرگ شده ایم از خود به دور بیفکنیم - و نیز آنهایی را که احتمالاً هنوز بر دوش خود حمل می کنیم. وقتی اذهان ما با کلام خدا تبدیل شوند، قادر خواهیم بود در پیروزی زندگی کنیم. در اینجا نکات پر ارزشی از چند آیه کتاب مقدس را در پایین آیات نوشته ام:

مزمور ۴۸ آیات ۹ و ۱۰:

"**خدایا، هنگامی که در عبادتگاه تو پرستش می نماییم، در محبت پایدار تو تأمل می کنیم.**
ستایش تو، خدایا، همچون آوازه نامت تا به کرانه های زمین می رسد؛ و دست راست قوی تو
آکنده از پیروزی است "

در مورد محبت تغییر ناپذیر او نسبت به ما، عمیقاً فکر کنید.

می بینید که جایگزین کردن الگوهای قبلی فکری با آنچه کلام خدا می گوید به ما **قدرت** غلبه می بخشد. خدای ما خدایی آینده نگر، مثبت اندیش و معجزه کننده است. ما راهی حضور مقدس او هستیم، بنابراین حداقل می توانیم حواس خود را به آنجا متمرکز کنیم و به یاد بسپاریم که زندگی ما نفسی بیش نیست - و پیش از آنکه دریابیم، زندگی مان به پایان می رسد (یعقوب ۴ آیه ۱۴).

در عین حال باید بدانیم که بهترین ها را هنوز در پیش داریم! دردی که می کشیم، سختی هایی که داریم، و مشکلی که در آن گرفتار هستیم، تغییر خواهند کرد (رومیان ۸ آیه ۱۸ و آیه ۲۳؛ اول قرنیتان ۱۵ آیه ۴۳؛ دوم قرنیتان ۴ آیه ۱۷). این وعده ی خود خداست.

اگر کنترلی بر یک وضع نامطلوب ندارید، آن را به **دست خدا بسپارید**. نگرانی در باره ی موقعیت امروز یا آینده مان، فرقی در آنها ایجاد نمی کند. نتیجه ی نگرانی، صرفاً این است که وقتی آینده از راه می رسد - یعنی وقتی فردا مبدل به "امروز" می شود - چنین نگرانی، توانایی دست به کار شدن را از ما سلب می کند.

و اگر اختیار موقعیت در **دست شما است**، پیش از هر اقدامی دعا کنید. از خدا بپرسید آیا این موقعیتی است که شما **باید** کاری در موردش انجام دهید. از او قدرت و حکمت و هدایت بطلبید. سپس با قدرت روح القدس و برای جلال خدا، آنچه را که می توانید، انجام دهید! شرایط شما هر چه باشند، به راهنمایی خدا نیاز خواهید داشت.

برنامه نهایی خدا این است که همه چیز و همه کس را در آسمان و زمین تحت اقتدار خود قرار دهد (افسسیان ۱ آیات ۹ تا ۱۱). او اختیار کامل جهان را در دست دارد، حتی

به خاطر داشته باشید، قبل از اینکه به مسیح ایمان بیاوریم، همیشه این آزادی را داشتیم که گناه کنیم، اما اکنون آزاد هستیم که زندگی مقدس را برگزینیم (غلاطیان ۵ آیه ۱۶). همچنین اکنون آزاد هستیم تا آنطور که خدا فکر می کند، ما نیز فکر کنیم. این یک گزینه است (فیلیپیان ۴ آیات ۶ تا ۹). چنین طرز باوری به این معنی نیست که سر خود را مثل کبک در برف فرو کرده و وانمود کنیم هیچ مشکل یا درد و رنجی در دنیا وجود ندارد.

اما بدان معناست که در همه ی اوقات، افکار خود را متوجه خداوند می سازیم. او را در زندگی به عنوان اولین کسی که جهت مشورت به او روی می آورید، انتخاب کنید! وقتی یک فکر منفی به ذهن تان خطور می کند «آن را اســـــــیـــــــر کنیـــــــد»! اگر با کلام خدا همخوان نباشد، آن فکر را بیرون برانید!

برای مثال، اگر صدای منفی در درون تان به شما می گوید: "تو اصلاً مثل فلانی جذاب، خوش هیكل، ثروتمند، تحصیلکرده یا ... نیستی!"، آنگاه این افکار را با چنین حقایقی جایگزین کنید: "خدا مرا منحصر به فرد خلق کرده است؛ او به من عطایا، استعدادها، قیافه و توانایی هایی بخشیده که شبیه هیچ شخص دیگری در جهان نیست."

اگر آن صدای درونی به شما می گوید: "دیگر امیدی نیست، این مشکل، موقعیت، شخص و ... هرگز تغییر نخواهند کرد"، به جای آن فکر کنید: "خدای من خدای غیر ممکن ها است. به سوی او با این ایمان قدم بر می دارم که او قدم بعدی را به من نشان خواهد داد. او به من قدرت لازمه و بینش کافی را عطا خواهد کرد. همچنان که در خداوند شادی می کنم، بر عقل خود تکیه نخواهم کرد، بلکه در تمام راه های خود او را در نظر خواهم داشت" (امثال ۳ آیات ۵ و ۶).

افسسیان ۲ آیات ۴ تا ۱۰ می فرماید برای خداوند تا چه حد پر ارزش هستیم و اینکه بخاطر آن محبت به ما میراثی داده است. اگر مدام شکوه می کنیم یا نگرانیم و با نگرشهای منفی و روحیه افسرده، با ترس و خود محوری بی تابی می کنیم، پس با این کارها چه چیز را به بی ایمانان نشان می دهیم؟

دوم قرنیتان ۱۰ آیات ۳ تا ۵ به ما می گوید که "اسلحه هایی" که ما مسیحیان استفاده می کنیم ابزاری انسانی نیست. به عبارت دیگر، ما در یک جنگ روحانی هستیم. ما باید از جنگ افزارهای خدا برای مبارزه - و غلبه یافتن - استفاده کنیم، نه از جنگ افزارهای خودمان. شیطان به افرادی می خندد که سعی می کنند با توان انسانی خود "در جسم" مبارزه کنند! ما حریف ترفندهای فریبکارانه ی او نمی شویم. تنها خدا می تواند ما را برای این جنگ و مبارزه تجهیز کند.

کلام خدا می فرماید ما فرزندان خدای تثلیث - یعنی خدای پدر، پسر و روح القدس - هستیم. پس مقام ما به عنوان اعضای خانواده ی سلطنتی آشکار شده است. ما به خانواده خدا تعلق داریم، آفریدگاری که «قادر مطلق» (صاحب تمامی قدرتها)، «حاضر در همه جا در آن واحد» و «دانا به همه چیز» است. بنابراین مقام ما در پادشاهی خدا، واقعیت دارد.

و ما عروس مسیح هستیم که پادشاه بر حق ما است. پیروزی ما از قبل مقرر شده و جایگاه آسمانی ما محفوظ است. زمانی که به انتخاب خود این حقایق را باور می کنیم، قلبها و اذهان و نگرشهای ما تبدیل می یابند. این باور، قدرتی را که برای پیروزمندی نیاز داریم به ما می بخشد. خدا می خواهد بدانیم هر یک از ما شاهکار دست اویم. او ما را آفرید تا بتوانیم کارهای نیکویی را که از قبل برایمان برنامه ریزی کرده است انجام دهیم.

ما اکنون نیز پیروزمندان هستیم!

کولسیان ۱ آیات ۱۵ تا ۲۰ توصیف خداوند عیسی مسیح است. او خدا و پادشاه ماست! خداوند پیشاپیش ما رفته و در نبرد پیروز شده است. او قدرتمند و تواناست. رهبر ما امین و صادق است (افسسیان ۳ آیه ۲۰).

رومیان ۸ آیات ۱۵ تا ۳۹ به ما می گوید چقدر به فراوانی برکت یافته ایم! پدری داریم که ما را در همه شرایط و برای همیشه دوست دارد. شیطان بر زندگی ما چیره نخواهد شد (حتی اگر گاهی احساس شکست کنیم). اما در نهایت، در جلال خدا شریک خواهیم شد.

اگر براستی مسیح را دوست بداریم هیچ چیز نمی تواند ما را از او جدا سازد (یوحنا ۱۰ آیه ۲۹). هیچ کس نمی تواند ما مسیحیان را محکوم کند (رومیان ۸ آیه ۱)، زیرا عیسی روی صلیب، مجازات گناهان ما را بر خود گرفت. مرگ صرفاً آغاز باشکوهترین تجربه ای است که می توان تصور کرد (اول قرنیتیان ۲ آیه ۹). ما اطمینان داریم که به حضور خداوند برای ابد خواهیم رفت و با اشتیاق در انتظارش هستیم.

راه های مفید برای چیره شدن

آیا نوعی اطلاعات ذهنی دارید که وعده های خدا حقیقی اند، اما واقعاً باور ندارید که متعلق به شما هستند؟ آیا زندگی شما نشان نمی دهد به راستی عضو خانواده سلطنتی هستید؟ آیا مثل یک شخص بی بضاعت زندگی می کنید یا مانند یک فرزند محبوب و مشتاق که تمامی ثروت این جهان و آسمان را از پدرتان به ارث خواهید برد (افسسیان ۱ آیات ۳ و ۴ و آیات ۱۱ تا ۲۰)؟

فصل ۱۱

زندگی پیروزمندانانه



یک روز دیگر. یک قبض دیگر. یک دعوای دیگر با همسر. یک سری ورزش دیگر در باشگاه. یک روز دیگر سر کار. یک نگرانی دیگر. یک امتحان دیگر. یک مشکل دیگر سلامتی، و این فهرست ادامه دارد.

آیا تا بحال چنین فکری داشته اید که زندگی یک سری کشمکش است؟ آیا هرگز برایتان سخت بوده که صبح از جای خود برخیزید و با یک روز یکنواخت دیگر مواجه شوید؟ آیا هیچگاه احساس ناامیدی کرده اید و فکر کرده اید آیا وجودتان اصلاً فرقی به حال دیگران می کند؟ آیا شادی و آرامش ندارید؟

اگر مسیحی هستید، چنان زندگی را خدا برای شما نمی خواهد. او شما را نجات بخشیده تا بتوانید در یک پیروزی **مظفرانه** زندگی کنید.

۸- آیا مایلید وقتی را در روز کنار بگذارید (در صورت امکان زمانی که بیشترین انرژی را دارید) تا آن را با خدا صرف کنید؟

۵- آیا حاضرید هدایت او را بپذیرید یا مطمئن هستید نقشه ها و برنامه های خودتان درست هستند؟

۶- آیا به طور منظم دعا می کنید و کتاب مقدس را می خوانید؟ چرا یا چرا نه؟

۷- آیا باور دارید که این بخشی ضروری از رابطه شما با خداست؟

فصل ۱۰

تشخیص اراده خدا

تفکر و تعمق در آنچه خواندیم



۱- چهار موردی که درباره اراده خدا برای زندگی خود آموخته اید کدامند؟ اکنون می دانم خدا از من می خواهد که:

۲- چهار روش عمده که خدا اراده اش را به ما می شناساند کدامند؟

آنگاه می توانیم اراده او را تشخیص دهیم و صدای او را واضح تر بشنویم. این همیشه برای ما مزایا خواهد داشت.

بعلاوه، چقدر پر هیجان و شادی بخش است که خداوند روزانه ما را هدایت نماید تا اراده اش را کشف کنیم! آنچه خدا برایتان آماده ساخته است کاملاً غیر منتظره می باشد! تنها زمانی حقیقتاً به آرزوهایمان می رسیم و رضایت قلبی پیدا می کنیم که در مرکز اراده خدا زندگی کنیم. حتی مسیح فرمود "غذای" او انجام اراده پدر خویش بود، و برای ما پیروان او هم هیچ تفاوتی با آن نیست (یوحنا ۴ آیه ۳۴ و فصل ۶ آیه ۳۸). وقتی در پی او می رویم، این برای ما تغذیه می شود تا بتوانیم دیگران را از لحاظ روحانی "آب و غذا" بدهیم. محصول کار، روح انسانها برای زندگی ابدی می باشد.

چقدر عالیست!

شرایط

چند بار دیده ایم گروه های مردم پس از اتفاقات فلاکت بار در زندگی شان به کلیسا روی آورده اند و یا شروع به دعا کرده اند - فوت عزیز شان، بلایای طبیعی مصیبت بار، بیماری های خطرناک و کشنده ...

اغلب اوقات، مردم در این موقعیت های سخت خدا را مقصر قلمداد می کنند. باید بدانیم خدا همیشه آن مرجعی نیست که شرایط را برای ما ایجاد کرده است. زمان هایی دلیل آنها گزینه های بدِ خودمان است. گاهی شیطان است که خرابی به پا می کند و در دیگر اوقات، سختی ها صرفاً به خاطر این است که در دنیایی زندگی می کنیم که مبتلا به گناه است و سقوط نموده است.

علاوه بر این، زمانهایی هست که خدا ما را در شرایطی سخت قرار میدهد تا لاجرم توجه ما به او جلب شود. اما حالا هر مرجعی شرایط ما را ایجاد کرده است و یا دلیل ناملایمات هر چه باشند، خدا می تواند از چنین موقعیت هایی استفاده کند تا ما را به خودش نزدیکتر سازد و به جایی برساند که ببینیم چه چیزی حقیقتاً در زندگی مان اهمیت دارد (پیدایش ۵۰ آیه ۲۰).

در آخر، ما همیشه اراده آزاد داریم تا خداوند را انکار کنیم یا از او سرپیچی نماییم. اما عواقب بدِ چنین کارهایی، در نهایت ارزش ندارد (رومیان ۱ آیات ۲۴ تا ۳۲). وقتی طریق های خدا را رد می کنیم، رضایتی را که در زندگی آرزو می کنیم به دست نخواهیم آورد. انجام اراده او منفعی بی حد و ابدی برای ما به ارمغان خواهد آورد (رومیان ۲ آیه ۷). اگر دقت کنیم و از سختی هایمان درس بگیریم ... اگر بگذاریم خدا توسط آنها به ما قدرت بخشد و ما را بهتر سازد ... و اگر از این فرصتها برای نزدیک تر شدن به او استفاده کنیم،

و دعا می کنیم، فکرها و خواسته های الهی را خواهیم آموخت. او اغلب با ما از طریق روحش سخن می گوید (اول قرن تیان ۲ آیات ۱۰ تا ۱۶).

از آنجا که روح القدس را داریم که در درون ما ساکن است، پس در این مورد، جلو هستیم. اما او بر سر ما فریاد نمی زند! کتاب مقدس می فرماید صدای او "زمزمه ای ملایم و صدایی آهسته و آرام" است و ما می توانیم آن را خاموش کنیم. او با قلب ما سخن می گوید و اگر آنقدر مشغولیم که نمی توانیم گوش فرا بدهیم، سخنان او را نخواهیم شنید. باید حاضر باشیم به سر و صدای دنیا گوش ندهیم و از او بخواهیم با ما صحبت کند.

در دنیای پر آشوب ما، آموختن این درس مشکل است. روح القدس با محبت فراوان می خواهد به ما حکمت ارزانی دارد. کار او راهنمایی ما، پر ساختن ما از روح خدا، آموزش حقیقت و نیرومند ساختن ما است. در واقع خدا نیرو و اشتیاقی را که برای انجام اراده او نیاز داریم به ما خواهد بخشید (فیلیپیان ۲ آیه ۱۳). اما لازم است که ما یک رابطه صمیمانه و تنگاتنگ با روح او برقرار کنیم تا بتوانیم یک زندگی مسیحی پر تحرک و تأثیر گذار داشته باشیم!

برخی روشهای کاربردی برای کسب قدرت و هدایت از روح القدس خاموش کردن وسایل الکترونیکی است که مدام استفاده می کنیم. در صورت امکان، جایی را پیدا کنید که بتوانید در خلوت باشید و حتی اگر نمی توانید کاملاً تنها باشید، می توانید ذهن خود را تربیت کنید که تنها بر مسیح تمرکز کند. من خودم این کار را وقتی خلوت کردن غیر ممکن بوده انجام داده ام. خدا همان جا که هستید با شما ملاقات می کند.

آن دعا را می دهد، یا برای وقتی که آن موضوع حل می شود. دوباره به آن یادداشتها بر می گردم تا نحوه حل شدن دعا و تاریخ وقوعش را بنویسم. *سرنجام*، مشاهده ی تمام آن **دعاهای پاسخ داده شده**، واقعاً **شگفت انگیز** است. همچنین این شهادتی است که می توانم برای افرادی بازگو کنم که در زحمات و سختی هستند. این جواب ها تایید می کنند خدا دعای مرا می شنود و مسائلی را که در آنها از او کمک خواسته ام حل می کند. من پی برده ام که پاسخ خدا می تواند "بله"، "صبر کن"، "شاید"، "بعداً" یا "نخیر" باشد. بنابراین زمانی که او هنوز هدایت ننموده است هرگز نمی خواهم با تصمیم خود، پیش بیفتم و دست به کار شوم. اغلب اوقات "انتظار کشیدن برای خداوند" می تواند بهترین و در عین حال سخت ترین کار باشد! دوران های سختی ما همه برای بنا و شکل بخشیدن ما به شباهت خداست. انتظار کشیدن برای کار خدا، ایمان و اعتماد ما را بنا می کند. پناه بردن به مسیح از طریق یادداشت نویسی، یک راه عالی است که در آن کوشش می کنیم "اراده ی او را تشخیص بدهیم" و وقتی خدا عملاً جواب ما را بدهد آن را به چشم به بینیم! امیدوارم این به همان اندازه که به من کمک کرد برای دیگری نیز مفید باشد! (آن یادداشتها را در جایی امن و دور از چشمهای اشخاص کنجکاو نگاه دارید).

در اینجا به روش سوم که خدا با ما صحبت می کند می رسیم: توسط روح قدوس او.

روح القدس

آموختن اینکه چگونه می توانیم سخن روح القدس را بشنویم، نیاز به زمان و کوشش دارد. درست همانند یک دوستی تازه، ما خود بخود "نمی دانیم" که طرف مقابل به چه چیزی علاقه دارد یا به چه فکر می کند و یا چه باوری دارد. همچنانکه کتاب مقدس را می خوانیم

همان نوشتن روی کاغذ کمک بسیار می شود؛ اما آنگاه درست پایین صفحات پر دراز ترسها و نگرانی ها، دعایی می نویسم و هر چه در بالا یادداشت شده است را به خدا می سپارم.

نکته واقعاً جالب آن اینجاست. ببینید، نوشتن نه تنها توجه شما را روی موضوع متمرکز می سازد بلکه سرعت شما را نیز آهسته می کند. من دعای خود را با طلب بخشش برای گناهانم آغاز می کنم تا چیزی مانع نزدیک شدنم به خدا نشود. از او می خواهم سرعتم را کاسته و افکار آشفته را از ذهنم خارج سازد تا بتوانم متوجه روح او، اراده او، و پاسخش به سوالاتم باشم. زمانی که دعایم را خطاب به خدا می نویسم مواظب می مانم تا "آنچه را خدا می خواهد به من بگوید بشنوم". و پس از نوشتن سؤال یا مشکل ام برای او، مکثی می کنم ... و به آنچه به ذهنم خطور می کند گوش می دهم. وقتی چیزی از سمت او می شنوم، "آنچه که شنیدم را می نویسم" و با استفاده از علامت نقل قول آنها را مشخص می کنم. به این طریق، اگر دعایی از مدتها قبل را بخوانم خواهم دانست که حس کردم "آن" از سمت خداوند بوده است. البته، "آنچه شنیده ام" را امتحان می کنم که خلاف کتاب مقدس نباشد، زیرا خدا هرگز در تضاد با کلام خویش کلامی نخواهد گفت. من کاملاً آگاه هستم که دشمن ما شیطان منتظر است تا مرا فریب دهد و به دام بیندازد. اما بسیاری اوقات، آنچه می شنوم دقیقاً همان چیزی است که لازم بوده بدانم یا به آن عمل کنم!

پس از یادداشت برداری، و دعای پیامد آن، به آخرین صفحه تبلت می روم و تاریخ و موضوع/های خاص دعایی خود را که جویای پاسخ برایشان هستم می نویسم، یا گاهی اوقات "آنچه شنیدم" که به من می گوید انجام دهم را می نویسم. زیر هر خلاصه ی درخواست دعا، کمی فضای بیشتر برای نوشتن خالی می گذارم برای وقتی که خدا پاسخ

که اینها راههایی هستند که خود را نزدیک به خدا نگاه می‌دارم زیرا واقعاً و شدیداً به او نیازمندم، و می‌دانم که زندگی من بدون او آسیبی بزرگ خواهد دید!

دعا در واقع راهی برای آزادی از ترسها و نگرانی‌های ما و سپردن آنها به خداوند است. ممکن است در روز باید چندین مرتبه دعا کنیم! دعا همچنین به ما کمک می‌کند تا از فکر خودمان بیرون آمده و به کسانی فکر کنیم که به مشکلات بدتری گرفتار شده‌اند.

خدا قطعاً در وقت دعایتان با شما سخن خواهد گفت. می‌توانید افکارتان را به او بگویید و سپس قدری خاموش بمانید تا آنچه خدا می‌خواهد به شما بگوید را **بشنوید**. همچنین اگر مطابق اراده **خدا** دعا می‌کنیم، او می‌تواند به دعای ما راحت‌تر پاسخ دهد، زیرا ما در آن مورد با افکار و احساسات خدا هماهنگ شده ایم (اول یوحنا ۵ آیات ۱۴ و ۱۵).

کار دیگری که در وقت دعای خود می‌توانید انجام دهید نوشتن افکار و درخواستهای دعای تان (یادداشت برداری) در یک دفترچه یا در کامپیوتر است. من شخصاً یادداشت بر نمی‌دارم. اما همسر من «مایکل» روشی را که به او **کمک بسیار کرده** خواست با دیگران در میان بگذارد. این متنی است که او نوشت:

"یادداشت برداری به عبارت ساده‌تر، نوشتن نگرانی‌ها و مشکلاتی است که برای حل آنها به یاری و حکمت خدا نیاز دارید. به استفاده از تبلت (Tablet) برای اینکار واقعاً علاقه دارم و دلیل آن را هم خواهید دید. در ابتدا، در باره مشکل فکر می‌کنم و مشخص می‌کنم **دقیقاً** مشکل چیست. سپس آن را بر روی یک صفحه **تماماً می‌نویسم** - که نیازمند صرف زمان و اندیشه است. این لازم می‌کند "نگرانی خود را نام ببرید" و بتوانید آن را روشن کنید و نکات اش را به طور کامل بنویسید و آن را روی کاغذ **ابراز کنید!** برای من

دعا

احتمالاً همه ما می دانیم که دعا یکی دیگر از راههای ارتباط با خداست. بر خلاف انتظار، این هم یکی دیگر از وظایفی است که باید با انضباط انجام شود اما اغلب فراموش می گردد یا نادیده گرفته می شود! در واقع، مسیحیان وقت بیشتری به دعا می دهند تا به خواندن کتاب مقدس. اما همچنان، مطابق مطالعات «پیو» (Pew) در سال ۲۰۱۶، تنها نیمی از مسیحیان امریکایی هر روز دعا می کنند و باور دارند خدا به آنها گوش می کند و به دعاهایشان پاسخ می دهد.

<https://www.pewresearch.org/fact-tank/2016/05/04/5-facts-about-prayer>

البته بیش از نیمی از مسیحیان دعا می کنند اما کمتر به صورت مرتب، یا با ایمان به اینکه خدا دعای آنها را می شنود، انجام می گیرد.

کتاب مقدس به ما می گوید که در همه اوقات دعا کنیم (افسسیان ۶ آیه ۱۸؛ اول تسالونیکیان ۵ آیه ۱۷). ممکن است کمی غیر عملی به نظر برسد، اما ما واقعاً می توانیم پیوسته در طول روز در دعا باشیم. من همیشه برای افرادی که با آنها روبرو می شوم دعا می کنم. حتی وقتی از کنار اشخاص عبور کرده با آنها صحبتی نمی کنم، سعی می کنم به چهره شان نگاهی بیندازم و ببینم چه احساسی دارند. اگر کسی ناراحت یا عصبانی به نظر برسد، بلافاصله برای او در حضور خدا دعا می کنم.

من و همسرم سعی می کنیم هر روز صبح مان را با دعا و مطالعه کتاب مقدس آغاز کنیم. این ما را آماده می سازد و نور و هدایتی تازه به روز ما می بخشد. البته من تظاهر نمی کنم که بسیار روحانی هستم، پس منظور مرا اشتباه برداشت نکنید. فقط می گویم

حال ای برادران، تقاضا می‌کنیم برای آنانی که رهبران شما در کار خداوند هستند احترام قایل شوید. آنان در میان شما زحمت می‌کشند و هدایت روحانی برایتان فراهم می‌کنند. به سبب کاری که انجام می‌دهند آنها را در کمال احترام و محبت قلبی گرمی بدارید. و با یکدیگر در صلح و صفا زندگی کنید.

ای برادران، از شما استدعا می‌کنیم که افراد تنبل را توبیخ کنید؛ کم‌جرتان را تشویق کنید؛ ضعیفان را با ملایمت حمایت نمایید، و با همه بردبار باشید. مواظب باشید که هیچکس بدی را با بدی پاسخ نگوید، بلکه همواره در پی نیکی کردن به یکدیگر و به همه مردم باشید. همیشه شاد باشید. هرگز از دعا دست بردارید. در هر وضعی شکرگزار باشید، زیرا این است اراده خدا برای شما که متعلق به مسیح عیسی هستید.

آتش روح را خاموش مکنید؛ نبوتها را خوار شمارید. همه چیز را بیازمایید؛ به آنچه نیکوست، محکم بچسبید. از هر گونه بدی دوری کنید. خدای سلامتی، خود شما را به تمامی تقدیس کند و روح و جان و تن شما تا آمدن خداوندمان عیسی مسیح، بی‌عیب محفوظ بماند. او که شما را فرا می‌خواند، امین است و این را خواهد کرد. ای برادران و خواهران، برای ما دعا کنید."

(* عبرانیان ۱۰ آیه ۱۰: " به واسطه همین اراده، ما یک بار برای همیشه، از طریق قربانی بدن عیسی مسیح تقدیس شده‌ایم."

به او هستید، و این تضمین می نماید که شما در روز رستگاری نجات خواهید یافت."

(* کولسیان ۱ آیات ۹ تا ۱۲: " از همین رو، از روزی که نخستین بار در مورد شما شنیدیم، از دعا کردن برای شما باز نایستاده‌ایم، بلکه پیوسته از خدا می‌خواهیم که شناخت کامل از اراده ی خود به شما عطا کند و حکمت و فهم روحانی ببخشد. آنگاه همواره کردار شما با احترام به خداوند و مورد رضایت او خواهد بود و زندگی شما همه نوع ثمرات نیکو خواهد داشت.

در عین حال، وقتی می آموزید خدا را بیشتر و بهتر بشناسید رشد خواهید نمود. همچنین دعا می کنیم که با تمامی قدرت پر جلال او نیرومند شوید تا دارای هر بردباری و تحمل مورد نیازتان گردید. دعا می کنیم که شادی وجود شما را پر سازد و همیشه پدر را سپاس بگویید. او شما را توانمند ساخته است تا در ارثی که متعلق به قوم اوست - که در نور زندگی می کنند - سهیم باشید.

(* کولسیان ۴ آیه ۲: " با ذهنی هوشیار و دلی شکرگزار، خود را وقف دعا کنید."

(* اول تسالونیکیان ۴ آیات ۳ تا ۵: " اراده خدا این است که مقدّس باشید: خود را از هر گناه جنسی دور نگاه دارید. سپس هر یک از شما بدن خود را تحت تسلط نگاه خواهید داشت و زندگی شما مقدس و شرافتمندانه خواهد بود؛ نه در امیال شهوانی همانند بی ایمانان که از خدا و راه های او بی خبرند."

(* اول تسالونیکیان ۵ آیات ۱۰ تا ۲۵: " مسیح در راه ما مُرد، تا خواه زنده باشیم خواه مرده، وقتی او باز گردد بتوانیم با او برای همیشه زندگی کنیم. پس یکدیگر را تشویق و بنا کنید، چنانکه اکنون نیز می‌کنید.

(* میکاه ۶ آیه ۸: "خداوند به تو، ای انسان فانی، نشان داده است نیکویی چیست. و خداوند از تو الزاماً چه می خواهد؟ جز آنکه انصاف را به جای آری و رحم کردن را دوست بداری، و با فروتنی در حضور خدایت سلوک کنی؟".

(* اعمال رسولان ۲۲ آیه ۱۴: "او به من گفت: "خدای پدران ما تو را برگزیده تا اراده او را بدانی و آن پارسا را ببینی و سخنان او را بشنوی". (این آیه درباره مسیح، آن عادل، سخن می گوید).

(* رومیان ۱۲ آیات ۱ و ۲: "پس ای برادران، در پرتو رحمت‌های خدا، از شما استدعا می‌کنم که بدن‌های خود را همچون قربانی زنده و مقدّس و پسندیده خدا تقدیم کنید که عبادت معقول شما همین است".

این به راستی روش پرستش اوست.

از رفتارها و آداب و رسوم این دنیا تقلید نکنید، بلکه بگذارید خدا با تغییر طرز فکرتان شما را به شخصی تازه تبدیل کند. سپس اراده نیکو، پسندیده و کامل خدا را برای خود خواهید آموخت.

(* دوم قرن‌تینان ۱۳ آیه ۱۱: "در خاتمه، نامه‌ی خود را با این عبارات به پایان می‌برم: شاد باشید؛ رشد کنید تا از لحاظ روحانی بالغ گردید؛ یکدیگر را تشویق نمایید؛ در صلح و صفا زندگی کنید، آنگاه خدای محبت و صلح و صفا با شما خواهد بود".

(* افسسیان ۴ آیات ۲۹ و ۳۰: "حرف‌های بد و بی‌راه یا کثیف به زبان نیاورید. هر چه می‌گویید نیکو و مفید باشد تا کسانی که آن را می‌شنوند بنا گردند. روح قدّوس خدا را با شیوه‌ی زندگی خود غمگین مسازید. به یاد داشته باشید که او فرموده است شما متعلق

اساس آن بنا کنیم. در ایمان خود رشد می کنیم، و سکانی خواهیم داشت که ما را در شرایط سخت و پر تلاطم راهنمایی کند. پی می بریم که چقدر مورد محبت هستیم. به وسیله ی فیض و رحمت الهی پاک و شسته می شویم و همچنین از اینکه به راه های خود رفته ایم ملزم می گردیم.

در آخرین کتابم «شروعی تازه، اصول مقدماتی ایمان مسیحی» فصلی را با عنوان "کتاب مقدس چیست" رقم زده ام. در صورت تمایل و جهت مطالعه عمیق تر می توانید آن را بخوانید. آن فصل نشان می دهد چقدر کتاب مقدس مهم است و چرا خواندن آن ضروری می باشد.



برای کمک به تشخیص اراده خدا برای زندگی تان برخی آیات را نوشته ام. می توانید زیر آیاتی که واقعاً با شما صحبت می کنند خط کشیده یا آنها را پررنگ کنید:

(* تثنیه ۶ آیه ۵: "بیهوه خدای خود را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی قوت خود محبت کن".

(* تثنیه ۱۰ آیات ۱۲ و ۱۳: "و اکنون ای اسرائیل، بیهوه خدایت از تو چه می خواهد، جز آنکه از بیهوه خدایت بترسی و در همه راههایش گام برداری و او را دوست بداری و بیهوه خدای خود را به تمامی دل و تمامی جان خود خدمت کنی و همیشه فرمانهای خداوند و فرایض او را که من امروز برای خیریت تو به تو امر می فرمایم نگاه داری".

(قسمت بالا خطاب به یهودیان در عهد عتیق نوشته شده اما برای تمامی قوم خدا در سراسر تاریخ کاربرد دارد).

متاسفانه ، تعداد زیادی از مسیحیان در آمریکا کتاب مقدس خود را به طور مرتب نمی خوانند و در نتیجه هیچ اطلاعی از روش های الهی ندارند. بر اساس مطالعات «بارنا» در سال ۲۰۱۸ تنها ۱۴٪ از آمریکایی ها روزانه کتاب مقدس خود را می خوانند و به دنبال آن ۱۳٪ کسانی هستند که آن را ۳ تا ۴ بار در هفته مطالعه می کنند. ۸٪ مسیحیان کتاب مقدس خود را تنها یکبار در هفته می خوانند؛ ۶٪ آنها حدود یکبار در ماه و ۸٪ آنان بین ۳ تا ۴ بار در سال از آن استفاده می کنند.

[\(https://www.barna.com/research/state-of-the-bible-2018-seven-top-findings/\)](https://www.barna.com/research/state-of-the-bible-2018-seven-top-findings/)

می دانم که اگر من کتاب مقدس را تنها یکبار در ماه و یا ۳-۴ بار در سال بخوانم، گرسنگی شدید روحانی به من دست خواهد داد.

برخی از دلایل رایجی که مردم کتاب مقدس را نمی خوانند این است: (۱) مشغله زیاد (۲) تنبلی زیاد (۳) آن را درک نمی کنند. (۴) احساس می کنند ملزم می شوند. اما در واقع، نخواندن کتاب مقدس به طور مرتب مانند سفر به آن سوی کشور بدون داشتن نقشه ی راه است! بدون راهنمایی پر استحکام کتاب مقدس، باید افتان و خیزان زندگی خود را بی هدف و عاری از هدایت سپری کنیم. ما به قطب نمای **حقیقت** شدیداً نیاز داریم.

مطالعه کتاب مقدس فواید بسیار دارد. با شخصیت خدا آشنایی پیدا می کنیم. در می یابیم چه کسی هستیم و چرا خلق شده ایم. می فهمیم که به کجا می رویم و چگونه باید در برابر خالق خویش و انسان هایی که او آفریده عمل کنیم.

وقتی کتاب مقدس را به طور منظم می خوانیم، افکار ما عوض می شوند، وجدان ما اصلاح و قلب و روحمان تقویت می شود. شالوده ای ایجاد می کنیم تا زندگی مان را بر

کجا؟؟ خدا به تو چه گفته؟؟؟". و احتمالاً به نوح گفتند: "قرار است یک کشتی بزرگ ۷ طبقه بسازی به طول یک و نیم برابر زمین مسابقات فوتبال؟؟ و قرار است اینجا سیل بیاید با اینکه ما حتی باران هم ندیده ایم؟؟" هاهاهاه 😊

حقیقت این است که وقتی دقیقاً نمی دانیم اقدام بعدی خدا در زندگی مان چیست ایمان ما افزایش می یابد! درست همانطور که در سفر به محلی ناشناخته به تکنولوژی تشخیص موقعیت نیاز داریم، باید محکم دست خداوندمان را بگیریم تا ما را در قدم بعدی به سمت آینده مان هدایت نماید. پس وقتی به مسیح می چسبیم و به دنبال قدم های او می رویم، اعتماد عمیق و وابستگی ایجاد می شود (دوم قرن تیان ۵ آیه ۷).

راههایی که خدا اراده اش را به ما می فرماید

خدا از روشهای بسیاری استفاده می کند تا با ما سخن بگوید و آگاه سازد که خواست او از ما و برای ما چیست. من چهار روش اصلی را در اینجا ذکر می کنم: کتاب مقدس، دعا، روح القدس و شرایط. زیر عنوان "کتاب مقدس"، شماری آیات که اراده کلی خدا را برای زندگی همگی ما در بر دارد فهرست نموده ام.

کتاب مقدس

احتمالاً اغلب ما در این مورد وحدت نظر داریم که کتاب مقدس یکی از مهمترین و بدیهی ترین راه هایی است که خدا اراده خود را بر ما آشکار می سازد. او هر چه را که می خواهد ما بدانیم از طریق کلامش به ما گفته است. اما برنامه **خاص** او برای زندگی های ما، **زمانیکه** از آنچه در کتاب مقدس به ما نشان داده اطاعت می کنیم، آشکار می شود.

است که بتوان خدا را خشنود ساخت، زیرا هر که می خواهد به او نزدیک شود باید ایمان داشته باشد که او هست و جویندگان صمیمی خود را پاداش می دهد".

برای تسلی شما بگویم که خدا با شماری از پیامبران بزرگ در کتاب مقدس مستقیماً صحبت کرد، اما آنها همچنان باید در اکثر مواقع بدون آنکه همه جزئیات برایشان واضح می بود، با ایمان ادامه می دادند.

به عنوان مثال، خدا مستقیماً با «آبرام» وقتی در حرّان زندگی می کرد سخن گفت (خدا بعدها او را ابراهیم نام نهاد). خدا او را فرا خواند تا قوم خود و هر آنچه داشت را آماده سفر کند، کشور خود را ترک نماید و به سرزمینی برود که تا پیش از آن برای ابرام ناشناخته بود (پیدایش ۱۲ آیه ۱). او هیچ نمی دانست از چه مسیری باید به آنجا برسد یا حتی آن سرزمین کجاست!

خدا مستقیماً با نوح نیز سخن گفت و به او فرمود کشتی عظیم بسازد تا عده ای را از طوفان سیل آسا و فاجعه آمیز نجات بخشد. با اینحال، اگر کتاب مقدس را تا این قسمت بخوانید می بینید که تا پیش از آن "باران" نباریده بود (پیدایش ۲ آیات ۴ تا ۶). آبی که بر زمین بود از چشمه ها و نهرها جاری بود. مورد بعدی که کلمه "باران" در کتاب مقدس دیده می شود در زمان طوفان عظیم است (پیدایش ۷ آیه ۴).

منظور من از این دو مورد این است که خدا مستقیماً با این دو شخص صحبت کرد. اما آنها باید با ایمان عمل می کردند تا اراده خدا به انجام رسد. خدا برای ابرام نقشه راهنما ترسیم نکرد و برای نوح کشتی را نساخت. در واقع، هر دو این اشخاص احتمالاً مورد مضحکه مردم زمان خود قرار گرفتند. شاید خطاب به موسی پیامبر می گفتند: "می روی

فصل ۱۰

تشخیص اراده خدا



چند بار فکر کرده ایم: "من تنها می خواهم اراده خدا را برای زندگی خود بدانم. چرا او به من نمی گوید از من چه کاری می خواهد انجام دهم؟"

اغلب مسیحیانی که ملاقات کرده ام تمایل خود را برای دانستن اراده خدا در زندگی شان بیان می کنند. مشکل این است که خدا معمولاً با صدای قابل شنیدن صحبت نمی کند. ما اشتیاق بسیار داریم تا به روشهای انسانی خود با او ارتباط ایجاد کنیم و اغلب برای ما سخت می شود از راه هایی که او طرح نموده با او رابطه برقرار کنیم.

اما او راه های بسیاری برای ما فراهم ساخته است تا اراده اش را بشناسیم - البته اگر علاقمند به رهبری او باشیم و با دقت از او پیروی کنیم. "تشخیص دادن" یعنی "معلوم کردن" یا "پیدا کردن" یا "مشخص کردن" چیزی که معلوم نباشد. در این فصل، شماری از روشهایی را که خدا برای صحبت با ما استفاده می کند بررسی می کنیم.

برای شروع، باور من این است که خدا عمداً سئوالاتی برای ما باقی می گذارد که چگونه او را بیابیم و از او پیروی کنیم. دلیل این است که به *ایمان* نیاز داریم. در واقع، عبرانیان ۱۱ آیه ۱ به ما می گوید: "ایمان، واقعیت چیزهایی را نشان می دهد که بدان امید داریم و برهان آنچه نمی توانیم به بینیم". عبرانیان ۱۱ آیه ۶ می گوید: "و بدون ایمان محال

فصل ۹

در میان گذاشتن ایمان ما با دیگران تفکر و تعمق در آنچه خواندیم

۱- معنی کلمه "شاهد" چیست؟

۲- آیا با در میان گذاشتن ایمان خود با دیگران مشکل دارید؟ چرا؟

متقاعد سازیم تا از خدا انعام بگیریم یا سعی در خودنمایی داریم بدون آنکه واقعاً برای آن شخص اهمیتی قائل باشیم، آنها این را حس می کنند! **محبت باید انگیزه اصلی** بشارت دادن ما باشد.

علاوه بر این لازم است بدانیم اگر در بشارت خود به طور نامتناسب ضعیف باشیم، همان تاثیر را خواهد گذاشت - مردم حس می کنند ما سر سپرده و وقف شده به ایمان خود نیستیم و آنها نسبت به آن عیسی که در زندگی ماست بی علاقه خواهند شد. به احتمال قوی این فکر را هم می کنند که چرا اصلاً باید علاقه ای به خداوند ما داشته باشند.

۸- سعی کنید آنچه را می خواهید در باره ایمان تان به دیگران بگویید، تمرین کنید. این را می توانید در مقابل آینه، یا با کسی که خداوند را دوست دارد و پیغام انجیل را به طرزی عالی بیان می کند تمرین کنید. چنین اشخاصی معمولاً علاقه دارند روشهای خود را در شهادت دادن برایتان توضیح دهند.

اگر علاقمند به یادگیری راه های عملی دیگر برای بشارت هستید، فصل ۱۲ این کتاب راهنمای عالی می باشد.

بسیار خوشایندتر است که شخصی تجربه اش را با لذت و خوشی برای مان بگوید، و تنها انگیزه اش هم این باشد که می خواهد ما نیز آن را تجربه کنیم! این است طرز بشارت ایمان ما - با شادی و فروتنی - و با اشتیاقی که از روی محبت ما به خدا و مردم است.

پیام بسیار شفاف بوده ام - آنهم زمانی که واقعا فکر می کردم اصلاً خوب صحبت نکرده ام!

۶- مهم است اطمینان حاصل کنید که زندگی شما تا حد ممکن با حقایق کتاب مقدس هماهنگ باشد. بدانید بخشی از این مسئولیت، گزینه های خود شما هستند و بخش بزرگ آن به عهده ی روح القدس است تا شما را مقدس نگاه دارد. هیچ چیز بدتر از این نیست که شهرت یک "مسیحی" این باشد که نجیب نیست و حرف های کثیف می زند. وقتی چنان شخصی بخواهد درباره خدا با دیگران صحبت کند، مردم بلافاصله به او بی اعتنایی می کنند زیرا گفتار او با عمل او یکی نیست. این شامل افراد غیبت گو و گلایه کننده نیز می شود، و همچنین آنانی که غرور کاذب دارند یا بیش از حد انتقاد می کنند (فیلیپیان ۲ آیات ۱۴ و ۱۵). چنین چیزها آسیب بزرگی به کار خداوند و پیشرفت انجیل می زنند.

۷- لازم است انگیزه های خود را بررسی کنیم! متأسفانه برخی از مسیحیان هنگام بشارت دادن می خواهند به زور حرف خود را به طرف بقبولانند یا با آن شخص جر و بحث می کنند. این نه تنها آزار دهنده است بلکه طرف را کاملاً بی علاقه می سازد. آن نوع مسیحیان در صحبت خود زیاده از حد شدت بخرج می دهند و دلایل شان هم برای چنین کاری اشتباه است. شاید احساس برتری می کنند یا می خواهند به طرزی که جالب نیست دانش خود را از کتاب مقدس به طرف نمایش بدهند. چنین اشخاصی اغلب مردم را بخاطر عقاید یا شیوه زندگی شان تحقیر می کنند.

اما به دلیل همین طرز برخورد است که در بسیاری موارد مردم دنیا از عیسی مسیح و کلیسا رویگردان شده اند. بیشتر مردم می توانند حس کنند که آیا ما از روی خلوص و صمیمت صحبت می کنیم یا خیر. اگر هدف این باشد که می خواهیم فردی را در باره خدا

۴- یک وجه مشترک بیابید. به عنوان مثال، بیابید فرض بگیریم شما در قسمت صندوق پرداخت در فروشگاه هستید. می بینید که متصدی صندوق خسته است و کار زیاد دارد توان او را از او می گیرد. می توانید چیزی نظیر این بگویید: "به نظر می آید روز سختی داشته اید، من هم گاهی در محل کارم چنین حسی پیدا می کنم".

در این مرحله می توانید به او بگویید وقتی خودتان در تنش و تحت فشار هستید دعا واقعا کمک تان می کند. یا می توانید بگویید "برایتان دعا خواهم کرد". یادتان باشد، یک یا دو دقیقه طول می کشد تا برای مواد غذایی پرداخت کنید و آنها را در کیسه بگذارند. پس واقعا زمان زیادی برای انتقال مطلبی کوتاه در اختیار دارید.

بسیاری از مردم بعداً به من گفته اند جملاتی که در چنین صحبت های مختصر به آنها گفته ام، واقعا برایشان تشویق آمیز بوده است. زمانی که رابطه برقرار شده است، آنها اغلب شروع به درد دل با من کرده و در برخوردهای بعدی حتی از من خواسته اند برایشان دعا کنم.

ما می توانیم این را هر جا که می رویم انجام دهیم و از چنین روشی در بانک، با بازاریاب های تلفنی، با کارمندان مهد کودک، در بیمارستان، محل کار، مدرسه و غیره استفاده کنیم. پس هر جا که هستیم، می توانیم نور و نمک، حیات، شادی و امید برای خداوند گرانقدرمان باشیم و خود ما هم شاد می شویم! ☺

۵- بدانید که شما هرگز کامل و بی عیب نخواهید بود. زندگی مسیحی را به طرز کامل نخواهید داشت و بشارت دادن شما کامل و بی نقص نخواهد بود. روح القدس یک روش زیبا برای جبران کاستی های ما دارد. او می تواند پیام شما را "ترجمه" کند تا قابل درک و مفید برای کسی باشد که به او شهادت می دهید! مردم اغلب به من گفته اند که در

۲- ضروری است که به طور منظم کلام خدا را عمیقاً بخوانیم و در دعا وقت صرف کنیم، زیرا آنچه دل و فکر ما از آنها "تغذیه" می کنند، همان ها را در گفتگوها به دیگران خواهیم گفت. اگر تنها چیزی که می شنویم سخنان زشت کسانی باشد که وقت ما با آنها می گذرد و یا مطالب بی ارزش اینترنت یا تلویزیون باشد، هنگامی که صحبت از انجیل به میان می آید پیام آوری ما ضعیف خواهد بود. به همین ترتیب اگر هر روز زمان پر کیفیت در حضور خدا سپری کنیم و قلب و ذهن خود را مطیع شمشیر زنده ی او، یعنی کتاب مقدس نماییم بسیار آماده تر خواهیم بود.

لازم است در همه ی روابط با دیگران، موقعیت را با ملایمت امتحان کنیم و ببینیم آیا طرف ما پذیرا است؟ آن شخص می تواند خانم کارمند بانک باشد و یا آقای در فروشگاه - همچنین شامل عزیزان ما است که نجات مسیح را دریافت نکرده اند. در گفتگوها **منتظر** فرصتها و "در های باز" باشید. من سعی می کنم نسبت به مطالبی که مردم در گفتگوهای روزانه خود می گویند هوشیار باشم. برای مثال، دنبال شنیدن کلماتی نظیر این هستم "پسرم بیمار است"، یا "می ترسم"، یا "مطمئن نیستم چگونه با این موقعیت روبرو شوم و مشکل را حل کنم". اینها پیش درآمدهای عالی برای گفتگو هستند. در وقت نیازشان، اشتیاق آنها برای شنیدن در مورد خدا می تواند بسیار بیشتر باشد.

۳- ما پیام بشارت خود را با همه ی اشخاصی که با آنها برخورد می کنیم در میان نمی گذاریم؛ بدیهی است زمان کافی برای چنین کاری وجود ندارد. در واقع شاید حتی ما آن شخصی نباشیم که خدا قرار است در آن زمان استفاده کند، و گاهی اوقات مردم اصلاً مایل به شنیدن نیستند. یاد بگیرید که این را بپذیرید!

شاهد و گواه دلیر برای مسیح بودن، به دیگران نیز الهام می بخشد تا در ایمان شان شجاع باشند. نیرو های اجتماعی، عقلانی و اخلاقی، باعث ایجاد فعالیت و تغییر در جامعه می گردند و ما می توانیم با مطرح کردنِ خداوند در گفتگو ها یا موقعیت های خود با دیگران، این نیرو ها را در محیط اطراف مان تغییر دهیم. زمانهای بسیاری پیش می آید که آنانی که نجات مسیح را دریافت نکرده اند مایل هستند درباره خدا صحبت کنند یا برایشان دعا شود، اما آنها هم می ترسند که دیگران ردشان کنند. می توانیم برای کمک به واهمه های آنها، حقایق را آنطور که هستند بیان کنیم.

چگونه در مورد ایمان ام با دیگران صحبت کنم؟

برخی از افراد نمی دانند چگونه حتی صحبت را با دیگران درباره مسیح شروع کنند. یکی از نکات مهم اینجا حساس بودن نسبت به روح القدس و به دیگران است.

۱- برای شروع لازم است از روح القدس پُر شویم. پیش از صحبت با دیگران در باره مسیح، دعا کنید. از خدا بخواهید شما را در زمان و مکان مناسب و در تماس با شخص درست قرار دهد! بسیاری از اوقات، روح القدس از درون ما را بر می انگیزد، به این وسیله که احساسات ما را به تحرک در میآورد و یا نا آرامی در ما ایجاد می کند و با این کار می خواهد ما را متوجه می سازد که زمانِ بشارت است.

وقتی تحت هدایت روح خدا هستیم، باید اطمینان داشته باشیم که خدا از قبل آن شخص و زمان و مکان را برای ما آماده ساخته است و کلمات مناسب و زمان کافی را که برای بشارت نیاز داریم برای ما فراهم خواهد نمود (لوقا ۱۲ آیات ۱۱ و ۱۲).

ارزشهای مسیحی ما ممکن است باعث شوند به نزدیکان ما بر بخورد طوری که دیگر نخواهند چیزی در مورد خدا بشنوند. ممکن است در کنار ما بسیار احساس ناراحتی کنند و روش زندگی مسیحی ما آنها را ملزم سازد. اگر حقیقتاً با خدا زندگی کنیم، حتماً در مواردی به مردم بر خواهد خورد، زیرا عیسی "صخره سبب لغزش" است (اول پطرس ۲ آیات ۷ و ۸).

(* **حتی ممکن است مورد آزار و اذیت قرار بگیرید.** آمریکا اکنون در معضل عمیقی است. بیش از هر زمان دیگری در طول تاریخ، الان مسیحیانی در دنیا هستند که به خاطر تعهد تغییر ناپذیر خود به مسیح مورد طرد شدن یا ضرب و شتم قرار می گیرند، یا به زندان افکنده می شوند و بعضی کشته می شوند.

(* **نیاز داریم در ذهن و دل خود تصمیم بگیریم که عیسی را بیش از هر چیز دیگری دوست بداریم زیرا هر کجا که باشیم ممکن است فردا به سراغ ما بیایند و به عنوان مسیحی ما را مورد آزار و اذیت قرار دهند.** در اصل، حقیقتِ موضوع همین است و پای عمل در اینجا به میان می آید، پس خجالت کشیدن دلیل موجهی نیست که ایمان خود را با دیگران در میان نگذاریم.

با این حال، بگذارید با گفتن این جملات تشویقتان کنم که هر بار به جای اطاعت از مردم از خدا اطاعت کرده ام، هر قدر هم که دردناک و ناراحت کننده بوده است، براستی توانسته ام آن را خوشی محسوب کنم. چرا؟ زیرا می دانم اگر زندگی قدرتمندی برای عیسی نمی داشتیم، کسی ناراحت نمی شد و به هیچکس بر نمی خورد، و متوجه می شدم این طرز زندگی نمی بود که خداوند از من خواسته بود. خدا آرامشی عمیق و اطمینانی بسیار به من بخشیده است که از من رضایت دارد، زیرا اولویت من در خدمت و محبت او بوده است.

زمانه‌هایی هست که شاید لازم باشد از دوستان یا خویشاوندان خویش فاصله بگیریم، زیرا آشکارا مسیح را رد می‌کنند (اول قرن‌تیاں ۱۵ آیه ۳۳؛ رساله یعقوب ۴ آیه ۴) و به راستی این شاید حتی به دوستانی اطلاق می‌کند که "می‌گویند" مسیحی هستند اما زندگی آنها هیچ شباهتی با زندگی مسیح ندارد! (اول قرن‌تیاں ۵ آیه ۱۱)

من همچنان دعا می‌کنم در دوستی‌هایی که باید کنار بگذارم صلح و آشتی دوباره ایجاد شود، اما می‌دانم لازم است بیش از هر چیز دیگری مراقب رابطه خودم با مسیح باشم و آن را محافظت کنم (امثال ۴ آیه ۲۳). حال این بدان معنا نیست که از هر کس که مسیحی نیست دوری کنیم ... اگر آنطور باشد نمی‌توانیم در مورد ایمان ما با کسانی که نجات مسیح را تجربه نکرده‌اند صحبت کنیم. لیکن این به روابط نزدیک ما مربوط می‌شود - کسانی که بیشترین زمان و صمیمیت را صرفشان می‌کنیم.

(* شاید در مورد شما به طرز خاصی صحبت کنند. این برای من هم پیش آمده و به آن افتخار می‌کنم! تقریباً تمام کسانی که با آنها برخورد میکنم، جایی در می‌یابند که من عاشق عیسی هستم. جالب اینجاست وقتی در سختی هستند، یا مشکلی دارند و یا در یأس و ناامیدی‌اند به من روی می‌آورند. می‌دانند که برایشان دعا خواهم کرد، حقیقت را به آنها خواهم گفت و نجات‌دهنده را به آنها نشان خواهم داد. عالی است دیگران ببینند به خدا وفادار هستیم!

(* ممکن است از عزیزانتان جدا کرده شوید. من این را در زندگی خود تجربه کرده‌ام. عیسی به ما هشدار داد که اگر واقعا سرسپرده او باشیم این مسئله به عینه ممکن است اتفاق بیفتد (متی ۱۰ آیات ۳۴ تا ۳۹).

اگر طرد شوم چه؟

وقتی فکر می‌کنم ممکن است به خاطر بشارت ایمان ام دیگران مرا رد کنند، همیشه به مسیح فکر میکنم. او خوار شمرده شد، به صورتش آب دهان انداختند، مورد نفرت واقع شد، از شهر بیرون رانده شد، و در آخر مصلوب گردید، **صرفاً** به این خاطر که فرمود او راه نجات و حیات ابدی است. اما او متحمل همه اینها شد زیرا انسان‌ها را محبت می‌نمود! او به وراء خشم و نفرت آنها می‌نگریست و عمق قلبهای آنها را مشاهده می‌کرد. این همان چیزی است که به او چنان دلیری بخشید.

چنین اعتماد به نفس او به این خاطر بود که تنها **یک** هدف در ذهن داشت: اطاعت از پدر خویش. عیسی مسیح برای انجام مأموریت آمده بود، و هیچ چیز مانع او در اجرای فرمان‌های خدا نمی‌شد. خدای پدر، عیسی را فرستاد تا **برای ما بمیرد!** اگر عیسی از رفتن روی صلیب امتناع کرده بود وضع ما چه می‌شد؟ اگر دهانش را بسته نگاه می‌داشت چه می‌شد؟ هیچ راه چاره‌ای برای ما نمی‌بود تا ممکن باشد با خدا رابطه صحیح و نزدیکی برقرار کنیم. و ما دقیقاً همان پیغام را به بی‌ایمانان می‌رسانیم - یعنی **راه حل واقعی** برای آرامش حقیقی، محبت و شفا.

اگر مردم ما را از خود برانند، واقعاً این که بدترین اتفاق دنیا نخواهد بود!

بیاید در خصوص برخی از "بدترین" شرایطی که هراس داریم در صورت بشارت دادن به مسیح برای ما روی دهند فکر کنیم:

(* **شاید یک "دوست" را از دست بدهید.** اما در وهله اول آیا واقعاً دوست شما بوده‌اند - اگر انتخاب شما را برای پیروی از مسیح رد می‌کنند؟ در زندگی مسیحی ما،

آیه ۱۴:

خدا ما را برگزیده تا اراده ی او را بدانیم :

توبه کنیم

نجات یابیم

تعمید بگیریم

در مورد ایمان مان گواه دهیم

تا عیسی آن عادل را بشناسیم و او را ببینیم و از او بشنویم "

کتاب مقدس همچنین می گوید ما باید دیگران را **شاگرد سازیم**، یعنی لازم است وارد رابطه با دیگران شویم تا بتوانیم آنها را به سوی نجات رهنمون گردیم و سپس مفهوم ایمان مسیحی را به آنها بیاموزیم (متی ۲۸ آیات ۱۸ تا ۲۰). اگر چه بیشتر افراد فرصت شاگرد سازی انبوه مردم را نخواهند داشت، اما قطعاً می توانیم با کسانی که در حیطه نفوذمان هستند در مورد مسیح صحبت کنیم.

یک شاگرد کفایت می کند - اگر شاگردان به درستی مورد محبت و تعلیم قرار گرفته باشند، آنوقت می توانند آنچه را آموزش دیده اند اشاعه دهند و افراد بیشتری را به پادشاهی خدا داخل خواهند کرد. به یاد داشته باشید: آن روز که در حضور مسیح ایستاده اید به عیسی چه خواهید گفت اگر حتی **یک نفر** را با خود نیاورده باشید؟

اگر چیزی نیکو برای گفتن نداریم باید با رعایت نزاکت از سخن گفتن دست برداریم! اما «از لحاظ سیاسی صحیح بودن» واقعا به این معنی است که داریم به خودمان و دیگران دروغ می‌گوییم، و معمولاً انگیزه‌ی غلط آن چاپلوسی است. چاپلوسی، گفتن چیزهایی است که حقیقت ندارند و به این مقصود است که دیگران ما را تأیید کنند یا به پذیرند. تمام اینها رفتار کاذب هستند و اگر به این منوال به رفتار با دیگران ادامه دهیم وجدان اخلاقی خود را از دست خواهیم داد (یوحنا ۷ آیات ۱۶ تا ۱۸).

خدا در کلام خویش به روشنی می‌فرماید هر ایماندار مسئولیت دارد و نیز این امتیاز را یافته است که پیام انجیل را با قدرت او در زندگی دیگران اعلام کند. در عین حالی که لازم است الگوهای زنده‌ای از قدوسیت، وفاداری و حقیقت‌گویی باشیم، کتاب مقدس با صراحت به ما دستور می‌دهد که ایمان خود را شفاهاً نیز بیان کنیم. اگر چه هیچیک از ما بی نقص و عاری از گناه نیستیم، خداوند از ما استفاده می‌کند تا نجات را به آنانی ارائه کنیم که بی خدا راهی جهنم هستند.

خلاصه‌ی مفاهیم انجیل را در کتاب کارهای رسولان باب ۲۲ آیات ۱۴ تا ۱۶ می‌خوانیم. در اینجا ترتیب آیات را برای شفاف کردن منظورم جابجا کرده‌ام:

آیه ۱۶:

"برخیز و تعمید بگیر و نام او را خوانده، از گناهانت پاک شو"

آیه ۱۵:

"زیرا تو در برابر همه مردم، شاهد او خواهی بود و بر آنچه دیده و شنیده‌ای، شهادت

خواهی داد"

از طرف دیگر، اگر دیگران محور توجه ما هستند و واقعاً به آنها اهمیت می دهیم، به یاد خواهیم داشت که اگر نجات را نداشته باشند، برای *ابد* هلاک خواهند شد. ما خواهیم توانست وراء اعتماد به نفس مصنوعی آنها را ببینیم و بدانیم که بدون مسیح قادر نیستند تغییر کنند و خصایل مسیح را بیابند. چشمان روحانی ما باز خواهد شد و به خوبی تشخیص خواهیم داد که بسیاری مردم از لحاظ عاطفی و فکری، و در روابط با دیگران دچار درد هستند و نیز در اسارت عمیق گرفتارند. آنها نیاز به دعا و رهایی و یک منجی پر محبت دارند. نیاز آنها مسیح است.

صحیح بودن از لحاظ سیاسی

مشکل بزرگ دیگر «صحیح بودن از لحاظ سیاسی» است که نه تنها به فرهنگ ما، بلکه به کلیساهای ما نیز رخنه کرده است. دهان ما محکم بسته شده است تا حقیقت را نگوئیم مبادا به کسی بر بخورد! اما وقتی خداوند مسیح حقیقت خود را به شاگردانش یا گناهکاران یا کسانی که در ایمان سست شده بودند اعلام می کرد هرگز ندیده ام محتاطانه صحبت می کرده است تا نکند به کسی بر بخورد یا طرف خشمگین شود. پس من نیز چنین ترسی نخواهم داشت.

لیکن این بدان معنا نیست که در هر برخورد با مردم، از روی کتاب مقدس با تحکم صحبت کنیم و به خاطر زندگ گناه آلود شان آنها را خرد کنیم و مورد انتقاد شدید قرار دهیم. معنای آن این است که باید "حقیقت را با محبت بیان کنیم" (افسسیان ۴ آیه ۱۵). انگیزه ما باید محبت آمیز و خالص باشد، زیرا اهمیت می دهیم که یا خدا را بشناسند، یا رابطه درست گذشته ی خود را با خدا از سر بگیرند. وقتی در مورد او با دیگران صحبت می کنیم باید والا منش و مهربان باشیم.

پایین بپرد و فریاد بکشد. اما اگر یک مسیحی از ایمان خود به وجد بیاید یا دستانش را در کلیسا بالا ببرد، دیگران فکر می کنند چه آدم عجیب و غریبی است. عجب برداشتی!

ترس

بیاید به این موضوع آنطور که هست بنگریم - ترس احتمالاً دلیل اصلی است که از روی آن مزده مسیح را به دیگران نمی رسانیم. خجالت می کشیم و فکر می کنیم مردم پیام ما را رد خواهند کرد، که در اصل احساس می کنیم ما را رد می کنند. اما عیسی صریحاً می گوید اگر او را در مقابل دیگران رد کنیم او ما را در مقابل پدر و فرشتگان رد خواهد کرد (متی ۱۰ آیه ۳۳؛ مرقس ۸ آیه ۳۸)! شاید از این بیم داریم که دوستانمان را از دست بدهیم و آنها دیگر ما را در گروه شان نپذیرند و به نظر عجیب و غریب بیاییم. اما لازم است از خودمان بپرسیم "آیا ترس ام از انسان بیشتر از محبت ام نسبت به خداوند است؟"

خود محوری ریشه ترسهای ماست. ما یا می خواهیم "شخصیت" و "شهرت و آبروی" خود را حفظ کنیم یا اینکه خود را از حمله های دیگران محافظت کنیم. اما این را در نظر بگیرید: اگر شخصیت و آبروی برای خود ساخته ایم که مسیح محور آن نیست، پس این یک "خودِ دروغین" است.

تنها وقتی در مسیح هستیم، آن "خودِ" واقعی مان هستیم، چون او ما را اینگونه آفریده است. گناه چیزی است که این واقعیت را از ما می دزدد. اگر تلاش می کنیم از خود محافظت کنیم، پس داریم خودمان را حکمروای زندگی خود می سازیم، زیرا خدا است که محافظ ماست. اگر به خاطر مراقبت یا محافظت خودمان است که به دیگران بشارت نمی دهیم، لازم است از خدا برای غلبه بر این ترس قدرت بطلبیم (فیلیپیان ۱ آیه ۲۰).

مسیح به ما می گوید که زمان برداشت محصول فرا رسیده است (متی ۹ آیات ۳۵ تا ۳۸)، به این معنی که بسیاری مردم آماده دریافت پیغام انجیل و شروع حیاتی تازه در مسیح هستند. اما کسی باید این را به آنها بگوید! (رومیان ۱۰ آیات ۱۴ تا ۱۷) ما این طرز فکر را پیدا کرده ایم که "یک نفر دیگر اینکار را انجام خواهد داد" یا "من برای بشارت ایمانم مجهز یا آماده نیستم". به خودمان می گوییم " آنها از اعمال من خواهند دانست که مسیحی هستم" و "من نمی خواهم اعتقاداتم را به دیگران تحمیل کنم". اما اگر صادق باشیم، می پذیریم که اینها را داریم بهانه می آوریم، زیرا در واقع **نمی خواهیم** در مورد ایمان با دیگران صحبت کنیم.

وقتی در زمان نجات از روح القدس پُر می شویم، قدرت می یابیم. اما این یک قدرت عادی و معمولی نیست، بلکه همان قدرتی است که عیسی را از مردگان برخیزاند (افسیان ۱ آیات ۱۹ تا ۲۰)! چقدر جای شگفتی است! و یکی از دلایل اصلی که این قدرت را دریافت می کنیم این است که **بتوانیم** شاهدان مسیح برای بی ایمانان باشیم و این مأموریت را **به انجام برسانیم** (اعمال رسولان ۱ آیه ۸؛ افسسیان ۳ آیه ۷). خدا در اینجا صرفاً به ما یک پیشنهاد نمی دهد یا به یک امکان اشاره نمی کند. او دارد به ما **فرمان** می دهد که در مورد ایمان خود با دیگران صحبت کنیم. واقعیت این است که اگر او را دوست می داریم و روح القدس در ما کار می کند پس در باره او **شهادت خواهیم داد**.

شخصی را در نظر بگیرید که هوادار "متعصب" تیم های ورزشی است. فکر می کنیم کاملاً عادی باشد که او درباره تیم خود جار و جنجال به راه بیندازد. ایرادی در او نمی بینیم که لباسهای مضحک مربوط به مسابقات بپوشد، یا پول های هنگفتی خرج کند، یا برای یک بازی بزرگ تمام طول کشور را بپیماید و وقتی تیمش می برد (یا می بازد) بالا و

(دوم قرن‌تین ۵ آیات ۱۸ تا ۲۱؛ غلاطیان ۱ آیات ۱۵ و ۱۶).

مرقس ۸ آیه ۳۵ توضیح می‌دهد که ما اساساً زندگی واقعی را زمانی بدست می‌آوریم که بخاطر او و بخاطر خبر خوش انجیل، خود را تقدیم می‌کنیم و می‌سپاریم. بخش اعظم خدمت به خداوند این است که در مورد مسیح با دیگران صحبت کنیم. یک از راه‌های آن این است که زندگی مقدس داشته باشیم و مردم خصائل تحسین برانگیز و دوست‌داشتنی در ما به بینند تا جذب مسیح که در درون ما ساکن است بشوند و عیسی را برای خود بخواهند!

بسیاری از ما از آن شادی و هیجانی که در بشارت مسیح به دیگران هست غافل هستیم! اینکار می‌تواند تکانی بزرگ به زندگی‌تان بدهد و شما را از کنج راحتی خارج کند!

خداوند از ما انتظار دارد آنچه را از او دیده و تجربه کرده ایم به دیگران بگوییم. کتاب مقدس در عهد عتیق و همچنین عهد جدید مکرراً سفارش می‌کند "درباره خدا به دیگران بگویید" (مزمور ۷۱ آیات ۷ و ۸ و آیات ۱۴ تا ۱۶؛ مزمور ۹۶ آیات ۱ تا ۱۰). بخش بزرگی از خدمت ما به خداوند این است که دلیل ایمان مان را برای دیگران به زبان بیاوریم، و هرگاه که روح القدس هدایت می‌کند آماده باشیم در نام مسیح دیگران را خدمت کنیم (اول پطرس ۳ آیه ۱۵).

ما مدیون محبت منجی خود هستیم و باید این دین را جبران کنیم. اوست

که به ما می‌فرماید بشارت یکی از راه‌هایی است که او می‌خواهد بدان وسیله او را محبت کنیم و خدمت نماییم (یوحنا ۴ آیات ۳۴ تا ۳۸). بشارت ایمان‌تان ممکن است برایتان دشوار باشد، لیکن برای رشد شما ضروری است، و نیز برای پیشبرد ملکوت خدا!

شهادت دادن

اغلب عبارت "شاهد" را می شنویم (این در آمریکا مصداق دارد) و به یاد افرادی می افتیم که در نامناسب ترین اوقات درب خانه مان را می کوبند تا یک مشت آیات کتاب مقدس تحویل ما دهند و بگویند ما چقدر در اشتباه داریم زندگی می کنیم. اما روش مسیح بسیار متفاوت است. او می خواهد زندگی ما آنطور باشد که وقتی برای بشارت شروع به صحبت می کنیم، مردم ناسازگارهای بزرگی به چشمشان نخورد. (کولسیان ۴ آیات ۵ و ۶)

کلمه "شاهد بودن" در انگلیسی به معنای "دیدن، ملاحظه کردن، از نظر گذراندن یا درک کردن" است و دارای این کاربردها است: ۱- آنچه می بینیم ؛ ۲- بیان آنچه دیده ایم. اگر فکرش را بکنیم، شاهد چه فایده ای دارد اگر حرفی نزنند؟

نکته جالب دیگر این است که عبارت "شاهد" در عهد جدید به زبان یونانی "مارتوس" *martus* است و کلمه انگلیسی *martyr* (شهید) را از آن مشتق می گیریم. حتماً خداوند می دانست ما به خاطر ایمان خود توبیخ و تکذیب خواهیم شد. ☺ اگر چه ما هیچکدام دوست نداریم طرد یا رانده شویم، نتیجه نهایی این است که اگر ما مسیحیان حقیقی هستیم لازم است از خدا اطاعت کنیم نه اینکه از انسان بترسیم.

بشارت ایمان مان به خاطر اینکه مسیح را دوست داریم، یکی از مهمترین چیزهایی است که می توانیم به عنوان یک مسیحی هرگز انجام دهیم. بیان ایمان مان به دیگران یک پرستش عملی است. با گفتن به مردم که خدا چقدر عالی است و چگونه زندگی مان را به طور باورنکردنی تغییر داده ، محبت خود را به او نشان می دهیم. همچنین این فرمان از خداوند است که در باره او با دیگران صحبت کنیم. ما نمایندگان او در این جهان هستیم

فصل ۹

بشارت ایمان ما



ثابت شده است یکی از موثرترین راه ها برای تاثیر گذاری بر مردم، در مقایسه با هر روش دیگر در تاریخ، این است که موضوع از کسی به کس دیگر منتقل شود و دهان به دهان بگردد. وقتی شخصی چیزی عالی را امتحان می کند یا به یک رویداد شگرف رفته است، طبیعتاً تعریف آن را برای دیگران می گوید. وقتی سعی دارید کسی را متقاعد کنید، تجربه شخصی شما خیلی بیشتر طرف را مجذوب می کند و به حساب می آید تا موضوعی که صرفاً در کتابی یا مجله ای خوانده باشید.

آنچه که به آن می اندیشیم و آنچه که ذهن ما را فرا گرفته و چیزهایی که مورد علاقه و اشتیاق ما هستند، همان موضوعاتی هستند که دوست داریم با دیگران صحبت کنیم. علاقه فراوان به یک تیم ورزشی یا فرزندمان، یا اتومبیل، شغل، مادیات، حیوانات خانگی، یا هر چیز دیگر، محور توجه ما و موضوع گفتگوهای ما خواهند بود.

به همین شکل اگر برای خدا غیرت داشته باشیم، محور زندگی ما بر افکار و نقشه های خداوند قرار خواهد داشت. متی ۱۲ آیه ۳۴ به خوبی بیان می کند که: "زبان از آنچه دل از آن لبریز است، سخن می گوید".

دهندگی (بخشدگی)

مورد ۸ — مورد ۲۳ — مورد ۳۸ — مورد ۵۳ — مورد ۶۷ —

جمع کل —

مهمان نوازی

مورد ۱۵ — مورد ۳۲ — مورد ۴۵ — مورد ۶۰ — مورد ۷۸ —

جمع کل —

بشارت

مورد ۵ — مورد ۳۶ — مورد ۵۱ — مورد ۶۴ — مورد ۷۷ —

جمع کل —

رسالت

مورد ۱۳ — مورد ۲۹ — مورد ۴۴ — مورد ۵۷ — مورد ۷۱ —

جمع کل —

خدمت / یاری رسانیدن

مورد ۱۴ — مورد ۳۰ — مورد ۴۶ — مورد ۵۸ — مورد ۷۲ —

جمع کل —

شفقت و رحم

مورد ۷ — مورد ۲۲ — مورد ۳۷ — مورد ۵۲ — مورد ۶۶ —

جمع کل —

تشخیص و تمیز

مورد ۱۱ — مورد ۲۶ — مورد ۴۱ — مورد ۵۵ — مورد ۷۰ —

جمع کل —

فراخوانی و تشویق

مورد ۲۰ — مورد ۳۴ — مورد ۴۹ — مورد ۶۳ — مورد ۷۵ —

جمع کل —

شبانی

مورد ۴ — مورد ۲۱ — مورد ۳۵ — مورد ۵۰ — مورد ۷۶ —

جمع کل —

ایمان

مورد ۱۲ — مورد ۲۸ — مورد ۴۲ — مورد ۵۶ — مورد ۸۰ —

جمع کل —

تعلیم

مورد ۲ — مورد ۱۸ — مورد ۳۳ — مورد ۶۱ — مورد ۷۳ —

جمع کل —

علم

مورد ۹ — مورد ۲۴ — مورد ۳۹ — مورد ۶۸ — مورد ۷۹ —

جمع کل —

حکمت

مورد ۳ — مورد ۱۹ — مورد ۴۸ — مورد ۶۲ — مورد ۷۴ —

جمع کل —

نبوت

مورد ۱۰ — مورد ۲۵ — مورد ۴۰ — مورد ۵۴ — مورد ۶۹ —

جمع کل —

امتیاز دهی

- با استفاده از این دستور العمل ها، امتیاز خود را برای هر عطیه روحانی مشخص نمایید.
- ۱) در زیر هر یک از عنوان های ذیل، پاسخ های عددی خود را (از ۱ تا ۵) در برابر موارد شماره گذاری شده، بنویسید.
- ۲) برای هر عطیه، عددهایی را که خودتان برای آنها قائل شده اید و برای هر مورد نوشته اید با هم اضافه کرده و مجموع آن را در کادر جمع کل بنویسید.
- ۳- پاسخ هایی که بالاترین عدد (اعداد) را دارا هستند قویترین عطیه شما محسوب می شوند.

رهبری

مورد ۶ — مورد ۱۶ — مورد ۲۷ — مورد ۴۳ — مورد ۶۵ —
جمع کل —

امور ریاست و نظارت

مورد ۱ — مورد ۱۷ — مورد ۳۱ — مورد ۴۷ — مورد ۵۹ —
جمع کل —

— ۷۵) خدا از من برای تشویق دیگران استفاده کرده است تا زندگی "مسیح گونه" داشته باشند.

— ۷۶) احساس کرده ام نیاز هست به دیگران یاری دهم تا در خدمات مسیحی شان موثرتر و بهتر عمل کنند.

— ۷۷) دوست دارم درباره مسیح با کسانی صحبت کنم که او را نمی شناسند.

— ۷۸) به طوری در منزلم از میهمانان تازه آشنا پذیرایی و مهماننوازی می کنم که آنها کاملا احساس راحتی می کنند.

— ۷۹) طیف وسیعی از منابع مطالعاتی در اختیار دارم و می دانم چگونه اطلاعات را به دست بیاورم.

— ۸۰) اطمینان دارم حتی وقتی موقعیتی غیر ممکن به نظر می رسد، آن موقعیت برای جلال خدا تغییر خواهد پذیرفت.

- ۶۳) از فرصتها برای کمک به مردم نیازمند تسلی، دلداری، تشویق و مشاوره استقبال می‌کنم.
- ۶۴) در مورد مسیح با بی‌ایمانان به راحتی صحبت می‌کنم.
- ۶۵) می‌توانم بر دیگران تاثیر گذار باشم تا به بیشترین حدی که خدا توانایی به آنها بخشیده است عمل کنند.
- ۶۶) می‌توانم نشانه‌های فشار عصبی و پریشانی را در دیگران تشخیص دهم.
- ۶۷) می‌خواهم برای پروژه‌ها و سازمان‌های خدمات مسیحی ارزشمند، کمک‌های مالی سخاوتمندانه و بی‌تکلف فراهم کنم.
- ۶۸) می‌توانم موضوعات را به گونه‌ای سازمان‌دهی کنم که ارتباط آنها با یکدیگر دارای مفهوم باشد.
- ۶۹) خدا به من پیغام‌ها می‌دهد تا به ایمانداران مسیح برسانم.
- ۷۰) وقتی افراد تجربه‌های مذهبی خود را بیان می‌کنند، قادرم درک کنم که آیا صادق هستند یا خیر.
- ۷۱) دوست دارم انجیل را به افراد از فرهنگها و زمینه‌های مختلف معرفی کنم.
- ۷۲) از انجام کارهای کوچکی که باعث کمک به مردم است، دلشاد می‌شوم.
- ۷۳) می‌توانم در بیانات در برابر دیگران مطالب را شفاف و بدون پیچیدگی ارائه دهم.
- ۷۴) قادر بوده‌ام حقایق کتاب مقدسی را برای نیازهای خاص کلیسای خود به کار برم.

— ۵۱) قادرم به گونه ای انجیل را به بی ایمانان معرفی کنم که خداوند را بپذیرند و رستگاری را دریافت کنند.

— ۵۲) توانایی ویژه برای درک احساسات افرادی را دارم که در زحمت و پریشانی هستند.

— ۵۳) بر طبق این شناخت که همه چیز متعلق به خدا است، قویاً احساس می کنم خدمت و نظارت کنم تا آنچه خدا آفریده و به بشر عطا کرده است به طرز صحیح استفاده گردد.

— ۵۴) پیام هایی را که مستقیماً از سمت خدا آمده به دیگران رسانده ام.

— ۵۵) می توانم حس کنم که شخص دارد تحت رهبری خدا عمل می کند.

— ۵۶) سعی می کنم پیوسته مطابق اراده خدا عمل کنم و برای اینکه از من استفاده نماید همواره در اختیار او باشم.

— ۵۷) حس می کنم میبایست انجیل را به مردمی که عقاید متفاوتی نسبت به من دارند برسانم.

— ۵۸) درک ویژه درباره نیازهای عملی دیگران دارم.

— ۵۹) مهارت من در طرح ریزی قدمهای عملی مثبت و دقیق برای کار است.

— ۶۰) دوست دارم با کسانی که برای بار اول به کلیسای ما آمده اند آشنا شوم و از آنها به گرمی استقبال کنم.

— ۶۱) کتاب مقدس را به گونه ای توضیح می دهم که دیگران آن را می فهمند.

— ۶۲) در خصوص مشکلات، معمولاً راه حلهای روحانی را می بینم.

- ۳۸) یک دهنده ی سخاوتمند هستم.
- ۳۹) می توانم حقایق جدید را کشف کنم.
- ۴۰) درباره مسائل و افراد، بینش روحانی از کتاب مقدس دارم که مرا وادار می سازد در این باره علناً صحبت کنم.
- ۴۱) حس و درک می کنم که شخص دارد مطابق اراده خدا عمل می کند.
- ۴۲) حتی وقتی اوضاع وخیم به نظر می رسد قادرم به خدا اعتماد کنم.
- ۴۳) می توانم مشخص کنم خدا می خواهد گروه افراد به کجا بروند و می توانم یاری کنم تا به آنجا برسند.
- ۴۴) اشتیاقی شدید برای رساندن انجیل به نقاطی دارم که هرگز آن را نشنیده اند.
- ۴۵) از برقراری ارتباط با افراد جدید در کلیسا و اجتماعم دلشاد می شوم.
- ۴۶) نسبت به نیازهای دیگران حساس هستم.
- ۴۷) توانسته ام برای به انجام رسیدن اهداف یک گروه، برنامه های موثر و کارآمد بریزم.
- ۴۸) اغلب وقتی دیگر مسیحیان درگیر اخذ تصمیمات دشوار هستند، با من مشورت می کنند.
- ۴۹) در فکر هستم که چگونه می توانم برای اعضای کلیسای خود مایه تسلی و تشویق باشم.
- ۵۰) می توانم به افراد راهنمایی های روحانی بدهم.

- ۲۵) حس می کنم پیغامی از خدا دارم که به دیگران برسانم.
- ۲۶) می توانم تشخیص دهم که فرد دیگری اصیل یا صادق باشد.
- ۲۷) فردی هستم که دارای رؤیا می باشم (تصویر روشن ذهنی از آینده ای مطلوب که خدا می بخشد). توانایی بیان رویا را به گونه ای دارم که دیگران سر سپرده می شوند تا آن رویا را به واقعیت تبدیل کنند.
- ۲۸) می خواهم تسلیم اراده خدا باشم به جای اینکه مطالب را تحت سؤال ببرم و مردد و سست باشم.
- ۲۹) مایلم در رساندن انجیل به مردم نقاط دیگر جهان فعال تر باشم.
- ۳۰) انجام کارها برای افراد نیازمند مرا دلشاد می سازد.
- ۳۱) با موفقیت می توانم گروه افراد را دست به کار کنم تا کارشان را با خوشنودی انجام دهند.
- ۳۲) می توانم با کسانی که نمی شناسم طوری رفتار کنم که احساس راحتی داشته باشند.
- ۳۳) توانایی برنامه ریزی برای روش های آموزشی را دارم.
- ۳۴) می توانم تشخیص بدهم چه کسانی نیاز به تشویق دارند.
- ۳۵) مسیحیان را تربیت کرده ام تا شاگردان مطیع تری برای مسیح باشند.
- ۳۶) مایلم هر کار لازم را انجام دهم تا بینم دیگران به مسیح روی می آورند.
- ۳۷) به سوی افراد دردمند جذب می شوم.

- ۱۲) در موقعیت های دشوار، توانایی خاصی برای توکل و اعتماد به خدا دارم.
- ۱۳) علاقه بسیاری برای مشارکت در تاسیس کلیساهای جدید دارم.
- ۱۴) برای رفع نیازهای شخصی و عملی افراد، دست به عمل می شوم به جای آنکه صرفاً درباره کمک صحبت یا برنامه ریزی کنم.
- ۱۵) علاقه دارم در منزل خود از میهمانان پذیرایی کنم.
- ۱۶) می توانم راهنمایی هایم را طوری وفق دهم که مناسب بلوغ فکری همکارانم باشند.
- ۱۷) قادرم کارهایی را که مطابق با ارزش ها و علائق افراد هستند بین آنها تقسیم کرده، به آنها واگذار کنم.
- ۱۸) توانایی و علاقه به تعلیم دارم.
- ۱۹) معمولاً قادرم موقعیت ها را به درستی ارزیابی کنم.
- ۲۰) من طبیعتاً علاقه به تشویق دیگران دارم.
- ۲۱) علاقمندم پیشقدم شوم و به مسیحیان دیگر در رشد ایمانشان یاری دهم.
- ۲۲) ادراکی قوی در درک احساسات دیگران نظیر تنهایی، درد، ترس و خشم دارم.
- ۲۳) شادمانه، شخصی دهنده هستم (علاقمندم از وقت و امکاناتم با سخاوتمندی و مهربانی برای بهره مند ساختن یا تشویق دیگران استفاده کنم).
- ۲۴) اوقاتی را برای کنکاش در حقایق صرف می کنم.

۲- گاهی ویژگی من است / در ۲۵٪ مواقع درباره من صدق می کند

۱- به هیچ وجه ویژگی من نیست / درباره من اصلاً صدق نمی کند



_____ (۱) به طور موثری توانایی سازماندهی ایده ها، منابع، زمان و افراد را دارم

_____ (۲) مایلیم برای تعلیم دادن، کار مطالعه و آمادگی را انجام دهم.

_____ (۳) می توانم حقایق الهی را به موقعیت های خاص ربط دهم.

_____ (۴) توانایی خدادادی در کمک به دیگران جهت رشد ایمانشان دارم.

_____ (۵) دارای توانایی ویژه برای بیان حقیقت نجات هستم.

_____ (۶) در وقت ضرورت قادر به اخذ تصمیمات بسیار مهم هستم.

_____ (۷) نسبت به ناراحتی ها و آسیبهایی که مردم دیده اند حساس و همدرد هستم.

_____ (۸) شاد می شوم که با سهیم ساختن دیگران در اموال خود، نیازها را برآورده کنم.

_____ (۹) به مطالعه علاقمند ام.

_____ (۱۰) پیام هشدار و داوری خدا را به دیگران رسانده ام.

_____ (۱۱) می توانم تشخیص دهم انگیزه های افراد و دلیل واقعی حرکت هاشان چه

هستند.

بر آورد عطایای روحانی

دستورالعمل ها

این یک آزمون نیست، پس جواب غلط وجود ندارد. بر آورد عطایای روحانی شامل ۸۰ جمله است. برخی از آنها اموری هستند که در عمل انجام می شوند؛ بعضی دیگر خصائل توصیفی هستند؛ و همچنان برخی دیگر بیان اعتقادات هستند.

- پاسخی که حس می کنید بهترین توصیف از شما را دارد انتخاب کنید و آن عدد را در جای خالی قرار دهید. پاسخ خود را در جای خالی کنار هر مورد بنویسید.
- وقت زیادی را صرف پاسخ دهی به هر مورد نکنید. به یاد داشته باشید که این یک آزمون نیست. معمولاً پاسخ فوری شما بهترین پاسخ است.
- لطفاً به هر مورد پاسخ دهید. هیچ موردی را از قلم نیندازید.
- از دیگران نپرسید که چگونه پاسخی می دهند یا فکر می کنند شما چگونه باید پاسخ دهید.
- می توانید هر مقدار وقت لازم دارید برای این آزمون صرف کنید.

انتخاب پاسخهای شما عبارتند از:

- ۵- این بیشترین خصلت من است / کاملاً درباره من صدق می کند
- ۴- اکثر اوقات این خصلت را دارم / اکثر اوقات درباره من صدق است
- ۳- به دفعات زیاد این ویژگی در من است / در ۵۰٪ مواقع درباره من صدق می کند

لطفا توجه داشته باشید همراه با این صورت برداری از عطایای روحانی، لازم است از عیسی مسیح دعوت کنید در قلب و زندگی شما وارد شود، و روح القدس در شما ساکن باشد، تا این پرسشنامه معنا پیدا کند. دلیل این است که افرادی که پیرو مسیح نیستند عطایای روحانی به آنها داده نشده است.

فصل ۸

عطایای روحای

تفکر و تعمق در آنچه خواندیم

۱- چرا خدا به کلیسا عطایای روحانی بخشید؟

۲- بر طبق عطایای فهرست شده، اولین عطیه شما چیست؟ اگر مطابق بالاترین شماره، بیش از یک عطیه دارید آن را نیز فهرست کنید.

دعا می‌کنم با این دروس مطالعاتی، درک عمیق‌تری یافته‌اید که استفاده از عطایای عالی که خدا به شما بخشیده است به چه معنا می‌باشد. امید است بیشتر به عطیه‌های خود پی برده‌اید و با اشتیاق می‌خواهید به بینید جایگاه و نقش حقیقی شما در کلیسا، آنطور که خدا شما را مستعد ساخته است، کدام است.

مورد تشویق قرار میگیرند یا دستاورد ها به حساب دیگران گذاشته میشود شادی بسیار می کنند. آنها افرادی منحصر به فرد و پر ارزش هستند.

مبشر: کسی است که می تواند با هر کسی (و منظورم هر کسی است 😊) در باره ی عیسی صحبت کند. لیکن نه تنها این اشخاص می توانند در باره خداوند صحبت کنند، بلکه دارای عطیه توضیح اصول روحانی هستند تا در نتیجه دیگران بتوانند آنها را به وضوح درک کنند. آنها دیگران را نیز ترغیب می کنند تا وارد رابطه با مسیح شوند که به سوی نجات هادی خواهد شد.

این براستی عطیه ای است که شخص بدون آنکه طرز صحبتش رنجش آور باشد، بشارت انجیل را بدهد و در عین حال شهادت ضروری را برای بازگو کردن حقیقت به دیگران داشته باشد. علاوه براین، تمام مسیحیان خوانده شده اند تا ایمان خود را تا حدودی با کسانی که می توانند بر آنها اثر گزار باشند در میان بگذارند. نمی توانیم بهانه بیاوریم که "خب! من که مبشر نیستم" زیرا پیرو مسیح از بشارت دادن معاف نمی باشد!

خلاصه

به یاد داشته باشیم وقتی نجات را دریافت کردیم خدا عطایای ما را همان موقع به ما بخشیده است. هر آنچه برای خدمت به او نیاز است در اختیار داریم (اول قرنیتیان ۱ آیات ۴ تا ۹). وظیفه ما این است که از طریق کشف و آزمایش دریابیم عطایای ما کدام هستند. سپس با تمام قوت و انرژی که خدا تامین می کند باید از عطایای خود استفاده کنیم. همانطور که تا کنون اشاره شد، از این می دانیم عطایای حقیقی خود را به کار میگذاریم که از استفاده از آنها شاد باشیم، و دیگران به طریقی مثبت تحت تاثیر قرار بگیرند و آنها خداوند را جلال دهند.

اول اینکه لازم است فردی دارای عطای ترجمه زبانها آنجا باشد - کسی که خدا به او توانایی بخشیده است تا زبانهای روحانی را بفهمد و آنچه گفته شده را برای کلیسا به زبان آنها بازگو کند. دوماً، باید با نظم انجام شود (اول قرن‌تین ۱۴، آیات ۱ تا ۱۹ و آیات ۲۲ و ۲۳).

من با کلیسایی که اجازه می دهد مردم در سالن کلیسا به این طرف و آن طرف بروند و با صدای بلند بیان هایی نامفهوم بگویند، موافق نیستم. این روح اتحاد و یا محبت را ایجاد نمی کند و باعث می شود میهمانان کلیسا که با این عطیه آشنا نیستند، خود را غریبه احساس کنند و بسیار ناراحت شوند - هر دو این حالات لطمه بزرگی وارد می کنند.

من چند بار در جلساتی نظیر این بوده ام و به نظر می رسد روح القدس اصلاً آنجا نبود. به عقیده من، اگر جلسه کلیسایی یا گردهمایی در نام مسیح آنقدر بی نظم و پر هرج و مرج باشد که نتوانید بر خداوند تمرکز کنید، مشکلی وجود دارد.

می دانم عده ای با این نظر و برآورد من مخالف اند. ما باید بدون در نظر گرفتن تفاوت‌هایمان، با یکدیگر با محبت و محترمانه رفتار کنیم. من در اینجا صرفاً آنچه را که فکر می کنم از کتاب مقدس آموخته ام و شخصاً دیده ام، بیان می کنم.

و مسلماً منظور این نیست که صحبت به زبانها کار خوب یا درستی نیست. فقط نیاز هست با روشی که مورد نظر خدا است انجام شود تا کسانی که دارای این عطیه هستند (و اگر مناسب باشد، برای شنوندگان) به بهترین وجهی مفید باشد و خدا را جلال دهد.

یاری دادن: این عطیه ی کسی است که حاضر است از دیگران حمایت کند بدون اینکه توجه زیادی به خود جلب نماید و یا حتی برای عطیه اش مورد قدردانی قرار بگیرد. این افراد ممکن است ترجیح دهند دیگران حتی کارهای آنها را نبینند و وقتی دیگران

لیکن خدا "عطیه" تشخیص را به بعضی نمی دهد (اول قرن‌تین ۱۲ آیه ۱۰). همانگونه که قبلاً اشاره شد، این مقیاس بیشتری از تشخیص است که توانایی غیر معمولی عمیق دیدن موقعیت های **روحانی** است که در ظاهر آشکار نیستند. مسیحیان دارای این عطیه، مشاوران بسیار خوبی می شوند.

زبانها و ترجمه زبانها : این عطیه یکی از عطایایی است که بیشتر از همه مورد سوء رفتار و سوء برداشت قرار گرفته است. عطیه زبانها در کتاب اعمال رسولان/کارهای رسولان استفاده می شد تا به اقتدار روحانی رسولان اعتبار بخشد (اول قرن‌تین ۱۴ آیه ۲۲). این صحبت به زبانها صرفاً "بیان ها" نبود، چنانچه اغلب امروزه دیده می شود. به معنای واقعی سخن گفتن به زبان های دیگر بود تا مردمان حاضر که زبانشان فرق می کرد بتوانند موضوع را به زبان خودشان بشنوند (اعمال ۲ آیه ۴). این یک معجزه واقعی بود و مردم را متقاعد می کرد که قدرت خدا در پیروانش وجود دارد!

امروزه عطیه زبانها را ایمانداران به طور عمد در صحبت با خداوند استفاده می کنند (یا می بایست اینگونه استفاده شود) (اول قرن‌تین ۱۴ آیه ۲). هدف از این عطیه این است که وسیله ی ارتباط عمیق تر ما با خداوند باشد. همه کس عطای زبانها را ندارند (اول قرن‌تین ۱۲ آیه ۳۰). اما برخی کلیساهایی که بیش از حد بر این عطیه تأکید می کنند ممکن است کسانی را که به زبانها صحبت نمی کنند به حساب نیاورند؛ گاهی اوقات تا جایی پیش می روند که می گویند کسانی که به زبانها "صحبت نمی کنند" مسیحی نیستند! این کاملاً خلاف کتاب مقدس است.

همچنین شرایطی پیش می آیند که کسی در جلسه ی کلیسا به زبانها سخن می گوید. باید بدانیم دو معیار وجود دارند تا بتوانیم پی ببریم آیا سخن او از خداوند است یا خیر:

مطالعات نشان می دهند مردم تحصیل کرده و دارای در آمد بالاتر، نه تنها کمتر به شفا *ایمان* دارند، بلکه کمتر آن را تجربه می کنند (مطالعات «بارنا» با عنوان «اکثر آمریکایی ها شفای مافوق طبیعی را باور دارند» - چاپ ۲۰۱۶).

انجام معجزات : خدا، خدایی معجزه گر است! او تغییر نمی یابد، پس می دانم معجزات خود را روزانه در سراسر جهان ادامه می دهد. اما همانند شفا، معجزات واقعی (وقایعی که نمی توان به کارها یا دستاوردهای انسانی نسبت داد) بیشتر در میان کسانی رخ می دهد که واقعا به وجود آنها باور دارند. همچنین معجزات اغلب در زمانبندی غیر معمول و نیز وقایع غیر معمول به ظهور می رسند.

همچنین به نظر می رسد مسیحیان ساکن کشورهایی که بخاطر ایمان شان مورد آزار های بسیار قرار دارند، در مقایسه با کلیساهای آمریکا، شاهد معجزات بیشتری (شامل شفای جسمی) هستند. به طور مثال، همگان اطلاع دارند کلیساهای زیرزمینی در *ایران* در حال حاضر سریع ترین رشد کلیسایی در جهان را دارند، و بیشتر بدین خاطر است که مسیح خود را در رویاها و خواب ها به مردم ظاهر می سازد.

تمیز و تشخیص: تشخیص به طور اساسی، توانایی تمیز نیک و بد است و حس اینکه چیزهایی "اشتباه یا ناجور" هستند، مانند وقتی که خطر وجود دارد اما هیچ نشانه معقولی از آن دیده نمی شود. از آنجا که روح القدس را داریم که در ما زندگی می کند، تشخیص تا حدی در دسترس تمام ایمانداران است و هر چه بیشتر خدا و کلام او را بشناسیم تشخیص ما پرورش بیشتری خواهد یافت (عبرانیان ۵ آیات ۱۱ تا ۱۴). واژه دیگر برای کلمه "تشخیص" در ترجمه قدیم "تمیز دادن" می باشد.

کار برند، به نحوی که برای شنونده بیشترین مفهوم را داشته باشد. حکمت، آن است که آنچه را از کتاب مقدس (دانسته ها) و از روح خدا آموخته اید، در زندگی تان عمل کنید.

شناخت خاص: توانایی خدادادی برای فهم معانی عمیق کتاب مقدس است. هدف از این عطیه آن است که شخص، دانش خود را از کتاب مقدس با دیگران در میان بگذارد. همچنین گونه‌ای از تمیز دادن و تشخیص است که بتوانیم ژرفای امور روحانی را بدون اینکه واقعا ادله‌ای در اختیار داشته باشیم "به بینیم".

ایمان: همه ما ایمان داریم، وگر نه مسیحی نیستیم! اما به برخی افراد میزان بسیار بیشتری از ایمان عطا شده است. این عطیه مقرر شده تا او میزان و توانایی ایمان را در ایمانداران دیگر برانگیزاند تا ایمان داشته باشند خدا آن شخصی است که می فرماید و جویندگان خود را پاداش می دهد (عبرانیان ۱۱ آیه ۶). چنین فردی دارای توانایی افزایش ایمان در دیگران است.

شفا دهنده: امروزه به نظر می رسد شفای "جسمی" کمتر اتفاق می افتد، به خصوص در کشورهایی که از صنعت پیشرفته تری برخوردارند. به عقیده من تا حدی به این دلیل است که شفا یک امر بسیار هیجان انگیز و چشمگیر است و مردم گرایش بسیار به پرستش کسی دارند که عمل شفا را انجام می دهد تا آنکه طبیب اعظم خویش، عیسی مسیح را بپرستند.

همچنین فکر می کنم شفا در کشورهای جهان سوم رایج تر است زیرا بسیاری از مردم هرگز پیام انجیل را نشنیده اند، و معجزات قدرت و وجود خدا را اثبات می کنند. مردم در آن فرهنگها ایمان بسیار قوی دارند و چون پیام خدا را پی در پی رد نکرده اند، ایمانشان لغزش نخورده و مستحکم است.

همچنین به معنی "رحم کردن/داشتن" است. رحم کردن یعنی مجازاتی را که کسی سزاوار آن است بر او روا نمی‌داریم، همان گونه که خدا نیز به فراوانی با ما چنین می‌کند. پس ما نیز باید با دیگران به فراوانی آن را به کار بگیریم. جالب است که در زبان عبری کلمه مهربانی اغلب برای توصیف ارزش سنگهای قیمتی استفاده می‌شود.

شبان: کلمه یونانی "پویمِن poemen" به معنی چوپان است. اگر چه "پویمِن" در کتاب مقدس به ندرت به معنی "شبان" به کار رفته است، در اکثر موارد به عبارت "چوپان" ترجمه شده است. بنابراین در واقع، صحبت ما درباره عطیه شبانی کردن است نه جایگاه شبانِ کلیسا. اگر چه یک شبانِ مفیدِ کلیسا باید عطیه ی شبانی داشته باشد، اما افرادی که عطیه ی شبانی دارند لزوماً شبان نیستند. کسانی دارای عطیه ی شبانی هستند که طبیعتاً جویندگان مشاوره و راهنمای پرورشی (منتور mentor) را به خود مجذوب می‌سازند.

دهنده سخاوت‌مند: در گمان اول، عبارت "دادن" معمولاً پول را به ذهن می‌آورد. اما افرادی که دارای عطیه ی "دادن" هستند توانایی ویژه برای پی بردن به نیازهای دیگران و رفع آنها دارند. این می‌تواند مربوط به نیازهای فیزیکی، ذهنی، احساسی، روحانی و مالی باشد. چنین ایمانداری وقتی به نیازهای افراد برای تأمین آنها رسیدگی می‌کند، شادی ویژه ای را تجربه می‌کند.

مشاور حکیم: مصداق حکمت کتاب مقدسی است. کلمه "حکمت" از واژه یونانی "صوفیا" می‌آید. این نه تنها توانایی برای زندگی خدا پسندانه است، بلکه جهت نشان دادن و تعلیم به دیگران است که چگونه حقایق کتاب مقدس را در زندگی خود به

خوانده می شود، زیرا او مددکار، تسلی دهنده و مدافع ماست (یوحنا ۱۴ آیه ۱۶؛ و باب ۱۵ آیه ۲۶).

رهبری: ممکن است عنوانی مسلم به نظر برسد اما نیاز به کمی توضیح دارد. اول از همه، رهبران حقیقی در کلیسا از طرف خداوند دعوت شده اند؛ آنها خود را منصوب نمی کنند (۱ قرن تیان باب ۱ آیه ۱). یک رهبر عطیه یافته، کسی است که با سرمشق دیگران بودن رهبری می کند و حاضر است به کسانی که رهبری شان می کند خدمت کند (متی ۲۰ آیات ۲۵ تا ۲۸). این به معنی "پادری بودن" نیست. اینگونه رهبران شخصیتی بسیار قوی دارند و می بایست مورد احترام قرار گیرند. اما انگیزه ی آنها باید انگیزه ی خادمی باشد که مشتاق خدمت است. خداوند ما نمونه کاملی از یک "رهبر خادم" و چنین طرز فکری بود.

اگر با "رهبری" مواجه شوید که این عطیه لازم را ندارد، می بینید متکبر و مغرور است، سخت می توان به او نزدیک شد، خشن و ایراد گیر است، و فکر می کند: "حرف، حرف من است و بس!". اینگونه افراد قادر نیستند انتقاد از خود را بپذیرند یا از کسی آموزش بگیرند.

مهربانی: خداوند از همگی ما دعوت کرده است تا مهربان باشیم (غلاطیان ۵ آیه ۲۲؛ افسسیان ۴ آیه ۳۰ تا ۳۲). کلمه کاربردی در اینجا "کریستوس chrestos" می باشد که به معنی "مناسب برای استفاده" است! خدا زمانی می تواند از ما بیشترین استفاده را بکند که مهربان باشیم؛ یک مثل قدیمی می گوید "با عسل آسان تر می توان مجذوب ساخت تا با کدوی حنظل!"

لیکن معنی متداول تر برای نبوت و یقیناً سودمندترین معنی آن چنین است: "توانایی توضیح کتب مقدس به طرزى که شنونده بتواند آنها را درک کند". همچنین افراد دارای این عطیه با پیغامها (یا تعالیم خویش) ایمانداران را تقویت و تشویق می کنند و تسلی می بخشند (اول قرن‌تیاں ۱۴ آیه ۳).

خدمت : این عطیه‌ی "کمک" نیز خوانده می شود و اشتیاقی ویژه برای خدمت به دیگران است، که اغلب با فداکاری های بزرگ برای آن شخص به همراه است. افراد دارای این عطیه ترجیح می دهند خدمت شان را در برابر عموم انجام ندهند و مایل نیستند مورد توجه دیگران قرار بگیرند. تکرار می کنم، همه ما موظف هستیم یکدیگر را خدمت کنیم، اما شخصی که صاحب این عطیه است با لذتی عمیق و نتایجی چشمگیر کار را انجام می دهد!

معلم: این عطیه نیاز به توصیف ندارد. اما مؤثر بودن آن را با نظارت و مشاهده ی رشد در افرادی که تحت تعلیم هستند تشخیص می دهیم. اگر حقیقتاً دارای این عطیه هستید، مردم نه تنها باید به تعلیم شما علاقه‌مند باشند، بلکه باید انگیزه بگیرند تا در اثر تدریس شما دست به عمل شوند.

تشویق کننده: این عطیه را همچنین "عطیه ترغیب و دلگرمی" می خوانند، که اغلب به معنی "مصرانه یا با جدیت، برانگیختن دیگران برای اقدام به عمل" است. این عبارت از کلمه یونانی "پاراکتوس paracletos" می آید به معنی "دعوت از کسی به آمدن در کنار خود، یا به همراه کسی آمدن" است. تصویری از شخصی است که به کنار شما می آید تا یاری دهد و به شما انگیزه ببخشد، و تا شما را پایدار در مسیرتان حفظ کند، و اگر خسته یا کند شوید یاورتان باشد. در واقع، روح القدس به نام "پاراکت Paraclete"

در مقابل، عطایایی وجود دارند که باید صرفاً توسط کسانی که آن عطای خاص را یافته اند مورد استفاده قرار بگیرند، مانند معلم، رهبر و شبان. وقتی افراد سعی می کنند آن گونه عطایایی را که به آنها داده نشده است به کار ببندند، نتیجه می تواند شکست بزرگی باشد. همه ما تحت رهبری کسانی بوده ایم که تصور می کنند روسای خوب یا لیدرها یا شبانان شایسته ای هستند (در حالیکه نیستند)؛ یا تحت تعلیم کسانی بوده ایم که تصور می کنند خوب تعلیم می دهند (اما اینطور نیست) ... از نتیجه ی کارهای این افراد خواهیم دانست آیا این افراد حقیقتاً عطیه یافته اند یا خیر.

عطایای خاص

این بخش تنها یک بررسی اجمالی از عطایاست. کتابها و وب سایت های مفید و فراوانی برای مطالعه عمیق تر آنها در دسترس می باشند. من همه ی آنها را نام نبرده ام اما جهت موضوع مورد بحث، شرح بیشتری در چند مورد آنها ذکر می کنم:

نبوت: نبوت می تواند عطیه پیش بینی آینده باشد و این در میان انبیای عهد عتیق رایج بود. بیشتر نبوتهای آینده که درباره آن زمان خواندیم به این دلیل ثبت شده بودند که تمامی کتب کتاب مقدس هنوز نوشته نشده بودند.

نبوت همچنین برای اثبات اعتبار پیام خدا به مردم استفاده می شد. البته، تنها خدا می داند در آینده چه رخ خواهد داد. پس او به انبیا آنچه را در شرف وقوع بود مکشوف می کرد و وقتی آن واقعه رخ می داد ایمان مردم تقویت می شد و بی ایمانان به خداوند روی می آوردند. باور دارم انبیایی که آینده را پیش بینی می کنند هنوز وجود دارند، اما آنها نادر هستند (ارمیا ۲۸ آیه ۹).

کنیم تا در آنها مهارت بیابیم. وقتی عطایای خود را به کار می‌گیرید، آنها خدمت شما را برای خداوند پربارتر و دلپذیرتر می‌سازند.

تأکید می‌کنم، هدف از عطایا همیشه بر دیگران تمرکز دارد و لازم است مسیح محرک اصلی استفاده از آنها باشد. مهمتر از همه، آنها برای جلال خدا هستند نه برای انجام اهداف خود محور ما.

پس عطایا چه هستند؟

چندین قسمت در کلام خدا عطایا را نام می‌برند. دانشمندان کتاب مقدس نظرات مختلفی درباره تعداد عطایای عنوان شده در کلام خدا دارند، لیکن ما به چند مورد خاص که در آیات زیر آمده‌اند می‌پردازیم. پیش از این افسسیان فصل ۴ آیات ۱۱ تا ۱۳ را خوانده ایم.

بیابید رومیان ۱۲ آیات ۳ تا ۸؛ اول قرنتیان فصل ۱۲ و ۱۴؛

و اول پطرس فصل ۴ آیات ۷ تا ۱۱ را بخوانیم.

می‌خواهم خاطر نشان کنم زمانهایی هست که اگر حتی عطیه خاصی ندارید، با وجود این مسئولیت دارید به آن صورت عمل کنید. برای مثال، شاید عطیه "بخشنده سخاوتمند" را نداشته باشید، اما این بدان معنا نیست که **نباید** بخشنده سخاوتمندی باشید. همچنین شاید **عطیه** خدمت‌گزاری را نداشته باشید اما این بدان معنا نیست که نباید مرتباً به دیگران خدمت کنید.

و پربار می شود. در اصل، تأیید عطایای شما از کلیسا می آید. نتیجه نهایی عطایای ما باید به روشنی باعث برکت دیگران باشد.

احتیاط کنید: عطایا قطعاً می توانند مورد سوء استفاده و تحریف قرار گیرند، بیشتر به این دلیل که طبیعت ما گناه آلود است. به عنوان مثال در کنار عطایای "برون گرا" که همگان آنها را می بینند (شبان، معلم، رهبر، مبشر) غرور و خود کفایی می توانند موانعی مخرب باشند. وقتی افراد برای عطایای خود همواره مورد تحسین واقع می شوند، ممکن است توانایی آنها را از خود انکار کنند در حالی که آن قدرت و توانایی ها تنها از خدا است. در کنار عطایایی که احتمالاً "درونگرا" هستند (خدمت، مهربانی، دهنده گی و بخشندگی)، شخص ممکن است در تلاش برای احساس ارزشمندی یا پذیرفته شدن در جمع، به روشی ناسالم خودفدایی کند. شهید شدن به خاطر "خودمان" هرگز زیبا نیست. این افراد ممکن است گرایش پیدا کنند مورد بهره برداری و سوء استفاده قرار گیرند زیرا عشق به خدمت دارند.

البته منظور این نیست که بگوییم فقط افرادی که آن عطایا را دارند دچار چنین مسائلی می گردند. اما اگر شما آن عطایا را دارید، مراقب باشید در دام هایی که احتمالاً بر سر راه شما قرار می گیرند نیفتید. از این رو مهم است رشد شخصی را در مسیح ادامه دهیم تا وقتی عطایای ما مورد استفاده قرار می گیرند حقیقتاً برای دیگران به کار روند و به طرزی سالم برای ما مفید باشند و خدا را جلال دهند.

پی بردن به عطاهایمان به همان اندازه ی پی بردن به طرز استفاده از آنها لذت بخش است! اما مانند هر پروژه جدید، آنها باید مورد آزمایش قرار گیرند و اغلب از آنها استفاده

داشتن "استعداد" ، شخص نیاز ندارد به خدا ایمان داشته باشد. اما استعدادها بیشتر با خوی طبیعی ما مرتبط هستند، و با آنچه به عنوان "انسان" به خوبی انجام می دهیم.

حتی شاید پی ببریم که عطایای روحانی ما مشابه استعدادهای ما هستند. به عنوان مثال، ممکن است استعداد حمایت از دیگران را حتی قبل از نجات خود داشته ایم. بعد از نجات، روح القدس ممکن است عطیه " تشویق " را به ما ببخشد. (همانند حمایت از دیگران).

تفاوت در این است که عطایای روحانی ما در این زمینه از قدرت بیشتری برخوردارند و به ویژه عطا شده اند تا کلیسا رشد کند و به سوی پُری و تمامیت پیش رود (افسسیان ۴ آیات ۱۱ تا ۱۳). اما به یاد داشته باشید که کلیسا صرفاً برای حمایت و بنای اعضای خود پیشبرد نمی یابد، بلکه تا به جهان نیز سهم برساند و چراغی درخشنده برای نور افشاندن و امید بخشیدن به بی ایمانان باشد.

علاوه بر این، عطایای روحانی از **هدایت روحانی** حاصل می شوند، نه از قدرت **انسانی**. حتی اگر کلیسای شما لزوماً عطایا را به کار نمی بندد (مانند تعلیم درباره آنها و تقسیم مسئولیتها در کلیسا بر طبق عطایا) ، شما در برابر خداوند مسئول هستید که از عطایایی که او به شما بخشیده استفاده کنید. بیاد داشته باشید عطایای روحانی همیشه در سر و کار با افراد هستند و همیشه شامل اقداماتی برای کمک به دیگران هستند.

بهترین راه برای اثبات اینکه عطیه یا عطایای شما اصیل هستند این است: (۱) از استفاده از عطایای خود دلشاد هستید و برای شما بار و زحمت نیستند. (۲) دیگران در بدن مسیح تایید می کنند وقتی شما عطایای خود را به کار می بندید زندگی آنها نیز غنی

کلمه «کاریزما» همچنین به عنوان "رهایی یافتن از خطر یا غرایز نفسانی" آمده است. وقتی در روح القدس زندگی می‌کنیم و عطایای خود را به کار می‌بندیم، ثمرات نیکوی رهایی و خلاصی در زندگی ما به چشم می‌خورند! وقتی با قدرت روح القدس عمل می‌کنیم و کارهای ملکوت خدا را انجام می‌دهیم شیطان خوشش نمی‌آید. هنگامی که عطایای خود را به عمل می‌گذاریم اغلب یک عاملی ما را محافظت می‌کند.

اگر چه عطایای روحانی برای کلیسا در نظر گرفته شده‌اند، اما طبیعتاً دامنه گسترده‌تری دارند و در خدمت ما به بی‌ایمانان نیز عمل می‌کنند. برای مثال عطیه‌های سخاوتمندی، مهمان‌نوازی و یا تعلیم، یقیناً می‌توانند وسیله‌ای باشند که جویندگان خدا به کلیسای مسیح روی بیاورند.

عطیه روحانی روش اصلی می‌باشد که روح القدس *با استفاده از* ایماندار برای خدمت به کار می‌گیرد. این توانایی مافوق طبیعی است برای خدمت به خدا - و او به ما اشتیاقی عظیم می‌بخشد تا وظایف آن عطیه را انجام دهیم. عطایا سرچشمه‌ی شادی در زندگی مسیحی هستند! آنها دعوت الهی همراه با مسئولیتی الهی هستند، زیرا برای هر عطیه‌ای که خدا به شما بخشیده است، همچنین برای کاربرد آن شما را فرا خوانده است. و برای هر آنچه مأموریت انجام دارید، عطیه آن را نیز به شما بخشیده است. (عبرانیان ۱۳ آیات ۲۰ و ۲۱).

عطایای روحانی در مقابل استعدادها

عطایای روحانی با "استعدادهای" ما تفاوت دارند. استعدادها نیز خدادادی هستند، زیرا همه انسانها چه بی‌خدا و چه ایمانداران حقیقی، به شباهت خدا آفریده شده‌اند. برای

پنطیکاست به پیروان مسیح داده نشدند (اعمال ۲ آیات ۳۲ و ۳۳؛ اول قرن‌تین ۶ آیات ۱۹ و ۲۰).

علاوه بر این کتاب مقدس می‌گوید که عطایای روحانی برای کلیسا و به منظور تقویت، حفظ، بنا و رشد روحانی کلیساست و تا قبل از اینکه مسیح جهان را ترک کند کلیسا وجود نداشت (یوحنا ۱۶ آیه ۷). در واقع، حتی نخستین باری که کلمه "کلیسا" در کتاب مقدس ذکر شده در متی ۱۶ آیه ۱۸ است!

این بدان معنا نیست که روح القدس در عهد عتیق قوم خدا را هدایت نمی‌کرده است یا به آنها قدرت نمی‌بخشید، زیرا کتاب مقدس به روشنی بیان می‌دارد که تمامی کتاب مقدس از الهام اوست (دوم تیموتائوس ۳ آیات ۱۶ و ۱۷؛ دوم پطرس ۱ آیات ۲۰ و ۲۱). هر یک از نویسندگان کتاب مقدس توسط روح خدا هدایت شدند. و البته روح القدس به افراد بسیار دیگری در عهد عتیق نازل شد (خروج ۲۵ آیه ۳۱؛ دوم تواریخ ۲۴ آیه ۲۰؛ و موارد دیگر). علاوه بر آن، خدا به همه آنها قابلیت‌های ویژه بخشید.

معنی کلمه "عطیه"

جالب است که کلمه "عطیه" در ارتباط با عطایای روحانی در زبان یونانی با معنی رایج آن یعنی "هدیه" متفاوت است. کلمه معادل آن "کاریزما" می‌باشد که در انگلیسی به معنی "عطیه‌ی جذب کردن افراد، دارا بودنِ جذابیت، خوشایندی یا کشش مغناطیسی" است. اما در اصل یونانی به معنای "قابلیت روحانی" و یا "موهبت روحانی" است. عطایای روحانی حقیقتاً توانایی‌های عملی و پر هدفی هستند که خدا به مسیحیان راستین می‌بخشد.

- پیش از شروع، لازم است فهرست عطایای روحانی موجود در انتهای این فصل را پُر کنید. لطفاً آن را کامل نموده و پیش از خواندن ادامه این فصل به پاسخ های خود امتیاز دهید.

عطایای روحانی در عهد عتیق؟

به عطایای روحانی در عهد عتیق آنطور که به ویژه در عهد جدید ذکر شده اند، اشاره نشده است. یقیناً، قوم خدا همیشه عطایای روحانی را داشته اند اما این عطایا تنها در عهد جدید به صراحت نامبرده شدند. عطایای روحانی توسط روح خدا، که شریک در آفرینش و ابدی و ازلی است، به ایمانداران عطا می شوند.

این بدان معنی است که روح خدا آفریده نشده است. همانند مسیح و خدای پدر، او پیش از آفرینش جهان وجود داشته است و نیز تماماً خداست. کارهای روح القدس در عهد عتیق دیده می شوند که در زندگی افراد برای اهداف مخصوص و رویداد ها و اشخاص و دوران خاص به صورت خدا عمل می کرد.

اما بعد از صعود عیسی مسیح بود که روح خدا نازل شد تا در همگی ایمانداران ساکن گردد (یوحنا ۱۴ آیات ۱۵ تا ۱۷). شایان توجه است که مسیح در این قسمت از کلام می گوید روح القدس اکنون **با ایشان** است (پیش از صعود مسیح ، وقتی او در جهان زندگی میکرد) اما پس از رفتن او ، **در ایشان** خواهد بود.

به باور من، دلیل اینکه عطایای روحانی در همه ایمانداران قبل از عهد جدید فعال نبوده این است که روح القدس هنوز در درون افراد ساکن نمی گردید و عطایای او تا روز

متاسفانه، برخی از کلیساها آشکارا درباره عطایای روحانی سخن نمی گویند، یا آنها را مورد بررسی و امتحان قرار نمی دهند و یا آگاهانه از آنها استفاده نمی کنند. و کلیساهای دیگر عطایای روحانی را مورد سوء رفتار قرار می دهند چون افرادی را که به عطایای خاصی باور ندارند یا از آنها بهره نمی گیرند طرد یا تحقیر می کنند - عطایای نظیر صحبت به زبانها یا شفا.

هدف از عطایا، یاری به تقویت اتحاد است نه جدایی. این موهبت ها به مسیحیان افزوده شده اند تا آنها یکدیگر را بنا کرده، مشوق هم ایمانان خود باشند. بنابراین اگر برای راندن و حس بیگانگی دادن، سردرگمی یا خوار شمردن دیگران استفاده شوند، به درستی به کار برده نمی شوند.

و صرفاً به دلیل این که کلیسای احتمالاً مشکل عقیدتی با شفا دادن و استفاده از عطیه زبانها داشته باشد، به این معنی نیست که خدا را به درستی خدمت نمی کند. به همین ترتیب، اگر در کلیسایی، عطایایی که "غیر معمول" تر هستند **استفاده می شوند**، آنهم بدین معنی نیست که چنین افراد مسیحی نیستند! اما عطایا باید بررسی شده، در تمامی کلیساها تا حدودی استفاده گردند.

علاوه بر این عده ای از مسیحیان بر این باور هستند که عطایای روحانی در این زمان کاربردی ندارند. به عقیده آنها، عطایا صرفاً در کلیسای اولیه عهد جدید استفاده می شدند و به مسیحیان امروزی اطلاق نمی کنند.

اما عطایای روحانی ابزاری بی نهایت مهم و ضروری هستند که خدا به ایمانداران برای خدمت به بدن مسیح (کلیسا) و خدمت به بی ایمانان ارزانی می دارد. در این فصل به طور خلاصه مشخص می کنیم برخی از این عطایا چه هستند و چگونه از آنها استفاده کنیم.

فصل هشتم

عطایای روحانی

اگر مدتی است مسیحی هستید، احتمالاً درباره "عطایای روحانی" شنیده اید، اما ممکن است به ماهیت آنها پی نبرده باشید یا اینکه چگونه می توانید تشخیص دهید دارای کدام شان هستید. همچنین شاید برایتان سوال پیش بیاید که چگونه باید از آنها استفاده کنید.

زمانی که افراد نجات روحانی را دریافت می کنند، خدا به هر یک عطایای روحانی شان را اضافه می نماید چون آنان عضوی از بدن او که همان کلیسا است شده اند (اول قرن تیان ۱۲ آیات ۵ تا ۱۲؛ افسسیان ۴ آیات ۱۱ تا ۱۳). این عطایا باید برای جلال و خشنودی خدا به کار گرفته شوند. همچنین این ها به طرز خاص برای خدمت به دیگر ایمانداران مورد استفاده قرار می گیرند. در عین حال عطایا همچنین برای یاری کسانی که پیرو مسیح نیستند مفید می باشند.

خدمت به سرور مان جنبه های بسیار دارد. وقتی هدفمندانه از طریق خدمت به دیگران خدا را خدمت می کنیم، محبت خود را نیز به او ثابت می کنیم (یوحنا ۱۴ آیه ۱۵، آیه ۲۱، آیات ۲۳ و ۲۴؛ یوحنا ۱۵ آیه ۱۰، آیات ۱۳ و ۱۴ و آیه ۱۷). خدا به طرز منحصربه فرد، برای هر یک از ما ایمانداران قابلیت ویژه ای جهت خدمت به او و دیگران تعیین کرده است.

۴- کتاب مقدس می گوید اگر می خواهید در پادشاهی خدا بزرگ محسوب شوید باید خادم گردید. آیا این را به عنوان واقعیت باور دارید؟

آیا مایلید فراتر از خدماتی که کنوناً انجام می خادمی بیش از آنچه که اکنون هستید، بشوید؟

۵- کدام چیز را (یک چیز را در نظر بگیرید) می توانید انجام دهید تا بیشتر بر خدا تمرکز کنید؟

۶- چه کاری می توانید انجام دهید (یک کار را در نظر بگیرید) تا بیشتر به نیازهای دیگران رسیدگی کنید؟

فصل هفتم

خدمتگزاری

تفکر و تعمق در آنچه خواندیم

۱- آیا خود را بیشتر فردی خودخواه محسوب می کنید یا خدمت رسان به دیگران؟

۲- آیا فکر کرده اید که آیا بیشتر متوجه "امور این دنیا" هستید (لباس، پول، تحصیلات، شغل، وسایل الکترونیکی)، یا مسائل روحانی؟

۳- آیا کلمه " خادم " یا " خدمتگزار " باعث می شود احساس ناراحتی کنید؟ چرا؟

اینکه پژمرده شد به آن آب و کود بدهیم و انتظار داشته باشیم به زودی جانی تازه بگیرد. نیاز به زمان و کار و تلاش است تا آن درخت به وضعیت سالم و خوب بازگشت کند.

با تغذیه و آبیاری منظم در طولانی مدت است که زیبایی درخت جلوه گر می شود و سایه اش لذت بخش خواهد بود؛ همچنین با اینکار سلامت را خود را به اندازه کافی باز خواهد یافت تا میوه آورد. شایسته است که ما پیروان مسیح، در ملاقات با بیشماری افراد که جان و روان شان خشک و پژمرده گشته، جلوه داشته باشیم و همانند میوه های جانبخش و مغذی و سلامت آفرین، آنان را به منجی محبوب مان نزدیکتر سازیم.

در وقت فراغت خود و پیش از آغاز درس بعدی با عنوان "عطایای روحانی"، به فهرست "عطایای روحانی" رجوع کنید و به سئوالات در صفحات ۱۳۸ تا ۱۴۳ جواب دهید.

و به او بشارت دهیم! هر بار که به دیگران یاری می دهیم باید مژده ی انجیل را نیز به آنها برسانیم ؛ در غیر این صورت تلاشهای ما صرفاً کمک رسانی خواهد بود که بسیاری سازمانهای بشر دوستانه این یاری ها را انجام می دهند.

۲- همانطور که آیات فوق در اول پطرس می گوید ، ما می توانیم "قربانی های روحانی" به خدا تقدیم کنیم. یعنی می توانیم مستقیماً او را بستاییم، و نیز ستایش او را در صحبت هایمان به دیگران ابراز کنیم. من اغلب در گفتگو با دیگران، حتی بعضی اوقات در صحبت با افرادی که نمی شناسم عباراتی نظیر این می گویم: "عالی نیست که خدا چنین روز زیبایی آفریده؟" حتی با ذکر نام خدا و خلقت معجزه آسای او می توانید دیگران را به فکر خدا بیندازید.

۳- در کتاب مقدس، در رساله پطرس همچنین می خوانیم که می توان نیکویی خدا را به مردم نشان داد. این می تواند از طریق تبسم به کسی، تشویق افراد، حمایت از اشخاصی که توانایی یا شانس کمتری دارند، یا دیدار از خانه نشینان یا زندانیان یا کارهای بی شمار دیگر باشد.

فقط به یاد داشته باشید، هر کجا می روید نماینده مسیح هستید. انجام کارها در نام او (یعنی به نیت بشارت نام او) هدف اول شماس است. یکی از فصل های کتاب حاضر، با عنوان "در میان گذاشتن ایمان ما با دیگران" به جزییات بیشتری درباره نحوه انجام این کار می پردازد.

۴- می توانید از کتاب مقدس برای افرادی که با عیسی مسیح آشنا نیستند درس بدهید.

گرفتن فرخنده تر است". باید "بمیرید" تا زیست کنید. "بدهید تا به شما داده شود". اما راهها و افکار خدا از راهها و افکار ما بسیار بلند تر است و چون او ما را خلق کرده است می داند که اگر طبق هدایت او زندگی کنیم، رضایت حقیقی را خواهیم یافت.

اما همانگونه که خواندیم، باید فروتن باشیم تا بتوانیم خادم نیکو و وفادار گردیم. همه ما افرادی را ملاقات کرده ایم که "سیمت خدمت" را دارند اما به وضوح در خدمات شان افرادی "دهنده" نیستند و بینش و مهربانی نسبت به دیگران ندارند! طرز فکر و برخورد فروتنانه، ابتدا از رابطه ما با خدا شکل می گیرد. اگر روح فروتن نداریم، نخواهیم توانست مقام حاکمیت را که حق خداست در زندگی خود به او بسپاریم. بدون فروتنی، برای حفظ اختیار کامل زندگی مان مبارزه خواهیم کرد و این درست برخلاف کرداری است که ما خادمین به آن نیاز داریم. اگر تنها انگیزه ما این باشد که **دیگران به ما خدمت کنند**، هرگز درست خدمت نخواهیم کرد.

راههای عملی خدمت به خدا و دیگران کدامند؟

۱- کتاب مقدس می گوید که قوم خدا "کاهنان ملوکانه و امت مقدس" هستند. این هم درباره اسرائیلیان عهد عتیق و هم مسیحیان عهد جدید صدق می کند (خروج ۱۹ آیات ۵ و ۶ اول پطرس ۲ آیات ۵ تا ۱۰). یکی از مهمترین مسئولیت های کاهن هدایت مردم به سوی رابطه ای نزدیکتر با خدا بود.

ما باید با تمام حواس به دنبال فرصتهایی برای انجام اینکار باشیم. شاید برویم برای کسی غذا بخریم - و به او درباره مسیح بگوییم - یا به کسی کمک کرده و چمن او را بزنیم

وجود دارد. از هر چه "زیاده از حد پُر شویم" - چه نیکو و چه فاسد - به صورت ناخودآگاه "از درون ما سر ریز می شود".

علاوه بر این، اگر دریاچه‌ای فاقد ورودی یا خروجی باشد، راکد و خشک می گردد. این مسئله در ایمان مسیحی ما نیز بسیار صحت دارد. اگر نگذاریم روح القدس زندگی های ما را پُر سازد تا با خدمت، هر چه او به ما بخشیده به دیگران منتقل سازیم، ما بی روح، دلمرده و دارای بویی ناخوشایند خواهیم شد!

و همانطور که درخت سیب نمی تواند انجیر تولید کند، یک مسیحی حقیقی نیز نمی تواند تمام توجهش به خودش باشد. این دو موقعیت با هم ناسازگار هستند. یعنی تنها یکی از این حالات می تواند وجود داشته باشد. یا مسیح را دارید خدمت می کنید یا خودتان را (متی ۱۲ آیه ۳۰).

اگر شخص مسیحی اکثر زندگی خود را در پی انجام آرزوها و استعداد های خود بگذارد، و خواهان راحتی و لذت خویش، و برتر ساختن خود از دیگران باشد، **باید** به سوی صلیب باز گردد، توبه کند و بار دیگر مسیح را به عنوان خداوند و ارباب بپذیرد - و زندگی اش در تسلیم به برنامه و اراده خدا برای او صرف شود (رومیان ۱۲ آیات ۱ و ۲).

چگونه می توانم یک خادم واقعی شوم؟

بر خلاف انتظار، تنها زمانی که خود را در تسلیم شدن فروتن می نماییم و مطیع خداوند می شویم، به آزادی حقیقی و شادی خالص دست می یابیم (متی ۱۶ آیات ۲۴ تا ۲۶؛ دوم قرن‌تیاں ۳ آیه ۱۷؛ فیلیپیان ۲ آیه ۱۷). درست مانند بسیاری از اصول کتاب مقدس، این ظاهراً با منطق انسانی جور در نمی آید. " برای اول شدن " باید آخر باشیم. " دادن از

برای خدا، نجات را پاداش بگیریم زیرا تنها قربانی شدن عیسی و ریخته شدن خون او این را ممکن می‌سازد. نجات هدیه ای رایگان است و نمی‌توان آن را کسب کرد.

اما آنچه کتاب مقدس درباره حیات ابدی می‌گوید این است که **اگر** نجات یافته اید – "اگر برآستی از آن من (عیسی) هستی – آنوقت طبیعتاً زندگی خود را کنار خواهید گذاشت و مرا خدمت خواهید کرد (رومیان ۱۵ آیات ۱ تا ۳؛ دوم تیموتائوس ۲ آیه ۲۱). محبت همیشه خدمت می‌کند.

در زندگی کسی که برای مسیح زندگی می‌کند بدون وقفه کارهای خداپسندانه دیده می‌شود. یادآور می‌شوم که نجات "رایگان" هست، اما برای خدا به قیمت همه چیز او تمام شد و برای ما نیز شاگرد حقیقی بودن مطمئناً به بهای همه چیز ما خواهد بود. مسیح سرسپردگی کامل ما را می‌خواهد، نه اینکه صرفاً با دلی مردد، بسته گریخته کارهایی بکنیم (دوم قرنتیان ۶ آیه ۱۴).

چرا لازم است خدمت کنم؟

خدمت برای ما بخشی از پرستش خدا است. یک سوال عالی که باید از خود بپرسیم و نشانگر چیزهایی است که زندگی ما بر آنها تمرکز دارد این است: "من بیشتر وقت، علاقه، افکار، پول و انرژی خود را صرف چه کارهایی می‌کنم؟" به این صورت خواهیم توانست نوری کاورده و افشاگر بر ارزشها و انگیزه های حقیقی مان بتابانیم.

مسیح در بیان حقایق روحانی اغلب به طبیعت اشاره می‌کرد. ما می‌توانیم خدمت خود را به یک مخزن آب تشبیه کنیم. اگر سطح آب زیاد بالا برود یک دریچه کمکی وجود دارد – به آن سرریز می‌گویند – تا آب اضافی را خارج کند. در زندگی ما مشابه این نیز

هستید، اگر همانطور در "اسارت" مسیح باشید چقدر عالی خواهد بود! از درون تان نیرویی شما را **وادر** به کارهای نیک خواهد نمود! **نخواهید توانست** از سخاوتمند بودن، مهربانی و دلسوزی **خودداری کنید!** برای تان مشکل خواهد بود به هیچ چیز دیگر غیر از **خشنود کردن خدا/ بیندیشید!** علائق و فعالیت های دیگر خود را کنار خواهید گذاشت تا خود را صرفاً وقف خدمت خداوند نمایید.

وقتی خدا به ما فرمان داد: "**خداوند خدای خود را با تمام دل، تمام جان، تمام فکر و تمام قوت خود محبت کن**" (تثنیه ۶ آیات ۴ تا ۶ و متی ۲۲ آیه ۳۷)، دقیقاً منظور او همین بود.

بالعکس، اگر با دل و جان و وجود و ذهن مان خود را تقدیم خداوند نکرده ایم، تمایلی هم نخواهیم داشت با او خلوت کنیم و وقت پر کیفیت با او داشته باشیم. علاقه ای به خواندن کتاب مقدس یا هدیه دادن مقداری پول مان به او نخواهیم داشت. میل نخواهیم داشت به محتاجان کمکی برسانیم.

اما این را بدانید که اگر مُدام خواسته های خود را در اولویت قرار دهیم، او در سکوت از قلب و ذهن ما بیرون خواهد رفت. این وضع اسفناک برای بسیاری از مسیحیان خوش نیت واقعیتهای شده است. حقیقت این است که بعد از عقب نشینی در ایمان و در رابطه با خدا، تجدید رابطه با او مشکل تر از این خواهد بود که در عوض اطمینان حاصل کنیم رابطه نزدیک مان با او هر روزه حفظ شود.

خداوند ما همچنین به ما می فرماید **اگر می خواهیم به حیات جاودان دست یابیم باید زندگی خود را کنار بگذاریم و از راههای خودخواهانه مان بازگشت کنیم** (مرقس ۸ آیات ۳۴ تا ۳۸؛ یوحنا ۱۲ آیه ۲۵ و ۲۶). ایده تسلیم شدن به این معنی نیست که در ازای کار

اما زمانهایی وجود داشت که غلام با گذشت سالیان، محبت عمیقی نسبت به آن خانواده پیدا می کرد و تصمیم می گرفت بقیه عمرش را به میل خود به آنها خدمت کند. در چنین موردی، یک درفش (یک تکه تیز از سنگ چخماق، استخوان و یا فلز) در گوش غلام فرو می کردند که نشان دهنده یک عمر غلامی به میل شخصی بود.

این تصویر صحیح از آن رابطه ای است که باید با مسیح داشته باشیم. او می داند که اگر مالک تمام فکر و دل و اراده ما و جان و قوت ما باشد، آنوقت می تواند به ما نیرو بخشد تا نحوه زندگی مان بسیار عالی تر از یک زیستن زود گذر و بت پرستانه باشد، زیرا زمانی که تمام توجه ما بر خودمان است اغلب چنین زندگی را انتخاب کرده ایم. از آنجا که عیسی مسیح بی گناه بود، او سرمشق و رهبر کامل ماست تا در خدمتگزاری مانند او عمل کنیم.

پولس رسول اغلب خود را "غلام و بنده" عیسی مسیح می خواند و من این مفهوم را بسیار دوست دارم. کلمه "بنده" (بسیاری از ترجمه ها برای کلمه "بنده" از واژه "خادم" استفاده می کنند) در یونانی "دولوس" *doulos* می باشد که به معنی "در قید و بند بودن" یا "در اسارت بودن" است. من مسلماً می خواهم برای سرورم، آن غلام و بنده‌ی مشتاق و عمیقاً متعهد، همواره پر تمایل و دارای رابطه با او و تماماً تسلیم او باشم! می خواهم وقتی خداوندم را رو در رو می بینم از من بسیار خوشنود باشد!

شما اسیر و در بند چه چیز هستید؟

البته، برای ما مفهوم عبارت "اسارت و در بند بودن" نیز موضوعی منفی است. اما فقط تصورش را بکنید، همانطور که ممکن است حال در بعضی جوانب زندگی تان در اسارت

عیسی - خدا که جسم پوشید ، همکار در آفرینش ، شاه شاهان - به طرزی ناباورانه در مورد خود گفت: " من آمدم تا خدمت کنم، نه اینکه خدمت بشوم (متی ۱۲ آیه ۱۸؛ مرقس ۱۰ آیه ۴۵؛ فیلیپیان ۲ آیات ۳ تا ۸). او آمد تا خودش به عنوان قربانی ریخته شود و در نتیجه ما بتوانیم مقدس شویم و با او در حال حاضر و برای همیشه رابطه و مشارکت داشته باشیم.

راجع به عیسی حتی در کتاب اشعیا در عهد عتیق نبوت شده است. از او به عنوان "خادم رنج بر" و "خادم خداوند" یاد می شود (اشعیا ۴۲ آیه ۱ ؛ باب ۴۹ آیات ۵ تا ۷؛ باب ۵۲ آیات ۱۳ تا ۱۵). نکته شگفت انگیز این است که عیسی در لوقا ۴ آیات ۱۸ و ۱۹ به خود اشاره می کند. آیاتی که بدان اشاره می کند از اشعیا ۶۱ آیات ۱ و ۲ است و آن قسمت به حدود ۷۰۰ سال قبل از آنکه او حتی متولد شود بر می گردد!

ما از "خادم بودن" در جامعه خود به خاطر تفکراتی که از آن کلمه استنباط می شود طفره می رویم. فرهنگ ما اغلب کسانی که حداقل دستمزد را دارند یا برای امرار معاش خدمتگزار دیگران هستند تحقیر می کند. لیکن مسیح با هدفی خاص این واژه را به کار گرفت و از ما انتظار داشت زندگی خود را عملاً با این هویت در پیش بگیریم - درست همانطور که خودش این را به انجام رسانید (اشعیا ۵۳).

معانی کتاب مقدسی بسیاری برای کلمات غلام و خادم وجود دارد. اما آنچه هویت ما را به عنوان "غلام" خداوندمان مشخص می کند به زیبایی در عهد عتیق منعکس شده است (تثنیه ۱۵ آیات ۱۲ تا ۱۷). در این بخش می خوانیم که اگر کسی بدهی داشت، باید برای شخص یا خانواده ای که به آنها بدهکار بود مدت ۶ سال خدمت می کرد و در سال هفتم باید او را آزاد می کردند.

جدی ترین مسئله در این مورد این است که خدا نگفته است اگر "شاد" یا "خوب" باشید صاحب حیات ابدی خواهید شد. خدا صریحاً فرموده است که بدون پذیرفتن عیسی مسیح در قلب و زندگی تان، در جهان آینده و تا ابد با او نخواهید بود.

سپس افراد دیگری نیز وجود دارند که کاملاً مجذوب و شیفته خودشان هستند. مدام درباره موقعیت خود، دستاوردها و مشکلات خود صحبت میکنند، اما به ندرت برای آنچه دیگران انجام می دهند اهمیت قائل می شوند. این افراد "خودشان" را می پرستند. با اینکار آنها به معنای واقعی، انرژی شما را تخلیه کرده و پس از ملاقات با آنها به ندرت احساس بهتری دارید! این دو دسته از افراد یک وجه مشترک دارند: آنها به دیگران خدمت نمی کنند.

عیسی به عنوان خادم

عیسی همچنانکه شاگردانش را تربیت می کرد، درباره خادم بودن مطالب زیادی را خاطر نشان ساخت. پیام تکان دهنده او را در متی ۲۰ آیات ۲۵ تا ۲۸ می بینیم. معادل کلمه یونانی "غلام" در این قسمت از متن، "دیاکُنِئُو" "diakoneo" می باشد که کلمه انگلیسی "دِیکِن" (توضیح مترجم: در فارسی "شَمّاس") را از آن گرفته ایم. این کلمه به معنی "خدمت کردن"، "ملازم" و "پادو"ی گوش به فرمان و خدمتکار (کسی دیگر) نیز ترجمه شده است.

به درک انسانی ما، غلام کسی دیگر بودن معمولاً جایگاهی نیست که شاد کننده و لذت بخش باشد. اما خداوند ما دارد یکی از مهم ترین راهها را برای داشتن رابطه نزدیک با او، نیز برای پیشبرد اهداف پادشاهی او، و برای یافتن شادی توضیح می دهد.

حتی ممکن است آن طرز خدمت را یک نشان افتخار تلقی کنند. تمام توجهشان بر کاری است که انجام می دهند و نقش قربانی را ایفا می کنند. فرش پادری بودن نیز روشی افراط کارانه و ناسالم است!

چه چیز یا چه کسی را پرستش می کنیم؟

این انتخاب ماست که زندگی خود را وقف چه کسی یا چه چیزی می کنیم. دلیلی دارد که ستارگان سینما و ورزشکاران مشهور را مثل "بُت" قلمداد می کنیم! همه ما کسانی را دیده ایم یا درباره شان شنیده ایم که ظاهراً "همه چیز دارند". ممکن است به پول، قدرت، خانه، اتومبیل یا موقعیت شان غبطه می خوریم.

اما اگر مسیح در زندگی آنها نباشد، آنها در واقع در حفره خالی یک پوچی درونی زندگی می کنند. آنها اغلب چیزها و افراد را به حد پرستش دوست دارند، اما با انکار خدایی را رد می کنند که تنها کسی است که می تواند شادی عمیق و رضایت حقیقی را به آنها ببخشد. در واقع، معادل کلمه عبری برای "پرستش" همان کلمه ای است که برای "غلام و برده بودن" استفاده می شود. بنابراین، هر چه و هر که را پرستیم، بنده و غلام او هستیم (دوم پطرس ۲ آیه ۱۹).

حال افرادی را ملاقات کرده ام که می گویند شاد هستند، اما رابطه ای با مسیح ندارند. حس می کنند زندگی شان بدون خدا کامل است. باور دارم که می توانند یک زندگی نسبتاً "خوب" بدون خداوند داشته باشند ... اما ... این افراد بخش بزرگی از وجود انسانی خود، یعنی روحشان را نادیده می گیرند. آنها هرگز آن امید و شادی عمیق و هدفی را که خدا برایشان مقرر کرده است تجربه نمی کنند. ایشان نمی خواهند نجات دهنده را بشناسند و با او رابطه و مشارکت داشته باشند.

این طرز فکر نسبت به «خود» بر روی ذهن، احساسات، اراده و منش ما تاثیر می گذارد. وقتی احساس کنیم به کمک خدا یا دیگران نیازی نداریم، و در تمام شرایط به این صورت خود اتکا باشیم، وضعیت غیر طبیعی می شود. در نتیجه، شخص فکر می کند اتکا و وابستگی به خداوند به معنای "عصای زیربغل" است.

آنچه که انرژی و علاقه مان و در واقع قلب و جان مان را به آن معطوف کنیم، همان چیزی است که دوستش داریم و تحسین اش می کنیم. پس اساساً آن چیزی است که پرستش اش می کنیم. بر خلاف انتظار، هر قدر هم که خود را مستقل بدانیم، همه ما کسی یا چیزی را داریم خدمت می کنیم (رومیان ۶ آیه ۱۶). از رفتار ما معلوم می شود چه کسی را داریم واقعاً خدمت می کنیم - خدا یا خودمان را!

بنابراین اگر مهم ترین اولویت ما کسی یا چیزی جز خدا باشد، ستایشهای ما نیز به سویی نادرست خواهد بود و این دقیقاً همان عاملی است که نا رضایتی زیادی در زندگی برایمان ایجاد می کند. ما خلق شده ایم تا خدا را بیش از هر چیز دیگر دوست بداریم و خدمت کنیم.

اغلب متوجه نیستیم که اگر در زندگیمان خودمان یا دیگران یا چیزی را بالاتر از خدا قرار دهیم، شکست به سراغ ما خواهد آمد. حقیقت این است که تنها خدا است که شایسته عزت، احترام و محبت مطلق است. و ثمره - نتیجه تصمیماتی - که به بار می آوریم، شاهد نیت حقیقی قلب ماست. وقتی خدا را در جایگاه نخست قرار می دهیم، باز خورد زندگی ما خدمتگزاری خواهد بود، زیرا این خواست الهی است.

البته این قطعاً به آن معنا نیست که مراقبت از خودمان اشتباه باشد! برخی از افراد، خدا و دیگران را تا جایی خدمت می کنند که کاملاً از نیازهای خود غافل می مانند.

شد جانش را با مشقت و زجر عظیمی بدهد تا بسیاری نجات یابند. خدا با گذشت از خویش، تصویری از محبت واقعی را به ما نشان داد (غلاطیان ۱ آیه ۴؛ اول یوحنا ۳ آیه ۱۶). این محبت فداکارانه است و نیازی ندارد جواب محبتش را بگیرد تا به محبت کردن ادامه دهد. در واقع، تنها دلیلی که اساساً قادریم محبت کنیم این است که محبت از خدا سرچشمه می گیرد (اول یوحنا ۴ آیه ۱۹). انسانها به شباهت خدا خلق شده اند، بنابراین محبت آنان پرتوی از شخصیت خدا است (پیدایش ۱ آیه ۲۷). در اصل، همه ما از این توانایی برخوردار هستیم تا او را در بعضی جوانب زندگی خود منعکس کنیم، حتی اگر در رابطه او با قرار نداشته باشیم. به عنوان مثال، استعدادهای ما، اشتیاق ما برای کمک به دیگران و لذت بردن از طبیعت همه به این خاطر هستند که شبیه به او آفریده شده ایم.

اما محبت «آگاپه» نتیجه مستقیم حضور روح القدس ساکن در ما است. این به ما کمک می کند تا بیش از خودمان به دیگران فکر کنیم (فیلیپیان ۲ آیه ۳؛ غلاطیان ۵ آیه ۲۲). این نوع محبت، آنطور که در کتاب مقدس می خوانیم، بر پایه فروتنی استوار است و طبیعتاً خدمت می کند - حتی برای غریبه ها و کسانی که غیر قابل دوست داشتن هستند فداکاری می کند.

اول خدا

ما اغلب دوست داریم خود را مستقل بدانیم. در واقع، فرزندانمان را از ابتدای زندگی شان - وقتی اولین بار راه رفتن یا صحبت کردن را می آموزند - طوری تربیت می کنیم که خودکفا باشند. اگر چه خوب و مفید است که انسانها قادر به مراقبت خود باشند، اما متأسفانه این ذهنیت را به حد افراط رسانده ایم.

من می آورد که به یکدیگر حمله می کنند و من این رفتار را مرتباً در جامعه خودمان می بینم!

"خود" همیشه تفرقه افکنی می کند. تصورش را بکنید: اگر هر کس "طبق میل خودش رفتار کند" پس اتحاد یافتن غیر ممکن است. وقتی نگاهمان تنها به خودمان جلب باشد نمی توانیم به چیزی دیگر نگریسته، به نیازهای دیگران پی ببریم. اگر همه ما به راههای خود برویم دیگر زمینه و هدف مشترکی نخواهیم داشت (امثال ۱۴ آیه ۱۲) و در یاری دادن به یکدیگر ناتوان می مانیم.

شاید باورمان این باشد که باید "آنچه را می خواهیم بدست آوریم تا خوشحال باشیم" - که در اصل دوست داشتن خود ما است. اگر چه این رفتار فقط باعث گسستگی، دلسردی، ناامیدی و تنهایی ما می شود. در واقع "دوست داشتن خودمان" به این شیوه ناسالم اصلاً دوست داشتن نیست (اول قرنتیان ۱۳ آیات ۴ تا ۷). محبت حقیقی متوجه جهان دور و بر خود است و خود بین نیست. و از آنجایی که **خدا** محبت است، وقتی از او دور می شویم ظرفیت محبت کردن حقیقی را از دست می دهیم (اول یوحنا ۴ آیه ۸).

حال قبل از آنکه بگویید: "خب!، من همسرم، یا فرزندانم، یا والدینم را دوست دارم پس به کمک خدا برای دوست داشتن کسی نیاز ندارم"، بیایید اول محک بزنیم که درباره چه نوع محبتی صحبت می کنیم. آن محبتی که بر مبنای خدمتگزاری و متمرکز بر بیرون (دیگران) باشد به زبان یونانی در عهد جدید آگاهیه (آ-گا-په) خوانده می شود.

آگاهیه محبت خالصی است که از قلب خدای پدر سرچشمه می گیرد. آن نوع محبتی است که پسر خدا را به روی صلیب فرستاد. مسیح به خاطر محبت خود نسبت به ما حاضر

نتیجه، روشی که به دیگران خدمت می کنیم در ما ایجاد کننده محبت، خوشی، سخاوتمندی، مهربانی و احترام به دیگران است - که همان ویژگی های یاد شده در بالا می باشند.

من و خودم و مال من!

مشکل نیست ببینیم که ایده خدمت در فرهنگ ما در چند دهه گذشته به شدت کاهش یافته است. این یکی از دلایل اصلی است که چرا در کشورمان دچار نابسامانی هستیم. ما "مصرف کننده" شده ایم که بسیار با "خادم" بودن تفاوت دارد. این طرز فکر بر کلیساهای ما نیز امروزه تاثیر گذاشته است. برخی فکر می کنند اگر به کلیسا و خدمات بشارتی جهانی پولی هدیه بدهند یا ماهی یکبار در صف غذا برای بی خانمانها خدمت کنند چه شاهکار و فداکاری بزرگی کرده اند!

ریشه این ذهنیت «مصرف کنندگی»، اولویت دادن به «خود» است. ما به طور سیستماتیک خدا را از تخت سلطنتش در زندگی های شخصی مان و در کشور خویش به پایین آورده و در عوض او عقاید و خواسته ها و زیاده خواهی های خود را جایگزین ساخته ایم. اما با اینکار اوضاعمان رو به وخامت رفته و از ملتی که زمانی بزرگ بود به ملتی مضحک تبدیل شده ایم.

وقتی خود را بالاتر از استانداردهای کتاب مقدسی قرار می دهیم و از تسلیم شدن به اراده خدا امتناع می ورزیم، محصولی فلاکت بار برداشت می کنیم (رومیان ۱ آیات ۱۸ تا ۳۲؛ غلاطیان ۵ آیات ۱۴ تا ۲۴؛ دوم تیموتائوس ۳ آیات ۱ تا ۵). پولس رسول در این قسمت از کلمات "گزیدن" و "دریدن" استفاده می کند. اینها حیوانات وحشی را به یاد

فصل هفتم

خدمتگزاری



اگر بخواهم یک "مسیحی" را در کلمه ای واحد خلاصه کنم، آن کلمه **خادم** خواهد بود. ممکن است این به نظر شما عجیب بیاید، زیرا اگر قرار باشد یک پیرو واقعی عیسی مسیح را توصیف کنید کلمات بسیار فوق العاده ی دیگری نیز وجود دارند که به ذهنتان خطور کند. پر محبت، شادمان، سخاوتمند، مهربان، محترم و ... اینها می توانند (و می بایست) ویژگی های شخصیتی مسیحیان باشد. اما **خدمتگزاری** اساس تمام این ویژگی هاست.

به عنوان مسیحیان، با بهایی گران و غیر قابل قیاس خریداری شده ایم (اول پطرس ۱ آیات ۱۸ تا ۲۰). بنابراین نه تنها این افتخار را یافته ایم، بلکه موظفیم که مسیح به عنوان سرور و خداوند ما حتماً به طور پیوسته در جایگاه راستین خویش برافراشته شود. این شالوده ایمان ماست. اما تا زمانی که خادمین فروتنی نشویم رشد مسیحی نخواهیم داشت یا آن رابطه نزدیک را که خدا می خواهد با ما داشته باشد تجربه نخواهیم کرد.

وقتی نگرش ما صحیح باشد، قلباً می خواهیم خداوند را محبت کنیم و خود را تسلیم او کنیم. یکی از ثمرات زیبای این محبت، **خدمتگزاری** و خدمت کردن به دیگران است. در

بخش دوم

مقام شاگردی

۴- برخی از قدم هایی که شاید بتوانید بردارید تا به تغییراتی که می خواهید دست یابید کدام ها هستند؟ (می توانید مثلاً بگویید: "می خواهم برنامه بگذارم که هر روز ۲۰ دقیقه کتاب مقدس بخوانم"، یا "تعهد می کنم هر روز قسمتی از وقتم را به دعا بگذارم تا بتوانم هدفمندانه با خدا ملاقات کنم"، یا "تمام تلاشم را می کنم تا حداقل روزی یک بار به افراد دیگر خدمت کنم).

۵- اگر شروع کنید مرتباً اراده خود را تسلیم خدا کنید بدترین اتفاقی که می تواند بیفتد چیست؟

(به عنوان مثال: "خجالت می کشم به دیگران بگویم پیرو سرسپرده ی مسیح شده ام"، یا "مجبور خواهم شد معاشرین قبلی خود را ترک کنم"، یا "این کار رابطه ی سطحی را که با مسیح دارم به هم می زند - فعلاً راحت ام فقط جزیی از زندگی ام را به او بدهم).

محدودم را در اختیار خدا بگذارم" ، یا "نمی خواهم دوستان / خانواده / دوست
پسرم یا غیره را از دست بدهم" ، یا " پول من مال خودم است ، خودم آن را
کسب کرده ام ...)

۳ - آیا واقعا میخواهید زندگی مقدس تری را شروع کنید؟ چرا؟

(مثال ممکن است شامل اینها باشد: " احساس بدبختی می کنم که می دانم چه
باید کرد اما آن را نمی کنم - می خواهم رابطه صمیمانه تری با خدا داشته باشم "
، یا " از تلاش برای داشتن دو زندگی متفاوت خسته شده ام - می خواهم روال
معمول زندگی را ترک کنم و خود را کاملاً به خدا بسپارم" ، یا " احساس می کنم
فردی متقلب هستم - آنطور که در خانه واقعاً هستم با زمانی که در جمع هستم
تفاوت دارد. می خواهم همیشه یک گونه فرد باشم).

آیا وقتی شبان تان برای کلیسا درخواست هدایا می کند، احساس می کنید کلاهبرداری می شود - یا احساس گناه می کنید؟

آیا تا به حال به فردی فقیر و محروم پول داده اید؟ (به غیر از خانواده تان)

گناه شما

کدام عادت یا اعتیاد یا دیدگاه خودخواهانه است که مصرانه حاضر نیستید به دستان خدا رها کنید؟

چرا برایتان سخت است تغییر کنید یا آن را کنار بگذارید؟

آیا باور دارید که خدا می تواند شما را شفا دهد یا از بند آن آزاد سازد؟

۲- اگر در مورد تسلیم کردن این موارد زندگی تان به خدا واهمه دارید، از خود پرسید، "چرا می ترسم"؟

(مثال آن ممکن است شامل اینها باشد: "آماده نیستم کارهایی را که انجام می دهم کنار بگذارم"، یا "آنقدر مشغول هستم که نمی توانم هیچیک از زمانهای

استعدادهای شما

استعدادهای شما کدامند؟ و هر چند وقت یکبار برای پیشبرد ملکوت خدا از آنها استفاده می کنید؟

پول شما

آیا ده یک می دهید؟ (پس دادن بخشی از پولتان به خدا در کلیسا)

واهمه شما از دادن پول تان به خدا چیست؟

آیا فکر می کنید اگر به کلیسایتان پول بدهید از آن سوءاستفاده می شود؟

آیا فکر می کنید استطاعت آن را ندارید که به طور منظم قسمتی از پول خود را به خدا بدهید؟

چه مدت برای ستایش خدا وقت می گزارید؟

چه مدت دعا می کنید؟

چه مدت در طول روز به مسیح فکر می کنید؟

قلب شما

آیا فکر می کنید محبت و اشتیاق زیادی نسبت به مسیح دارید؟ یا عیسی مسیح از اهمیت کمی در زندگی شما برخوردار است؟

آیا عاشق ملاقات با خدا، گفتگو با او و خواندن درباره او در کتاب مقدس هستید؟

اگر قلباً احساس خشکی و دلسردی می کنید، آیا مایلید برای داشتن محبت و اشتیاقی جدید نسبت به او دعا کنید؟

فصل ۶

تسلیم

تفکر و تعمق در آنچه خواندیم

فرم تمرین

پاسخ به این سوالات مشکل می تواند به شما در تعیین خط مشی زندگی تان یاری دهد:

۱- آیا از اینکه زندگی خود را کاملاً تسلیم خدا کنید بیم دارید؟ بنویسید درباره سپردن موارد زیر به خدا چه احساسی دارید:

وقت شما

چه مقدار زمان صرف کمک کردن به دیگران، کلیسا و یا نیازمندان و غیره می کنید؟

زندگی فکری شما

چه مدت صرف خواندن کتاب مقدس می کنید؟

آشفتگی ها در امن و امان هستیم. چه چیزهای خوبی جای آنچه قبلاً داشتیم را می گیرند!

وقت آن رسیده است که زندگی خود را بسنجیم. آنچه از این درس آموخته ایم، هم مزایای کنونی و هم بلند مدت دارد. بر خلاف آن، عواقب سنگینی برای کسانی است که مسیح را رد می کنند یا تظاهر به مسیحی بودن می کنند در حالیکه تسلیم هدایت خدا نیستند.

عیسی می خواهد **تمامی** زندگی شما در اختیار او باشد. این چیزی نیست که از آن بیم داشته باشیم – در عوض، مسیر حقیقی به سوی موفقیت و شادی است. این را امروز شروع کنید و از او بخواهید تا وضعیت راستین رابطه شما را با خودش برایتان آشکار سازد و از او قدرت بطلبید تا زندگی خود را کاملاً به او تسلیم نمایید.

هیچ شخص دیگری قادر نخواهد بود دردهای عمیق ما یا گذشته مان را شفا بخشد. نیز به احتمال قوی، معدود افرادی وجود دارند که بدون قید و شرط خودشان را برای کمک به موفقیت ما وقف کنند.

اما ما می توانیم به آن افرادی تبدیل شویم که خدا می خواهد - کسانی که مراقب یکدیگر هستند، کسانی که بدون توجه به شرایط محبت می کنند و کسانی که با دعا و از خود گذشتگی در موقعیتهای اتحاد و یکدلی ایجاد می کنند. این امر با چسبیدن به مسیح و دریافت قدرت او، و محبت و هدف او برای زندگی ما به دست می آید. این تنها راه شفا یافتن دنیای ما است و یقیناً تنها راهی است که کلیسای مسیح قادر خواهد بود آن چیزی بشود که عیسی برای آن می خواهد.

این واقعاً عالی است!

بر خلاف آنچه از نظام دنیا به دست می آوریم، هنگامی که تصمیم می گیریم خود را به خدا تسلیم کنیم مزایای کاملاً متفاوتی دریافت می کنیم. به جای کسب پول یا قدرت، شخصیت ما تبدیل می شود. چشم انداز جدیدی نسبت به این دنیا و جهان آینده پیدا می کنیم. شادی های حاصل از تسلیم شدن خارج از حد شمارش است. شروع می کنیم رابطه ای نزدیک با پدر، پسر و روح القدس برقرار کنیم. قدرتی واقعی برف گناه و خودخواهی مان دریافت می کنیم، زیرا قدرت خدا اینک در درون ما عمل می کند.

همانطور که به پیروی راه های او ادامه می دهیم، شروع می کنیم ثمرات شیرین در زندگی ما دیده شوند. چیزهایی که باعث می شدند در ترس و گناه و خجالت زدگی زندگی کنیم از میان می روند و جای خود را به حس عمیق عزت نفس، اشتیاق به زندگی و چنان خوشی می دهد که از زرق و برق این دنیا پیشی می گیرد - حسی که حتی در بحبوحه

نیست که دیگران را کنترل کنیم، بلکه تا بگذاریم تمام جوانب زندگی ما تحت اقتدار خدا قرار بگیرد. ماموریت مسیحی ما این است که به دیگران بشارت عیسی را بدهیم و زندگی ما به طرز شایان بهترین نمونه از کنترل خداوند ما در زندگی های ما باشد.

یک هشدار: اگر "زندگی مسیحی" در پیش گرفته ایم اما خداوند را به طرز مثبت جلوه گر نمی سازیم، باید در بشارت ایمان مان به دیگران احتیاط کنیم. اگر دارید صرفاً برای خود زندگی می کنید و کردارتان خداپسندانه نیست، در برابر غیر مسیحیان ریاکار جلوه می کنید. این یکی از دلایل مهمی است که بی ایمانان از خدا و کلیسا بدشان بیاید.

دوماً، باعث می شوید دیگران تصور کنند مسیحی بودن سهل است - که می توانند بر خلاف اراده خدا زندگی کنند اما به هر حال به بهشت بروند. این توهین به نام خدا و به شخصیت اوست. ما قطعاً کامل نیستیم، اما وقتی اسم مسیحی روی خود می گذاریم بهایی به همراه دارد، و آن بها اطاعت و فداکاری است.

رشد مسیحی یعنی:

(* مسیح را مرکز زندگی خود قرار دادن

(* مشارکت حقیقی و نزدیک با مسیح داشتن - متکی نبودن به کارهای مذهبی

(* دوباره به سراغ گناه نرفتن (یا از ادامه به گناه باز ایستادن)

(* متوسل نبودن به خودمان، و

(* اجازه ندادن که چیزی بین ما و مسیح دیوار جدایی بسازد

کار ما پیروان مسیح این است که مطمئن شویم آنچه نیاز داریم از او دریافت کنیم. هیچ انسانی هرگز قادر نخواهد بود چنان قدرتی به ما بدهد که مثل خداوندمان عمل کنیم.

همچنین شاید لازم باشد از دوستان مسیحی قابل اعتماد خود مشورت روحانی بگیریم. اغلب برای راهنمایی به سراغ افرادی می‌رویم که روح القدس در آنها ساکن نیست، و شاید در آن موقعیت همچون کاری درست به نظر برسد، اما به احتمال زیاد آن راهنمایی نیست که خدا در نظر دارد.

البته این در مورد گناه ما مصداق ندارد. باید هیچ نیازی به دعا کردن برای رفتار گناه آلودمان نباشد - اگر داریم گناه می‌کنیم باید از شرارت دست برداریم. اما اگر حقیقتاً می‌خواهیم نقشه‌های خدا در زندگی ما پدیدار شود، و اگر واقعا آرزومند حکمت او هستیم، پس باید منتظر خداوند شویم، اراده او را بجوییم و اطاعت کنیم.

این را همواره تکرار می‌کنم - کلام خدا را بخوانید! این بیش از حد مهم است! گوش فرا دهید تا او توسط کتاب مقدس با شما صحبت کند. با استفاده از واژه نامه کتاب مقدس یا کتاب آیه یاب می‌توانید به آیاتی رجوع کنید که مربوط به شرایط شما می‌شوند و می‌توانید ببینید دیگران در کتاب مقدس در مورد آن شرایط چه می‌کردند. مواظب باشید صرفاً برای پشتیبانی از نظرات خود آیاتی را از کتاب مقدس انتخاب نکنید. برای مشکلات و درگیری‌های خود عمیقاً و بدون وقفه دعا کنید.

خدا با شما صحبت خواهد کرد - اگر دل شما مایل به شنیدن حقیقت باشد. دعا کنید خدا در زمان سختی‌ها یا وسوسه به شما قدرت ببخشد. درخواست‌های دعا تان را بنویسید تا به یادتان بماند و مشاهده کنید خدا چگونه جواب داده است. دعا کنید خدا تمایل انجام کارهایی را که به عهده شما می‌گذارد به شما عطا کند. دعا کنید که خداوند حصار برای محافظت شما از شیطان دور شما قرار دهد تا در این مراحل که آسیب‌پذیر هستید و در آزمایش می‌افتید یا باید تصمیماتی بگیرید، محفوظ بمانید.

به یاد داشته باشید، تنها کسی که می‌توانیم کنترل کنیم خودمان هستیم. کار ما این

و برای تان غیر منتظره نباشد! ممکن است نتیجه تصمیم شما برای پیروی واقعی از مسیح، از دست دادن موقعیت اجتماعی شما یا دوستان یا خانواده باشد. این تصمیم به این معنا است که اختیار پول، وقت و استعدادهای خود را به او می سپارید. ممکن است مورد نفرت یا تمسخر قرار بگیرید یا شما را از عزیزان تان جدا کنند. و یا همچنان که در بسیاری کشورها امروزه دیده می شود ممکن است مورد شکنجه قرار بگیرید یا به قتل برسید.

آیا مطمئن هستید هنوز می خواهید از عیسی پیروی کنید؟ ☺

مراثی ارمیا ۳ آیات ۲۵ تا ۲۸ تدابیر بیشتری به ما ارائه می دهد:

در انتظار خدا باشیم،

اراده او را بجوییم،

تحت یوغ انضباط او قرار بگیریم.

در عین حال که اقتدار او را می پذیریم، مهم است بیاموزیم چگونه در او "آرام" بگیریم. باید به خود بیاموزیم که آرام باشیم و عمیقاً به کلام او بیندیشیم. این به معنی تغییر در رفتار گذشته ما خواهد بود تا یاد بگیریم "منتظر" او شویم. باید به او "توکل" کنیم و روشهایی را بیابیم که بتوانیم از دیدگاه او، حکمت او و طریقه‌های او برخوردار گردیم. به این معنی که ما از او سبقت نمی گیریم. وقتی درباره تصمیمی دعا می کنیم بلافاصله نمی رویم کارها را آن طور که فکر می کنیم باید جامه عمل بگیرند، انجام دهیم.

اگر در مورد مطلبی دعا کرده ایم اما هنوز مطمئن نیستیم چه باید کرد، صبر می کنیم. و تا زمانی که از خدا "دستور پیش رفتن" را نگرفته باشیم حرکت نمی کنیم.

کنیم، اما همانطور که به خدا توسل می‌کنیم و در هر موقعیتی از او کمک می‌طلبیم، او نیز به تغییر دادن ما ادامه می‌دهد.

۴- صبر را همراه با اطمینان در پیش بگیرید، چرا که به خداوند وابسته هستیم تا تغییرات لازم را در زندگی ما ایجاد کند و بدانید که این زمان خواهد بُرد.

مسیح می‌خواهد از تصمیم خود برای پیروی او شادمان باشیم. اما به کسانی که ایمان سطحی دارند نیز هشدار می‌دهد که یا بیشتر به او سرسپرده شوند یا کاملاً از او روی برگردانند (مکاشفه ۳ آیات ۱۶ و ۱۷). در این آیات می‌بینیم که وقتی ولرم هستیم، در واقع از لحاظ روحانی نابینا هستیم. بنابراین، متوجه نمی‌شویم در چه وضع واقعاً اسفناکی قرار داریم. کسی که با تمام دل پیروی مسیح را اختیار نکرده باشد، برای خدا بی‌فایده است (یوحنا ۱۵ آیه ۶؛ دوم پطرس ۱ آیات ۳ تا ۹).

پیش از تصمیم به پیروی از مسیح، باید بدانیم این کار به چه "بهای" است، همانطور که معمار پیش از ساختن خانه هزینه "بها" را مشخص می‌کند. اگر در برآورد خود اشتباه کند، ساختمان او ممکن است نیمه‌کاره بماند. تصورش را بکنید - یک خانه نیمه‌ساخته چقدر در معرض باد و باران و حشرات و دزدان قرار می‌گیرد. این دقیقاً شرح زندگی‌های ماست اگر "تا حدی" سرسپرده و پیرو مسیح باشیم.

بدیهی است که وقتی با خداوند تازه به عرصه‌ی نجات وارد می‌شویم، درکی از آنچه پیش‌روست در شروع نخواهیم داشت. اما از همان ابتدا باید این را بدانیم که پیرو مسیح بودن یعنی تسلیم زندگی خود برای او - به هر قیمتی.

خدا اطاعت ما را برای پیشگیری از هرج و مرج مقرر فرمود. حتی عیسی از خدای پدر اطاعت نمود. از آنجا که عیسی خداست و او مطیع شد، ما نیز لازم است به نگرشهای خود درباره این اصل ضروری در زندگی مسیحی دقت کنیم.

۱- در سکوت تفکر کنید خدا از شما و برای شما چه می خواهد. این به وسیله خواندن و اطاعت از کلام خدا، و دعا انجام می شود. هر آنچه خدا می خواهد و برای ما الزامی میدارد در کتاب مقدس است. هیچ کدام پوشیده نیست!

۲- اقتدار او را تصدیق کنید و تصمیم بگیرید از کردار شریرانه خود بازگشت نمایید. این با توبه و فروتن ساختن ما انجام می شود و تنها وقتی میسر می شود که او به ما یاری دهد. او بیش از آنچه فکر می کنیم خواهان قدرت بخشیدن به ما برای انجام اراده اش می باشد! فیلیپیان ۲ آیه ۱۳ می گوید: " زیرا خداست که با عمل نیرومند خود، هم تصمیم و هم قدرت انجام آنچه را که خشنودش می سازد، در شما پدید می آورد. "

بسیاری از مسیحیان در اطاعت از خدا شکست می خوردند زیرا بسیار سخت تلاش می کنند تا " کار درست را انجام دهند " و وقتی از عهده بر نمی آیند مأیوس می گردند. در نهایت فکر می کنند مسیحیت " جواب نمی دهد. "

آنچه نیاز داریم تکیه کردن به روح القدس است تا ما را قوت بخشد. کار ما این است که به خداوند نزدیک تر شویم و آن چیزها را در زندگی برگزینیم که خدا را حرمت می نهند.

**اغلب اوقات در " تصمیم گیری " برای حرمت نهادن به خداست
که قدرت انجام آن کار به ما عطا می شود.**

۳- خویشتن داری و کنترل نفس را در زندگی خویش نشان دهید. این یکی از ثمرات روح القدس است. خدا را شکر که خوانده نشده ایم تا گناهانمان را به قدرت اراده خود تغییر دهیم! این نکته مفید را بیاد داشته باشیم که اشتیاق خدا برای موفقیت ما در انجام اراده او حتی از ما بیشتر است! ما تنها نیستیم. اگر چه لازم است بشنویم و اطاعت

خشم خدا همچنان بر کسانی که از پذیرفتن او در زندگی خود امتناع می ورزند شعله ور است (مکاشفه ۱۴ آیات ۹ تا ۱۲). در این آیات می بینیم که جهنم واقعیت دارد. می توانید تفاوت بین کسانی که به مسیح ایمان دارند و کسانی که نشان وحش را می گیرند ببینید (غیر ایمانداران).

اما خدا صبورانه منتظر این رویداد زمان آخر است، زیرا قطعاً نمی خواهد هیچکس هلاک گردد (دوم پطرس ۳ آیه ۹). همانطور که قبلاً اشاره کرده ام، خبر عالی انجیل این است که وقتی خون مسیح زندگی ما را پوشش می دهد، خدا فقط آن خون پوشاننده را می بیند. بنابراین خدا می تواند به ما نزدیک شود، زیرا ما مقدس و بی ملامت شده ایم (کولسیان ۱ آیه ۲۲).

بخاطر کار مسیح بر صلیب، اینک در دوره فیض و رحم خدا زندگی می کنیم. لیکن این بدان معنی نیست که می توانیم به اعمال گذشته خود و هر چه دلمان بخواهد عمل کنیم و هنوز خدا برکاتش را شامل حال ما سازد. بسیاری از اصول عهد عتیق ابدی هستند و امروزه نیز به قوت خویش باقی می باشند.

چطور می توانم اطاعت خدا را بیاموزم؟

وقتی **خواهان** خداوند هستیم، روح القدس ما را هدایت می کند، تغییر می دهد و از نو می سازد. شروع می کنیم لجاجت خودخواهانه مان را در خود بمیرانیم تا در دستان خدا بیشتر انعطاف پذیرتر شویم. اطاعت یعنی با میل و رغبت، خود را تحت انضباط و هدایت خدا قرار دادن. یعنی فعالانه سعی کنیم آنچه را او می خواهد از طریق شنیدن و اطاعت به ما تعلیم دهد بیاموزیم. چند رهنمود پایین، زمانی که به انتخاب خود تسلیم اراده خدا برای زندگی تان می گردید، مفید می باشند:

او شروع به تغییر طرز فکر و رفتار ما بنماید. اگر می خواهیم زندگی مان شفا یابد و آرزومندیم که خدا دعاهایمان را بشنود - و اگر برکاتی را که وعده داده است خواهان هستیم، پس لازم است از دستورالعملهای کتاب مقدس پیروی کنیم.

دوم تواریخ ۳۰ آیات ۶ تا ۹ ، برخی از رهنمودهای خدا و نیز مزایای تسلیم شدن به او را نشان می دهد:

رهنمودها

مزایا

به سوی خدا بازگردیم	او به سوی ما باز خواهد گشت
مانند خدا ناشناسان رفتار نکنیم	مورد تمسخر و استهزا قرار نخواهیم گرفت
لجبازی نکنیم	اگر مطیع شویم، خدا به ما رحم خواهد کرد
از خدا اطاعت کنیم	او دیگر مثل گذشته روی خود را از ما بر نخواهد گرداند
به معبد او در آییم (خدا باشیم)	قادر خواهیم بود به این سرزمین بازگردیم (در آرامی و یگانگی با
او را پرستش کنیم	و خشم او فرو خواهد نشست *

* باید به خاطر داشته باشیم در عهد عتیق عیسی هنوز به جهان نیامده بود. در آن زمان داوری بزرگتری وجود داشت. زیرا تا روزی که مسیح مجازات گناهان ما را با مرگ خویش بر صلیب متحمل شد، خشم خدا رفع نشده بود. به همین دلیل ما خشم خدا و روی گرداندن او از مردم را بخاطر گناهانشان در زمان های پیش از مسیح بیشتر می بینیم.

اما بدانید که حتی امروز کسانی که مسیح را رد می کند هنوز از طرف خدا «محکوم شده» هستند. او خدای قدوس است و نمی تواند در جایی که گناه وجود دارد حضور یابد.

۱۷). تمامی وعده‌هایی که خدا به مسیح داده است، متعلق به ما نیز می‌شود زیرا اکنون در خاندان او متولد شده ایم.

دوم تواریخ ۷ آیات ۱۴ تا ۱۶ به ما می‌گوید که ما **به نام او** خوانده شده ایم! در عهد عتیق (تورات و کتب انبیاء اسراییل) این افتخار بزرگی محسوب می‌شد. در دوران کتاب مقدسی، نام شما به معنای شخصیت شما بود و مرادده شما با شخصی محترم به این معنا بود که شما نیز معتبر بودید.

در واقع، اگر ما حقیقتاً مسیح را پذیرفته ایم و حاضریم تحت اقتدار او قرار بگیریم، آنوقت فرزندان **پادشاه** (اول پطرس ۱ آیات ۳ تا ۵)، عضو **خانواده سلطنتی**، کاهنان خدای متعال (اول پطرس ۲ آیات ۵ و ۹) و دوستان و محبوبان سرور عالم هستیم! این حقیقتاً بهتر از این است که شخصی مشهور یا شخصی را که "مهم" محسوب می‌کنیم بشناسیم!

سپردن زندگی‌مان به مسیح، برکات بزرگ و در عین حال مسئولیت‌های بزرگی با خود به همراه دارد. آیات فوق در دوم تواریخ همچنین درباره فروتنی، دعا، روی او را طلبیدن و بازگشت از راههای بد خویش است - تا آنکه خدا به ما گوش فرا دهد، ما را عفو کند و سرزمین ما را شفا دهد. این زندگی‌ها و ملت ما را نیز شامل می‌شود.

اطاعت خداوند یکی از شرایط ضروری دریافت برکات اوست.

تسلیم شدن در برابر خداوند به معنی نخست، اطاعت کردن از اوست. به این معنی که جسم، ذهن، اراده، احساسات، روح، مسائل مالی، دارایی‌ها، روابط، بیم و امیدهایمان را به او بسپاریم. کتاب مقدس می‌گوید که باید "صلیب خود را برداشته و از پی او برویم" (متی ۱۰ آیات ۳۸ و ۳۹). این تصمیم برای ترک عادات بد گذشته است و اینکه بگذاریم

نگران نباشید - خدا نخست زاده شما را نمی خواهد از شما بگیرد ... ☺

فداکاری ... کلمه ای است که از شنیدن آن اکراه داریم!

وقتی زندگی مان را حقیقتاً تسلیم مسیح کنیم، طبیعتاً شروع می کنیم وقت و استعدادها و مادیات خود را برای پیشبرد ملکوت خدا با فداکاری تقدیم نماییم. زمانی که عیسی سلطان و حکمروای زندگی ما باشد، راههای او راههای ما می شود. از آنجا که او عطا کننده است و عاشق انسان ها می باشد، و آن یگانه شخصی است که بالاترین فداکاری را انجام داد، ما نیز باید شروع کنیم و به این روش ها رفتار نماییم. در واقع، نحوه رفتار ما با دیگران، یکی از راههایی است که میتوان تشخیص داد آیا مسیح واقعاً در زندگی ما حضور دارد و بر ما فرمانروایی می کند؟

برای چنین "فداکاری"، بعضی راه ها این است که از "حق" خود برای داشتن نقطه نظرهایی که اساساً با کلام خدا متضاد است، صرف نظر کنیم. همینطور باید از "حق" خود برای ادامه رفتار گناه آلود خود بگذریم. شاید تصور می کنیم "حق" داریم خشم و نبخشیدن و عادل شمردن خود را در دل نگاه داریم.

ما به بهای خون عیسی خریده شدیم، پس به احترام او باید بگذاریم زندگی ما تغییر یابد تا او را جلال دهیم (اول پطرس ۱ آیات ۱۸ تا ۲۰). تسلیم شدن ما با شکوه ترین پاداشها را به ارمغان خواهد آورد.

تسلیم شدن چگونه به زندگی ام کمک می کند؟

یکی از زیباترین پاداشهای مسیحی شدن این است که ما بخشی از یک خانواده جدید می گردیم. همچنین وارثان تخت پادشاهی خدا می شویم (غلاطیان ۳ آیه ۲۹؛ روسان ۸ آیه

"فردیت" سرکوب می شود. تقریباً مثل این است که شخص باید از تمام شخصیت خود صرفنظر کند تا آنکه "رهبر" تنها کسی باشد که مورد اطاعت یا ترفیع قرار می گیرد.

نکته جالب درباره کتاب مقدس و مسیحیت این است که ترکیب نامتجانس یا "اُکسی مورون" در آن بسیار دیده می شود. این اصطلاح به معنی سخنی است که در ظاهر متناقض است، اما در واقع حقیقت می باشد. چند مثال از آن عبارتند از: باید خود را فروتن سازیم تا بزرگ شویم، باید "بمیریم" تا "زندگی" کنیم، و باید خودخواهی را (نه شخصیت مان را) قربانی کنیم تا اتحاد را ایجاد نماییم. پیروی از مسیح، به همراه این است که با تمام دل و فکر و قوت خود او را محبت کنیم.

از طرف دیگر، مذاهب بزرگ دیگری وجود دارند که "تخلیه ذهن تان" را به منظور "یکی شدن با کائنات" تعلیم می دهند. این کاملاً خلاف کتاب مقدس است. خدا می خواهد وقتی با او صحبت می کنیم و به او فکر می کنیم، ذهن ما کاملاً فعال و متوجه باشد!

بر خلاف گروه های مذهبی که فردیت پیروان خود را انکار می کنند، خدا از استعدادها و توانایی های منحصر به فرد ما برای انجام اراده خود استفاده می کند. وقتی مردم مسیح را در زندگی ما مشاهده می کنند، ابعاد حقیقی "مجموعه کل" - که کلیسا و بدن مسیح است - آشکار می شود.

رفتار ما اغلب تنها تصویری است که دنیا از مسیح خواهد دید، پس بسیار ضروری است که در زندگی خود نماینده درستی برای او باشیم. به یاد داشته باشید، تسلیم شدن ما به مسیح، تنها زمانی سودمند است که حقیقی باشد (متی ۲۳ آیات ۲۵ تا ۲۷). افراد غیر مسیحی در دل خود بزودی تشخیص می دهند که آیا ما مسیحیان واقعی هستیم یا خیر.

– بلکه صرفاً دارند آنچه را بازگو می کنند که خدا از پیش فرموده است. گزینه ای غیر از این دو موقعیت نیست. این حتی برای مسیحیانی که هرگز قلب و ذهن و اراده خود را واقعاً به مسیح تسلیم نکرده‌اند مصداق دارد. چنین افرادی عاجزانه به عقاید و دیدگاه های قدیم خود چسبیده اند و از تسلیم کامل خودداری می کنند. رفتار نامطیعانه شان را می توان به وضوح دید زیرا زندگی شان ثمرات روح القدس را که محبت، شادی، آرامش، صبر، مهربانی، ملایمت، نیکویی، وفاداری و خویشتنداری است نشان نمی دهد. آنچه "انجام می دهند" به خوبی "آنچه تعلیم می دهند" نیست.

منظور من اشخاصی نیست که دوستدار خداوند اند و با پذیرفتن تغییرات روح القدس در خود، می کوشند آنچه را در زندگی شان نادرست است تصحیح کنند. حقیقت این است تا زمانی که زنده هستیم، همواره با نفس خود در کشمکش خواهیم بود (رومیان ۷ آیات ۲۱ تا ۲۵). اما همچنانکه پیرو مسیح و تسلیم او باشیم، او وعده داده است خواسته های دل ما را تغییر دهد (مزمور ۳۷ آیات ۳ تا ۵). با گذشت زمان، زندگی ما می بایست در روند تبدیل و بازتابی بیشتر شخصیت او باشد و لازم است هر چند وقت یکبار خود را محک بزنییم تا مطمئن شویم چنین چیزی صورت می گیرد.

تو باید انجام دهی!

همانطور که ذکر شد، برای ما مشکل است "آزادی" خود را تسلیم شخص دیگری کنیم زیرا فرهنگ ما "فردگرا" است. در واقع، شرایطی وجود دارند که برای "اهداف مشترک"ی به دیگران می پیوندیم (یا اجباراً ملحق می شویم)، و در نتیجه بخشی یا تمامی فردیت خود را از دست می دهیم – مثلاً در جنگ، در گروه های مذهبی تندرو که تحت نفوذ رهبر پر جذبه باشد، یا در باند خلافکاران. برای ایجاد "اتحاد" در چنین گروه هایی،

بایستی در ما ساکن باشد تا افکار عمیق خدا را بفهمیم. در ضمن، منظور از کلمه "روحانی" در این آیات کتاب مقدس، آن مفهومی نیست که امروزه مردم در مورد روحانی بودن به کار می برند.

امروزه بسیاری از مردم می گویند که افرادی روحانی هستند، اما هیچگونه رابطه ای با مسیح یا با روح مقدس خدا ندارند (یوحنا ۱۴ آیه ۶). آنها خدایان متعدد دیگری را می پرستند و باور دارند او "در" همه کس و همه چیز است - که خدا "همه چیز را دوست دارد و تحمل می کند" و "هرگز هیچکس را به جهنم نمی فرستد".

چنین اشخاص فریب خورده اند و در تاریکی زندگی می کنند (اول قرن‌تیان ۱ آیات ۱۸ تا ۲۵). آنها **مصرانه** از باور داشتن حقیقت سر باز می زنند. شخصیت خدا در واقع وجوه بسیار دارد از جمله عدالت، رحمت، محبت و تنفر از گناه. او عطا کننده هست لیکن تسلیم و اطاعت ما را الزاماً از ما می خواهد. در واقع زمانی که مردم عیسی مسیح را عمداً رد می کنند، خود را راهی جهنم می سازند (یوحنا ۳ آیات ۱۶ تا ۱۸ ؛ و باب ۱۶ آیه ۹). خدا می خواهد نه فقط اکنون بلکه در حضور خود در آسمان نیز با انسان ها مشارکت داشته باشد. او هرگز خواستار این نیست که **هیچکس** به جهنم برود. لیکن فقط دل انسان است که می تواند کار خدا را رد کند (لوقا ۱۹ آیه ۱۰).

برای اینکه واضح تر بگویم، مسیح می فرماید آنانی که او را رد می کنند - کسانی که به او محبت ندارند و روح القدس را نمی پذیرند - به معنای واقعی فرزندان ابلیس هستند (یوحنا ۸ آیات ۴۲ تا ۴۶)! حال پیش از اینکه این گفته را رد کنید و تصور کنید کوتاه فکرانه یا متعصبانه باشد، باید یادمان باشد که مسیح تصریح نمود در جهان فقط دو سمت وجود دارد - سمت او و سمت شیطان (متی ۱۲ آیه ۳۰).

این مطالب را مسیحیان از خود نساخته اند! ازین روی نیست که خشک مذهبی باشند

ماهگیری چطور بود. او گفت: "وحشتناک بود! دریا پر موج و پر خطر و هوا هم سرد و مرطوب بود و تقریباً تمام مدت دریا زده بودم!" بنابراین، آن افراد هم انتظار پیدا کردند خودشان نیز همان تجربه را در سفر دریایی خود داشته باشند.

با این حال، هفته بعد یک کشتی کروز به شهر آنها آمد. دوباره آن افراد از مسافران پرسیدند سفرشان چگونه بوده است. آنها پاسخ دادند: "فوق العاده بود! بهترین غذاهایی را داشتند که در عمرمان خورده بودیم. هوا آفتابی بود و می توانستیم انواع مختلف جانوران دریایی را ببینیم. بسیار آرامش بخش بود و برای سفر بعدی با آنها لحظه شماری می کنیم!"

همانطور که توجه می کنید، ماهیگیر تنها یک جنبه موضوع یعنی آنچه بر او گذشته بود را دید. به خاطر آگاهی و تجربه محدود خود، در موقعیتی نبود که به دیگران بگوید چه تجربه شگفت انگیزی می توانند داشته باشند. زیرا او هرگز زیبایی و احساس شادی را که مسافران آن کشتی کروز داشتند ندیده بود و اگر چه فکر می کرد حقیقت را کاملاً می داند، از موضوع به تمامی اطلاع نداشت.

همین اصول نیز برای افرادی که زندگی خود را به عیسی مسیح تسلیم نکرده اند مصداق دارد. این افراد هرگز قدرت پر محبت، هدایتگر، توانمند و حفاظت کننده خدا را تجربه نکرده اند. در نتیجه اطلاعات آنها در این موضوعات بسیار محدود است. فکر می کنند زندگی ای که به خدا تسلیم شده باشد ملال آور است. می پندارند چنین زندگی بدون شور و شادی و لذت است و یا صرفاً انجام تعداد بی شماری از قوائد و مقررات می باشد.

بسیاری "فکر می کنند" خدا را می شناسند و حتی ممکن است ادعا کنند کتاب مقدس را "خوانده اند". اما اول قرنیتان ۲ آیات ۱۰ تا ۱۶، روشن می سازد که روح خدا

آیا اشتها دارید؟

یکی از جوانب تسلیم شدن، کنترل امیال یا "اشتهای درونی ما" توسط کمک خداست. این ارتباطی با غذایی که می خوریم ندارد (اگر چه شکم پرستی به معنای پرخوری مضر برای جسم ماست). "اشتهای" ما در واژگان کتاب مقدسی به معنی "نفس" نیز می باشد که جایگاه روان ما، احساسات، اراده و افکار ماست. ما از آن به عنوان "تمایلات" خود نیز یاد می کنیم.

خدا از ما می خواهد او را با تمام قلب، تمام جان ، تمام فکر و تمام قوت خود محبت کنیم (تثنیه ۶ آیات ۵ تا ۹). او می توانست آدم های ماشینی بسازد. اما مشیت اوست که با انسان *رابطه ای* عمیق و چنان اتحادی برقرار کند که در آن محبت دوجانبه باشد، جایی که طرفین به میل خود متعهد و سرسپرده باشند. او می خواهد که تمایلات و اشتیاق ما به او باشد همچنانکه اشتیاق او به ماست.

و به همین دلیل پولس رسول درباره کنترل نفس و تمایلات می گوید. وقتی گناه را به صورت "پیش فرض" زندگی خود داریم، طبیعتا از خدا منحرف می شویم (رومیان ۸ آیات ۵ تا ۸). اما وقتی می گذاریم روح او ما را کنترل کند، آنوقت به سوی خدا و شیوه های او گرایش می یابیم (رومیان ۸ آیات ۹ تا ۱۴). فیض اوست که این را اجازه می دهد. (رومیان ۶ آیات ۱۲ تا ۱۸).

اما متوجه نیستید!

کسانی که زندگی خود را به خدا نسپرده اند اصلا نمیدانند چه چیزی را دارند از دست میدهند. این مثل داستان ماهیگیری است که بار اول برای گرفتن ماهی به دریا رفت. وقتی به ساحل برگشت و از قایق پیاده شد، آنانی که در ساحل بودند از او پرسیدند دریا و

واژه کتاب مقدسی «تسلیم شدن» به معنای «پذیرش اقتدار یا خواسته کسی دیگر» یا «به احترام شخصی دیگر تسلیم نظر، قضاوت و یا تجربه او شدن» است. این شامل سپردن اراده‌ی خود به خداست، و شبیه به تعریف دنیوی آن است، اما تفاوت عمده در این است که وقتی تسلیم خدا می شویم، خود را داوطلبانه به دست آن کسی می سپاریم که ما را آفریده است و محبت عظیمی به ما دارد و کسی است که قلباً همیشه بهترین مصلحت را برای ما در نظر دارد.

او نمی خواهد به طور غیر عادلانه ما را کنترل کند یا بر ما چیره شود یا از ما بهره کشی کند. هدف اصلی او برای ما پُری روح القدس است تا توانمند شویم و زندگی ما زیبایی و جلال او را بازتاب دهد. مزایای سپردن اراده مان به پدر آسمانی بسیار بیشتر از آن است که گزینه های کم ارزش را انتخاب کنیم و صرفاً برای خود زندگی کنیم.

خدا به ما آزادی کامل می بخشد که به انتخاب خود او را بپذیریم، اطاعت کنیم، پرستش نماییم و محبت کنیم (و یا بالعکس!). او هرگز ما را مجبور به تسلیم شدن نمی کند. اما باید آگاه باشیم که اگر مطیع اقتدار او نشویم برای مان عواقبی خواهد داشت.

ممکن است توجه نکرده باشیم، ولی به هر حال همیشه تسلیم شرایط و افراد هستیم. این معمولاً ارادی است - مثلاً زمانی که قوانین رانندگی را رعایت می کنیم. در عین حال وقتی به عنوان مثال از رئیس مان «اطاعت» می کنیم، ممکن است کارهایی به ما بسپارند که مایل به انجام آنها نیستیم - مانند ساعات کاری دیرتر و بیشتر از موعدی که قرارداد بسته بودیم.

در چنین شرایطی تصمیم می گیریم اراده خود را تسلیم کنیم (مطیع شویم) تا شغل خود را حفظ کنیم، زیرا از دست دادن شغل، بدتر از موافقت با کاری است که واقعاً دلمان نمی خواهد انجام دهیم.

خواست خدا است که خود را تسلیم کنیم

وقتی خدا می فرماید باید تسلیم شویم، در واقع می خواهد حق تقدم را به او بدهیم و عملاً **خواهان** تسلیم شدن به او باشیم. این یک تعامل کاملاً متفاوت با دیدگاه جهانی از «تسلیم شدن» است. اولاً، **انتخاب** آن با ما است. ما هدفمندانه **حق و حقوق** فردی خود را واگذار می کنیم تا بتوانیم برای هدف بزرگ تری خدمت کنیم. باز هم می گویم، این به معنی از دست دادن هویت ما نیست، زیرا خدا «منحصر به فرد بودن» ما را برای اهداف خویش **آفرید**. زمانی که تحت اقتدار و رهبری او قرار می گیریم، سرنوشت ما در این زندگی محرز می شود.

واژه دیگر برای تسلیم، **مطیع شدن** است. اولین قدمی که در رابطه با مسیح بر می داریم این است که به انتخاب خود از زندگی گذشته خود دست برداریم و آن زندگی را که او برای ما دارد، در پیش بگیریم. این شامل **مطیع شدن** نیز می گردد. درست مانند کلمه تسلیم، این عبارت هم ممکن است در افراد واهمه ایجاد کند. مردم تصور می کنند در آن صورت باید مطابق خواسته شخص دیگری عمل کنند - به آن چیزهایی که کاملاً مغایر با خواسته های آنهاست.

شاید کسی به شما بدی کرده است، و شما به خودتان قول داده اید که هرگز مطیع فرد دیگری نخواهید شد. یا ممکن است عضوی از خانواده تان شما را کنترل می کرده است و شما را به کارهایی وا می داشته است و از این فکر که اراده خود را دست کس دیگری بجز خودتان بسپارید وحشت دارید. مسئله هر چه که باشد، «تسلیم شدن» موضوعی دشوار برای تعلیم در مفهوم کتاب مقدسی آن است زیرا بسیاری افراد از زیر دست بودن بیم دارند. به علاوه باید اراده قوی و سرسختانه خود را نیز تحت کنترل بیاوریم!

فصل ششم

تسلیم

بسیاری اوقات وقتی کلمه "تسلیم" را می شنویم، تصاویر منفی به ذهن ما خطور می کند. شاید به کشوری فکر کنیم که تسلیم دشمن شد و قدرت خود را از دست داد. یا شاید به یاد یکی از بازی های زمان کودکی بیفتیم که اگر کسی در آن تسلیم می شد، در برابر رقیب خود بازنده بود. یا احتمالاً شخص مجرمی به نظرتان می آید که تسلیم پلیس می شود.

این کلمه در واقع به معنی "اعلام شکست خود" یا "از روی زور یا اجبار چشم پوشیدن از مالکیت یا کنترل چیزی" می باشد. لیکن خواهیم دید که در کتاب مقدس تسلیم شدن، یک زندگی آرام و هدفمند به ارمغان می آورد.

در دنیای امروزی، تسلیم عملاً به ندرت دیده می شود. پول، خدای همه شده است و طمع بیرحمانه عمل می کند است. در بازار کار، تسلیم شدن به معنای شکست است. اهمیت "دلارِ قدرتمند" از مردم بیشتر شده است. ما آمریکایی ها اغلب "فقط برای خودمان" زندگی می کنیم و دادن زمان و منابع برای کمک به دیگران برایمان موضوعی بیگانه و غریب است. نه تنها این، اگر کسی مطابق انتظار ما عمل نکند یا نتواند نیاز ما را برطرف سازد، نسبت به او هیچگونه دلسوزی یا صبری نداریم.

۵- اگر فکر می کنید رابطه شما با خداوند مستحکم نیست و او شما را دوست نمی دارد، آیا مایل هستید شروع کنید چنین باوری داشته باشید که حقیقت خدا در مورد شما واقعیت دارد؟ (به عبارت دیگر او شما را دوست می دارد، شما را بخشیده است، برای او بیشترین ارزش ها را دارید و مجهز برای خدمت او می باشید؟)

۳- به نظر شما آیا فعالیت مسیحی شما به طوری است که انگار در " کشتی تفریحی " هستید یا در " کشتی جنگی " ؟ به چه دلیل؟

۴- آیا فکر می کنید رابطه ای مستحکم با مسیح دارید؟ یا فکر می کنید پیوسته باید در تلاش برای بدست آوردن لطف و محبت او باشید؟

آیا اغلب احساس گناه می کنید؟

یا به راحتی برای همه چیز به حضورش می آیید؟

آیا احساس می کنید محبوب و خاص هستید؟

فصل ۴ و ۵

پی‌ریزی

شالوده

تفکر و تعمق در آنچه خواندیم

۱- پنج موقعیت و جایگاهی که خداوند برای شما فراهم کرده است کدامند؟

۲- دو اسلحه اصلی که به آنها نیاز داریم تا بتوانیم در خدمت خدا باشیم کدامند؟

(* در همه شرایط شکرگزار بودن

(* پیوسته شادمان بودن!

(* خدمت کردن در هر فرصت مقدور

شما را به چالش می کشم تا هر هفته یکی از این دیدگاه ها / عملکردها را
انتخاب کرده به آنها عمل کنید.

وقتی همکاری ما با خدا از نزدیک و در همگامی کامل با اوست،

تغییرات و دگرگونی های معجزه آسا صورت خواهند گرفت!

برای پاداش ما، همچنان که در او زندگی می کنیم او نیز شروع به تغییر قلب و ذهنمان می کند تا خواسته های ما با خواست او هماهنگ شوند. این پیشرفتِ مافوقِ طبیعی و درخشنده ایمان است و زندگی را دیگرگون می سازد!

زمانی که ما اهتمام به زندگی خداپسندانه می کنیم، خداوند ما را توانایی می بخشد و تقویت می کند، و ما در مسیر رشد "از جلال به جلال" متبدل خواهیم شد (دوم قرن‌تیان ۳ آیات ۱۵ تا ۱۸). در ادامه، فهرستی از ویژگی های شخصیتی داریم که می بایست همگام با درخشش مسیح در زندگی مان، به عنوان مقیاس سنجش رشد ما شروع به تجلی کنند (فیلیپیان ۱ آیات ۹ تا ۱۱).

(* محبت

(* مهربانی

(* رشد در ایمان

(* بی وقفه دعا کردن

(* بلافاصله و به سادگی بخشیدنِ دیگران

(* اهتمام کامل برای ماندن در روح القدس

(* با یکدیگر صبور بودن

(* خواندن منظم کلام خدا به همراه دعا و تفکر عمیق در آن

(* اندیشیدن به آسمان و محل حضور خدا

(* ایجاد صلح در هر زمان ممکن

(* روح القدس را با طرز زندگی خود محزون نساختن

* کوشش در اینکه با خدا از نزدیک تر آشنا شویم و او را عمیق تر بشناسیم

ضروری است که **روزانه** از مسیح تغذیه شویم. به این معنی که کنترل زمان و خواسته هایمان را به دست بگیریم. باید وقت بگذاریم و کتاب مقدس را مطالعه کنیم، در دعا باشیم و در باره ی کلام خدا عمیقاً تفکر کنیم تا بتوانیم مسیح را از نزدیک بشناسیم.

همچنین شرکت در کلیسایی که از کتاب مقدس تعلیم صحیح می دهد و اعضای آن مطیع کلام خدا هستند، و نیز صرف وقت با مسیحیانی که با عزم و آگاهانه برای مسیح زندگی می کنند و خصائل خداوند در زندگی هاشان دیده می شود، به ما کمک می کند **پیروزمندانه** این دستورالعمل خداوندمان را به کار بگذاریم (امثال ۳ آیات ۵ تا ۶؛ رومیان ۱۲ آیات ۱ و ۲).

باید شرارت را از تن به درآورده و طبیعت کهنه را دور بیندازیم

باید بگذاریم روح القدس اندیشه ها و طرز فکر ما را تازه بسازد

باید آن طبیعت تازه را بر تن کنیم (افسسیان ۴ آیات ۱۷ تا ۲۴)

اگر چه خدا بیشتر "کار" را خودش با ارائه نجات و آوردن ما به کمال بلوغ در ایمان انجام می دهد، ما نیز خواننده شده ایم تا برای نزدیک ماندن به او و اطاعت از آنچه از ما می خواهد بهترین سعی خود را انجام دهیم.

موضوع قوانین و مقررات نیست! بلکه درباره *رابطه* است! به یاد داشته باشید هر چه رابطه ما با مسیح نزدیک تر باشد کمتر او را آزرده می سازیم یا کمتر به او بی توجهی نشان می دهیم یا از او نافرمانی می کنیم. این همان عاملی است که به ما نیرو و قدرت می بخشد تا از او اطاعت کنیم!

نه اینکه فقط وعده های پوچ بر زبان آوریم اما به همان کارهای سابق ادامه دهیم (دوم قرنتیان ۷ آیه ۱۰؛ اول یوحنا ۱ آیه ۹).

همانطور که همه می توانیم شهادت بدهیم، گناه واقعاً باعث ایجاد احساس بی کفایتی، درماندگی، مقصر بودن، ترس، خشم و کینه در زندگی مان می شود. علاوه بر این امید ما را برای این هدف که شبیه به مسیح شویم از ما سلب می کند. گناه ما را در اسارت صرفاً نگه می دارد.

اگر شخص به مدت طولانی به گناهان خود ادامه دهد شادی و آرامش نخواهد داشت و در نهایت اگر قصداً این را ادامه دهیم و مسیح و کلام او و ایمانداران و طریقه های خداوند را رد کنیم، چنین کاری قطعاً می تواند به مرگ روحانی منجر شود (رومیان ۸ آیات ۵ تا ۸؛ غلاطیان ۶ آیات ۷ تا ۱۰؛ عبرانیان ۶ آیات ۴ تا ۶).

پ) باید مشخص کنیم چه چیزهایی خداوند را خشنود می سازد (رومیان ۱۴ آیات ۱۷ تا ۱۹؛ افسسیان ۵ آیه ۱۰؛ اول تسالونیکیان ۵ آیه ۱۸).

کولسیان ۱ آیات ۹ و ۱۰ چند روش را به ما نشان می دهد که توسط آنها می توانیم خدا را خشنود سازیم:

(* دعا

(* فهم و پی بردن به اراده او

(* دریافت حکمت روحانی او

(* اختصاص دادن زمان برای فهم کتاب مقدس و امور الهی

(* تولید ثمرات نیکو که خداپسندانه و دارای کیفیت ابدی باشند

(* یادگیری رشد در ایمان ما

نبوغ خود برای انجام اهداف شایان استفاده میکنند و "انسانهای شریر" هم تلقی نمی شوند. خوب، ممکن است این درست باشد. اما وقتی کارها را جدا از قدرت و برنامه های الهی انجام می دهیم، ثمری "ابدی" از زحمات مان حاصل نمی شود.

همچنین، به اکثر نتایج تلاشهای بشری فکر کنید. وقتی بدون هدایت خدا " کارهای نیکو" انجام می دهیم، مستعد افتخار کردن به دستاوردهای خود می گردیم. وقتی پای پول وسط می آید اغلب حریص هم می شویم. وقتی برای توانایی هایمان پاداش دریافت می کنیم اغلب نمی خواهیم شخص دیگری در کانون توجه قرار بگیرد. اکثراً تمام فکر و تلاش ما این می شود که دستاوردهای بزرگ تر، بیشتر و بهتر داشته باشیم. حتی اگر شما اینطور نباشید، واقعیت این است که اگر نفس خود را بیرورانیم، معمولاً شهوات در آخر بر ما غلبه کرده، ما را کنترل خواهند کرد. (رومیان ۶ آیه ۱۶؛ دوم پطرس ۲ آیه ۱۹).

ب) باید از گناه بگریزیم (رومیان ۶ آیات ۱۲ تا ۲۳). این بدان معناست که از آن مثل جنگلی سوزان فرار کنید. اغلب اوقات به جای فرار از گناه می خواهیم که با آن سر کنیم. برای بازی با گناه، گزینه های بدی را انتخاب می کنیم و وقتی عواقب آن پیش می آید می خواهیم دنیا، شرایط مان، افراد دیگر و شیطان را مقصر بدانیم.

اگر چه دنیا، شرایط، دیگران و شیطان بر رفتارمان **تاثیر می گذارند**، کتاب مقدس می گوید که نفس (جسم) است که ما را به گناه وا می دارد - و این مسئولیت کاملاً با ما است که آن را رد کنیم (رومیان ۸ آیات ۱۲ و ۱۳؛ نامه یعقوب ۱ آیات ۱۴ و ۱۵).

در این میان، حتی اگر **گهگاهی** - و نه به عنوان عادت و طرز زندگی - گناه کنیم، این تسلی پر ارزش را داریم که **وقتی** توبه کنیم، مسیح ما را به سوی خدا باز میگرداند (به این معنا که باید حقیقتاً از گناه خود روی برگردانیم و با توجه کامل از مسیح پیروی کنیم،

خدا را شکر می کنیم زیرا او توسط روح القدس که در ما زیست می کند "کمک" مورد نیاز ما را فراهم می کند. زمانی که در زندگی مسیحی خود در برابر قدرت و رهبری روح القدس مقاومت نشان دهیم در نهایت با شکست مواجه می شویم. همچنین نخواهیم توانست دیگران را به سوی منجی پر شکوه خود هادی شویم (غلاطیان ۵ آیات ۱۶ تا ۲۱).

واقعیت این است که وقتی ما با استفاده از توان و هوش خود برنامه های خود را **مستقل از خدا** پیش ببریم، محصولی "نفسانی" برداشت می کنیم. چنان زندگی به این ترتیب پیش می رود: با افکار و امیال ما آغاز می شود و مراحل بعدی آن برنامه ریزی و سر و سامان دادن های انسانی ما خواهد بود.

در نهایت به این نتیجه می رسیم که چنین طرز عملی بی ثمر و نامطلوب است (غلاطیان ۶ آیه ۸). وقتی خواست خود را بخواهیم و نه آنچه را که خدا واقعاً می خواهد، تبدیل به "مسیحیانی" می شویم که کردارشان چندان شباهتی با خداوند ما ندارد. منظور از اصطلاح "مسیحیان **دنیوی**" نیز همین است.

درینجا مقصود این نیست که زندگی ما آنچنان باشد که گویا همه چیز روحانی است و در نتیجه دست به کاری نزنیم، یا اینکه اگر به اندازه کافی دعا کنیم خدا از ما مراقبت می کند - بدون آنکه تلاشی کرده یا سهمی بگذاریم! کاملاً برعکس، ما باید ذهن، نیرو، وقت و منابع مالی خود را به کار بگیریم تا زندگی پر ثمری در این جهان داشته باشیم. صحبت من در باره آن نوع زندگی است که طوری برنامه ریزی میشود که خداوند در آن هیچ سهمی یا تأثیری ندارد.

شاید بگویید افراد بسیاری هستند - حتی غیر ایمانداران (که به مسیح علاقه ای ندارند یا از او پیروی نمی کنند) - که برای دنیا کارهای "نیکو" انجام می دهند. آنها از خلاقیت و

حقیقت اصلاً دوستان ما نیستند. یک دوست واقعی همیشه بهترین را برای شما می خواهد. در عین حال، زمانهایی هم هست که خدا می تواند فرصتهایی ایجاد کند تا با محبت در مورد ایمان خود با آنها صحبت کنید.

همچنان که در رابطه خود با مسیح پیشرفت می کنیم، قادر خواهیم بود نشانه‌های بارز دیگری را ببینیم که گویای رشد ما هستند. درست همانند درختی که شاخ و برگ می دهد و قد می کشد، می توانیم رشد صحیح روحانی مان را با "ثمرات مان" در زندگی خود بسنجیم. افکار و کردار و انگیزه های ما همچنانکه به مسیح شبیه تر می شویم، شروع به تغییر می کنند (لوقا ۶ آیات ۴۳ و ۴۴).

محک زدن خود به طور مرتب که آیا ثمرات روح خدا در زندگی ما نمایان هستند، یک تمرین ضروری است. این ثمرات در غلاطیان ۵ آیات ۲۲ تا ۲۴ بیان شده اند. می بایست فهرستی از آنچه باور داریم و تأثیری که در زندگی ما با مسیح دارند تهیه کنیم. آسان است که به حاشیه برویم و دعاها و تمرکزمان صرفاً متوجه خودمان باشد. یکی از نشانه های رشد این است که برای کمک به تقویت و حمایت و دعا برای دیگران نگاهمان را از زندگی خود برداریم، و این برای ما شادی عظیم و برای خدا جلال بسیار به همراه خواهد داشت!

سرسپردگی ما

الف) ما حکم یافته ایم تا پارسایانه، در قدوسیت و پاکی زندگی کنیم (دوم تیموتائوس ۲ آیات ۲۱ و ۲۲). همه ما آگاهیم که نمی توانیم بدون یاری گرفتن این را انجام دهیم!

سوی مسیح - مستقیماً به این بستگی دارد که تا چه حد مسئولیت خود را در این رابطه انجام می دهیم.

مسیحی بودن فقط در اسم نیست بلکه یک شیوه زندگی است - نه اینکه صرفاً "بگوییم" ایمان داریم. (رساله یعقوب ۲ آیات ۱۹ و ۲۰). باور داشتن، ارتباطی بسیار نزدیک به طرز فکر و صحبت و رفتار ما دارد. به یاد داشته باشید، در انجیل در نامه یعقوب می خوانیم "ایمان بدون عمل مُرده است". حقیقت این است: زندگی ای که غرق وجود مسیح باشد مسلماً پر تحرک و سرزنده خواهد بود و دیگران را نیز بهره مند خواهند ساخت!

از کجا می توانیم بدانیم که در حال رشد هستیم؟

برای نو ایمانان، یک راه برای تشخیص پیشرفت شما در شباهت یافتن به مسیح این است که می بینید دارید به تدریج علاقه خود را به بعضی کارها که قبلاً انجام می دادید از دست می دهید. دوستان و معاشرین قبلی تان که جدا از مسیح زندگی می کنند به تدریج به نظرتان غریبه می آیند. به عنوان یک مسیحی، هوشیاری بیشتری نسبت به زندگی درست، نادرست و یا زندگی پیش پا افتاده و بی خاصیت خواهید داشت. همچنانکه در رابطه مان با مسیح پیشرفت می کنیم، علاقه بسیار به آنچه از خدا است و او در جهان انجام می دهد پیدا می کنیم و از چیزهایی که قبلاً انجامش را جایز می دانستیم خودداری می کنیم.

اما این را هم بدانید به احتمال زیاد اطرافیان شما در مدرسه، محل کار و خانه با شما مخالفت می کنند. دیگران درک نمی کنند چرا در حال تبدیل هستید! ممکن است حتی عصبانی شوند، زیرا رابطه راحت و آشنایی را که با شما داشتند دارید تغییر می دهید.

در این مرحله، لازم است با دعا بسنجید که آیا ارزش دارد دوستی تان را با آنها حفظ کنید؟ اغلب اوقات در خواهیم یافت که آنهایی که "فکر می کردیم" دوست هستند، در

مقدس انگلیسی). این قسمت آیه که می گوید "تا ابد کامل ساخته است" یعنی همان موقع که ایمان می آوریم در نظر او کامل و مقدس هستیم.

آن قسمت آیه از کتاب مقدس که می گوید "آنانی را که مقدس می شوند" به این معنا است که نفس کهنه گناه آلود ما همواره در حال تغییر یافتن و پاک شدن است. این به وسیله دعا و نیز پاک سازی ما توسط خواندن حقایق کتاب مقدس و مطالعه و اطاعت از آن صورت می گیرد. به علاوه ما با خدمت به خدا و انضباط دادن خود در پیروی از راههای او، مقدس می شویم (رساله دوم پطرس ۱ آیه ۱۰).

تا کنون مطالب زیادی راجع به جایگاه خود در مسیح آموخته ایم. در بخش بعدی راجع به نقش مهمی که ما در رابطه پر اهمیت با خداوند خود ایفا می کنیم بیشتر خواهیم آموخت.

۶- مسئولیت ما به عنوان مسیحیان

پیش از این اشاره شد که رابطه ما با خدا جنبه دو طرفه دارد. می بینیم بسیاری از وعده های کتاب مقدس مشروط (وابسته) به عکس العمل ما به خداوند و کلام او است. عطایای عالی را خدا به ما داده است، اما باید کوشش کنیم تا در رابطه نزدیک با او زندگی کرده و مطیع او باشیم. تنها آن زمان، همانطور که آموختیم، می توانیم پیروزمندانه در این حقایق در مورد جایگاه ما در خداوند زندگی کنیم.

اگر چه نجات ما رایگان است - نیاز نیست ما کاری در ازای آن انجام دهیم - و تنها خدا است که آن را امکان پذیر می سازد اما باید بدانیم که به قیمت جان خود عیسی مسیح تمام شده است. و سایر قسمت های رابطه ما با مسیح، از جمله سطح صمیمت با او، عمق تعهد ما نسبت به او، مفید بودن ثمرات روح در ما، و توانایی آوردن بی ایمانان به

شنیدن اینکه ما " مقدس " هستیم ممکن است در باطن، ما را به طغیان وا دارد چرا که می گوئیم : " من مقدس نیستم! تنها خداست که مقدس است!". اما کلام خدا این را برایمان روشن می سازد که به عنوان پیروان مسیح ما یک قوم کاملا جدا و متفاوت هستیم. عیسی با قربانی ساختن خویش ما را مقدس ساخته است. این به خواست ما نبوده (یوحنا ۱۷ آیات ۹ تا ۱۹؛ اول قرن‌تیاں ۱ آیه ۲، و آیات ۳۰ و ۳۱، و باب ۶ آیه ۱۱؛ کولسیان ۱ آیات ۲۱ تا ۲۳؛ اول تسالونیکیان ۵ آیات ۲۳ و ۲۴؛ اول پطرس ۱ آیات ۲ تا ۴) و ما باید مطابق این حقیقت، نمایندگان مسیح باشیم.

با کاوش عمیق تر، در می یابیم که تقدیس دو جنبه دارد. یک جنبه زمانی است که عیسی را در قلب خویش می پذیریم و روح ما بلافاصله تقدیس می شود. پیش از نجات، روح ما مُرده بود، اما اکنون در مسیح " زنده شده " است (کولسیان ۲ آیه ۱۳؛ تیطس ۳ آیات ۴ و ۵).

به همین دلیل کتاب مقدس از نجات ما به عنوان " تولد دوباره "، " از نو زاده شدن " و " خلقتی تازه " یاد می کند. از این رو می توانیم در همان لحظه پذیرفتن مسیح، با خدای زنده ارتباط برقرار کنیم. آن زمان او طرز فکر و روح القدس خویش را به ما می دهد و ما به معنای واقعی و به قدر کفایت مقدس می شویم تا بتوانیم روح قدوس او را در خود ما وا دهیم.

جنبه دیگر تقدیس این است که " نفس " ما (جسم ما) هنوز نیاز به بازسازی دارد!

عبرانیان ۱۰ آیه ۱۴ درباره این تقدیس دو مرحله‌ای سخن می گوید: " زیرا با آن یک قربانی، او (مسیح) آنانی را که مقدس می شوند تا ابد کامل ساخته است. " (ترجمه از کتاب

داشته باشیم. او اصول اخلاقی و نگرش های ما را تغییر می دهد. سپس قدرت و شفقت به ما می بخشد تا نجات و شاگرد سازی را به کسانی ارائه دهیم که او را نمی شناسند.

گفته اند "زندگی مسیحی ناپیچیده و ساده است، اما آسان نیست". این کاملاً واقعیت دارد! مسیح توضیح داد که ده فرمانِ موسی پیامبر اکنون تنها در دو اصل قانون الهی با نام "احکام ملوکانه" محقق می گردد (مرقس ۱۲ آیات ۳۰ و ۳۱؛ رومیان ۱۳ آیات ۸ تا ۱۰؛ یعقوب ۲ آیه ۸). اگر ما واقعاً مطابق کلام خدا و اصول او زندگی می کنیم و او و دیگران را عمیقاً دوست می داریم، پس طبیعتاً از احکام او اطاعت خواهیم کرد. محبت کردن به خدا و به دیگران زندگی ایثارگرانه و فداکارانه است. **نخواهیم خواست** کسی را بکشیم، به دیگران حسادت بورزیم یا دزدی کنیم. نخواهیم خواست خدا را ناراحت کنیم، یا به خود یا دیگران آسیب برسانیم. اما اینها البته فقط با زندگی تحت کنترل روح القدس حاصل می شود.

۵- در مسیح تقدیس شده ایم

کلمه "تقدیس کردن" به معنی "جدا کردن"، "منسوب کردن"، "پاک ساختن" و "اهدا کردن" است. کتاب مقدس می گوید ما به عنوان ایمانداران تقدیس شده هستیم. واژه "تقدیس" به واژه "مقدس" ارتباط دارد و در ایمان مسیحی این دو اغلب به جای هم استفاده می شوند. مفهوم آن اینست که **خدا** در لحظه نجات مان، ما را مقدس می سازد. و زمانی که وارد چنین رابطه ای با او می شویم، او ما را برای برنامه های نیکو و خواست مبارک الهی اختصاص می دهد و جدا می سازد.

اما اگر بدون اینکه جدی باشیم زمانی به مسیح ایمان بیاوریم و بعد مداوم بر خلاف کلام و شیوه زندگی و اصول او زندگی کنیم - که در آنصورت داریم او را در اصل کاملاً رد می کنیم - آنوقت باید اینکه آیا در همان اول نجات یافته بودیم را زیر سؤال ببریم (عبرانیان ۱۰ آیه ۲۶ تا ۳۹؛ اول یوحنا ۲ آیات ۱ تا ۶، و آیات ۱۵ تا ۱۷ و آیات ۲۰ تا ۲۹).

کسی که واقعاً نجات یافته و با مسیح رابطه دارد نمی تواند شیوه زندگی متفاوتی از خود نشان ندهد. ممکن است تعجب کنید که چرا از واژه های نجات یافته «حقیقی و راستین» استفاده می کنم. به این دلیل است که بسیاری از مردم تصور اشتباه دارند که به دلایل مختلف به بهشت می روند (من آدم خوبی هستم؛ خدا مرا دوست دارد و هرگز مرا محکوم نخواهد کرد؛ من به جهنم اعتقادی ندارم و ...).

اما در کتاب مقدس واضح است که تنها یک راه برای رفتن به حضور ابدی خدا وجود دارد و آنهم از طریق عیسی مسیح است (یوحنا ۱۴ آیه ۶). اگر چه این ممکن است از روی تعصب و کوته بینانه به نظر برسد، اما حقیقت است.

اینگونه فکر کنید: بیایید فرض کنیم شما در حال رانندگی به سوی شهری ناآشنا هستید. از یک نفر مسیر را می پرسید. او می گوید: "از این جاده پایین برو و به راست بپیچ. آن یک خیابان یک طرفه است. پس مسیر را گم نکن!". اگر شما تصمیم بگیرید که در آن تقاطع به چپ بپیچید، گم خواهید شد. آیا این "کوته بینانه" است؟ خیر! این واقعیت است و به شما بستگی دارد که دستور العملها را دنبال کنید!

به علاوه، زندگی های ما پس از نجات باید با گذشته تفاوت پیدا کند. ما مطلقاً "کامل" نمی شویم، اما اینکه آیا زندگی جدید را دریافت کرده ایم از این به ثبوت می رسد که در مسیر شبیه شدن به منجی مان رشد کنیم. مسیح ما را قادر می سازد زندگی پر قدرت

همه روابط سالم، نیازمند همکاری دوجانبه هستند که با یکدیگر به سوی هدف مشترک کار کنند. در رابطه ما با خداوند هم همینطور است. ما با او در برنامه ها و اهدافش همکار هستیم و نتیجه جانبی و شگفت انگیز عطیه او که ما را پارسا ساخته و نیکی مسیح را به حساب ما گذاشته است این است که ما را قدرت بخشیده تا بر طبیعت جسمانی خود (گناه) غلبه کنیم (کولسیان ۲ آیات ۱۱ تا ۱۵).

نجات راستین

دلیل دیگری که به هیچ وجه نمی توانیم خود را در برابر خدای قدوس، پاک و بدون گناه ارائه کنیم این است که تنها /و است که قادر است ما را بازسازی کند و شایسته خود نماید - زیرا او تنها داور حقیقی است (رومیان ۳ آیات ۲۴ و ۲۵). بسیار مهم است درک کنیم پارسا ساختن انسان فقط کار خداست. از ما اصلاً بر نمی آید که رضایت کامل خدا را جلب کنیم!

با این حال، صرفاً چون خدا ما را پارسا ساخته و بخشیده است، بدان معنا نیست که خدا "واقعا گناه ما را نمی بیند"، یا گناه ما عیبی ندارد. کاملاً برعکس، گناه ما می تواند رابطه ما را با خدا از بین ببرد.

برخی افراد چنین باوری دارند که " یکبار نجات یافته ام، پس همیشه نجات را دارم". به عبارت دیگر "اکنون که نجات یافته ام، این حق را رایگان یافته ام، پس می توانم هر طور بخواهم زندگی کنم و هر کاری که هرگز انجام دهم نجات را از من سلب نخواهد کرد" ...

عبرانیان ۹ آیه ۲۲). اما "پوشش خون" در عهد عتیق، اشاره به آن کاری بود که منجی ما هزار سال بعد روی صلیب برای ما انجام داد.

بنابراین، اگر حقیقتاً نجات یافته باشیم، از داوری و مجازات الهی جان سالم به در برده ایم. نجات را ابتدا با اقرار به گناهکار بودن خویش دریافت می کنیم - درک اینکه خدای قدوس با گناهان ما کنار نخواهد آمد - و سپس تصمیم می گیریم که بگذاریم او عنان زندگی ما را به دست گیرد و به سوی زندگی جدید رهبری نماید.

همچنین باید ایمان داشته باشیم که خدا آنقدر ما را دوست داشت که پسر خود عیسی را فرستاد تا به وسیله خون او که فدیة کننده است، ما آزاد سازد (رومیان ۸ آیه ۹؛ اول پطرس ۱ آیه ۲؛ اول یوحنا ۱ آیه ۷؛ مکاشفه ۱ آیه ۵). در پایان، ایمان داریم او مُرد و از مردگان برخاست. عیسی اکنون در حضور پدر است و در زمان مقرر ما را خواهد آورد تا با او برای همیشه زندگی کنیم (رومیان ۱۰ آیه ۹؛ افسسیان ۱ آیه ۲۰).

در اینجا مهم است متوجه باشیم اگر چه عیسی برای تمامی جهانیان جان خود را داد، تنها افرادی از مزیت نجات و رستگاری بهره مند می شوند که به انتخاب خود با او رابطه داشته باشند. او برای همه در دسترس هست، اما متأسفانه همه نجات نمی یابند زیرا لازم است با تمام وجود و هدفمندانه این رابطه را با او اختیار کنیم (مرقس ۱۲ آیه ۳۰؛ یوحنا ۳ آیات ۱۶ تا ۱۸).

در نهایت، اگر چه این خون عیسی است که ما را پاک ساخته است و با آن بخشیده می شویم و شفای روحانی می یابیم، و اگر چه این کار عظیم را او برای ما انجام داده است، هنوز مسئولیت به عهده ما است تا شهوات نفسانی مان را که خدا نمی پسندد به صلیب میخکوب نموده، هر روزه آنها را به صلیب بکشیم (غلاطیان ۵ آیات ۲۴ و ۲۵).

به یک ایماندارِ صمیمی که تولد تازه یافته است می نگرد، مسیح را می بیند - یعنی آن کفارهٔ قربانی و تماماً نیک.

پَسَح (The Passover)

رسمِ قربانی کردن، در داستان "پَسَح" نیز که اغلب در کتاب مقدس دیده ایم به تصویر کشیده شده است. اسرائیلیان (که عبرانیان یا یهودیان نیز خوانده می شوند) در اوایل تاریخ قوم خود، برده مصریان شده بودند. زمانی که خدا اراده فرمود قوم خود را آزاد سازد، موسی را انتخاب نمود تا از فرعون رهبر مصر شخصاً آزادی یهودیان را مطالبه نماید. اما فرعون به درخواست های موسی واقعی ننهاد. خدا به قوم خود فرمود چون مصریان آنها را به گروگان نگه داشته بودند، او قصد داشت فرعون و قومش را مجازات نماید.

اما پس از ۹ بلای ویرانگر، فرعون همچنان از آزادسازی یهودیان امتناع می کرد. آخرین و شدیدترین مجازات ها این بود که خدا همگی فرزندانِ اول زاد و حیوانات نخست زاده در آن سرزمین را بکشد.

برای حفظ قوم خویش، خدا فرمان داد که آن شب خون یک بره را بر سر درِ خانه هایشان بزنند. خون نقش بسته شده به این معنی بود که خدا از آن خانه "عبور کند" و ساکنین آن را دچار مرگ دچار نسازد (خروج ۱۲ آیات ۱ تا ۱۳ و آیه ۲۳). بسیاری از یهودیان یادبود عید پَسَح را امروزه به رسم یادآوری آزادی از اسارت مصر جشن می گیرند.

نکته عالی و شگفت انگیز این است که خون عیسی مسیح از زمانی که مرد و برخاست، ما پیروان او را "می پوشاند" (رومیان ۵ آیه ۹؛ افسسیان ۱ آیه ۷ و باب ۲ آیه ۱۳؛

وحشتناک است. بخاطر گناهان آنها نیاز بود جان وجودی زنده از او گرفته شود (لاویان ۱۷ آیه ۱۱).

مسئله گناه ما این است که اصلاً قادر نیستیم با هیچ بهایی تاوان آن را بدهیم. هر کاری هم بکنیم برای جبران خطایای ما کافی نیست. ما به کسی نیاز داشتیم که نجات مان دهد. دقیقاً به همین دلیل است که مسیح برای تمام نوع بشر و برای همیشه «قربانی حقیقی» شد.

از آنجا که او کامل و بی گناه بود، درست همان قربانی بود که خدا ضروری ساخته بود. در واقع، به همین دلیل است که او " بره خدا " خوانده می شود (یوحنا ۱ آیه ۲۹). او «قربانی» منتخب برای پرداخت گناهان ما بود. مسیح " شریعت " را **به خاطر ما** به طرز کامل به انجام رسانید زیرا تنها او بود که بدون گناه زندگی کرد (عبرانیان ۹ آیات ۲۴ تا ۲۶؛ و باب ۱۰ آیات ۱ تا ۱۸).

شایان تکرار است - وقتی در مسیح هستیم دیگر در نظر خدا محکوم نمی باشیم، زیرا وقتی مسیح روی صلیب جان داد، ما را کاملاً نیک ساخت. او بدهی گناه ما را پرداخت، و مجازاتی را که ما مستحق آن بودیم متحمل شد.

او "جایگزین" ما شد. اما باز هم می گویم، صرفاً آنانی که به او توکل کنند، نیک و بی گناه محسوب می شوند.

رابطه ما اکنون با خدا تصحیح شده است - با او همسو هستیم و او ما را تأیید کرده است. ممکن است پذیرفتن این حقیقت برای ما دشوار باشد زیرا خودمان می دانیم چه ها کرده ایم! اما باید این حقیقت را باور کنیم، زیرا خدا می گوید *حقیقت است*. وقتی پروردگار

می آید، بد نباشیم. همواره سعی می کنیم برای رفتارهای خود دلیل تراشی کنیم - گویی هرگز آن کار را انجام نداده ایم یا به آن بدی که به نظر می آید انجامش نداده ایم.

بی تقصیر!

اصل و مبادی مربوط به «کاملاً نیک ساختن» از عهد عتیق شروع شد. قوانین اخلاقی در شریعت که ده فرمان موسی پیامبر می باشند، در اصل "شخص را محکوم می کردند" (رومیان ۷ آیه ۷). شریعت، مقررات را وضع کرد و اگر شما مطابق یکایک آنها زندگی نمی کردید گناهکار و "محکوم" بودید (رساله یعقوب ۲ آیات ۱۰ و ۱۱).

به همین دلیل کتاب مقدس می گوید که "همه گناه کرده و از جلال خدا قاصر آمدیم" (رومیان ۳ آیه ۲۳). لیکن همه ما در عمق دل می دانیم که وقتی کار بدی انجام دهیم، باید توان پردازیم. در واقع، این وضعیت از زمانی که آدم و حوا از خدای قادر مطلق نافرمانی کردند شروع شد. قدم اول را خدا برداشت تا گناه آنها را با تهیه لباسی از پوست حیوان بپوشاند و برهنگی و شرم آنان را پنهان سازد. این ضمناً نشان می دهد که یک حیوان باید ذبح می شد - اولین جایی که در کتاب مقدس گناه با مرگ یکسان شمرده شد (پیدایش ۳ آیه ۲۱).

بعدها در تاریخ، خداوند سیستم قربانی کردن را برای قوم خویش ایجاد کرد. بره، بز یا گاو نر کامل و بی عیبی برای گناهان قوم باید ذبح می شد (لاویان ۲۳ آیه ۱۲). همانگونه که در فصل قبل اشاره شد، این یک تصویر بود تا به قوم یهود نشان دهد گناه چقدر

و ۷؛ افسسیان ۱ آیه ۱۱؛ رومیان ۸ آیات ۱۵ تا ۱۷). وارث کسی است که ارث پدر را دریافت می کند. وقتی به آسمان برویم به راستی در میراث بزرگی سهیم خواهیم شد!

خدا همچنین می فرماید که ما با او **سلطنت** خواهیم کرد (دوم تیموتائوس ۲ آیه ۱۲؛ مکاشفه ۲۰ آیه ۶؛ باب ۲۲ آیات ۳ تا ۵). کلمه "**سلطنت**" به معنی حاکمیت، فرمان دهی، کنترل، لیدر بودن و اداره کردن است. به عبارت دیگر، ما با مسیح عملاً فرمانروایی خواهیم کرد. ☺

یک لحظه صبر کنید، مطلب دیگری هم هست!

۴- در مسیح ما کاملاً نیک شمرده می شویم.

من شنیده ام که کلمه "نیک شمرده شدن" به عنوان "گویی هرگز اینکار را نکرده ایم" توضیح داده می شود. این توصیف بسیار خوبی از آن است. آیا می دانستید که این نیز یک اصطلاح قانونی دیگر به معنی "صحیح یا مستقیم گردانیدن"، "راست گردانیدن"، "به ترتیب قرار دادن" یا "قانونی و به رسمیت شناختن" است؟

به عنوان مثال، کتاب مقدس می گوید: "او (خداوند) طریقه‌های را راست خواهد گردانید (امثال ۳ آیات ۵ و ۶؛ ترجمه قدیم)". پس روش دیگر برای بیان آیه می تواند چنین باشد: "او طریقه‌های شما (گزینه ها و جهت های زندگی تان) را راست می سازد."

به خاطر طبیعت گناه‌آلود ما، تمایل ذاتی (درون زادی) داریم که خودمان را بی تقصیر بنمایانیم. اما به نظر من، خود را بی تقصیر نمایاندن همان بهانه آوردن است. همه کاری می کنیم تا باعث شویم دیگران فکر کنند مقصر نیستیم و یا آنقدری که احتمالاً به نظر

بودید. قابل تذکر است که شام مقدس خداوند (عشای ربانی) اشاره به همین ایده گرد آمدن خانواده خدا دارد تا با هم غذا صرف کنند و متحداً او را بپرستند.

امروزه در فرهنگ آمریکایی اکثراً متوجه مفهوم چنین رابطه عمیقی نمی شویم، زیرا اغلب غذا را حاضری در طی رانندگی به سمت مقصد می خوریم یا زمانی که عجله داریم جایی برویم یک خوراکی میان وعده به دست می گیریم و به سرعت می رویم. به ندرت دور میز غذا می خوریم تا با یکدیگر صحبت و گفتگو کنیم. اما این عادت متأسفانه اوقات با هم بودن و صمیمی بودن را از ما سلب می کند.

در توضیح بیشتر این موضوع، باید به حرمت و احترامی که قوم یهود نسبت به خدا قائل بودند پی ببریم. این حرمت گذاری آنقدر عمیق بود که آنها حتی رسمی ایجاد کرده بودند که مطابق آن، اسم "خدا" را بر زبان نمی آوردند زیرا عقیده داشتند که چنین کاری توهین به مقام او است.

بنابراین دوستی با خدا در زمان عیسی، ایده ای بود که اساساً با فرهنگ آن زمان مغایرت داشت و کاملاً غیر قابل تصور بود (یوحنا ۱۵ آیات ۱۴ و ۱۵). سر سفره خدا نشستن و با او غذا خوردن برای آنان امری عجیب و ناممکن بود! اما مسیح که واسطه بزرگ برای ما است، راهی فراهم کرده است تا بتوانیم به حضور خدا راه یابیم (مکاشفه ۳ آیه ۲۰). اکنون می توانیم با خدای پدر، خدای پسر و خدای روح القدس رابطه عمیق داشته باشیم، زیرا عضوی از خانواده الهی هستیم.

به علاوه، کتاب مقدس به ما می گوید "نشانه شده با او در قلمروهای آسمانی"، یعنی وقتی در مسیح هستیم، با او در تمام آنچه دارد «هم‌ارث» می باشیم (غلاطیان ۴ آیات ۶

در حالیکه این خلقت تازه در لحظه نجات شروع می شود، ما همچنان به رشد و بلوغ در شناخت و رابطه با مسیح در طول زندگی خویش ادامه می دهیم (دوم قرن‌تیان ۵ آیه ۱۷ ؛ فیلیپیان ۱ آیات ۹ تا ۱۱). این همان چیزی است که به عنوان "در مسیح بودن" یاد می شود.

مفهوم "نشانه شدن" با مسیح این است که **وارد یک رابطه شخصی با خود خدای متعال می شویم**. این امتیازی است که باور کردن آن مشکل می باشد! اغلب ما این رابطه را عادی و بدیهی انگار می کنیم، زیرا اکنون در عصر "فیض" هستیم. گرایش فکر ما این است که مسیح بیشتر دوست ما است تا ارباب و پادشاه ما.

اگر چه او دوست و نیز خدای متعال است، باید مراقب باشیم که تمام جوانب شخصیت او را محترم بداریم و محبت کنیم - نه فقط لطافت و گرمای وجود او را. خدا در عین حال قدرت دارد تا با یک فرمان، تمامی ملل را محو سازد (مکاشفه ۱۹ آیه ۱۵)! او کامل و عالی ترین هاست، قدوس (تماماً مقدس) است، قدرت او از فراتر از تصور می باشد و سزاوار ستایش ها و سرسپردگی کامل ماست.

چه امتیازی!

برای اینکه ارزش رابطه نزدیک با مسیح که افتخار بزرگی است را درک کنیم باید از عهد عتیق مطلع باشیم. در دوران کتاب مقدس، اجازه ورود یافتن به خانه کسی (برای "همنشینی" با آنها) یک امتیاز محسوب می شد و به این معنی بود که شما دوست آنها هستید و کاملاً مورد پذیرش و اعتماد می باشید. سر سفره کسی نشستن (به اصطلاح نان و نمک آنها را خوردن) امری بسیار شخصی محسوب می شد، زیرا شما با آنها روبرو می

را پی ریزی کنیم. این به ما یاری خواهد کرد درک کنیم جایگاه جدید ما در مسیح کدام است.

۳- خدا همچنین :

" ما را با مسیح در جایهای آسمانی نشانده است " (افسیان باب ۱ آیات ۳، ۱۹ و ۲۰).

این به چه معناست؟

این تصویر بسیار زیبایی از جایگاه ما در مسیح است. بخاطر مرگ و دفن و قیام مسیح، او نه تنها ما را از مرگ روحانی و مجازات ابدی نجات بخشید، بلکه قدرتهای جهنم و شریر را نیز مغلوب ساخت (مکاشفه ۱ آیات ۱۲ تا ۱۸). مسیح برنده شد!

حتی با اینکه هنوز شرارت زیادی در جهان کنونی می بینیم، زمانی که مسیح باز گردد شیطان را سرنگون و برای همیشه ساکت خواهد ساخت (مکاشفه ۲۰ آیه ۱۰). آنگاه امید مبارک ما سرانجام محقق خواهد شد - که ما تا ابد با خداوندمان ساکن باشیم.

کتاب مقدس به ما می گوید مسیح چهل روز پس از آنکه از مرگ برخاست به آسمان صعود نمود. آنجا، خدا او را به دست راست خویش نشانید (لوقا ۲۲ آیه ۶۹؛ عبرانیان ۱۲ آیات ۱ و ۲). به عبارت دیگر وقتی زندگی ما به زندگی او متصل می شود، او به معنای واقعی ما را با خود در قلمرو آسمانی خود قرار می دهد (افسسیان ۲ آیات ۴ تا ۶). این نشان دهنده هویت تازه ما در مسیح است. البته، تا زمانی که وارد حضور مسیح در ابدیت نشده باشیم، او را کاملاً نخواهیم شناخت. اما به عنوان پیروانش، روح ما اکنون با او و در او زندگی می کند (افسسیان ۲ آیات ۱ تا ۷).

فصل پنجم

پی ریزی شالوده

(قسمت دوم)



در فصل ۴، چند مورد روحانی را دیدیم که وقتی به مسیح ایمان بیاوریم خدا از طریق روح خود برای ما تکمیل می کند. حالا می توانیم درک کنیم که خدا ما را کاملاً نیک کرده است؛ پس ما در نظر او "درست و راست" هستیم. خدا به ما ایماندارانی که تولد تازه داریم اجازه می دهد توسط دعا بتوانیم دلیرانه به حضور او وارد شویم و با او رابطه نزدیک داشته باشیم (عبرانیان ۴ آیه ۱۶).

همچنین آموختیم که خدا ما را از اسارت گناه رهایی داده است. ما مسلماً تا پیش از ورود به ابدیت "بدون گناه" نخواهیم بود، اما چون مسیح توسط روح القدس خود در ما زندگی می کند، اکنون قدرت و توانایی خدا را داریم تا برنامه او را برای زندگی خود برگزینیم. این برنامه عالی و بهینه شامل توانایی رد کردن گناه و به کار بستن نقشه خدا برای یکایک ما است تا او را خدمت کرده ملکوت او را پیشبرد دهیم (ارمیا ۲۹ آیه ۱۱؛ تیتوس ۲ آیات ۱۱ تا ۱۴). ما واقعاً می توانیم آزادی حقیقی را تجربه کنیم!

در این فصل به کاوش خود در آنچه مسیح برایمان انجام داده ادامه می دهیم، و می آموزیم او چندین عطیه دیگر به ما بخشیده است تا بتوانیم شالوده محکم و صحیح ایمان

درونی این است که بگذاریم خداوند ما را شفا دهد. کتاب مقدس که کلام خداست قدرت دارد ما را پاک سازد، شفا دهد، تسلی بخشد، و تادیب و هدایت نماید. رهنمود ما در فیلیپیان ۴ آیات ۶ تا ۹ می گوید باید چشم دل را به آنچه مثبت است بدوزیم. یعنی در واقع باید راجع به مسیح تفکر کنیم زیرا همگی ویژگی های آیه ۸ در او تجلی یافته اند.

البته این " مثبت اندیشی " نیست، بلکه " نو شدن ذهن ما " با قدرت مافوق طبیعی کلام خدا است (رومیان ۱۲ آیه ۲؛ عبرانیان ۴ آیه ۱۲). بخشی از جلو رفتن این است که هدفمندانه چشم به آن پاداش بدوزیم - یعنی به آینده مان در ابدیت پر جلال خدا (کولسیان ۳ آیات ۱ تا ۴؛ دوم تیموتائوس ۴ آیات ۶ تا ۸)! دانستن اینکه روزی با خداوند برای همیشه در آرامی و محبت کامل خواهیم بود، به ما امید آینده می بخشد و در عبور از سختی های این دنیا یاری مان می دهد (اول قرنتیان ۱۵ آیه ۴۳؛ دوم قرنتیان ۱۴ آیه ۱۷).

در نهایت، حتی پس از آنکه آزادی خود را بدست می آوریم، زمانهایی خواهد بود که ممکن است دوباره خود را موقتاً اسیر عاداتها و افکار کهنه خود کنیم (دوم پطرس ۲ آیات ۱۹ تا ۲۲). نکته مهم این است که " یکبار دیگر بر خیزیم " - ما توبه می کنیم و به پیشروی خود به سوی مسیح ادامه می دهیم. ادامه دادن به اینکه به خداوند نزدیک بمانیم بزودی

روش زندگی ما می شود و پاداش هم خواهد داشت. و آنگاه که به حضور مسیح برسیم، " نبرد نیکو را جنگیده ایم " (اول تیموتائوس ۶ آیه ۱۲). مشتاقانه در انتظار روزی هستیم که بشنوم او به من می گوید: " آفرین بر تو! خادم امین و وفادار من! " (متی ۲۵ آیه ۲۱)

را شروع کنیم. ضروری است درک کنیم نادیده گرفتن آنچه گناه به سر زندگی ما آورده است و تظاهر به اینکه کاملاً "نوپن و خوشحال" هستیم مشکلات بیشتری برای مان ایجاد می کند.

رهاش کن و دنبالش را بگیر!

قدم بعدی برای زندگی در آزادی این است که دیگر آن گناه یا خطا را که برایش سوگواری کرده ایم پیش نکشیم، چون به مرحله ای رسیده ایم که سفر روحانی ما پایان گرفته است و داخل زندگی جدید می گردیم. اگر گزینه ما این باشد که غوطه ور در الگوهای ناسالم فکری و احساسی و ارتباطی باشیم و دلمان برای خودمان بسوزد، واقعاً در این مرحله می توانیم وا بمانیم (افسسیان ۲ آیات ۱ تا ۱۰؛ غلاطیان ۵ آیه ۱).

در گذشته ی خود ماندن، نبخشیدن کسانی که ما را آزار رسانیده اند، و اینکه بگذاریم آسیب ها و شکست هامان روزگار ما را سیاه کنند، **نا اطاعتی** است. زیرا عیسی مُرد تا به ما زندگی **جدیدی** ببخشد و باید یاد بگیریم در این موهبت هر روزه زندگی کنیم (رومیان ۶ آیات ۱۲ و ۱۳؛ دوم قرنتیان ۵ آیات ۱۵ تا ۱۷؛ فیلیپیان ۳ آیات ۱۲ تا ۱۴).

به علاوه وقتی در ترس، خشم، نبخشیدن یا خودخواهی زندگی می کنیم، خوشی و آرامش و محبت در ما پژمرده می گردند. مانند هر تجربه جدید، زمان می برد تا مهارت های نوین را بخوبی بیاموزیم. ممکن است از آزاد بودن واهمه داشته باشیم، اما از همین راه است که شروع می کنیم زیر بنای تازه ای برای آینده مان در مسیح بسازیم.

باز سازی زندگی ما شجاعت و تلاش بسیار لازم می کند! اما بخشی از یافتن بهبود

کوتاهی ها و دردهای خود به یکباره و در آن واحد روبرو شویم. همچنانکه خدا موقعیت های گذشته و افراد را به ما یادآور می شود، لازم است ما نیز با افکار و احساساتی که به ما دست می دهد مواجه شویم و اگر نیاز احساس کنیم، برای آن اتفاقات گریه کنیم.

می توانیم این روند زندگی در آزادی مسیح را با این آموزش شروع کنیم که چگونه بخاطر افراد، فرصتها و آنچه از دست داده ایم سوگواری کنیم. تکرار می کنم: بایست زمانی را به سوگواری برای راههایی که خودمان آسیب دیده ایم یا به دیگران آسیب رسانده ایم اختصاص دهیم. سپس لازم است **بگذاریم** خدا ما را با گذشت زمان شفا دهد.

یک نکته محض احتیاط: توانایی برای شفا یافتن از گذشته مان به این معنی نیست که می بایست تک تک اتفاقات کوچکی را که در زندگی مان افتاده بررسی کنیم! از خدا بخواهید آن تجربه ها و موقعیت های گذشته را به خاطرتان بیاورد که **براستی** به شفا از آنها نیاز دارید. و برای آن دسته از شما که زندگی فوق العاده داشته اید - با اندکی سختی، درد و به هم خوردگی روابط - بابت آن سپاسگزار باشید. اما حقیقت این است که بسیاری از ما چیزهایی از گذشته داریم که نیاز است با آنها روبرو شویم و آنها را حل و فصل کنیم. در زندگی خودم، وقتی گذاشتم درد دوران وحشتناک کودکی ام را حس کنم - و نیز درد تمام فرصت هایی که از دست داده بودم، ناراحتی هایی که به دیگران رسانیده بودم، و رفتارهای خودویرانگرم را - شفای بزرگی یافتم. گاهی این سوگواری طاقت فرسا می شد و دلیل اصلی که اینهمه سال از آن اجتناب می کردم هم همان بود.

من با کمک خدا به تدریج توانستم با گذشته خود کنار بیایم، اما مراحل چنین کاری بدون استفاده از مواد، اجتناب، یا سرزنش دیگران در واقع به من کمک کرد زندگی جدیدی

ما باشد. اگر چه شاید لازم است گذشته خود را مدّ نظر بگیریم تا بتوانیم شفا بیابیم، برای آن سوگواری کنیم، و شهادت بدهیم که خدا از چه شرایطی ما را تا به اینجا رسانده است، در عین حال نباید همواره به آن فکر کنیم. اگر سرسختانه حاضر نشویم خودمان و دیگرانی را که به ما آسیب رسانده اند ببخشیم، خدا هم نمی تواند از ما استفاده کند.

در واقع اگر به جای نگاه کردن به پیشِ رو، به توجه داشتن به گذشته ادامه بدهیم، مثل آن ده نفر زندانی خواهیم بود که به آنها گفتند می توانند از زندان خارج شوند، اما آنها از قدم گذاشتن به بیرون از زندان امتناع ورزیدند! یا شاید درباره افرادی شنیده باشید که جسماً از زندان می روند، اما پس از مدت کوتاهی عمداً کاری می کنند تا دوباره زندانی شوند. این عملکرد و عادت شخص به زندانی بودن، "institutionalization" یا "طرز فکر محبوس ماندن" خوانده شده است.

دلیلش این است که آنها بدون قوانین و مقررات سختگیرانه‌ی حبس، احساس ناامنی و ناراحتی می کنند. به همین ترتیب، ما نیز وقتی از رها کردن گذشته امتناع می ورزیم، محبوسین گذشته خود می شویم. زیرا بسیاری اوقات در شرایط آشنا احساس ایمنی بیشتری می کنیم، گر چه آن شیوه زندگی غالباً ناسالم است. پیش رفتن برای ما ترس ایجاد می کند، اما اگر طالب زندگی جدیدی هستیم ضروری است جسورانه قدم به جلو برداریم.

چگونه می توانم گذشته خود را کنار بگذارم؟

واکنش صحیح در برخورد با گذشته، این است که بگذاریم خدا مواردی را که نیاز به توبه و شفا داریم به یادمان بیاورد. اما این زمان می برد، زیرا نمی توانیم با فشارِ تمامی شکست‌ها،

عیسی مسیح شویم. وظیفه ما این است که بیاموزیم خواسته های او از ما در کتاب مقدس چیست، تا در دعا با او وقت بگذرانیم، با او گفتگو کنیم، از او حکمت و هدایت بطلبیم، و سپس آنچه را آموخته ایم در اطاعت انجام دهیم.

علاوه بر این، تنها "رها کردن" گذشته مان کافی نیست، بلکه باید با اراده محکم آن را از خود به دور بیفکنیم (کولسیان ۳ آیات ۵ تا ۱۰). این بدان معنا نیست که وانمود کنیم اتفاقات بد برایمان رخ نداده، یا ناراحتی هایی را که برای دیگران ایجاد کرده ایم فراموش کنیم و یک نقاب لبخند ساختگی به صورتمان بزنیم، بلکه به جای روشهای پیشین خود باید طریق زندگی مسیح را کاملاً مرام خود سازیم.

به عنوان مثال، مسیح به ما می فرماید باید آنانی را که به ما بدی کرده اند ببخشیم و تا آنجا که ممکن است روابط را بازسازی کنیم. در غیر این صورت، هرگز واقعاً از گذشته آزاد نخواهیم شد. اینجاست که اغلب در می یابیم این اصطلاح "بخش و فراموش کن" از همه لحاظ صحیح نیست. ما هرگز زندگی پیشین خود را فراموش نخواهیم کرد، اما یقیناً با قدرت خدا می توانیم دیگری را ببخشیم. من باید افراد بسیاری را که آسیبهای زیاد به من وارد ساخته بودند می بخشیدم، اما در نتیجه آزادی یافته ام.

این انباشته سستی های گذشته و الگوهای کهنه فکری و رفتاری است که نیاز داریم بگذاریم خدا زندگی ما را بند آنها آزاد سازد. در واقع، او صراحتاً به ما می گوید که تا آنها را "رها نکنیم" شایسته پادشاهی او نخواهیم بود (لوقا ۹ آیه ۶۲).

می توانیم این آیات را به زندگی خود تشبیه کنیم. "شخم زنی" می تواند زندگی و کاری باشد که خدا برای آینده ما در نظر گرفته است، و "به عقب نگرستن" می تواند گذشته

پشت سر گذاشتن گذشته خود

یکی از جوانب بسیار مهم آزادی در مسیح این است که باید آنچه را در زندگی گذشته ما نادرست و گناه آلود بوده کنار بگذاریم و به عیسی روی بیاوریم (فیلیپیان ۳ آیات ۱۲ تا ۱۴). در این نکته است که بسیاری از مردم راه صحیح ایمان را گم می کنند. آنها تصور می کنند "انجام ندادن" یک سری کارهای خاص، منتهی به شادی و آرامش و داشتن موقعیت درست با خدا می شود.

حائز اهمیت بسیار است که بدانیم آزادی در مسیح این نیست که از یک سری قوانین و مقررات پیروی کنیم! دین آنگونه است 😊. این مسئله مانند دام غیر منتظره ای است که می تواند بسیاری از ما را، در دورانی که شفای روحانی می یابیم، گرفتار سازد. "مذهبی بودن" به طور اساسی این است که به جای اسارت در اشتباهات و گناهان گذشته مان، حال اسیر مذهب خود شویم. اگر صرفاً پیرو "مقررات دین" باشیم و بدون محبت و شادی زندگی کنیم، مردم مجذوب مسیح و روح القدس او در ما نخواهند شد. شاید به کلیسا برویم، کتاب مقدس بخوانیم و "حرفهای مسیحی" بزنیم، اما لازم است مراقب باشیم که صرفاً تبدیل به یک "مسیحی ظاهری" نشویم.

یکی دیگر از موانع آزادی در مسیح این است که یک پا را محکم در گذشته قرار داده ایم در حالی که در تلاشیم یک زندگی تازه را در زمان حال زندگی کنیم. این هرگز نتیجه بخش نخواهد بود! ما باید فعالانه و با عزم کامل به سوی اهداف نوین و اطاعت خداوند حرکت کنیم. لیکن این امر به راحتی و بدون تغییر در قلب و ذهن مان از طرف خداوند، انجام نخواهد شد.

راز زندگی مسیحی کلاً در این است که از زمان و انرژی خود استفاده کنیم تا عاشق

است. "قوم او" کسانی هستند که برآستی او را پرستش می کنند - یعنی آنانی که به او ایمان دارند، او را محبت می کنند، پیرو او هستند، و میگذارند خدا تغییرات بنیادی در زندگی شان ایجاد کند.

مسئله قانونی دیگر

همانند پارسایی که خدا به ما ایمانداران عطا کرده، آزادی ما در مسیح نیز یک اصل قانونی است. به عنوان مسیحیانی که تولد دوباره یافته ایم، آزادی ما در جهان روحانی انجام گرفته است، زیرا وقتی عیسی مُرد و دوباره برخاست، بر تمام نیروهای پلید چیره شد. پس اگر چه شیطان هنوز بر این دنیا ریاست می کند، (دوم قرن تیان ۴ آیه ۴؛ افسسیان ۲ آیات ۱ تا ۳) و او و زیردستانش مسلماً می توانند بر زندگی ما تاثیر بگذارند، اما دیگر کنترلی بر ما ندارند.

اکنون توانمندیم زندگی مقدس را انتخاب کنیم (اول یوحنا ۴ آیات ۴ تا ۶). این بدان معناست که چون در مسیح زندگی می کنیم، از پیرومندان نیز برتر هستیم زیرا ارباب ما آن پیروزمندِ عظیم است (رومیان ۸ آیه ۳۷). این موضوع مانند ارتشی است که جنگ را می برد زیرا فرمانده اش در نبردی پیروزمندانه آن لشکر را با مهارت هدایت کرده است. تکرار می کنم: آزادی که خدا می بخشد، برای انجام کار درست است، نه آزادی انجام هر کاری که دلمان بخواهد بکنیم (غلاطیان ۵ آیه ۱۳؛ اول پطرس ۲ آیه ۱۶). همه ما ظرفیت گناه کردن را داریم - گناه کردن هرگز مشکل نیست! - همه ما نتایج نامطلوب زندگی کردن بر طبق "خواسته های خودمان" را چشیده ایم. اما قدرت خدا باید در زندگی ما عمل کند تا به جای نادرست، درست را برگزینیم و به جای آنچه معمولی و پیش پا افتاده است، بهترین را انتخاب کنیم.

در ادامه موضوع آزاد شدن، در اشعیا باب ۶۱ آیه ۱ می خوانیم که یکی از اهداف مسیح از آمدن به جهان این بود که اسیران را رهایی بخشد و آزادی روحانی به آنها ارزانی کند. توجه داشته باشید، این آیات نزدیک به هفتصد سال پیش از آمدن مسیح به جهان نوشته شده و اکنون می دانیم این عیسی است که اشعیا درباره اش نبوت کرده بود. می بینیم زمانی که مسیح نبوتی را قرائت نمود که راجع به **خود او** بود (لوقا ۴ آیات ۱۸ تا ۲۱) این امر به انجام رسید. خدا و کلام او بی همتا هستند!

مشابه آنچه درباره پارسایی خود در مسیح آموختیم، ممکن است پس از دریافت نجات روحانی، **احساس آزادی نکنیم** یا رفتار ما این آزاد شدن را نشان ندهد. هنوز هم مستعد هستیم تا به چیزهایی که ما را در بند خود نگاه می دارند بچسبیم و در دام آنها بیفتیم (عبرانیان ۱۲ آیات ۱ تا ۴).

لیکن اکنون قدرت مقاومت در برابر گناه را داریم. پیش از اینکه روح القدس در ما ساکن شود، قادر نبودیم برای خشنود ساختن خدا زندگی کنیم یا هدف ما جلال دادن نام او باشد. به این دلیل که به معنای واقعی در گناه زاده شده ایم، تا زمانی که توسط مسیح و روح مقدس او بازسازی و احیا شویم.

اما خواست همیشگی خدا، آن قومی بوده است که عمیقاً او را دوست بدارند و سرسپرده اهداف او باشند. نزدیک به ۱۶۰۰ سال پیش از میلاد، خدا این را به وسیله قوم محبوب خود اسرائیل جلوه گر ساخت (خروج ۸ آیه ۱) و خواست او هرگز تغییر نکرده است! مسیح به جهان آمد تا مزد گناهان ما را بپردازد، تا بتوانیم با خدای قدوس مان کاملاً رابطه برقرار کنیم.

در این بخش از کتاب «خروج»، نکته جالبی یافتیم: خدا قوم خود را رهایی داد تا بتوانند او را پرستش کنند. هدف از آزادی یافتن امروز ما از گناهان ما نیز دقیقاً همین

مسیح، آزادی ما

خدا علاوه بر پارسایی منتسب به ما، این را نیز می گوید که :

۲- **ما آزاد هستیم ...** (رومیان ۶ آیات ۵ تا ۱۱). کتاب مقدس می گوید ما غلام هستیم: یا غلام پارسایی (خدا) هستیم یا غلام نفس مان (سرپیچی و گناه) (رومیان ۶ آیات ۱۲ تا ۲۳). حقیقت این است که اگر عیسای مسیح را رد کنیم، ناچار در عصیان نسبت به خدا - که گناه می باشد - زندگی می کنیم (یوحنا ۸ آیه ۲۴ ؛ باب ۱۶ آیه ۹ ؛ رومیان ۵ آیات ۱۲ تا ۱۹ ؛ باب ۸ آیات ۶ تا ۸). اما وقتی عیسی مسیح در ما ساکن است، آنگاه بوسیله قدرت روح القدس از **قدرت** تاریکی رهایی یافته ایم و آزادیم تا خدا را در راههای سالم، پر از شادمانی و ابدی خدمت نماییم.

ایمانداران به مسیح از طریق روشی که «بازخريد شدگی» نام دارد، آزاد شده اند (عبرانیان ۹ آیات ۱۱ و ۱۲). این کلمه به معنی « پس خریدن یا آزاد سازی» است. موضوع «بازخريد شدن» کسی یا چیزی، از عهد عتیق می آید. اگر عضوی از خانواده به ویژه یک بیوه زن در خطر یا نیازمند می بود، یکی از مردان خویشاوند باید مسئولیت کمک یا نجات این اشخاص را بر عهده می گرفت. لقب آن مرد "رهایی دهنده"، **بازخريد کننده** می باشد. من واقعا این لقب را دوست دارم! (به کتاب روت فصل ۳ و ۴ رجوع نمایید). نکته شگفت انگیز سرگذشت روت این است که او عضوی از اصل و نسب عیسی مسیح می باشد. مسیح اکنون بازخريد کننده مسیحیان است - او رهایی دهنده ما از گناه، ترس از مرگ و عذاب ابدی است - زیرا او بهای آزادی مان را پرداخت (لوقا ۱ آیه ۶۸ ؛ کولسیان ۱ آیات ۱۳ و ۱۴).

لیکن کتاب مقدس به ما می گوید که ایمان در پادشاهی خدا "محرک اصلی" می باشد (عبرانیان ۱۱ آیات ۱ تا ۴۰). باز هم می گویم، وقتی به کلام خدا ایمان داریم (ایمانی که باور دارد)، کلام او به ما الهام می بخشد و تشویق می کند (ایمان ما را فعال می سازد) تا در ملکوت او کار کنیم (تیتوس ۳ آیات ۴ تا ۸). ایمان ما می بایست ما را ملزم سازد مهمترین وظیفه ای را که بر عهده داریم انجام دهیم که همانا شاگردی پویا شدن برای عیسی مسیح جهت بشارت به بی ایمانان است - (رومیان ۱ آیه ۹).

هیچ بهانه‌ای برای قصور از بشارت انجیل به کسانی که خدا در زندگی مان قرار داده وجود ندارد! ما مستلزم هستیم بخاطر مسیح بر دیگران تاثیر گذار باشیم. شاید معلم یا مبشر نیستیم، اما خدا هر روزه چندین فرصت به ما می دهد تا دیگران را به سوی عیسی رهنمون شویم. در روزی که باید در برابر او به ایستیم و حساب پس بدهیم، مهم ترین موضوع این خواهد بود که چه اندازه به او محبت داشته ایم و جانها را به سوی او رهنمون شده ایم. در این کتاب فصلی است به نام «در میان گذاشتن ایمان ما با دیگران» که در یادگیری این کار به شما کمک می کند.

در آخر باید احتیاط کنیم صرفاً آیات "مثبت" کتاب مقدس را برنگزینیم تا آنها را متعلق به خود بدانیم. البته باید به وعده های خدا با استحکام چسبید، اما لازم است تمامی رهنمودها و آموزه های کتاب مقدس را قلباً بپذیریم - که اغلب سخن از آتش تصفیه کننده و به صلیب کشیدن اراده، خواسته ها، و نقشه های ما است. تعادلی بین محبت عظیم خدا و غضب شدید او نسبت به گناه وجود دارد! باید محبت را با داوری او، سختی ها را با جلال، و صلیب را همراه با تاج بپذیریم (رومیان ۸ آیات ۱۶ و ۱۷؛ فیلیپیان ۱ آیه ۲۹؛ اول پطرس ۲ آیه ۲۱).

و دیگران را به سوی مسیح هدایت نماییم و به وسیله قدرت روح القدس برای ملکوت خدا شاگردان بسازیم (متی ۲۸ آیات ۱۸ تا ۲۰). اگر ادعا کنیم که از آن مسیح هستیم اما ثمری نمی آوریم - اگر در زندگی مان هیچ چیز نشانگر ایمان ما نیست - پس ایمان ما بیهوده است (یوحنا ۱۵ آیات ۱ تا ۸؛ یعقوب ۲ آیات ۱۴ تا ۲۶؛ عبرانیان ۶ آیات ۷ و ۸)!

ایمان همیشه پویا است

کلمه یونانی «دونامیس Dunamis» ریشه کلمات انگلیسی «دینامیت» و «داینامیک» یا همان «پویا» است. به علاوه دارای همان ریشه کلمه ای است که برای "قدرت روح القدس" - قدرت «دونامیس» - استفاده شده که ترجمه آن «قدرت معجزه آسا» است. از آنجا که روح القدس در ما ایمانداران زندگی می کند، می توانیم این قدرت را با ایمان خود مرتبط بدانیم. ایمان پویا و در واقع فعال ما نسبت به خدا، بدون جنبش و بی تفاوت نیست بلکه همیشه در تحرک، در حال تغییر، توانمند و همواره در حال رشد است (و یا اینکه می میرد -/ما هرگز خنثی نیست).

این ایمان ماست که خدا را برمی انگیزد تا روح القدس، فیض و اهداف خویش را در زندگی ما و نیز در زندگی کسانی که به مسیح هدایت می کنیم ارزانی دارد. این بدان معنی نیست که ما قدرت داریم خدا را وادار کنیم آنچه میخواهیم انجام دهد! و به این معنی نیست که فیض او مشروط به اعمال ماست - که اگر "به قدر کافی خوبی کنیم" او موظف می شود ما را برکت دهد. و به این معنی هم نیست که اگر "به اندازه کافی" ایمان داشته باشیم، همیشه هر آنچه برایش دعا کنیم خواهیم یافت. نیز چنین تضمینی نمی دهد که اگر "بهترین رفتار" را از خود نشان دهیم یا تصمیمات درست بگیریم، با درد یا زحمات مواجه نخواهیم شد. باید درک کنیم خداست که در صدر امور است و اوست که بر می گزیند در چه زمان و به چه روشی پاسخ دعای ایمان ما را بدهد.

درست مانند ابراهیم، سر دودمان بزرگ قوم یهود! این یک واقعیت است. اما باز هم بگویم، این بخاطر کاری است که خدا برای ما انجام داد- این هدیه اوست - و قطعاً به دلیل کارهایی که کرده ایم یا احساس یا افکار ما نیست.

اغلب ما خود را شخصی پارسا شده (کاملاً نیک در برابر خدا) نمی بینیم، اما اگر به مسیح ایمان آورده ایم، پارسا بودن ما واقعیت است زیرا خدا می گوید که چنین چیزی حقیقت دارد. به علاوه ما که مسیحی هستیم، در خانواده سلطنتی به دنیا آمده ایم (اول پطرس ۲ آیه ۹).

اگر چه خدا ما را مطمئن ساخته که کاملاً نیک شمرده می شویم چون مسیح مزد گناهان ما را پرداخته است، اما این بدان معنا نیست که همیشه پارسا گونه احساس یا رفتار می کنیم. به این دلیل ممکن است برخلاف آنچه خدا فرموده، بگوییم "من پارسا (کاملاً نیک) نیستم!" اما وقتی این را می گوییم ثابت می کنیم که آنچه خدا از قبل برای ما به انجام رسانده را درک نمی کنیم.

البته، این نیز بدان معنا نیست که هر کاری دلمان بخواهد انجام دهیم و خدا هم مهر تأیید بر آن بزند. این مسئولیت به عهده ما است که رابطه نزدیک خود را با مسیح حفظ نموده، از کلامش اطاعت کنیم (یوحنا ۱۴ آیه ۱۵ و ۲۱). بنابراین باید مراقب باشیم که از هدیه خدا سوء استفاده نکنیم. خدا می گوید که به یقین آنچه می کاریم درو می کنیم - و آنچه داده ایم، همان را دریافت خواهیم کرد - چه نیک چه بد! (غلاطیان ۶ آیات ۷ تا ۹)

آیات زیر با توضیحات خود نشان می دهند چرا باور داشتن به ایمان مهم است و چرا در نتیجه باید بر اساس موقعیت ما در مسیح، دست به عمل بزنیم. هدف زندگی مسیحی، خدمت به خدا توسط خدمت به خلق است. ایمان ما می بایست به ما الهام بخشد تا برویم

توبه حقیقی و زندگی پر برکت، بی ارزش اند. از طریق ایمان به / او بود که آنها می توانستند رابطه ای نزدیک و تنگاتنگ با خدا پیدا کنند (غلاطیان ۲ آیه ۱۶). ایمان است که رابطه افراد را با خدا درست می کند، نه مناسک و مذهب آنها (رومیان ۵ آیات ۱ و ۲)! درک این موضوعات هنوز برای مردم مشکل است و با آنها درگیر هستند.

در حالی که دانش روحانی مهم است و البته باید کتاب مقدس را مطالعه و درک کنیم، تنها زمانی که اجازه می دهیم این دانش در قلبمان رسوخ کند و کنترل ذهن و اراده ما را به دست گیرد، این دانش مفید واقع خواهد شد.

بشر می خواهد زرنگی کند و به جای برقراری ارتباط شخصی و تنگاتنگ با مسیح، به سراغ یک سری دانش ذهنی برود. اما مسیح را نمی توان فریب داد. او می خواهد با تمام وجود متعلق به او باشیم. (مرقس ۱۲ آیات ۲۹ و ۳۰).

چرا ایمان ما انقدر مهم است؟

"پارسا شدگی به وسیله خدا" یک اصل قانونی به معنی "منتسب کردن / imputing" می باشد. معادل آن "نسبت دادن" یا "به رسمیت شناختن" است. یک وارث سلطنت را در نظر بگیرید. پسر پادشاه با عنوان و لقب متولد می شود. حتی اگر بعضی اوقات مانند یک شاهزاده رفتار نکند، باز او شاهزاده است!

جای شگفتی است که هنگامی که صمیمانه به مسیح ایمان می آوریم، در خانواده الهی متولد می شویم (رومیان ۸ آیات ۲۹ و ۳۰). بنابراین ما پارسا (کاملاً نیک) هستیم —

آخرین نکته این است: تنها عیسی بود که می توانست آن قربانی عظیم باشد، زیرا تمام قربانی های ناقابل ما (حتی همه زندگی مان) به قدر کافی بی نقص نبودند تا قربانی متناسب برای خدا باشند. او یک زندگی بی عیب و کامل و بدون لکه را الزامی ساخته بود (لاویان ۲۲ آیات ۱۷ تا ۲۰؛ رومیان ۸ آیات ۱ تا ۴؛ عبرانیان ۹ آیات ۱۳ و ۱۴). مسیح در الوهیت خود، تنها کسی بود که می توانست آن الزام را پاسخ دهد. به همین دلیل است که به ما می گوید او تنها راه به سوی پدر است (یوحنا ۸ آیه ۲۴؛ باب ۱۴ آیه ۶).

نکته بسیار جالب این است که هزاران سال قبل از میلاد مسیح بیش از سیصد نبوت درباره او وجود داشت! در عهد عتیق، او "ماشیح" خوانده می شود که به معنی "مسح شده" است. بنابراین یهودیان بهانه ای نداشتند که او را به رسمیت نشناسند و نپذیرند. با اینحال، چنان در غرور، قدرت، خودپسندی و مادیات خود غرق شده بودند که همان کسی را که برای نجات آنها آمده بود رد نمودند.

و این در دنیای امروز نیز همچنان مصداق دارد (اول قرنیتان ۱ آیات ۱۸ تا ۲۵). این گفته به جا است که می گویند "شما باید تصمیمتان را در مورد مسیح بگیرید، و این مهمترین تصمیم زندگی تان است". حقیقت این است که مردم یا طرز فکر منفی نسبت به مسیح دارند، یا تصور می کنند ایمان داشتن به او احمقانه است و یا او را به عنوان خداوند و نجات دهنده می پذیرند.

وقتی این آیات را می خوانیم، متوجه می شویم چرا مسیح آنقدر از رهبران مذهبی یهود زمان خویش ناراضی بود.

مسیح به آنها گوشزد نمود که قوانین و مقررات بشری، جهت هدایت مردم به سوی

را، زمانی که او بر روی صلیب مصلوب شد، درک می کردند. مقصود از این آیینهای مذهبی باستانی در عهد عتیق، اشاره به عیسی مسیح بود - که قربانی نهایی و کامل برای جهان شد. با اینحال، بسیاری از آنها از ایمان آوردن به او سر باز زدند (متی ۱۳ آیات ۵۴ تا ۵۸). آنانی که مسیح را می پذیرند کاملاً نیک و طاهر میگردند و این کاملاً از طریق خون عیسی که قربانی شد، حاصل می شود. کتاب مقدس می فرماید منجی گرانقدر ما بر روی صلیب خویش، به معنای واقعی **بار گناهان جهان** را به مدت سه ساعت بر دوش کشید، در حالیکه خدا غضب خود را از *گناه انسان*، بر او که بی گناه بود، قرار داد (دوم قرنیتان ۵ آیه ۲۱).

به همین دلیل وقتی عیسی بر صلیب آویخته بود، گفت: " *ای خدای من! ای خدای من! چرا مرا واگذاشتی؟!* " او و پدر در زمانهای مدید ارتباطی بی پایان، عمیق و صمیمی با یکدیگر داشتند، اما در آن ساعاتی که عیسی گناهان را بر خود گرفت، خدا نمی توانست با پسرش در مشارکت بماند (متی ۲۷ آیات ۴۵ و ۴۶). اکنون می توانیم این تصویر زیبا از کاری که مسیح برایمان انجام داد را ببینیم.

عیسای مسیح آمرزش گناهان را برای ما به ارمغان می آورد، که همان راه دست یافتن به رابطه بازسازی شده با خدا و با دیگران است. وقتی در آمرزشی که او به ما می بخشد جانی تازه میگیریم، گناه ما پاک می شود و حس می کنیم آزادی داریم به او نزدیک گردیم. توجه داشته باشید که اگر هدیه نجات خدا و زندگی ابدی را رد کنیم، به خدا عمیقاً بر می خورد و بسیار دلشکسته می شود. نپذیرفتن چنین محبتی درست مثل این است که شما برای نجات یک نفر جان خود را بدهید ... اما فرد نجات یافته کاملاً ناسپاس باشد و به همه بگوید که خودش، خودش را نجات داده است!

آشنا هستند. برخی اطلاعات ممکن است کسل کننده به نظر بیاید، اما به شما یاری خواهد کرد مطالب لازمه را در بشارت ایمانتان بیان کنید.

در عهد عتیق خدا قربانی حیوانات را به عنوان راهی برای جبران گناه بشر مقرر فرمود و تا شدت و زشتی گناهانشان را به قوم خود نشان دهد. آنها با دیدن خون حیوانات که برای گناهان شان ریخته می شد، می دیدند که گناه چه بهای سنگینی در بر دارد - به قیمت یک جان تمام می شود. کتاب مقدس می گوید که " بدون ریخته شدن خون آمرزشی برای گناهان وجود ندارد" (لویان ۱۷ آیه ۱۱؛ عبرانیان ۹ آیه ۲۲). این نظام هرگز برای محو ساختن گناه تعیین نشده بود، بلکه صرفاً "آن را می پوشانید" تا خدا بتواند با قومی که مقدس نبودند مشارکت کند.

مهم است درک کنیم که این نظام قربانی کردن قرار نبود همیشگی باشد. محض اطلاع تان، این یک " کلام مصور" از قربانی بزرگی بود که قرن‌ها بعد مسیح برای جهان انجام می داد.

باز هم می گویم، بر خلاف آن قربانی های موقت، مسیح یکبار و برای همیشه، بهای نهایی برای گناهکاران را پرداخت کرد. مسیح - آن قربانی کامل - خود خدا است. در واقع، نام او عمانوئیل، یعنی "خدا با ما" می باشد. او به معنای واقعی گناهان تمام کسانی را که او را پذیرفته اند محو ساخته و آنها را شایسته داشتن رابطه ای صمیمانه با خدا کرده است (رومیان ۱ آیات ۱۵ تا ۱۷؛ اول تسالونیکیان ۵ آیه ۲۳). او از طریق روح القدس او، که او نیز خداست، اکنون در درون ایمانداران ساکن است. مسیحیان به عنوان مردمانی طاهر و مقدس، اکنون "معبد روح القدس" خوانده می شوند (اول قرنتیان ۶ آیات ۱۹ و ۲۰)

اگر به گذشته و به زمانی برگردیم که مسیح به جهان وارد شد، یهودیان که قوم برگزیده خدا بودند قرن‌ها بود از ضرورت قربانی گناه آگاهی داشتند. پس اهمیت مرگ مسیح

علاوه بر این، خدا می فرماید هیچ فدیة ای، به جز توسط عیسی مسیح، برای وضعیت سقوط کرده ما وجود ندارد (رومیان ۳ آیات ۲۱ تا ۲۶). هر مقداری هم که انسان بخواهد توان پردازد، هنوز برای پاک کردن گناهان ما کفایت نخواهد کرد، و هیچ انسانی چنین قدرتی ندارد که دیگری را وارد بهشت نماید. دقیقاً به همین دلیل بود که عیسی در الوهیت خویش، برای ما جان داد (رومیان ۴ آیات ۲۰ تا ۲۵).

مسیح مجازاتی را متحمل شد که ما سزاوارش بودیم- این نکته را درک کنید - تنها خود خدا می توانست راه حلی در برابر خشم خود نسبت به گناه ایجاد کند - زیرا آن خشم (غضب الهی) ما را نابود می ساخت. بنابراین، خدا می فرماید ما که نجات یافته ایم اکنون عادل، یعنی در نظر او " کاملاً نیک " هستیم. به دلیل قربانی فیض بخش او، مسیحیان اکنون از دیدگاه او مقدس هستند.

وقتی او به ایمانداران می نگرد، خون عیسی را می بیند، یعنی پرداخت فداکارانه با قربانی شدن مسیح، که ما را می پوشاند. مسیح به معنای واقعی به جای ما مُرد. او بخاطر محبت عظیمش به ما تمام بارهای مان را متحمل شد. به جای مجازاتی که ما سزاوارش بودم، او به ما آزادی و یک رابطه کاملاً بازسازی شده با خدای پدر را بخشید. به یاد داشته باشید، این **خداست** که ما را **برای** خویش مقدس و بی تقصیر می سازد. نجات را نمی توان کسب کرد و برای به دست آوردن آن لازم نیست کاری انجام دهیم (رومیان ۵ آیه ۱۶؛ کولسیان ۱ آیه ۲۲).

کفاره عظیم

لطفاً صبورانه به من اجازه دهید بعضی موضوعات عهد عتیق را توضیح بدهم. ممکن است از پیش تاریخ کتاب مقدس را بدانید، اما می خواهم مطمئن شوم تمام خوانندگان با موضوع

نخواهد کرد (دوم تیموتائوس ۲ آیه ۱۵ ؛ دوم پطرس ۱ آیه ۱۰؛ مکاشفه ۱۴ آیه ۱۳).

در نهایت، باید این حقیقت را درک کرده و بپذیریم که هرگز نخواهیم توانست "خودمان را پیدا کنیم" - برخلاف آنچه بسیاری گروه های خودیاری و کتابها ادعا می کنند - مگر آنکه با عیسی مسیح رابطه نزدیک و صمیمانه پیدا کنیم. این بدین دلیل است که ما به صورت خدا آفریده شدیم. تنها او از اعماق قلب و ذهن ما آگاه است و می داند چگونه بهترین عملکرد را داریم.

تلاش انسانی و روانشناسی هرگز قادر نخواهند بود عمق های درون ما و اسرار و انگیزه های حقیقی ما را بسنجند. تنها خدا است که می تواند ما را کاملا شفا بخشد و به مسیری باز گرداند که از ازل برای زندگی ما تعیین کرده بود (افسسیان ۱ آیه ۴). تنها او می تواند به ما حکمت، قوت، دانش و قدرت مافوق طبیعی ببخشد تا در هماهنگی با او زندگی کنیم و بدین وسیله آرامش، محبت، شادی، امید و هدف به ما عطا کند.

بنابراین بیایید به سراغ موضوع خود برویم و به بینیم خدا در مورد «هویت ما در مسیح» چه می اندیشد:

۱- عادل شمرده شده ایم ... رومیان ۴ آیات ۱ تا ۸ - خدا مردم را بسیار دوست دارد. از آغاز زمان او خواستار رابطه و مشارکت با ما بوده است. اما همانطور که همه می دانیم، آدم و حوا این رابطه را رد نمودند و در عوض گناه را انتخاب کردند. به عبارت دیگر آنها به جای آنکه طوری زندگی کنند که خدا برای آنها در نظر داشت، به راه خود رفتند. ☹️

با ترجیح دادن راه خویش، آنها دیگر نمی توانستند با خدا رابطه نزدیک داشته باشند زیرا خدا کاملا پاک و قدوس است. در واقع، بخاطر این سرکشی، تمام نسل بشر از آن پس دچار فلاکت و تباهی شد. هر انسانی اکنون گناه کار به دنیا می آید (رومیان ۳ آیات ۹ تا ۱۹).

اما این "باور"، فراتر از یک رضایت ضمنی یا بر زبان آوردن چند کلمه است - این یک شیوه زندگی کاملاً تازه و نو شکفته است که توسط خودِ خدا تأمین می شود (افسیان ۴ آیه ۲۰ تا ۲۴). چقدر این باعث آسودگی خاطر است که بدانیم کار ما این نیست که در ملکوت خدا با رقابت شدید و سبقت گیری، به کمال دست بیابیم!

اغلب آنقدر عادت کرده ایم زندگی مان را بر اساس احساساتمان بسنجیم که اوقاتی که "حس نمی کنیم" دوست داشتنی، مقدس، بخشوده شده یا ارزشمند هستیم، تصور می کنیم حقیقت باشد. اما مسئولیت ما این است که آنچه را خدا در کلامش درباره ما می گوید **باور کنیم** (دوم تساونیکیان ۲ آیات ۱۳ و ۱۴). گرچه این درست است که طبیعت کهنه ما همواره بخشی از وجود ما خواهد بود و گاهی خطا می کنیم و کم می آوریم، اما در عین حال کار کامل مسیح روی صلیب یکبار و برای همیشه ما را از مجازاتی که برای گناه مان مستحق آن هستیم، رهایی بخشیده است (عبرانیان ۹ آیه ۱۲؛ اول پطرس ۱ آیه ۲)!

پیغام خوش انجیل روشن می سازد که وقتی عاشق مسیح هستیم، خواهان آن می شویم که خود را در حضور او غوطه ور ساخته و در آنچه در کتاب مقدس به ما دستور داده اطاعت کنیم. روح خدا خود، تغییرات عمیقی را که شدیداً نیاز داریم در ذهن و قلب ما ایجاد می کند. او آن میل و قدرت برای پاک شدن را به ما می بخشد و بنابر این ما را بیشتر شبیه به مسیح می سازد (فیلیپیان ۲ آیه ۱۳).

همچنانکه در رابطه با او **پیش می رویم**، خدا آن عمل تبدیل را که باید صورت بگیرد رقم خواهد زد تا بتوانیم در پیروزی زندگی کنیم. فقط بدانید که این مستلزم کار و تلاش ما برای حفظ رابطه مان با خداست؛ این یک شراکت است، نه یک تلاش یک طرفه. خدا آنچه را ما قادر نیستیم، انجام می دهد. اما کارهایی را که می توانیم انجام دهیم برایمان

دهیم. او از پیش ما را برای آنچه می خواهد برایش انجام دهیم طراحی کرده و ساخته است! در واقع ما خلق شده ایم تا برنامه خاص او برای ما را در زندگی خود به اجرا بگذاریم - و از این رو ، در زندگی هرگز به رضایت کامل دست نخواهیم یافت، مگر اینکه با خدای خود در رابطه روزانه زیست کنیم و آنچه اراده او برای زندگی ما است را به عمل بیاوریم (ارمیا ۲۹ آیه ۱۱). اگر بدون توجه به برنامه و خواست الهی، در پی انجام برنامه های خود در زندگی باشیم، از مسیر صحیحی که او برای ما دارد خارج می شویم. واقعیت این است که هرگز با استفاده از برنامه های خودمان، تحقق خواسته ها یا رسیدن به سرنوشت حقیقی مان را تجربه نخواهیم کرد (امثال ۱۴ آیه ۱۲) .

این آگاهی ما را تجهیز می کند تا در تفکرات خود متوازن و مستحکم گردیم، زیرا اطمینان می یابیم خدا «طرح بزرگ» را رقم زده است - چه برای رویدادهای جهانی، چه برای زندگی یکایک ما. می توانیم از دلهره و نگرانی درباره اینکه "آینده چه خواهد بود و کارها به کجا خواهد کشید،" دست برداریم. می آموزیم تا از طریق کلام خدا ، روح القدس و دعا ، هدایت او را بیابیم. با کسب اطمینان در این امور، می توانیم با شهامت بیرون رفته و دیگران را به زندگی پر شکوهی که مسیح ارائه می کند دعوت نماییم.

من کیستم؟

همان لحظه ای که نجات را دریافت می کنیم (رومیان ۱۰ آیه ۹)، خدا به وسیله روح قدوس پر فیض خویش، ما را در رابطه درست با خود قرار می دهد (پیدایش ۱۵ آیه ۶؛ رومیان ۵ آیه ۲۱؛ رومیان ۸ آیه ۳۳). در زمانی که به او ایمان می آوریم خلقتی جدید می شویم - و این در اثر کار خدا است نه به خاطر آنچه کرده ایم یا می اندیشیم یا حتی احساس کنیم.

اگر چه درست است که او انسانها را یک به یک و به همان اندازه محبت می کند (یوحنا ۳ آیه ۱۶)، در عین حال محبت خاصی نیز به کسانی دارد که او را متقابلاً و واقعاً دوست دارند. چه شگفت انگیز است که او پیروان خود را حتی پیش از خلقت زمین می شناخت (رومیان ۸ آیات ۲۹ و ۳۰).

زمانی که برنامه ها و اهداف خدا را برای زندگی خود می پذیریم، به ما کمک می شود تا خود محور نباشیم. وقتی این واقعیت را باور می کنیم که خدا هم اکنون به ما محبت دارد و نجات الهی، ما را متعلق به او ساخته است، از تلاش برای کسب تأیید دیگران آزاد می شویم. زمانی که از عمق وجود خود بپذیریم هم اکنون در مسیح کامل شده ایم، می توانیم با این تفکر اشتباه مبارزه کنیم که «باید برای خدا به اندازه کافی نیک باشیم». این حقیقتِ خدا است - او از قبل اعلام فرموده که ما به قدر کافی نیک هستیم!- و این ما را آزادی می بخشد تا او را با تمام وجود خدمت کنیم زیرا دیگر برای ما سؤال نخواهد بود که آیا به قدر کافی مستحکم یا شایسته دعوت او هستیم یا خیر! آنگاه می توانیم مشغول کاری شویم که او برای ما برنامه ریزی کرده است (افسسیان ۲ آیات ۹ و ۱۰).

همچنان که در مسیح شکوفا و پا بر جا می شویم، توجه ما طبیعتاً به سوی دیگرانی جلب می شود که در گرداگرد ما هستند و در زحمات می باشند. اگر پیروان راستین او هستیم خواهیم خواست تا آنجا که از دست ما بر می آید بر روی کسانی که به او نیاز دارند ، تاثیر گذار باشیم. وقتی خداوند در ما و با ما ساکن می شود، شروع می کنیم بیاموزیم چیزهایی را دوست بداریم که او دوست می دارد. سپس شروع به درک این مطلب می کنیم که چرا ماموریت اصلی مسیح، یافتن و نجات گناهکاران بوده و هست (لوقا ۱۹ آیه ۱۰).

به هر یک از ما کاری ویژه و منحصر به فرد سپرده شده است تا برای خداوند انجام

جایگاه ما در مسیح

برای مردم اغلب این سؤال پیش می آید که چرا عیسی مسیح «تنها راه» محسوب می شود. آنها می گویند: "تمام مذاهب به خدا ختم می شوند." یا "این خشک مذهبی بودن را می رساند که فکر کنیم تنها یک راه به سوی خدا وجود دارد." اما خدا در کتاب مقدس که کلام او است به ما می فرماید برای داشتن مشارکت صمیمی با او، می بایست کاملاً پارسا و نیک شویم. ما قادر نیستیم از تاریکی های زندگی مان اجتناب کرده یا بدون گناه زیست کنیم (اول یوحنا ۱ آیات ۶ تا ۸).

لیکن به خدا نیاز داریم تا ما را برای آشتی دادن با خود نیکو سازد، زیرا ما به خودی خود نمی توانیم وجودمان را به آن حد نیکو سازیم که با خدای قدوس رابطه برقرار کنیم. اگر فکرش را بکنید می بینید این درست است چون ما انسان ها مسلماً ضعیف و خطا کار هستیم. به «شخصی» نیاز داریم که از ما بسیار توانمند تر است تا ما را نجات بخشد و برای ما شفاعت کند.

"جایگاه" ما در مسیح مشابه کسی است که خانه ای را طراحی یا تزئین می کند. او هر چیز را جای خاصی قرار می دهد زیرا برای آن مقصودی یا نقشی در نظر دارد. پدر آسمانی ما هم در نقشه خود برای ما ترتیبات ویژه داده است. او ما را در جایی که می خواهد قرار می دهد و برای ما مقصود خاص در اهداف عظیم خود دارد. این کار او تصادفی و یا از روز ناگزیری در آخرین فرصت نیست بلکه مطابق برنامه او می باشد! (افسیان ۱ آیات ۳ تا ۸). زمانی که سعی کنیم از جایگاهی که او برای ما دارد خارج شویم، احساس خواهیم کرد در جای خود نیستیم.

یکی از واقعیت های مهمی که باید جای خاصی در زندگی مسیحیان داشته باشد این است که خدا از ازل ما را دوست داشته است و ما را بخشیده و تجهیز و انتخاب کرده است.

یکبار به کلیسا همراه می بریم، هیچ خیری از آن عایدمان نخواهد شد (دوم تیموتائوس ۳ آیات ۱۴ تا ۱۷؛ عبرانیان ۴ آیه ۱۲). نیاز داریم آن را مطالعه کنیم، مفهوم آن را درک کنیم، و از آن کاملاً اطاعت کنیم - همان طور که یک سرباز، کتابچه راهنما و دستورات خود را می داند و از آنها پیروی می کند زیرا به راستی مسئله مرگ و زندگی مطرح است.

دومین سلاح ضروری ما دعاست. لیکن اگر کسی صرفاً کلمات را ادا نماید در حالی که دل او نسبت به منجی شکوهمند ما بی تفاوت است، یا برای کسانی که راهی جهنم هستند دلش نمی سوزد، قلب خدای مان را بر نمی انگیزد. به علاوه ما اغلب فقط برای خود و خواسته های خود دعا می کنیم لیکن از دعا برای دیگران که در بین ما هستند غافلیم. ای کاش به جای قلبهای سنگی، قلب هایی نرم داشتیم (حزقیال ۳۶ آیات ۲۶ و ۲۷). باشد که مشتاقانه در پی چیزهایی باشیم که خدا مهم می داند.

این فصل « پی ریزی شالوده »، حقایق ضروری کتاب مقدس را مشخص می کند که باید به آنها ایمان داشته باشیم و مورد عمل قرار دهیم - پیش از آنکه بنای ایمان خود را ادامه دهیم. این بخش به تفصیل در باره هویت مان در مسیح صحبت خواهد کرد. حتی اگر سالها است که ایماندار هستید، شما را تشویق می کنیم این اصول را بازنگری کرده و شالوده ایمان خود را تقویت نمایید.

دریافت این تعلیم برای شاگرد فعال و پویای مسیح امری ضروری است، زیرا درک و باور عمیق آنچه خدا درباره هویت ما می گوید، نظر ما را نسبت به جهان شکل می بخشد. این طرز نگرستن به جهان، اساس نگرش ما به همه چیز در زندگی ما و نحوه به عمل آوردن آن دیدگاه می شود. بنابراین اثر بزرگی بر محبت ما به خدا و خدمت مسیحی ما به دیگران می گذارد.

توجه اصلی ما در این زندگی به سوی مردمان باشد (اشعیا ۲۶ آیات ۳ و ۴ ؛ متی ۶ آیه ۳۱ تا ۳۳ ؛ متی ۲۸ آیات ۱۸ تا ۲۰). اغلب یادآور می شوم وقتی پس از این جهان در برابر خداوند حاضر شویم، تنها بخش زندگی روزانه ما که برای او حائز اهمیت است این است که چگونه ساعات خود را برای جلال پدر و هدایت دیگران به سوی او صرف کرده ایم.

کشتی تفریحی یا کشتی جنگی

شکی نیست که در جنگی سهمگین هستیم. حتی با نگاهی اجمالی می توان دید که این جهان هر روز واهمه انگیز تر می شود. لیکن رفتار ما مسیحیان اغلب طوری است که گویی در یک کشتی کروز هستیم و نه در یک کشتی جنگی! تصور می کنیم که چون "نجات" را داریم از خطر رسته ایم و ایمن از حملات شیطان، داریم پیش به سوی بهشت می رویم. ولی آیا چنین است؟ آیا اگر کسی به سربازی برود و ماهها برای جنگ آموزش ببیند، وقتی گلوله ها از هر طرف شلیک می شوند، آسوده می نشیند؟

جنگ روحانی هم دارای همین اصل است! نجات صرفاً قدم اول از تجربه مسیحی ماست. این بخش "نام نویسی" ما به شمار می آید. لازم است بدانیم که وقتی عیسی مسیح را در زندگی خود می پذیریم، عملاً داریم برای جنگ نام نویسی می کنیم! و بدون اسلحه های ضروری که در افسسیان ۶ آیات ۱۰ تا ۱۸ ذکر شده اند، به هیچ وجه نمی توانیم در این نبرد بکنجیم. احمقانه است که سستی کنیم و خود را برای این جنگ آماده نسازیم، زیرا یک سرباز مجروح یا تنبل یا نا آزموده نمی تواند برای فرمانده یا هم رزمانش مفید باشد.

اسلحه اصلی ما کتاب مقدس است. حقیقت بی انتهای آن آنقدر مستحکم هست که می توانیم شالوده زندگی خود را بر آن بنا کنیم. اما اگر کتاب مقدس را فقط هفته ای

عادت را آموزش نیابند که هر روزه با خدا و کلام او خلوت کنند و وقتی پر کیفیت با او داشته باشند، مثل این است که در هفته تنها یک وعده غذا بخورند.

آموزشهای ضروری

بدون این وقت منظم و رابطه نزدیک و صمیمی با خدا، به آسانی در ایمان خود سردرگم و تضعیف می شویم. اگر حقیقت خدا را تنها یک یا دو بار در هفته بشنویم، آنگاه ناچار در موقعیتی قرار خواهیم گرفت که آنچه دنیا به ما تحمیل می کند باور داشته باشیم. برای ما امری حیاتی است که چنین ارتباط پر معنا و روزانه را با خداوند در اولویت قرار دهیم. در غیر اینصورت، مستعد میشویم بیشتر تمرکز مان روی "واقعیت های" این دنیا و زندگی روزانه باشد، تا بر نقشه ها و هدف او برای زندگی مان. به یقین اگر صدای ابلیس و دنیا را در اکثر ساعات بیداری خود می شنویم، هرگز قادر به پیروزی بر سختی هامان نخواهیم شد.

علاوه بر این، اگر آنچه داخل فکر و روح ما می شود عموماً منفی و کاذب است، ما رفته رفته نسبت به این واقعیت بی تفاوت می شویم که در جهان نبردی سهمگین برای روح انسانها بین خدا و شیطان در گیر است. اما این جنگ بزرگ ترین اهمیت را دارد. لازم است هر روزه مسلح و آماده باشیم - نه تنها برای خودمان بلکه برای دیگر کسانی که به عیسی مسیح نیاز دارند. ما برای مقابله با حملات ذهنی، عاطفی، فیزیکی و روحانی که با آنها روبرو هستیم، عاجزانه به حقیقت خدا نیاز داریم. تکرار می کنم که اگر قرار است مطابق خواسته های مسیح زندگی کنیم باید از کتاب مقدس و دعا آموزش بگیریم.

از آنجا که سرنوشت مردمان که دارای روح های ابدی می باشند مطرح است، ما مسیحیان باید همواره به عیسی که صخره ما است چشم بدوزیم و پس از آن بکوشیم تا

فصل چهارم

پی ریزی شالوده

قسمت اول



عقل سلیم به ما می گوید برای اکثر موقعیت های زندگی خود به یک شالوه محکم نیاز داریم. برای مثال، اگر بخواهیم در رشته ریاضی درس بخوانیم، به عوامل اصلی جمع، تفریق، ضرب و تقسیم نیاز داریم. اگر می خواهیم یک خانه بسازیم و انتظار داریم آن خانه دوام بیاورد و سرنگون نشود، به یک پایه قوی نیاز داریم. زندگی که در مسیح شروع می کنیم تفاوتی با اینها ندارد.

اما دقیقا در همین موضوع است که ایمانداران کم می آورند. آنها در سلوک مسیحی خود هیچ شالوده ای ندارند. در زمان نجات، مسیح را با شادی می پذیرند اما اغلب شاگرد سازی نمی شوند و حقایق اساسی مسیحیت را کسی به آنها تعلیم نمی دهد. بنابراین از این که برای خود اصول مسیحیت را بیاموزند غافل می شوند.

در نظر گرفتن و برنامه ریزی جهت این موضوع، مسئولیت شبان کلیسا است. افراد با علاقه به کلیسا می روند و هفته ای یکبار به موعظه گوش می دهند. اما اگر ایمانداران این

۶- چه نوع ثمره ای را علاقمند هستید تولید کنید؟

۷- دوروش را مشخص کنید که بتوانید شروع کنید و تعداد بسیاری از بی ایمانان را به عنوان محصولی عظیم برای خداوند تان بیاورید:

۸- یک چیز را نام ببرید که مایلید در زندگی خود امروز تغییر دهید تا خدا اولویت بیشتری در زندگی تان پیدا کند.

روی آنها کار می‌کنید، طوری که از وقت شخصی خود با خداوند غافل می‌شوید، آنوقت لازم است به بینید آیا ارزشش را دارند؟)

شاید آنچه بیش از حد برای آن وقت می‌گزارید از این موارد باشد: شوهر یا دوست پسر؟ فرزندان؟ شغل؟ خدمت مسیحی؟ کارهای داوطلبانه؟ مشغول کارها بودن؟ دین؟ کامپیوتر/ تلفن؟ حیوان خانگی؟ ظاهر خودتان؟ پاسخ‌های خود را در ذیل درج کنید:

۵- چه نوع ثمره‌ای در زندگی خود همین حالا دارید ارائه می‌کنید که در ارتباط با هدایت دیگران به سوی عیسی است؟

این می‌تواند شامل ثمرات روح القدس باشد (محبت، خوشی، آرامش، صبر، مهربانی، نیکویی، وفاداری، ملایمت و خویشن داری)؛ داشتن شخصیت مورد پسند خدا؛ و جذب دیگران به سوی مسیح از طریق صحبت و بشارت دادن به دیگران.

همچنین شاید این تغییرات را باید در خود ایجاد کنید:

طرز لباس پوشیدن تان، طرز صحبت کردن تان، موضوعاتی که در موردشان با دیگران صحبت می‌کنید و نحوه‌ی رفتار شما با دیگران.

۳- آیا من اراده خدای پدر را به جا می آورم؟ یا بیشتر وقتم صرف تلاش در رسیدن به اهدافم می شود؟

برای مشخص کردن کلی این جواب، راه این است که نکات ذیل را بنویسید:
۱- وقت خود را صرف انجام چه کاری میکنید؟

۲- وقت خود را صرف فکر کردن به چه چیزی می کنید؟

۳- پول خود را به چه مصارفی می رسانید؟

۴- کدام "خاک" ، "آبِ چاه های زندگی" شما را گِلِ آلود می کند؟ اینها " پُر کننده هایی" هستند که دیگر فرصتی برای زندگی حقیقی شما در مسیح باقی نمی گذارند. با چه چیزی آنقدر درگیر هستید که مزاحم رابطه شما با مسیح است؟ (اکثر این چیزها به خودی خود منفی نیستند، اما اگر بیش از حد لازم

فصل ۳

شخم زدن زمین

تفکر و تعمق در آنچه خواندیم

۱- آیا به خدا اجازه می دهید که از ستیزها در زندگی تان برای شکل نوین بخشیدن به شما استفاده کند؟ یا اغلب اوقات به خودتان اجازه می دهید به خاطر شرایط تان عصبی یا درمانده شوید؟

۲- آیا فکر می کنید سختی هایی که اکنون با آنها روبرو هستید نتیجه انتخاب های نادرست شماست، یا خدا است که دارد شما را در کارها آموزش می دهد و هراس می کند؟

در افراد پیرامون خود تأثیر ابدی داشته باشیم. عیسی سزاوار است که در درجه اول به او سر سپرده باشیم و می داند زمانی که او در خط مقدم زندگی مان باشد عملکرد ما بهترین خواهد شد .

شاید مفید باشد یادداشت کنید یک روز عادی شما به چه صورت می گذرد، و به بینید کدام کار ها به نظرتان مهم می رسند، اما ارزش واقعی ندارند. شروع کنید اولویت را در زندگی تان به ملکوت خدا بدهید و با حواس جمع زندگی کنید. ما به غذایی نیاز داریم که خدا به ما می دهد - یعنی انجام اراده او - زیرا سفیران نور و نمک او به این دنیا هستیم. این کارهایی است که برای زندگی مسیحی شما ضروری میباشد. علاوه بر این، پاداش هایی را برایتان به ارمغان می آورد که ماورای تصور شماست!

ارتباط برقرار کنید که به پرورش روحانی دیگران می پردازند و همچنین با آنانی که شما را پاسخگو نگاه می دارند.



پس، تا اینجا آموختیم که به خدا اجازه دهیم "زمین وجود ما را شخم بزند" و در این کار از روش های هرس کردن خود استفاده کند. بگزارید خدا آن طور که می خواهد در زندگی شما عمل کند! در سختی ها و شرایط روزانه که شما را عصبی و آزرده می کنند، خود را آرام سازید و مراقب عکس العمل های خود در برابر آنچه شما را به خشم و عصبانیت می آورند باشید. ما باید تسلیم رهبری خدا باشیم - نه اینکه به زور اختیار امور را به دست بگیریم. وقتی نظر خدا را در تصمیمات مان می طلبیم، خدا راه ما را روشن می سازد و رهنمای ما می گردد. بگزارید خدا برای شما در همه چیز اولویت داشته باشد و آنگاه زندگی شما به معنای واقعی آسان و پربار می گردد.

شرایط بسیاری هستند که نمی توانیم تغییرشان دهیم، اما **خود ما** می توانیم تغییر کنیم! بسیار مهم است که همواره در دعا باشیم و کتاب مقدس را بخوانیم. در طول روز از او تشکر کنید ... از او طلب حکمت و هدایت در کارها بنمایید. بیاموزید که رایانه یا رادیوی خود را خاموش کنید، یا گوشی موبایل خود را کنار بگذارید و مدتی با عیسی مسیح وقت صرف کنید!

این درس به این معنی نیست که به برنامه های سنگین روزانه مان استرس اضافه کنیم. این یک اولویت است که باید انجام شود. وقتی **او** را در جایگاه اول قرار می دهیم، کارها به روش بهتری پیش می روند (متی ۶ آیه ۳۳). ما تغییر می یابیم و شروع خواهیم کرد

ملزم می کند که دائماً کارها را به اتمام برسانیم، به جاهای لازم برویم و با افراد ملاقات کنیم. کار می کنیم، همسر و فرزندان داریم و فکر می کنیم باید در همه شرایط جذاب باشیم. به وظایف خانه داری، پرداخت قبضهها و هزاران چیز دیگر رسیدگی می کنیم. اغلب اوقات به خاطر برنامه های شلوغ زندگی مان دیگر نمی رسیم با مسیح در ارتباط باشیم - و در تعجب ایم که چرا احساس می کنیم در فشارِ عصبی، بی قدرتی و گناه هستیم.

قیاس بزرگی را در این مورد کشیش کلیسای من در توضیحات خود از چاه ها در زمان عهد عتیق بیان نمود. یکی از راه هایی که دشمنان اسرائیل بر آنها چیره شدند پُر کردن چاه های آب آنها با خاک بود. مسلماً بدون آب مردم می مُردند. این موضوع بسیار به زندگی امروزی ما مرتبط است! زندگی خود را با چیزهایی پر می سازیم که ارزش ابدی ندارد و این کار دیگر جایی برای زندگی و آن آب حیات که مسیح سعی دارد به ما عطا کند، باقی نمی گذارد.

هوشع ۱۰ آیه ۱۲ می گوید: " با نظر به سوی پارسایی بکارید ، و بر طبق مهربانی، درو کنید؛ زمین **بایر** خود را شیار دهید، زیرا زمان آن است که خداوند را بجوید تا بیاید و پارسایی را بر شما بباراند ". زمین سخت نمی تواند آب دریافت کند! عدالت خدا به نسبت نرم بودن قلب ما، در ما سلطنت خواهد کرد. خدا عمل بازسازنده و فدیة کننده خویش را در قلب ما انجام می دهد تا بتوانیم او را دریافت کنیم. کار ما این است که خود را (از دنیا (پاک نگاه داریم (دوم تیموتائوس ۲ آیه ۲۱).

سومین روش برای اینکه خاکمان را حاصلخیز نگاه داریم سپری کردن زمان پر کیفیت با مسیحیانی است که حقیقتاً مانند مسیح عمل می کنند. مراقب روابطتان، حتی با مسیحیانی که سَمّی و منفی یا سخن چین و انرژی خوار هستند، باشید. با مسیحیانی

تعریف کتاب مقدس در مورد فروتنی بسیار متفاوت از خصلت خود محوری است که جامعه ما پذیرفته است. نه تنها اصلاً ضعیف بودن را نمی رساند، فروتنی در واقع "قدرت است که تحت کنترل" می باشد. واژه نامه انگلیسی فروتنی را "تواضع" یا "احترام آمیز" توصیف می کند. این خصلت در واقع نگرش در روال زندگی است که دیگران را بر خود مقدم بشماریم. برای اینکار شخصیت فرد باید بسیار نیرومند و خویشتن دار باشد، زیرا رفتار کسانی که در برابر خدا فروتن هستند پیوسته مغایر با طبیعت گناه آلودشان است.

این افراد وقتی با تنفر روبرو می شوند محبت نشان می دهند. به جای اینکه همه چیز را برای خود نگاه دارند از روی عزم، وقت و استعداد و پولشان را با دیگران شریک می شوند، و قدرت و دلیری خدا را دارند تا حتی در مواجهه با شریر، به دیگران نیکی کنند. پس جای تعجب نیست که آنانی که فروتنی حقیقی از خود نشان می دهند کمیاب هستند.

همچنین، وقتی خود را فروتن می سازیم، خدا جلال می یابد. تنها یک نفر می تواند بر تخت سلطنت بنشیند و اگر سعی داریم خودمان سلطنت کنیم، تنها چیزی که دیگران در زندگی مان می بینند، ما می شویم. اما وقتی او بر تخت سلطنت بنشیند، آنوقت اوست که تلالو قدرت و محبتش از ما ساطع می شود. من می خواهم کاسته شوم تا او فزون تر شود! من که می دانم زندگی ام قبل از اینکه خدا کنترل آن را به دست بگیرد چگونه بود، زیبا نیست که دوباره خود را برافرازم و بر تخت سلطنت بنشانم!! ☹️

روش دوم برای اینکه خاک وجودمان را حاصلخیز نگاه داریم این است که در تمام ساعات روز با مسیح در رابطه بمانیم و بالاترین مقام و اولیت را به او بدهیم. "مشغولیت ها" می توانند یکی از مخرب ترین عوامل برای زندگی ما در مسیح باشند. زندگی ما را

فروتنی

فروتنی جزء مهم آن " خاکی " است که خدا در قلب ما شخم می زند. کتاب مقدس در اول پطرس ۵ آیه ۶ می گوید: "اگر خویشتن را فروتن سازیم، او در زمان مناسب ما را سرافراز می سازد." و رساله یعقوب ۴ آیه ۱۰ می گوید: "در حضور خدا فروتن شوید تا شما را سرافراز کند."

من ترجیح می دهم خودم را فروتن کنم تا اینکه شرایط مرا فروتن سازد! رفیع ترین جایگاه در ملکوت خدا، خادم بودن است و این فقط یک نقلِ زیبا از کتاب مقدس نیست - این واقعاً یک حقیقت است (متی ۲۳ آیات ۱۱ و ۱۲). همیشه این اصل را در نظر دارم که "اگر فروتن باشم فاصله نزدیک تری به زمین دارم و سقوط سختی نخواهم داشت". ☺

می دانم که مهم است اغلب اوقات از خود بپرسم: آیا در زندگی من فروتنی دیده

می شود؟

در ذیل گزینه‌ای از فصل " فروتنی " و بر گرفته از کتاب من با عنوان «تبدیل شوید! : با روح خدای زنده» می باشد:

فروتنی تصویر کسی است که نیرو و آرامش و هدایت خود را از خداوند دریافت می کند، کسی است که توانایی ها و محدودیت های خویش را می شناسد و کماکان اجازه می دهد خدا در زندگی اش رئیس باشد؛ کسی است که در جایگاه خویش در مسیح به قدری مطمئن و پا برجا است که نیازی ندارد که جویای مقام باشد و یا در هر وضعیتی قدرت خودخواسته خود را اعمال کند.

غذای مقوی

در یوحنا ۴ آیات ۳۴ تا ۳۸، مسیح توضیح می دهد که قدرت او از کجا سرچشمه می گیرد!

"عیسی به ایشان فرمود: «غذای من این است که اراده فرستنده خود را به جا آورم و کار او را به کمال رسانم. آیا این سخن را نشنیده‌اید که "چهار ماه بین کاشتن و درو کردن". اما من به شما می گویم، بیدار شوید و ببینید که هم اکنون کشتزارها آماده درو است؛ هم اکنون، دروگران مزد نیکو می ستانند و محصولی که برداشت می کنند آنانی هستند که به حیات جاودان هدایت شده اند. چه شادی به تساوی در انتظار کارنده و درو کننده است.»

کلمه " غذا " اینجا به معنی " غذای واقعی " می باشد و منظور از آن شرایطی است که نیازهای زندگی فراهم گردد. وقتی ما در انجام اراده خدا فعال هستیم ، اینکار به جسم و ذهن، قلب و اراده، روابط و روح ما زندگی می بخشد. این نیز ما را تقویت می کند و توانایی می بخشد که مسیحیانی قوی و جسور بشویم.

شرایط ضروری دیگر برای خاک حاصلخیز

- ۱- زندگی در فروتنی، وابستگی کامل به خدا در همه چیز
- ۲- ماندن در رابطه تنگاتنگ با او در هر روز و ساعت، و قرار دادن او در برترین اولویت زندگی مان
- ۳- مشارکت با دیگر ایمانداران قوی و پر غیرت

، مسیح با گفتن: " هر که به من ایمان آورد، همان گونه که کلام خدا می گوید، از بطن او نهرهای آب زنده جاری خواهد شد "، به خود و روح القدس اشاره می کند. (وقتی اشاره به «آب زنده» داشت، از روح القدس سخن می گفت که به هر ایماندار عطا شده است).

وقتی آب کافی در اختیار نداریم چه حالی پیدا می کنیم؟ خسته، تشنه، ضعیف و پریشان می شویم. می توانیم سلامت روحانی مان را با این سؤال از خود دریابیم که آیا آب زنده در ما و از طریق ما جاری است؟ آیا زندگی ما آن آبادی سرسبز و پر آب در دل کویر است تا دیگران بیایند و از مسیح که آب حیات است بهره مند شوند؟ خدای پدر می خواهد مسیح و روح القدس او از درون ما سرشار شوند - به طوری که دیگران را طراوت به بخشند، بازسازی کنند و جوانی آنها را تازه بسازند!

یکی از آیات مورد علاقه من در کتاب مقدس مزمور ۱ آیات ۱ تا ۳ است. این آیات می گویند که ما در همه فصل ها میوه خواهیم داد - اما این فقط در صورتی است که "از شریعت خدا لذت ببریم و روز و شب در مورد آن تفکر کنیم". همچنین "کاشته شدن در کنار رودخانه" به این معنی است که ریشه های عمیق آن درخت آماده مقابله با سیل ها است و در عین حال با آب رودخانه دائما تغذیه می شود. این تصویر شخصی است که کاملا در معرض حضور خدا، طریق های او، نقشه های او، و روح قدوس او قرار دارد. وقتی در ارتباطی نزدیک و منظم با خداوند هستیم، چون ما با قدرت عظیم و محبت و جلال او می درخشیم، عظمت او بر مردم آشکار می شود. زندگی یک ایماندار در تمام فصول آن می تواند ثمرات عالی داشته باشد.

(* آیات مزمور ۱ چه شباهتی با زندگی من دارد؟ آیا من سرشار از قدرت و محبت مسیح هستم یا اینکه در حال خشک شدن ام و علاقه من به پادشاهی او رو به افول است؟

موضوعات مشابه را بیابید. جستجوی نقشه‌ها برای دیدن اینکه آنچه می‌خوانید در کجا روی داده اند کمک می‌کند تا کتاب مقدس و موقعیت جغرافیایی آنها زنده تر گردد.

از خدا بپرسید این قسمت چه ارتباطی با زندگی تان دارد و او چگونه می‌خواهد شما را تغییر می‌دهد. واقعا جستجوی عمیق در کلام خدا، مطالعه آن را پر شور و هیجان انگیز می‌سازد! لازم است بدانیم که بدون چنین نظم و انضباطی، قطعاً مبدل به خاکی خشک و پر خار و سخت خواهیم شد که در تولید حیات و ثمره به جایی نمی‌رسد. خواندن منظم کتاب مقدس، اطاعت از آن و حقیقتاً اجازه دادن به آن برای تبدیل زندگی مان به ما قدرت می‌بخشد تا همچون مسیح زندگی کنیم (دوم تیموتائوس ۳ آیات ۱۶ و ۱۷).

آب زنده

آیا می‌دانستید که انسان می‌تواند بدون غذا به مدت سه هفته زنده بماند، اما بدون آب حداکثر فقط ۳ روز می‌تواند زنده باشد؟ نزدیک به شصت در صد بدن ما از آب تشکیل شده و تک تک سلولهای ما به طور حیاتی به آن نیاز دارند. همه ما می‌دانیم که آب ما را سر زنده و پاکیزه نگاه می‌دارد. آیا این می‌تواند یکی از دلایلی باشد که خود خدا به عنوان آب زنده در عهد عتیق ذکر شده است، همانطور که عیسی مسیح نیز در عهد جدید فرمود "من آب حیات هستم"؟

در ارمیا ۱۷ آیه ۱۳ می‌خوانیم: "ای خداوند، ای امید اسرائیل، آنان که تو را ترک کنند همگی سرافکننده خواهند شد؛ آنان که از تو روی بگردانند نامشان نوشته خواهد شد؛ زیرا خداوند را ترک کرده‌اند، او را که چشمهٔ آب حیات است". و در یوحنا ۷ آیات ۳۸ و ۳۹

آنها شبیه والدین خود بوده و درست شبیه آنها عمل می کنند. هدف بذر، ثمره و میوه دادن است و مسلّم است که ما "همانند آنچه که از آن آمده ایم ثمر می دهیم".

به عبارت دیگر آنچه می کاریم، همان را برداشت می کنیم. اگر برای نفس بکاریم، حسادت و تفرقه، بت پرستی، غرور و نگون بختی درو خواهیم کرد. و اگر در روح بکاریم، محبت و خوشی، آرامش و نیکویی را تکثیر خواهیم نمود.

همچنین خدا در قلب ما بذر روحانی می کارد و انتظار دارد که آن رشد کرده و بازتاب شخصیت خودش باشد!

محصول عظیم

خدا از کتاب مقدس و اوضاع و اتفاقات و افراد دیگر و همچنین روح خود استفاده می کند تا به ما یاری دهد محصولی دلپذیر داشته باشیم که می تواند ما و دیگران را در زندگی ما حفظ نماید. در داستان مذکور برزگر در می یابیم که "بذر" کلام خدا ست که توسط روح خدا کاشته شده است. وقتی کتاب مقدس را به طور مرتب می خوانیم، خدا عملاً آنچه می تواند بذر باشد را در روح و ذهن و قلب ما می کارد.

یکی از راه های مطمئن برای ریشه عمیق یافتن، خواندن کتاب مقدس تان است. اما فقط به خواندن آن بسنده نکنید، بلکه دعا کنید تا پیغام خدا را برای خود در آن روز دریافت نمایید. می توانید آیات دیگری را که معنای مشابهی با آنچه می خوانید دارند پیدا کنید و بخوانید. به راهنمای موضوعات و فرهنگ لغت در انتهای کتاب مقدس تان رجوع کنید تا

قسمتهایی "سخت" داشته باشیم. آنچه عیسی در این آیات می فرماید این است که با انتخابی فعالانه به او اجازه دهیم خاکی حاصلخیز را در قلبهای ما کشت کند تا در نتیجه، او محصولی خارق العاده برداشت کند - آنچه که برای ما خوشنودی درونی ایجاد کند و او را جلال دهد. اگر خواهان آن محصولی هستیم که منظور نظر خداست، باید خارها را در زندگی خود شناسایی کنیم.

بنابراین سوالات بنیادی اینها هستند که آیا ما برآستی زندگی خود را به مسیح تسلیم خواهیم نمود و آیا به او اجازه خواهیم داد از هر وسیله لازمه استفاده کند تا ما را بیشتر شبیه به خود سازد؟ و چقدر ثمره خواهیم آورد؟ پاسخ این پرسش ها در تناسب مستقیم با سلامت روحانی دل ما و تسلیم بی وقفه و اطاعت ما از مسیح می باشد.

بنابراین، بذر، آبیاری و تغذیه زندگی ما چیست؟

تا اینجا خواندیم که مواد ضروری برای یک محصول فراوان و سالم، بذر نیکو و آبیاری و خاک حاصلخیز و تغذیه است. بیایید ببینیم کتاب مقدس درباره این عوامل چه می گوید؟

بذر

پیدایش ۱ آیه ۱۱ می گوید: *آنگاه خدا گفت: «زمین نباتات برویاند، گیاهانی که دانه تولید کنند و درختان میوه‌ای که بر حسب گونه خود میوه دانه‌دار بیاورند، بر روی زمین.»*

متوجه نکته شدید؟ حتی خدا از آغاز میوه های دانه دار خلق کرد. به عنوان مخلوقی زنده، بشر نیز همان پتانسیل را دارد. به عنوان مثال ما فرزندان تولید می کنیم - و معمولا

نیز می شد. کشاورز می بایست قبل از کاشت وارد عمل شده و تمام خطرات احتمالی برای محصول تازه را ریشه کن می کرد.

در ارمیا ۴ آیه ۳ می خوانیم: "خداوند به اهالی یهودا و اورشلیم چنین می فرماید: «زمینِ بایرتان را شخم بزنید، و تخم نیکو را در میان خارها نکارید.»" (ترجمه معاصر). خارها بذر نیکو را خفه می کردند و واجب بود از ریشه کنده شوند تا بذر نیکو ریشه دوانیده و رشد و نمو کند.



احتمالا همه ما مثلِ برزگر را در انجیل خوانده ایم، اما این مثال به زندگی روحانی ما بسیار مرتبط است. بیایید متی ۱۳ آیات ۱ تا ۹، و آیات ۱۸ تا ۲۳ را بخوانیم.

می بینیم که نکته برجسته این داستان "زمین" است، زیرا این تنها عامل متغیر می باشد. بقیه شرایط ثابت هستند - برزگر، بذر و امکان دزدیده شدن، سوخته شدن یا نابودی بذر در اثر روال های دنیا.

متی ۱۳ آیات ۱۳ تا ۱۵ به ما می گوید که **دل انسان** همچون **زمین** است. دل ما ممکن است در شرایط متفاوتی باشد. ممکن است خشک و سخت بوده، پذیرای هیچ نیکویی نباشد. یا حقیقتِ کلام می تواند از ما دزدیده شود. به همین دلیل امثال ۴ آیه ۲۳ به ما می گوید که "بیش از همه **دل خویش** را مراقبت کنیم، زیرا آن مسیر **زندگی** ما را تعیین می کند".

البته دل ما می تواند نرم هم باشد. می توانیم همزمان در قلبمان قسمتهایی "نرم" و

بنابراین، سوال این است: آیا تمام این ریسک‌ها و تلاش‌ها ارزشش را دارد؟

ابزار خدا

ما اغلب نمی‌خواهیم خدا در زندگی ما هرس کاری انجام دهد. اما مهم است که خود را محک بزنییم و تصمیم بگیریم باور کنیم که وقتی خدا از ابزار باغبانی خود استفاده می‌کند تا قلبه‌مان را نرم بسازد و آن را آماده دریافت بذر نیکو، آب گوارا و تغذیه روحانی کند،

ارزشش را دارد!

بپردازیم به چند "ابزار" که خدا استفاده می‌نماید تا از زندگی ما حاصل زیبا ایجاد کند ... چالش‌ها، نا‌ملایمات، دردها، برخوردهای پر اصطکاک و از دست دادن‌ها اشخاص یا چیزهایی که برای ما عزیز یا مهم می‌باشند. او لزوماً مسبب رخ دادن اینها نیست، اما قطعاً از آنها به نفع ما استفاده می‌کند (رومیان ۸ آیه ۲۸). اگر چه آن تجربیات جالب نیستند، اما از نمونه باغبانی در می‌یابیم که اغلب همان وسیله‌ای است که خدا استفاده می‌کند تا زیبایی محصول نهایی را - که شخصیت خداشناس و نیز ثمر آوردن ماست - رقم بزند.

هدف از **شخم زمین**، نرم‌سازی زمین و آماده‌سازی آن جهت دریافت بذر، آب و مواد مغذی است. این تشبیه روحانی آشکاری است. ما باید بگزاریم خدا زمین قلبمان را مرتباً شخم زند. عهد عتیق از " شیار کردن زمین بایر" سخن می‌گوید. زمین بایر زمینی بود که به مدت یکسال رها می‌شد تا در آن مواد مغذی تأمین شود و آماده برداشت محصول بیشتری گردد. لیکن در طول این خفتگی، مستعد انبوهی خار و خاشاک و علفهای هرزه

فصل سوم

شخم زدن زمین

شیار کردن زمین بایر



آیا تا بحال توجه کرده اید که تمام ابزار موجود در انباری شما خطرناک هستند؟ آنها می توانند شما را دچار نقص عضو کنند یا شدیداً آسیب برسانند و حتی باعث مرگ شوند! شنکش، قیچی، کج بیل و قلاب، ماشین چمن زنی، دستگاه علف تراش و برگ روب، همه اینها اگر به درستی استفاده نشوند می توانند خطرناک باشند. بیل، بیلچه و دستگاه شمشاد زن از بقیه اینها کمتر نیستند. کود هم می تواند پوست شما را بسوزاند و سم حشره کش اگر خورده شود می تواند کشنده باشد.

با این وجود، شما احتمالاً به تمام این ابزار برای ایجاد یک باغ زیبا و دارای گل و میوه نیاز دارید.

از طرفی باید باغبانی را عملاً انجام داد. با کندن زمین و کاشتن گیاهان، زانوهایتان خشک می شوند و کمرتان درد می گیرد. عرق می ریزید و معمولاً دست ها و لباس تان کثیف می شوند. به احتمال زیاد بریدگی، خراش، گزش، نیش و فرورفتگی خار در پوست تان پیش می آید. از طرف دیگر باید مرتباً به کار علف کنی، هرس کاری، آبیاری و کود دهی ادامه بدهید. با تمام اینها اطمینان نیست که باغ تان محصول بدهد!

۴- اگر به راستی می خواهید خدا را در صدر زندگی قرار دهید، لازم است برای اینکار تصمیم قاطعانه بگیرید. زمان، سریع تر از انتظار ما می گذرد و افراد، امور یا وقایع می توانند به قدری وقت ما را بگیرند که دیگر فرصتی برای رابطه مان با خدا نباشد. لازم است هر روز هدفمندانه زمانی را به او اختصاص دهیم. برخی روش های عملی برای انجام این کار کدام است؟ (برای مثال: صبح ها زودتر برخاستن، استفاده کمتر از تلفن ، کامپیوتر ، تلویزیون، و روشهای دیگر)

آیا می‌توانید اختیار زندگی خود را بیشتر به او بدهید؟

به چه دلیل؟

۳- اگر بخواهید ترتیب اولویت‌های خود را عوض نمایید، چه تغییراتی می‌توانند به شما کمک کنند که خدا را در جایگاه نخست بگذارید؟ (یک کلاس بردارید تا به شما کمک کند بیاموزید چگونه در مورد ایمانتان با دیگران صحبت کنید؛ دفعات کمتری به باشگاه ورزشی بروید. وقت بیشتری را با ایمانداران حقیقی بگذرانید؛ در گروه کوچک مطالعه کتاب مقدس شرکت کنید. زمان کمتری را صرف صحبت درباره فرزندان، حیوانات خانگی، شغل و غیره نموده، بیشتر درباره خدا و پادشاهی او فکر کنید و با دیگران صحبت کنید.)

فصل ۱ و ۲

اشتیاق برای عیسی مسیح

تفکر و تعمق در آنچه خواندیم

۱- به نظر شما رابطه کنونی تان با عیسی مسیح چگونه است؟

۲- آیا باور دارید شناخت نزدیک تر مسیح و محبت عمیق تر به او زندگی شما را بهبود خواهد بخشید؟

آیا از نزدیک تر شدن به مسیح بیم دارید؟

را خاموش کنید. جایی بنشینید و افکار خود را متوجه او سازید! درست مثل یک دوستِ نزدیک با او صحبت کنید (که در واقع این دعا کردن می باشد). عزم تان را جزم کنید که با تمام دل عاشق مسیح شوید. او را خواستار باشید، از او پیروی کنید، به او ملصق شوید. او با حضور خود به شما پاداش می دهد.

زندگی واقعی به معنای اینگونه زیستن است ☺

سرو کار داشته باشیم، حتی اگر آنها افراد خانواده یا برادران و خواهران ما در مسیح باشند. در واقع به کسی "تبدیل می شویم" که بیشتر اوقاتمان را با او سپری می کنیم.

بی ایمانان این دنیا **نمی خواهند** با افراد گله مند، غمگین، سخن چین و یا افسرده سر و کار پیدا کنند. راه صید جانها برای مسیح این است که لبخند بر چهره و ستایش بر زبان داشته باشید. **این** مردم را مجذوب می کند، بخصوص برای انبوه مردمان که مشکلات بسیار دارند و در ترس و غمی بزرگ زندگی می کنند.

بنابراین نکته اساسی این است: اگر می خواهیم زندگی سرشار از رضایت، خوشی و قدرت داشته باشیم، **انتخابش با ما است**. ما نمی توانیم خود را شاد سازیم، اما می توانیم به انتخاب خود ذهنمان را بر اهداف و برنامه های خدا متمرکز سازیم؛ و از همه بهتر این است که بدون کمک نموده ایم. روح القدس آماده و مایل است تا به ما زندگی پر شور و سرزنده ببخشد. او می تواند کمک کند تا به اهدافی که خدا برایمان پیش از آفرینش جهان در نظر گرفته است برسیم. اما باید این مسیر را **انتخاب** کنیم که بیشتر او را بخواهیم و کمتر خودمان را.

مسیح را پیروی کن! او را سرمشق زندگیت قرار بده. با تمام قلب او را دوست بدار. در همه کار خواستار رضایت او باش. آن زمان تبدیل به یک مسیحی خواهی شد که پیرو **منحصر به فرد** مسیح است - و تو را خداوند برای چنین منظوری خلق کرده است.

بیاید امروز این هدف را در پیش بگیرید که با مسیح بیشتر وقت صرف کنید. شاید برای اینکار باید کمی زودتر از خواب برخیزید. می توانید تلفن، رادیو، کامپیوتر یا تلویزیون

عزیزان مان را می بینیم یا به ماه و ستارگان نگاه می کنیم یا خورشید و گلها و درختان و دیگر چیزها را می نگریم، بگوییم: "خداوندا! برای همه این برکات و زیباییها در زندگی ام تشکر می کنم."

وقتی به سمت کابینت مواد غذایی می رویم، می توانیم بگوییم: "خداوندا برای نعمات بسیار تو متشکرم". از بابت سلامتی، ازدواج، فرزند، خانه، شغل، شادی نجات و زندگی ابدی، آزادی، دوستان، کلیسا و هر چه دیگر که به فکرتان خطور می کند یا در طول روز می بینید شکر گزاری کنید. اگر واقعاً بابت هر عطایی که در زندگی دارید از او سپاسگزار باشید می توانید در درون خود قلبی شکرگذار پرورش دهید.

حتی وقتی در زندان بودم، متوجه چیزهای بسیاری شدم که برای آنها از خدا تشکر کنم! خدا در کنارم بود. کتاب مقدس برای خواندن در اختیارم بود. غذا و جایی برای خوابیدن و کلیسایی برای شرکت کردن داشتم و برای مسیح بر مردم اثر گذار بودم.

- به موسیقی مسیحی گوش دهید. ذهن خود را آموزش دهید تا به چیزهای زیبا، راستین و شایسته فکر کنید (فیلیپیان ۴ آیات ۶ تا ۹). این عادت است که اگر می خواهید پیروزی و شادی را تجربه کنید باید در خود پیورانید. در واقع یکی از نتایج جانبی شادی، **قوت** است (نحمیا ۸ آیه ۱۰).

- راه دیگر برای اینکه بیشتر شبیه مسیح شویم این است که ذهن خود را تربیت کنیم تا چیزهای منفی را پس بزنیم. عزم کنید که هر وقت "دشمن" به سراغتان بیاید تا آرامش و شادی شما را بدزدد به او این اجازه را ندهید. او سعی خواهد کرد با نگرانیهای زندگی، شما را مغلوب سازد. همچنین باید کمتر با اشخاص منفی

که می بایست به ما انگیزه دهد او را خدمت کنیم. همانطور که قبلاً اشاره کردم، اگر این پیوند محبت را نداشته باشیم، این رابطه مبدل به مذهبی بودن می گردد. (☺)

- آموختن اینکه چگونه مسیح را با شوقی بیشتر دوست بداریم همچنین به معنی شنیدن صدای اوست - وقتی که از ما می خواهد فقط برای خود زندگی نکنیم بلکه به دیگران خدمت کنیم. وقتی با مسیحیان این را انجام می دهیم، بدن مسیح را بنا می کنیم. زمانی که به افراد دور و بر ما که نجات نیافته اند محبت و خدمت کنیم (خانواده، همسایگان، کارکنان فروشگاه ها، زنان پیشخدمت ها، رؤسا، همکاران و غیره) این حق را پیدا می کنیم که با آنها درباره مسیح صحبت کنیم.

اگر در ناطاعتی زندگی میکنیم، این قابلیت را نخواهیم داشت که با آنها درباره رابطه مان با خدا صحبت کنیم، زیرا ریاکاری ما را یا می بینند یا حس می کنند. و مطمئناً آنان رفتارهایی از این دست بسیار دیده اند.

نگرش ما یک انتخاب است

چگونه در روح القدس زندگی می کنیم؟ چگونه می توانیم به جای غرغر و شکایت سپاسگزار باشیم. چطور می توانیم برای زندگی هر روزه با مسیح انگیزه بگیریم؟

- یک روش این است که همواره شکر گذار باشیم. قدردانی نقش مهمی در این دارد چون به ما کمک می کند خدا را دوست بداریم. شروع کنید از او برای یکایک چیزها در زندگی خود تشکر کنید. برای این کار می توانیم هنگامی که صبح بیدار می شویم بلافاصله بگوییم "ای خداوند، برای یک روز دیگر متشکرم". می توانیم با این باور از بستر برخیزیم که او به ما اجازه داده است یک روز دیگر زندگی کنیم. وقتی

را بخوانید می گوید: "اگر در من بمانید و کلام من در شما بماند..". این درباره رابطه نزدیکی صحبت می کند که در آن ما پیرو اراده و کلام او (کتاب مقدس) هستیم. وقتی احساسات ما نظیر احساسات خدا باشد و همانند او فکر کنیم، از او چیزهایی را خواستار خواهیم شد که مطابق اراده ی او باشند و نه اراده خودمان.

هیچ کار در این دنیا **مهم تر** از اثر بخشی بر دیگران به سوی مسیح نیست و اینکه جانشان را برای نجات صید کنیم و آنها را در ایمان مسیحی شاگردسازی کنیم. همچنین یک زندگی مقدس، شهادت پر قدرتی چه برای بی ایمانان و چه برای مسیحیان ضعیف در ایمان است. کتاب مقدس می گوید که شاگردان حقیقی عیسی نمونه و سرمشق هایی زنده از قدرت او، و نشان دهنده اعتماد، وجدان پاک، خلوص، فیض و حکمت خواهند بود (دوم قرنتیان ۱ آیه ۱۲؛ اول تیموتائوس ۱ آیه ۵؛ سوم یوحنا ۱ آیه ۱۱)

- زندگی صحیح با "تغذیه" روحانی از مسیح صورت می گیرد (یوحنا ۶ آیه ۵۷). اگر در زندگی مسیحی خود احساس بی ثمری و ضعف یا بیهودگی می کنیم احتمالاً مشکل اصلی، عدم صمیمیت ما با مسیح است. نه تنها دعا و مطالعه کتاب مقدس ضروری است، بلکه "تغذیه شدن" از مسیح به معنی سپری کردن اوقات با کیفیت با مسیحیان ثمر بخش و پر از روح القدس می باشد.

این نیز شامل فعالیت در کلیسایی است که کتاب مقدس را به درستی تعلیم می دهد. همچنین تعمید گرفتن، «ده یک» دادن و شرکت در شام خداوند نیز جزو آن می باشد (باز هم خاطر نشان کنم، اطلاعات عمیق تر درباره این موضوعات در کتابم با عنوان «شروعی تازه: اصول مقدماتی ایمان مسیحی» آورده شده است). لیکن ما اینها را **صرفاً زمانی** انجام می دهیم که در طول هر روز در رابطه با خدا باشیم. این "رابطه پر محبتی" است

چطور می توانیم پیاموزیم خدا را به طرز مؤثرتری محبت کنیم؟

به تعالیم مسیح در این آیات توجه کنید:

- مسیح می فرماید: "خوراک من این است که اراده فرستنده خود را به جا آورم و کار او را به کمال رسانم" (یوحنا ۴ آیه ۳۴). ما به معنای واقعی در زندگی روحانی خود با انجام آنچه او می خواهد "تغذیه" می شویم! شاگرد حقیقی مسیح نیاز دارد این آیه را نیز به یاد داشته باشد. اغلب چنان غرق در امور زندگی روزمره خویش می شویم که اصل کار را فراموش می کنیم - که خدا ما را برای جلال دادن خویش نجات بخشید و نیز تا دیگران را به سوی او هدایت کنیم. وقتی اراده او را به جا می آوریم قدرت می یابیم و کیفیت زندگی ما غنی می شود. هرگز ما رضایت قلبی را در زندگی به دست نخواهیم آورد مگر آنکه طوری زندگی کنیم که خدا از ما می خواهد.

- عیسی مسیح درباره "ماندن" در او و ثمرات حاصله آن صحبت می کند که از رابطه نزدیک و صمیمی با او ناشی می شود (یوحنا فصل ۱۵ آیات ۱ تا ۸). وقتی هر روز در رابطه واقعی با خدا زندگی می کنیم، "ثمره" آن نه تنها تقویت و غنای روحانی ما است، بلکه آن افرادی نیز هستند که تحت تاثیر قرار داده ایم و در ابدیت با ما خواهند بود (یوحنا ۴ آیه ۳۶).

نکته ای در آیه قبلی در یوحنا ۱۵ آیه ۷ وجود دارد که مسیح می فرماید "اگر در من بمانید و کلام من در شما بماند، هرآنچه می خواهید، درخواست کنید که برآورده خواهد شد". برخی افراد این آیه ی خاص را از متن خارج می کنند و می گویند: "ببین! او هر چه بخواهم به من می دهد". با این حال اگر قسمت اول جمله

۳- کتاب مقدس را هر روز بخوانید.

یکی از بهترین راهها برای شناخت خدا و عاشق او شدن، این است که یاد بگیرید چگونه کتاب مقدس خود را بخوانید. این جنبه مهمی از شاگردی مسیح است. وقتی نوایمان بودم یکی از کتاب‌های مفیدی که در مطالعه کلام خدا مرا یاری کرد «کتاب مقدس درباره چیست؟» اثر «هنریتا میرز» به تاریخ ۱۹۸۳ می‌باشد. همچنین در کتاب قبلی‌ام «شروعی تازه: اصول مقدماتی ایمان مسیحی» (شارون دوترا، ۲۰۱۷ - آمازون) یک فصل را با عنوان "کتاب مقدس چیست؟" نگاشته‌ام.

خواندن و تأمل در کتاب مقدس قدرت دارد دیدگاه‌ها و زندگی ما را تغییر دهد. کلام خدا، زنده و قدرتمند است و قادر است به افکار و نیت‌های دل انسان پی ببرد (عبرانیان ۴ آیه ۱۲). به عبارت دیگر می‌تواند گناه را آشکار سازد، و افکار ما را با افکار و نیت‌های خدا هم راستا گرداند.

۴- پیوسته دعا کنید.

این به آن معنا است که در طول روز آگاه از خدا و از حضور او در زندگی مان باشیم. می‌توانیم در ذهن خود دعا کنیم. وقتی سر کار یا در مدرسه هستیم و می‌خواهیم مطالبی را با خدا در میان بگذاریم، می‌توانیم برای دعا مدت کوتاهی بیرون قدم بزنیم یا به محل خلوتی برویم. در تمام طول روز که دیگران را می‌بینیم می‌توانیم برای آنها دعا کنیم. هرگز قدرت دعا را دست کم نگیرید: فراموش نکنید - شما دارید با **خدا** صحبت می‌کنید!

العمل های شما خداپسندانه باشند - یعنی همراه با محبت، خوشی، صبر، مهربانی، ملایمت و خویشتنداری باشند. به تدریج متوجه تغییرات خواهید شد. این امر آسانی نیست و مسلماً به کمک بسیار از طرف خدا نیاز دارد!

۲- در عمل به خدا محبت نمایید

وقتی بت هایمان را به دور می ریزیم ، آزادی پیدا میکنیم تا انرژی، عواطف و منابع بیشتری را صرف محبت خدا کرده، به او بیشتر نزدیک شویم و علاقه پیدا کنیم. البته بدانید که وقتی این تغییرات را شروع می کنید برای تان دشوار خواهد بود - چون دارید طرز زندگی تان را عوض می کنید و این کار زمان می برد.

برای اینکه علاقه پیدا کنیم به خدا محبت داشته باشیم می توانیم عملاً دعا کنیم! خدا می خواهد عمیقاً او را دوست بدارید. پس حتماً در این کار به شما کمک خواهد کرد! در زمان دعای فردی دوست دارم چشمانم را ببندم و خدای پدر، خدای پسر و خدای روح القدس را تصور کنم. اگر چه پدر و روح القدس روح هستند و نه جسم، آنها را به صورت افرادی که می شود دید، تجسم می کنم. این به من کمک می کند تا تمرکز خود را متوجه عظمت، شاهانه بودن و زیبایی آنها نمایم.

در تمام روز دعا کنید که خدا به شما نشان دهد چه چیزهایی را می خواهد انجام دهید و چه اشخاصی را با مسیح آشنا سازید.

این یاری می دهد تا بیشتر مسیح را دوست بداریم، چون از این رو بیشتر چیزهای مهم زندگی را در نظر می گیریم و یاری می دهد بدانیم انتخاب های ما در زندگی نتایج ابدی خواهند داشت. خدا نیز از این شاد می شود که ما هدمندانه خود را وقف او سازیم و قلباً بخواهیم او را دوست بداریم و خشنود سازیم. ☺

تغییر طرز فکر دشوارتر است. اغلب دیدن خودمان آنطور که واقعا هستیم برایمان سخت است. دوست داریم درباره خود فکر کنیم که "آدمهای خوبی" هستیم، اما همه ما جنبه های ناخوشایندی در شخصیت خود داریم. ممکن است شما غرور یا خودپسندی، شهوت یا بی ادبی یا بد زبانی را در خوی گناه کارتان داشته باشید.

یک روش حل این موضوع، درخواست از یک دوست قابل اعتماد است (کسی که با شما رو راست باشد!) تا نقاط کور شما را به شما بگوید. می توانید با مراجعه به کتاب مقدس آیات مربوط به این طرز فکرها را بخوانید. با فروتنی از خدا بخواهید که گناه شما را مشخص نموده به شما کمک کند تا تغییر یابید.

کتاب مقدس می گوید از سه طریق ممکن است تمام هوش و حواس ما معطوف به امور این زندگی شود: "زیرا که آنچه در دنیا است، از شهوت جسم و خواهش چشم و غرور زندگانی از پدر نیست بلکه از جهان است" (اول یوحنا ۲ آیه ۱۶- ترجمه قدیم)

خواهش چشم می تواند پورنوگرافی یا مادی گرایی باشد - که هر چه چشم ببیند دل آنرا می خواهد. **شهوت نفس** می تواند اعمال جنسی غیر اخلاقی یا زیاده روی باشد. و **غرور زندگانی** اساساً به شما می گوید به خدا نیازی ندارید و کاملاً قادر هستید زندگی خود را اداره کنید. غرور زندگی این است که می خواهید نشان دهید اکثر کارها را خودتان انجام داده اید و جلال را به خودتان اختصاص دهید در حالیکه خداست که توانایی و استعداد انجام آنها را به شما بخشیده است.

قائده اصلی اینجا آنست که قدرت و غلبه ای که بت هامان بر ما دارند **تضعیف** کنیم. شاید خدا یک ویژگی شخصیتی یا یک عادت را در شما آشکار کرده که مغایر خواسته های روح القدس است. از خدا و نزدیکان تان بخواهید با مهربانی در مورد گناه و عادتها و نگرش های نادرست، شما را پاسخگو سازند تا از آنها آگاه باشید. تصمیم بگیرید که عمل و عکس

قدرت او و حکمت او را دریافت می کنیم. کارها خیلی آسان تر پیش می روند، زیرا اکنون شخصی را داریم که کاملاً قدرتمند و آگاه است تا به ما یاری دهد، و هدایت‌مان نماید و از ما مراقبت کند.

(* آیا شما "پادشاهی و حکومت" شخصی خودتان را در دنیا بنا می کنید یا بیشتر خواهان بنا کردن پادشاهی خدا هستید؟ فکر می کنید کدام یک مهمتر است؟

برخی راه‌ها که می‌توانیم شاگردان پویا تر برای مسیح باشیم کدامند؟

۱- بُت‌های زندگی خود را به دور بیفکنیم (کولسیان آیه ۵).

بت می‌تواند هر چیزی باشد که اکثریت وقت و استعداد، افکار و علاقه و پول شما را از خدا - که در درجه اول همه اینها باید به او تقدیم شوند - سلب کند.

یک راه برای تغییر افکار و رفتار شما این است که اول دعا کنید و از خدا بپرسید چه چیزی است که او می‌خواهد در درون شما تغییر دهد. سپس توجه خود را بر آن یک مورد که نیاز به تغییر دارد معطوف کنید و هر روز برای یک یا دو هفته آن را حذف کنید. هفته بعد از آن همین روش را برای مورد بعدی انجام دهید.

برای مثال، فرض بگیرید می‌خواهید سیگار (یا هر بُت یا اعتیاد دیگری) را ترک کنید. شروع به کاهش چند سیگار در هفته به مدت یک ماه نمایید تا زمانی که سیگار را ترک کرده باشید. البته مسلماً ترک یکباره اعتیاد یا دور انداختن یک بت هیچ ایرادی ندارد. در این قسمت می‌توانید آن کار خطا و یا عادت‌های را که خدا نمی‌پسندد بنویسید.

به جای آنکه پرستنده خداوندی باشیم که بخشنده عطایاست، شروع به پرستش "عطایا" میکنیم.

نفس یا روح؟

ما در جامعه ای زندگی می کنیم که هر آنچه مخالف خدا است تجلیل می کند. لیکن خدا می خواهد ما را در عیسی مسیح "از نو" بسازد، تا بتوانیم آن کارهایی را که از پارینه زمان - حتی پیش از به دنیا آمدن ما - برای ما برنامه ریزی کرده است انجام دهیم (افسیان ۲ آیه ۱۰). "چیزهایی که او برای ما در نظر دارد" شامل طرز زندگی ما است تا او را جلال دهیم و برای ملکوت او بر دیگران تاثیر بگذاریم. برای این کار، گزینه ما این خواهد بود که مقاصد او را با قدرت روح القدس در زندگی خود به اجرا بگذاریم - و هر روزه با چنین عزمی پیش رویم.

البته می دانم که برخی از شما احتمالاً فکر می کنید "چطور می توانم چنین رابطه ای را با مسیح که همه چیز را تحت الشعاع خود قرار می دهد در زندگی خود جای دهم؟ گلیم خود را به سختی دارم از آب می کشم چه رسد به اینکه چیز دیگری هم به آن اضافه کنم". جواب در اولویت های ما نهفته است. اگر تمام تلاش ما صرفاً برای انجام برنامه های سنگین و تحقق خواسته های خودمان باشد، بزودی پی خواهیم برد که داریم با "نفس" خود پیش می رویم - نه با قدرت روح القدس. نتیجه این کار مطمئناً فرسودگی روانی خواهد بود!

اگر صرفاً به فکر این دنیا باشیم، اتکاء و اعتماد خود را بر چیزهای غلط می گذاریم. هنگامی که نیرومندی ما صرفاً از عزم و قدرت و تصمیمات خودمان حاصل شود، نتیجه آن اغلب مستأصل شدن و خشم و ناامیدی خواهد بود. لیکن وقتی خدا اولویت ما باشد،

این آیات در یوحنا ۱۰: ۱۰ درباره زندگی پر از روح خدا و در اصل "زندگی واقعی" صحبت می کنند! ذات گناه آلود ما باور دارد شادی در همه چیز هست به *نخیر از* مسیح. این دروغی بیش نیست و مطمئن هستیم برای شما هم زمانی متأسفانه پیش آمد کرده است. حقیقتاً چندبار شده است که بدون رضایت خدا علاقه بسیار به افراد یا چیزها یا جاهایی داشته اید و آنها شادی و رضایت حقیقی به شما بخشیدند؟

به راستی کتاب مقدس می گوید: "هر که پسر را دارد حیات را دارد و آنکه پسر خدا را ندارد از حیات برخوردار نیست." (اول یوحنا ۵ آیه ۱۲). چنین *زندگی* دارای خوشی، سرزندگی، شادمانی، سخاوتمندی، قدرت غلبه یافتن و آرامش است. کتاب مقدس برای ما روشن می کند که می توان جسماً "زنده" بود، اما اگر مسیح مهمترین رابطه در زندگی ما نباشد، در درون "مُرده" هستیم (افسسیان ۲ آیات ۱ تا ۵؛ کولسیان ۲ آیه ۱۳).

شنیده ام بسیاری افراد دعا می کنند که خدا برکت شان بدهد - یعنی در واقع حیات وافر را به آنها "تقدیم کند". آنها می خواهند اوقات لذت بخشی داشته باشند، اما حاضر نیستند "کار دشوار" مصلوب ساختن نفس خود و به دوش کشیدن صلیب شان و پیروی و اطاعت راستین از مسیح را انجام دهند. در عوض دعا می کنند پول بیشتر داشته باشند و درگیری ها و تقلاهای کمتر. اما فقط به فکر خودشان هستند! البته که می بایست برای همه چیز و بدون وقفه دعا کنیم. اما همچنین باید یادمان باشد که خدا، خدا است و بپذیریم که پاسخ دعاهایمان را بر طبق اراده **خود** می دهد.

حیات وافر زمانی صورت می گیرد که شروع میکنیم از خدا سؤال کنیم برای **او** چه می *توانیم* انجام دهیم، نه به عکس آن. بسیار پیش آمده که تنها هدف از رابطه ما با او، مشکلات ما بوده و در پی این بوده ایم که خواسته هامان برآورده شوند.

کتاب مقدس درباره کسانی سخن می گوید که تصور می کنند به بهشت خواهند رفت، اما زمانی که با مسیح روبرو شوند او خواهد گفت: "دور شوید از من، شما را نمی شناسم!" (متی ۷ آیات ۲۱ تا ۲۳؛ لوقا ۲۲ آیات ۱۳ تا ۲۷). شاید درین جا فکر کنید صرفاً دارم آیاتی را مطرح می کنم که افراد را خجالت زده کنم. اما اگر اناجیل را بخوانید، بیشتر آن دقیقاً همین یک مضمون را دارند که "توبه کنید و با مسیح رابطه ای برقرار کنید که زندگی شما را دگرگون سازد و پرمعنا ترین و غنی ترین زندگی را در رابطه با او داشته باشید."

ما مسیحیان باید زندگی مان را به خوبی اداره کنیم تا نام عیسی مورد بی حرمتی قرار نگیرد و یا خودمان در روز داوری و بازخواست شرمسار نگردیم (اول یوحنا ۲ آیه ۲۸). خداوند ما می خواهد با تمام دل، عاشقانِ دلباخته او باشیم تا آنکه او را جلال دهیم و دیگران را به سوی او هدایت کنیم و زندگی را به فراوانی داشته باشیم!

آن حیات وافر که دستیابی به آن دشوار است!

دلایل بسیاری هست که چرا از آن زندگی پر از فراوانی که عیسی مسیح در یوحنا ۱۰: ۱۰ ذکر کرده است برخوردار نیستیم. مطمئناً آنگونه زندگی به این صورت نیست که راحت بنشینیم و تمام برکاتی را هم که (تصور می کنیم) می طلبیم، به ما برسد (لوقا ۱۲ آیات ۱۴ تا ۲۱). مقصود از این "فراوانی" این نیست که آنقدر برکت بگیریم که زندگی به ما خوش بگذرد، بلکه تا آنقدر پر از محبت، آرامش، شادی و امید شویم که وجود ما از این خصایل لبریز شده، به این وسیله مردم دنیا را که رو به فنا هستند به سوی مسیح جذب کنیم.

همچنان که مداوم و صادقانه زندگی خود را محک می زنیم، این باعث شود بایستیم و ببینیم آیا روح القدس واقعا در ما ساکن هست؟ (دوم قرن‌تینان ۱۳ آیه ۵).

ما مسیحیان قرن بیست و یکم باید بدانیم رفتارهای انسانی از زمانی که آدم در باغ عدن گناه ورزید تا به امروز چندان تغییری نکرده است. کتاب مقدس خدا کاملترین کتاب راهنما برای بشریت است، و در مورد رفتارهای انسانی دانش کامل دارد. وقتی کتاب مقدس را می خوانیم، به این احتمال پی می بریم که دچار "نقطه ضعف روحانی" وخیمی شده ایم - اینکه ممکن است زندگی داریم که از همه لحاظ به نظر می رسد پیروان مسیح باشیم، اما در عین حال زندگی ما کاملا خالی از روح خدا باشد. چه وضع تأسف باری! آیاتی که از رومیان خواندیم نیز می گویند زمانی (و تنها آن زمانی) که روح خدا در ما ساکن باشد، رابطه ما با خدا صحیح خواهد بود. زیرا **اوست** که به ما زندگی حقیقی می بخشد - یعنی زندگی ای که در رابطه با خدای قدوس ما و هماهنگ با خواست او باشد.

اگر چه درست است که وقتی به عیسی ایمان می آوریم زندگی ابدی و روح القدس را دریافت می کنیم، اما با گذشت زمان ممکن است مثل افرادی شویم که در مثل برزگر ذکر شده اند (متی ۱۳ آیات ۱۸ تا ۲۳). ممکن است به مسیح ایمان آورده باشیم، اما رابطه نزدیک و پایدار با او و نیز زندگی ثمر آور ما است که **نشان می دهد آیا حقیقتاً نجات** را از او دریافت کرده ایم و سرسپرده آن هستیم یا خیر. (یعقوب ۳ آیه ۱۳؛ دوم پطرس ۱ آیه ۱۰).

وقتی در خدمت مسیح بر مردم تاثیر گذار هستیم و آنها را به سمت نجات و شاگردی مسیح هدایت می کنیم، در واقع ثمره ابدی تولید می کنیم. در عین حال باید احتیاط کنیم مبدا جلوی کار روح القدس را در زندگی هایمان بگیریم و نه تنها خودمان بی تاثیر شویم بلکه دیگران را هم از مسیح رویگردان سازیم. (افسسیان ۴ آیه ۳۰؛ اول تسالونیکیان ۵ آیه ۱۹).

طریق کار خدا در ما انجام می شود - وقتی که به طور منظم با او در ارتباط باشیم.

یک شاخص خوب از قدرت روح خدا در ما این است که دیگران چگونه با ما ارتباط برقرار می کنند و چه عکس العمل هایی در برابر ما دارند. آیا دیگران از ما می پرسند که چرا اینقدر شاد هستیم یا آرامش داریم؟ آیا با روی باز اجازه بشارت مسیح را به ما می دهند، زیرا محبتی را که در قلبمان نسبت به آنها داریم می بینند؟ آیا غیر ایمانداران در برابر ما رفتار مثبت تر و محترمانه تری در مقایسه با بقیه دوستان خود دارند؟ آیا مردم مجذوب ثمرات شیرین و زیبای روح خدا در ما هستند؟

آیا من واقعا یک مسیحی هستم؟

اگر به رومیان فصل ۸ برگردیم (لطفاً آیات ۹ تا ۱۴ را دوباره بخوانید)، در آیه ۱۲ می بینیم پولس با ایمانداران سخن می گوید چون آنان را "برادران و خواهران عزیز" خطاب می کند. اما اگر آنان کنوناً ایماندار هستند، پس چرا آیه ۹ می گوید "اگر روح خدا در شما ساکن است." و در ادامه می گوید: "اگر کسی روح مسیح را نداشته باشد، او از آن مسیح نیست."

این قسمت نیز خاطر نشان می سازد که اگر توسط روح خدا زیست کنیم و نفس مان را بمیرانیم، حیات خواهیم داشت. چنین رابطه با خدا به عنوان یک هدیه رایگان به ما عطا شده، اما بسیاری از مزایایی که به ما وعده داده شده اند با شرط همراه هستند (تمام "اگرها" را در این فصل بررسی کنید!).

بنابراین لازم است از خود بپرسیم: "آیا رابطه من با خدا واقعاً درست است و مطابق رضایت اوست؟" آیا حقیقتاً برای او زندگی می کنم - یا صرفاً در این مورد حرف می زنم بدون اینکه عمل کنم؟ آیا از قدرت روح القدس استفاده می کنم و زندگی من پیوسته مثل مسیح است؟ مقصود این نیست که خودمان را محکوم احساس کنیم، اما می بایست

در مقابل، وقتی روح القدس زندگی ما را کنترل می کند، تجلی مسیح در ما بسیار مشهود است! ما صبورتر و مهربان تر، با محبت تر و با تدبیر تر، سخاوتمند تر و شادمان تر می شویم.

در همین لحظه مکث کنید و این سوالات را پاسخ دهید:

(* آیا واقعا روح القدس را می شناسید؟

(* آیا از او بیم دارید؟

(* آیا فکر می کنید که اختیار زندگی خود را از دست خواهید داد، یا اگر به او حاکمیت بیشتری بر زندگی خود بدهید نادان به نظر خواهید آمد؟

(* آیا نشانه هایی وجود دارد که او در زندگی شما کار می کند؟ چگونه می توانید تشخیص دهید؟

خود من اول اذعان می کنم - مسیحی بودن همیشه آسان نیست! کتاب مقدس به ما می گوید که نفس خود را مصلوب کنیم! که خود را انکار کنیم! این معمولاً خوشایند نیست. اما اگر با ذهنیت مثل کودک دو ساله اصرار داریم "من" و "مال من" مطرح است، هرگز راضی نخواهیم شد. لب و لوجه در هم می کشیم و فریاد می زنیم تا آنچه می خواهیم انجام شود و وقتی رای ما بجایی نمی رسد، مثل یک طفل نحسی می کنیم. مسئله این نگرش این است که ما همیشه بیشتر و بیشتر می خواهیم. علاوه بر این همه می دانند که کسی دوست ندارد دور و بر شخصی با چنین طرز رفتاری باشد.

خدا می خواهد ما بلوغ فکری پیدا کنیم تا به دیگران حداقل همان اندازه که به خودمان فکر می کنیم، توجه داشته باشیم (فیلیپیان ۲ آیه ۳). این شامل مفید بودن برای افراد خارج از خانواده و کلیسای ما نیز می شود. لیکن غلبه بر طبیعت خود محور ما، فقط از

فصل دوم

غیرت برای عیسی مسیح

قسمت دوم



چطور بدانم روح القدس در من زندگی می کند؟

نکته جالب درباره پادشاهی خدا این است که کاملاً نقطه مقابل روش های انسانی ما است. در واقع، کتاب مقدس می گوید که انجیل برای کسانی که خدا را نمی شناسند جهالت است (اول قرن‌تینان ۱ آیات ۱۸ تا ۳۱). خدا در حکمت خویش روشی برای زندگی به ما آشکار می سازد که از بیخ و بنیاد متفاوت است مانند: "باید بمیریم تا زندگی کنیم"، "باید بدهیم تا دریافت کنیم"، "باید فدا کنیم تا همه چیزهایی را که عمیقاً آرزو می کنیم داشته باشیم" و "باید تسلیم شویم تا آزاد گردیم".

و در همین است که ما اغلب کم می آوریم. نمی خواهیم برای هیچکس رنج بکشیم یا هیچ چیزی را که داریم قربانی کنیم. بسیاری از اوقات مطیع اراده خدا نمی شویم زیرا به نفس خود و به دنیا و شیطان اجازه می دهیم که کنترل را در زندگی ما داشته باشند. باید بپذیریم که اغلب در زندگی خود، ما اول مطرح هستیم نه خداوند.

۵	۴	۳	۲	۱	(* ورزش
۵	۴	۳	۲	۱	(* شغل
۵	۴	۳	۲	۱	(* سرگرمی ها
۵	۴	۳	۲	۱	(* کلیسا / مذهب
۵	۴	۳	۲	۱	(* محبوبیت
۵	۴	۳	۲	۱	(* تحصیل
۵	۴	۳	۲	۱	(* حیوانات خانگی

فصل ۱

غیرت برای عیسی مسیح

فهرست اولویت ها

هر یک از موضوعات ذیل را بر اساس اهمیتی که برای شما دارند، از ۱ تا ۵ رتبه بندی کنید (۵ بیشترین درجه اهمیت است). این فهرست مشخص می کند وقت، پول، افکار و کوشش خود را چه قدر صرف هریک از این موضوعات می کنید. هر کدام که به شما اطلاق نمی کند می توانید آن دریف را خالی بگذارید.

۵	۴	۳	۲	۱	(* پول
۵	۴	۳	۲	۱	(* فرزندان / خانواده
۵	۴	۳	۲	۱	(* همسر (یا دوست پسر / دوست)
۵	۴	۳	۲	۱	(* خدا
۵	۴	۳	۲	۱	(* خودتان
۵	۴	۳	۲	۱	(* تمایلات جنسی
۵	۴	۳	۲	۱	(* ظاهر
۵	۴	۳	۲	۱	(* علایق

ناتوانی در غلبه بر خواهش ها و نگرشها و رفتارهای نفسانی.

(غلاطیان ۵ آیات ۱۹ تا ۲۱)

اما اگر در روح خدا زیست کرده، مجهز به قدرت او باشیم، مدام به طریق هایی می اندیشیم که خدا را خشنود سازد. پر از زندگی خواهیم بود و محبت و شادی و آرامش را به وفور خواهیم داشت. مطمئن می شویم که در موقعیت خوبی با خداوند قرار داریم و وجدانی روشن و پاک خواهیم داشت (اول تیموتائوس ۱ آیه ۵).

روابط ما پر آرامش تر خواهند بود. مغلوب افکار و رفتارهایی که می دانیم ناخشنودی مسیح را در بر دارد نخواهیم شد. در عوض، خدا را با نشان دادن ثمرات زیبای روح القدس جلال خواهیم داد. دوباره عاشق منجی پر جلال خود خواهیم شد و این محبت را بدون تقلا به دست خواهیم آورد.

نفسانی با خدا دشمنی می‌ورزد، چرا که از شریعت خدا فرمان نمی‌برد و نمی‌تواند هم ببرد، و کسانی که در حاکمیتِ نَفَس هستند نمی‌توانند خدا را خشنود سازند. اما شما نه در حاکمیتِ نَفَس، بلکه در حاکمیتِ روح قرار دارید، البته اگر روح خدا در شما ساکن باشد. و (به یاد داشته باشید) اگر کسی روحِ مسیح را نداشته باشد (روح مسیح در او زندگی نکند)، او از آن مسیح نیست. اما اگر مسیح در شماست، هرچند بدن شما به علت گناه مرده است، اما چون پارسا شمرده شده‌اید، روح برای شما حیات است. و اگر روح او که عیسی را از مردگان برخیزانید در شما ساکن باشد، او که مسیح را از مردگان برخیزانید، حتی به بدنهای فانی شما نیز حیات خواهد بخشید. او این را به واسطهٔ روح خود انجام خواهد داد که در شما ساکن است. پس ای برادران (و خواهران)، ما مدیونیم، اما نه به نَفَس، تا بر طبق آن زندگی کنیم. زیرا اگر بر طبق نَفَس زندگی کنید، خواهید مرد؛ اما اگر به واسطهٔ روح، اعمال گناه‌آلود بدن را بکشید، خواهید زیست. زیرا آنان که از روح خدا هدایت می‌شوند، پسران خدایند.

این متن به روشنی مشخص می‌کند که اگر صرفاً برای خودمان زندگی کنیم عواقب زیر را حاصل خواهیم نمود:

مرگ روحانی

طغیان علیه امور الهی

خصومت در روابط مان

فقدان میل و توانایی برای خشنود ساختن خدا

شکست خورده اند که حقیقتاً در این دنیا و در ابدیت مهم است - و آن داشتن رابطه پر محبت و پر غیرت با پسر او عیسی است.

باز هم می گویم، راز زندگی مسیحی این است: " (نخست) خداوند خدا را با تمامی دل، با تمامی جان، با تمامی فکر و با تمامی قوت خود محبت نما " (مرقس ۱۲ آیات ۲۹ و ۳۰).

در فرهنگ امروزی ما - بلی، حتی در کلیسا - ما زمان زیادی را صرف محبت به خودمان می کنیم. در واقع درصد بالایی از کلیساهای امریکایی شیفته خودشان اند و به همین دلیل در نجات جان بی ایمانان بسیار ناکارآمد هستند.

از کجا بدانم برای خودم زندگی می کنم یا برای خدا؟

برترین جایگاه را نسبت به هر چیز دیگر به خدا دادن، برای زندگی ما شالوده ای می سازد که تکیه گاهی مستحکم و زیر بنای همه چیز دیگر می گردد. اگر خدا والاترین اولویت شما نیست، پایه و اساس زندگی شما معیوب است و استقامتی را که برای زندگی خدا پسندانه در زمان مصاف با طوفانها نیاز دارید تامین نمی کند (متی ۷ آیات ۲۱ تا ۲۷). خدا می خواهد زندگی شما برای ملکوتش استوار و هدفمند باشد، و می داند او تنها کسی است که دارای قدرت لازم است تا آن را برای شما رقم بزند. (فیلیپیان ۲ آیه ۱۳)

بیائید رومیان ۸ آیات ۵ تا ۱۴ را در ادامه بخوانیم، که به روشنی برایمان آشکار می سازد آیا خدا را خدمت می کنیم یا خودمان را . آیات کتاب مقدس در ذیل می باشد. (کلمات داخل پرانتز از من است):

" آنان که نفسانی هستند، به آنچه از نفس است می اندیشند، اما آنان که روحانی اند، به آنچه از روح است. (اجازه دادن به) طرز فکر انسانِ نفسانی، مرگ است، اما (اجازه دادن به) طرز فکری که در حاکمیتِ روح قرار دارد، حیات و سلامتی است. زیرا طرز فکر انسانِ

علاوه بر این، خدا برای ما راهی ایجاد کرده تا هفت روز هفته را در آن آرامی سبت (روحانی) زندگی کنیم در حالیکه روح القدس در ما ساکن است (عبرانیان ۴ آیات ۱ تا ۱۱). خداوند خوب می داند زمانی ما سر زنده ترین و شادترین و پرثمرترین زندگی را خواهیم داشت که هر روزه با او رابطه تنگاتنگ و بسیار صمیمی داشته باشیم (تثنیه ۶ آیات ۴ تا ۹)

ما مسئولیت بزرگی در رابطه خود با خدا داریم. هدف اصلی ما باید این باشد که به مسیح نزدیک تر شویم. بسیاری از مردم می کوشند " تمامی آداب و فرایض را رعایت کنند"، اما اینکار همیشه در آخر به پوچی و شرمندگی تمام می شود. ایمان حقیقی از قلب های ما جاری شده، قدرت زندگی ما می گردد. وقتی اجازه می دهیم روح خدا به ما نیرو به بخشد، اطاعت از خدا برای ما بسیار آسان تر می شود، زیرا سرزندگی و خرمی ما اینک از قدرت متعال او سرچشمه می گیرد، نه از قدرت ما. (حجی ۲ آیات ۴ و ۵؛ زکریا ۴ آیه ۶)

وقتی به خدا نزدیک می شویم او با محبت فوق طبیعی خود به ما محبت می کند و آن اعتماد و قدرتی را که شدیداً نیاز داریم به ما می بخشد تا آنچه را خدا از ما می خواهد انجام دهیم. او ما را تنها نمی گذارد تا با تقلا راه زندگی را پیدا کنیم، و ما را بدون کمک رها نخواهد کرد.

ما تنها زمانی در مانده خواهیم شد که اختیارها را به دست خود بگیریم

افراد زیادی هستند که به نظر می رسد بدون خداوند قدرتمند و موفق هستند. اما در واقع در نقشه ی بزرگی که خدا برای بشر دارد، آنها همچون «جادوگر شهر اوز» هستند ... و کسی هستند که در خفای نمایی از عظمت پنهان شده است. از دیدگاه خدا، آنها در چیزی

هم وضع ما تفاوتی با آنها ندارد. ما به بهای خون ارزشمند مسیح خریداری شده ایم. از اسارت مان به گناه نجات یافته ایم و رها گشته ایم (اول پطرس ۱ آیات ۱۸ و ۱۹). در عوض، حق خدا است کاملاً سرسپرده او باشیم.

خدا قوم خود را دعوت می کند تا با تمام دل به سوی او بیایند و می فرماید: "نباید هیچ بُت دیگری داشته باشید" (تثنیه ۵ آیات ۸ و ۹). به خاطر عظمت پر شکوه و قدرتش، حق خدا است که الزاماً بخواهد محبت ما در درجه اول نسبت به او باشد.

خداوند همچنین به ما هشدار می دهد که نام او را به باطل نبریم (تثنیه ۵ آیه ۱۱). این حتی جدی تر از این است که بعضی بی ایمانان در کشورهای غربی نام او را با توهین و صرفاً به صورت دشنام به کار می برند. نام مبارک و گرامی خدا را نباید در زندگی سرسری و با گستاخی ذکر کرد بلکه به طرزی شایسته و با محبت و احترام عمیق باید نام پروردگاران را ادا کنیم (مزمور ۱۱۱ آیه ۱۰؛ امثال ۹ آیه ۱۰).

سپس خدا به ما فرمان می دهد که روز سبت را مقدس نگاه داریم (تثنیه ۵ آیه ۱۲). به چه دلیل؟ زیرا می خواهد با ما وقت بگذراند. او خدایی است که رابطه برقرار می کند. او می خواهد ما هدفمندانه یک روز در هفته کار روزانه و دغدغه های خود را کنار بگذاریم، چون قصد او برای ما این است که آرام بگیریم - یعنی در او آرامی بیابیم.

مطمئن هستیم که همه ما در آخر هفته با "خانواده" وقت صرف کرده ایم. اما این روزها به نظر می رسد که همه با موبایل، کامپیوتر یا تلویزیون مشغول هستند و به جای رابطه با خانواده متوجه چیزهای دیگری هستند. اوقاتی که باید برای برقراری روابط نزدیک و واقعی صرف شوند، به خاطر سرگرمی ها به دور ریخته شده اند. متأسفانه زمانهای از دست رفته باز نمی گردد. خدا هم وقتی او را به بخاطر هدف های کم اهمیت تر نادیده می گیریم همین طور احساس می کند.

کلمه " نفرت " در این آیه انجیل لوقا به معنی عادی آن نیست که معمولاً به ذهن ما خطور می کند، بلکه به معنی « محبت نسبت به مسیح به قدری بیشتر از هر فرد دیگری » است که در مقایسه به نظر می آید از عزیزان مان نفرت داشته باشیم. مسیح به صراحت می فرماید اگر مسیح را هدفمندانه بسیار والاتر از همه چیز دیگر انتخاب نکنیم، شاگرد او محسوب نمی شویم.

موضوع این نیست که در روابط و برنامه هامن جایی به خدا بدهیم که برای ما مناسب باشد، یا گاهی بگذاریم خداوند و ارباب ما باشد. عیسی این را می گوید که: " هیچ برتری جویی، هیچ رقابتی و هیچ حریفی نباید برای جایگاه شایسته ی من در قلب و ذهن و روح و اراده شما وجود داشته باشد." ما حتی نباید خدا و مردم را در یک رده قرار دهیم. او باید در مقام ویژه، متعال، یگانه و منحصر به فرد خود در زندگی ما قرار داشته باشد. همه افراد و همه چیز دیگر می بایست اهمیت کمتری داشته باشند.

و قصد خدا جلب توجه نیست! او می داند که اگر او و پادشاهی وی را در اولویت قرار دهیم، در نهایت خوشی، آرامش، احیا شدگی، امید، هدف و محبتی را می یابیم که در جستجویش بوده ایم. و اگر تصمیم بگیریم پیروی مسیح را در رأس زندگی خود قرار دهیم، او وعده داده است که بقیه امور زندگی ما را که اینقدر نگران شان هستیم ترتیب خواهد داد (متی ۶ آیات ۳۱ تا ۳۳).

این یک شیوه زندگی است نه زندگی به سبک تعطیلات ... !

بر می گردیم به موضوع خود در تثنیه ۵؛ در آنجا مطلب بسیار جالبی می بینیم که خدا در آیه ۶ فرموده است. درست پیش از آنکه خدا ده فرمان را به موسی عطا کند، می بینیم **چرا** او دارای چنین اختیاری است که قوم خود را ملزم به اطاعت کامل نماید. دلیل این است که خدا آنها را / از بندگی خلاصی بخشید. او رهاننده و نجات دهنده آنهاست! امروز

- آیا گاهی می گذارید همراه شما بیاید؟
- آیا بعضی وقتها او را به زندگی خود راه می دهید؟
- **یا اینکه** با عشق و علاقه فراوان، بخش اعظم زندگی خود را صرف محبت و خدمت به او می کنید؟

این برای تو خوبه ...

بعضی اوقات افراد در مورد رابطه من با مسیح که تمام زندگی مرا در بر گرفته می گویند ، "این برای تو خوبه ، اما به درد همه نمی خوره". اما من در کتاب مقدس چنین چیزی نمی بینم. درست از همان ابتدا، خدا به قوم خود می گوید که : " **آنها را خدایان دیگری جز او نباشد** " (تثنیه ۵ آیه ۷).

امروزه همسر، یا فرزندان ما (که این زیاد دیده می شود) می توانند جای خدا را در زندگی ما بگیرند ؛ همچنین شغل ، پول ، ظاهر ، اینترنت ، ورزش، رسانه های اجتماعی ، تلفن همراه، تلویزیون ، حیوانات خانگی ، اعتیاد ها ، نظرات دیگران ، و غیره ؛ همه ما می دانیم که این فهرست طول و دراز بیشتری دارد!

این فرمان عهد عتیق که باید خدا را فراتر از هر چیز دیگری حرمت بگذاریم، هزاران سال بعد هم در زمان عیسی به جای خود بود و امروزه نیز کاملاً معتبر و مرتبط به زمان ما است . مسیح فرمود: " اگر می خواهید شاگرد من باشید، باید از همه – در مقایسه با پدر و مادر، همسر و فرزندان، برادران و خواهران تان – **بله حتی از زندگی خویش نفرت کنید.** در غیر اینصورت نمی توانید شاگرد من باشید (مرقس ۸ آیات ۳۴ تا ۳۸؛ لوقا ۱۴ آیه ۲۶؛ باب ۱۱ آیات ۲۹ و ۳۰؛ و یوحنا ۱۲ آیات ۲۵ و ۲۶).

از همان ابتدا که خدا آدم و حوا را آفرید، به روشنی نمودار ساخت که می خواهد اولویت شماره یک برای ما باشد. کسانی که ظاهراً می گویند مسیح "خداوند" است، اما واقعاً رابطه مستحکمی با او ندارند، تهی از نشاطی هستند که از تسلیم شادمانه زندگی مسیحی سرچشمه می گیرد. آنها درباره خدا اطلاع دارند؛ طوری صحبت می کنند که گویی او را دوست دارند؛ به کلیسا می روند؛ "مانند" مسیحیان رفتار می کنند ... ، اما ...

اینگونه افراد چقدر از وقت، استعداد، پول و فکر و علاقه شان را واقعاً صرف خدا می کنند و در مقایسه چه قدر خود را با دنیا مشغول می سازند یا برای هدف های خود هزینه می کنند؟ کردار شان چیست، طرز صحبت شان چگونه است، طرز فکرشان چه می باشد؟ در مشکلات چه رفتاری از خود نشان می دهند و ثمرات روح القدس یعنی محبت، خوشی، آرامش، صبر، مهربانی، نیکویی، وفاداری، فروتنی و خویشنداری تا چه حد در آنها مشهود است (غلاطیان ۵ آیات ۲۲ تا ۲۴).

وقتی مسیح می فرماید "به دنبال من بیا" منظورش این نیست که "فقط تا حدی به دنبال من پرسه بزن که به دردم نینفتی". او راجع به آن نوع زندگی صحبت می کند که کاملاً تحت اختیار او و برای او می باشد. او می خواهد چنان رابطه عمیقی با او بیابیم که شروع کنیم همانند او فکر کنیم و دل ما برای آن چیزهایی بسوزد که خدا برای آنها دلسوزی و ترحم دارد. او می خواهد ما با شادمانی علاقمند به انجام اراده او باشیم. پروردگار ما می خواهد بگذاریم او بر روی تمام جهات زندگی ما تأثیر کامل داشته باشد!

در همینجا چند لحظه فکر کنید رابطه شما با مسیح چگونه است. رو راست باشید.

• آیا بیشتر اوقات به او بی اعتنایی می کنید؟

زحمت است - حتی اگر مجبور باشند برنامه های خود را تغییر دهند یا کاری انجام دهند که واقعا علاقه ای به انجام آن ندارند. آنها فقط می خواهند با یکدیگر باشند.

اساساً، تمام دنیا دور و بر کسی می چرخد که او را دوست دارند

حال، با توجه به این تعاریف، از خودتان بپرسید احساس شما درباره خداوند عیسی آیا اینطور است؟ اگر می بینید محبت شما به مسیح رو به افول است، یا قبلاً هرگز چنین محبت پر شوری نسبت به او نداشته اید، شاید تغییراتی باید در زندگی تان بدهید تا بتوانید شاگردی پر محبت برای عیسی مسیح باشید. آنقدر باید به مسیح سر سپرده باشید که او از همه چیز برای تان مهم تر باشد و عشق اول شما باشد - حالا هر قدر هم که اوضاع سخت شوند و هر قدر هم در بشارت و خدمت به مسیح در برابر دیگران احساس ناجوری و ناراحتی می کنید. خداوند نمی خواهد "پیرو" مذهب باشید بلکه می خواهد یک رابطه هدفمند، پر نشاط، سر سپرده، پیروزمند و رضامند با شما داشته باشد.

خدا تمام وجود ما را می خواهد

بسیاری از افرادی که افتخار مشاوره و هدایت آنها را به سوی مسیح داشته ام به من گفته اند: "تنها کسی که فکر نمی کردم در زندگی اصلاً با او کاری داشته باشم مسیح بود. من به «خدا» ایمان دارم ولی از «مسیح» کاملاً اجتناب می کردم. اما شگفت انگیز بود که وقتی مسیح را شناختم، پی بردم او همان شخصی بود که در جستجویش بودم." این بدین خاطر است که محبت و شناخت مسیح، راه ایجاد یک رابطه صحیح و صمیمی با خدای پدر است (یوحنا ۱۴ آیات ۶ و ۹). خدا پیوسته از ما دعوت می کند تا رابطه ای عمیق تر و صمیمی تر با او داشته باشیم - رابطه ای که تبدیل کننده زندگی است.

تمام مواظب نباشیم، محبتی که به مسیح داریم می تواند کاهش یابد؛ چنین چیزی خداوند را آزرده می کند و ما را نیز از برکات روحانی که او برای ما دارد محروم می سازد. همچنین این موضوع خدمت مسیحی ما را به دیگران تضعیف می کند زیرا شادی و آرامشی را که باید نسبت به مردم در خدمت مسیح داشته باشیم از ما سلب می شود (مکاشفه ۲ آیات ۴ تا ۷؛ مکاشفه ۳ آیات ۱۵ تا ۱۶).

دعا می کنم که هنوز عاشق عیسی مسیح باشید. اما اگر "محبت اولیه" خود را از دست داده اید، - اگر محبتتان به سردی گراییده - ، امیدوارم این درس، اشتیاقی تازه در شما برانگیزد تا نفس انسانی خود را بمیرانید، و جایگاه خدا را در زندگی تان در منزلتی که شایسته اوست بار دیگر قرار دهید. او تنها کسی است که مستحق است تابع و متعهد به او باشید و او تنها کسی است که اقتدار دارد شاه و سرور شما باشد!

بیاید با این محک که چقدر عاشق مسیح هستیم شروع کنیم. اول بیاید به بینیم وقتی افراد عاشق هستند چه رفتاری دارند.

معمولاً وقتی افراد عاشق می شوند، رفتارشان تاحدی عجیب می شود. 😊 برایشان مشکل است حواسشان را روی کارهای روزمره خود جمع کنند، زیرا یاد محبوبشان ذهن آنها را تحت الشعاع قرار داده است. راههای عجیب برای صرف وقت با کسی که دوستش دارند ایجاد می کنند. برای شان مهم نیست که رفتارشان کمی عجیب و غریب باشد. شدیداً مشتاق اند عشق خود را به محبوب شان ثابت کنند. شب تا دیر وقت بیدار می مانند و با او صحبت می کنند و صبح روز بعد هم انرژی دارند که به کارهای خود برسند. مسئله ای با پول خرج کردن برای محبوبشان ندارند. روزهای خود را مطابق خواسته او ترتیب می دهند و هرگز احساس نمی کنند برای شان

بین آرامی گرفتن در حضور خدا و فعال بودن برای ملکوت الهی یک "تنش" وجود دارد، اما مهم است حد تعادل صحیح بین این دو را پیدا کنیم.

حضور شیرین او

بسیاری افراد وقتی به زمانی می نگرند که تازه به منجی شان ایمان آورده بودند، اغلب پی می برند دلیلی که پیرو مسیح شدند آن محبت عمیق و پر شوری بود که از مسیح نسبت به خود تجربه کردند و خود نیز نسبت به او داشتند. به خاطر همین است که بسیاری حاضرند جان خود را برای او بدهند. اگر شما پیش از این، چنین محبت و پذیرش بلاشرط و حقیقی را هرگز تجربه نکرده بودید، این رابطه جدید شاید یکی از لذت بخش ترین رابطه ها در تمام زندگی تان است.

اگر چه با گذشت زمان شاید می بینیم هنوز هم "پیرو" او هستیم، اما ممکن است فکر کنیم خدمت کردن به مسیح بیشتر زحمت است تا لذت. شاید به جای توجه به خود عیسی مسیح، بیشتر توجه ما به "ایمان مان" یا "ظاهر رفتارمان" و یا "عطایا" است. در نتیجه ممکن است به تدریج ظاهر "مذهبی" به خود بگیریم، اما باید بدانیم که مسیح این را مکروه می داند، چون او می خواهد یک رابطه نزدیک و صمیمی با ما داشته باشد، و وقتی خود را مذهبی وانمود کنیم، این کار ما را از او دور می سازد. به علاوه، چنین وانمود کردن دروغین مانع جذب بی ایمانان به سوی مسیح می شود، و نیز می تواند آنها را از خداوند رویگردان سازد (متی ۲۳ آیات ۲۳ تا ۲۸). واقعاً لازم است از آن غیرت و اشتیاقی که برای مسیح داریم با دقت پاسبانی کنیم.

در واقع محبت او به ما و محبت ما نسبت به اوست که زیربنای حقیقی ایمان ما است. اما این جنبه رابطه ما می تواند خیلی آسان لطمه بخورد یا نادیده گرفته شود. اگر با دقت

بیندیشید و آنها را در نظر بگیرید. این به شما یاری خواهد کرد تا به بینید حقیقتاً رابطه شما با مسیح تا چه حد است. سپس، درس خود را آغاز می کنیم.

شاگرد پویا شدن

همانگونه که در پیش گفتار این کتاب اشاره شد، فرایندی که ما را تبدیل به یک شاگرد پر اشتیاق و مثبت برای عیسی مسیح می سازد نیاز به زمان، تلاش، انضباط و تمرکز دارد. زندگی مسیحی ساده است، اما آسان نیست. مسیح، نجات را به رایگان در دسترس ما قرار می دارد، اما کتاب مقدس برای ما روشن می سازد که بدون تغییر قلب و وجود، طرز فکر، طرز رفتار و بدون ثمربخشی برای ملکوت او، ایمان آوردن ما به مسیح تحت سوال می رود.

می خواهیم با بررسی یکی از کلیدی ترین جنبه های ایمان مسیحی مان که اغلب نادیده می گیریم شروع کنیم، و آن محبت ما به مسیح است. توجه ما بیشتر به کارهایی گرایش دارد که برای خدا انجام می دهیم اما اهمیت «بودن در حضور خدا» را می توانیم بسادگی در درجه پایین قرار دهیم. لیکن همین خلوت کردن با خدا است که به زندگی مسیحی ما نشاط و قوت و بینش و بصیرت می بخشد.

در حقیقت، عمل کردن از بودن آسانتر است. در فرهنگ ما، چه افراد غیر مذهبی چه کسانی که به معنویات اعتقاد دارند، به حد افراط فعالیت دارند و اگر ما در همه جوانب زندگی عالی ترین دستاوردها را نداشته باشیم عملاً ما را توبیخ و سرزنش می کنند. البته

فصل اول

غیرت برای عیسی مسیح

قسمت اول



همه می دانند که امروزه کلیساهای آمریکا تا حد زیادی
ناکارآمد و بی تأثیر شده اند.
چرا اینطور است؟
پاسخ آن بسیار ساده می باشد.

این به دلیل عدم غیرت در ما، عدم رابطه نزدیک ما،
و عدم سرسپردگی بی دریغ ما به مسیح است.

در این کتاب، می خواهم راز شاگردی حقیقی و پیروی راستین از عیسی مسیح را
برای شما بیان کنم. نگران نباشید! مطلب تازه ای به من "الهام" نشده است، بلکه همه
اینها مطلقاً از روی کتاب مقدس می باشد.

پیش از اینکه درس خود را شروع کنیم، فهرستی از "مهمترین ها" در آخر این فصل
برای پر کردن می باشد. لطفاً در اینجا آن لیست را نگاه کنید و در مورد اولویت های خود

بخش اول

قلب شاگردی

اگر می خواهید داستان تبدیل بنیادی زندگی مرا در یوتیوب ببینید، می توانید به لینک زیر مراجعه کنید:

https://www.youtube.com/watch?v=UuH8U_dRdiw

اگر در این کتاب غلط املائی مشاهده کردید، لطفاً با من تماس حاصل کنید! کتابهای من به زبان های انگلیسی، اسپانیایی و فارسی (و به زودی در نیمه سال ۲۰۲۰ به زبان ژاپنی) در دسترس هستند. نسخه انگلیسی و اسپانیایی کتاب را می توانید از سایت آمازون خریداری نمایید. جهت نسخه فارسی یا ژاپنی می توانید با من کتباً تماس بگیرید.

تمام کتابها برای افرادی که در زندان، بازداشتگاه ها یا مراکز توانبخشی هستند رایگان می باشند. چنانچه مایلید به خدمت ما هدایای مالی اهدا نمایید تا بتوانیم کتابهای بیشتری ارسال کنیم، لطفاً با ما تماس بگیرید.

و اگر واقعا امکانات خرید کتاب ها را ندارید، فقط با من تماس بگیرید و یک نسخه برایتان ارسال خواهم کرد. من دلسوزی خاص برای کسانی دارم که در شرایط دشوار هستند زیرا خودم زمانی در آن موقعیت بودم. باشد که خدا همه شما را به فراوانی برکت دهد.

در انتهای هر فصل کتاب، سؤالاتی برای تفکر و تعمق مطرح شده اند. پاسخها "درست" یا "غلط" محسوب نمی شوند، اما مرتبط به نکاتی که در متن است هستند. سؤالات به شما کمک می کنند در مورد باور های خود عمیقاً فکر و تحقیق کنید، و حقایق کتاب مقدسی را در ذهن و روح خود با استحکام جای دهید. لطفاً برای این کار وقت بگذارید و پاسخهای خود را بنویسید.

اطلاعات تماس

اگر مایل به خرید یکی از کتاب ها یا فرستادن نامه هستید، می توانید از طریق آدرس پستی ذیل تماس حاصل نمایید:

Post Office Box 597, Grover Beach, CA 93433

یا به این آدرس ایمیل ارسال دارید:

betransformed@betransformedministries.com

می توانید از وبسایت من دیدن کنید:

www.betransformedministries.com

می توانید خدمات ما را در فیسبوک دنبال کنید:

facebook.com/betransformedministries

هامان شرح می دهیم. اگر درباره یکی از حقایق کتاب مقدسی اطلاع کافی ندارید، آن را با شبان یا معلم کتاب مقدس مورد اعتماد خود مطرح کنید و در جلسه بعدی پاسخ آن را به گروه تان گزارش دهید.

نکته برای کسانی که این کتاب را فرداً مطالعه می کنند

من این دروس را جهت مطالعه و رجوع به آیات، به ساده ترین وجه ممکنه ارائه کرده ام، زیرا میدانم برخی از شما برنامه گروهی برای پرسش سوالات یا در میان گذاشتن اطلاعات خود ندارید، یا مایل نیستید داشته باشید. اما همچنانکه در این بخش ها با صرف وقت مناسب دروس را انجام می دهید، نکات بسیاری درباره خود و رابطه تان با خدا می آموزید.

رهبران گروه و یاوران:

اگر شما رهبر گروه هستید، ایده خوبی است که پیش از کلاس خود را با متن آشنا بسازید. همچنین می توانید از درس ها به عنوان رئوس پایه برای آموزه های خود استفاده کنید، یا به عنوان یاور، زمانی که شاگردان دروس را انجام می دهند به آنها یاری دهید.

صرفاً جهت روشن تر ساختن موضوع، اغلب فقط از یک سطر در یک پاراگراف کتاب مقدس استفاده می کنم. این را مخصوصاً انجام می دهم، و به این معنی نیست که مطلب آن را خارج از چارچوب استفاده کرده باشم. پیش از نگاشتن آن "یک آیه"، مفاد پیرامونش را می خوانم. لیکن آیه به خوبی مطابقت دارد و نکته ای را که مد نظرم هست کاملاً می رساند. البته شما یا شاگردان اگر هدایت می شوید، آزاد هستید متون قبل و بعد از آیات ذکر شده را بخوانید.

چگونه این کتاب را مطالعه کنیم

ما جلسات مطالعه کتاب مقدس را با دعا شروع می کنیم زیرا آن مهمترین بخش جلسه است. در شروع از خداوند می خواهیم گناهان ما را ببخشد و از هر مانعی که نمی گذارد روح قدوس او حقیقت خود را به ما بیاموزد، ذهن ما را پاک بسازد. از او می خواهیم نهایتاً او معلم ما باشد و کلاس ما را رهبری و راهنمایی و هدایت کند.

بعد از دعا، به نوبت یک پاراگراف را با صدای بلند می خوانیم. هر کس می تواند هر وقت سوالی داشت بپرسد و من اغلب در طول درس توقف می کنم تا نکات مهم را ذکر کنم و توضیحاتی بدهم. هر کسی مختار است از خواندن با صدای بلند خودداری کند.

ما از ترجمه تفسیری کتاب مقدس انگلیسی استفاده می کنیم زیرا (به عقیده من) این ساده ترین نسخه قابل درک است که با نسخه اصلی کتاب مقدسی همخوانی دارد. همچنین تمام آیات درس را از کتاب مقدس نگاه می کنیم و می خوانیم. *لطفاً* به تمام آیات رجوع کنید. من قادر نیستم زندگی شما را تغییر دهم، اما کلام خدا این قدرت را دارد.

علاوه بر این ، فکر نکنید حتماً لازم است این کتاب را با عجله تمام کنید. ما اغلب یک کلاس کامل را صرف خواندن تنها یک یا دو پاراگراف می کنیم. مطالب تأمل بر انگیز بسیاری در این کتاب وجود دارد. پس بهتر است در هر جلسه چند قسمت کوتاه را در نظر بگیرید و واقعا فرصت بدهید افراد در مورد آنها بیندیشند و صحبت کنند. اگر از مطالب سریع بگذرید، متوجه حقایق عمیقی که در آنها نگاشته است نخواهید شد.

ما اغلب مطالب را با در میان گذاشتن بینش های شخصی خود، کشمکش ها و پیروزی

دیگر زمانی که بتوانیم "چراغ هایمان را زیر کاسه پنهان کنیم" گذشته است (متی ۵ آیات ۱۴ و ۱۵). ما مسیحیان، نور جهان هستیم - درست همانطور که مسیح بود. مردم کمتر از گذشته به کلیساهامان می آیند. همانطور که کتاب مقدس در متی ۱۰ آیه ۲۷ می گوید ما باید بیرون رفته و انجیل را از فراز پشت بامها اعلام کنیم. باید به مردم کمک کنیم تا متوجه خطر قریب الوقوع شوند و با محبت آنها را به بندرگاه امن عیسی مسیح رهنمون شویم (کولسیان ۱ آیه ۲۸).

دعا می کنم این کتاب رابطه شما را با مسیح وارد بُعد جدیدی نماید. اگر زندگی مسیحی شما با خودپرستی و تن پروری می گذرد، خدا می خواهد از شما چنان پیروانی بسازد که مسیح محور زندگیتان باشد و برای خدمت در ملکوت او پر غیرت و گوش به زنگ باشید. دعا می کنم همانطور که خواهان آن تاجی هستیم که مسیح وعده داده است، خواهان صلیب نیز باشیم، و بیاموزیم چگونه حقیقتاً طبیعت جسمانی خود را مصلوب نماییم و بتوانیم شاگردانی پویا برای عیسی مسیح، و در واقع صیاد جانها برای این دنیای رو به هلاکت بشویم.

شارون دوترا، از گروه بیچ در کالیفرنیا، به تاریخ آوریل ۲۰۲۰

نکته غیر منتظره این است که بیشترین تعداد نوایمانان افراد تحت جفا و زندانیان می باشند. وقتی واعظان انجیل، کلام خدا را رقیق نمی کنند و بیم ندارند مخاطبان شان احساس کنند به آنها توهین می شود، احتمال ایمان آوردن و رشد روحانی نوایمانان بسیار بیشتر می گردد.

خواهش می کنم در نظر داشته باشید این را از روی قضاوت گرایی نمی نویسم، بلکه دیدگاهم این است: ما که به ایمان مسیحی معترف هستیم، مدت زیادی است "کلیسا بازی" می کنیم. ما مطابق "صحیح بودن از لحاظ سیاسی" عمل می کنیم، و به دنیا اجازه داده ایم ما را متقاعد کند که پارسایی به معنای تحمل همه عقاید و شیوه های زندگی است و قدوسیت قدیمی شده است. اما این نگرش، مشکلات جدی و انسداد در انجام مقاصد مسیح و مأموریت او در جهان برای ایمانداران ایجاد کرده است. آمارهای اخیر نشان داده اند به طور عمده، دلیل "رشد" ظاهری در بسیاری از کلیساهای امریکا، در واقع رفتن مسیحیان از یک کلیسا به کلیسای دیگر است، و افزایش شمار گروندگان به مسیح اندک بوده است.

<https://www.baptiststandard.com/news/faith-culture/rapid-church-growth-through-conversions-uncommon>). March, 2019)

لازم است بیدار شویم و درک کنیم که دیگر نباید به همان منوال سابق عمل کنیم. موج عظیمتری از شرارت در راه است و ما دیگر نمی توانیم به کسانی که نجات نیافته اند یا آنانی که در ایمان خود سرد شده اند این هشدار را با زمزمه اعلام کنیم یا از اینکار غفلت کنیم.

می دهد. اما اگر بگذارید روح القدس از طریق این کتاب با شما صحبت کند تا بتوانید رشد کرده و برای خدا پُرثمرتر باشید، پاداش های بسیاری به دست خواهید آورد.

واقعیت این است که کلیسای آمریکایی بسیار تن پرور و از خود راضی شده است. ما دوست داریم در مورد محبت خدا و برکات و قدرت و آرامش بشنویم، اما اغلب گوش هایمان را به روی چالش های مسیح برای "برداشتن صلیب روزانه خود" و "مردن نسبت به جسم خود" می بندیم.

من باور دارم لازم است همه کلیساها پا برجا تر و مطیع تر گردند و کمتر از خود راضی باشند و اینقدر وسواس به خرج ندهند که مبدا پیام کلیسا بی ایمانان را برنجانند.

از این رو، بخش بعدی نشانگر نگرانی عمیق من در مورد بی غیرتی در این کشور است و اینکه بی ایمانان را به سوی پادشاهی خدا هدایت نمی کنند. کتاب «صیاد جانها» با این هدف نگاشته شده است.

مذهب ظاهری

در گذشته زمانی بود که واعظین حقیقت را با شهامت بیان می کردند. مخاطبین آنان هم در واقع گوش فرا می دادند - حتی اگر ملزم می شدند یا احساس عدم راحتی می کردند. اگر چه درست است بهتر می بود بعضی از این واعظین پیغام شان را با محبت و فیض بیشتری ارائه می کردند، اما موعظه های قدرتمند آنها باعث توبه بی ایمانان و انگیزه دادن به ایمانداران بود. این نوع موعظه های ملزم کننده امروزه در کلیساهای تحت جفا در سراسر دنیا و در زندانها و بازداشتگاه های امریکا و آفریقا و مکزیک دیده می شود. ما شاهد سه مورد "بیداری روحانی" که پس از مطالعه این کتابها در بین عده ای رخ داد، بوده ایم.

است تکرار جزئیات به نظر بیاید، همان مطالبی است که در واقع افکار و حقایق را در قلب و اذهان ما استحکام می بخشد. درست همانطور که موقع امتحانات مطالبی را چندین بار می خوانیم، می بایست به مطالبی نیز که از کتاب مقدس فرا گرفته ایم بارها فکر کنیم.

فصل های این کتاب هدمندانه انتخاب شده اند تا بتوانید مبدل به ایماندارانی قوی گردید و بیاموزید چگونه عطایای خود را برای تعالی کلیسا و بشارت به غیر ایمانداران به کار بگیرید.

کتاب «صیاد جانها» در دو قسمت نوشته شده است. قسمت اول یاری می دهد قلب تان را برای دریافت حقیقت خدا درباره هویت تان در مسیح و نیاز به قرار گرفتن تحت رهبری او آماده کنید. این شما را در باورهای مسیحی تان پابرجا می سازد. قسمت دوم شما را در کار آموزی جهت خدمت به خدا و خدمت دیگران، با شیوه ای مؤثر و ابدی کمک می نماید.

کتاب "صیادان جانها" بعد از دو کتاب دیگرم تحت عنوان "تبدیل شوید: با روح خدای زنده"، و "شروعی تازه: اصول مقدماتی ایمان مسیحی" نوشته شده است. بسیاری از افراد در ایمان خویش نیاموخته اند که پس از دریافت مسیح به عنوان منجی شان، چگونه "مرحله بعدی" را در پیش بگیرند. "شروعی تازه" زمینه را ایجاد می کند. "تبدیل شوید" به شما کمک می کند تا اصول روحانی را در امور زندگی خود به کار ببندید. "صیاد جانها" کتابی عمیق تر درباره کاربردهای روحانی و عملی در ایمان مسیحی است.

از اکنون به شما بگویم برخی موضوعات این کتاب ممکن است برای شما خوشایند نبوده، با طبیعت گناهکار شما سازگار نباشد. بسیاری از "پیروان مسیح" ترجیح می دهند عملکرد خود را با این باور توجیه کنند که فیض خدا زندگی بی ثمر مسیحی آنها را پوشش

نقاطی که معمولاً نمی شود به آنها دسترسی یافت، مخاطبین را بهره مند سازند. با تمام اینها شارون همواره قلبی فروتن، شکرگذار و پر محبت داشته است. خدا را شکر می کنم که می توانم او را دوست و همکار خود در کلیسای *The Lord's Harvest* (حصاد خداوند) محسوب کنم.

شبان استیو هنری - کلیسای هاروست / آریو گراند، کالیفرنیا

درباره این کتاب

اول از همه میخوام بگویم که اگر خدا به طور بنیادی زندگی مرا تغییر نمی داد، نوشتن این کتاب امکان پذیر نمی بود.

دوماً، من قطعاً شایسته نوشتن چنین کتابی نیستم. من هم مثل بقیه در زندگیم خطا و مشکلات و مسائلی دارم. در نتیجه هدفم از نوشتن این کتاب قضاوت کردن شما نیست، بلکه این است که دست شما را بگیرم و به سوی خدا هدایت کنم. از این شکر گزارم که او به من توانایی بخشیده است تا حقایق روحانی را توضیح دهم و مردم بتوانند به راحتی مفاهیم عمیق کتاب مقدس را درک کنند.

بسیاری از مضامین در این کتاب تکرار شده اند. مطالبی که نوشته ام موضوعاتی هستند که از طریق خواندن کتاب مقدس و دعا و تجربه آموخته و تعلیم گرفته ام و نکاتی می باشند که در قلب و ذهن من جای گرفته اند. به این دلیل است که برخی از مضامین بارها عنوان شده اند.

حتی کتاب مقدس می فرماید که ما نیاز داریم مرتباً حقایق روحانی را بیاد بیاوریم و دیگران آنها را برای ما یادآور شوند (یوحنا ۱۴ آیه ۲۶؛ اول قرنیتیان ۱۵ آیه ۱). آنچه ممکن

پیش‌گفتار

درباره نویسنده

سالها پیش وقتی در سلول زندان خود به عیسی مسیح ایمان آوردم، هرگز تصورش را نمی‌کردم که او بتواند یا مایل باشد زندگی فلاکت‌بار مرا بازسازی کند. خدا تمام دنیای مرا از یک گذشته‌ی اعتیاد، بی‌خانمانی، اقدام به خودکشی، زندان، و نفرت از خود، مبدل به دنیایی پر از شادمانی، آرامش و هدفمندی ساخت. از زمانی که با معجزه نجات یافتم، آیه‌ای که الگوی زندگی من شد، یوئیل ۲ آیه ۲۵ بوده است که می‌گوید «سالهایی را که ملخها خوردند به شما بازساخته بر می‌گردانم.» ملخ‌ها آفت‌هایی هستند که همه چیز را بر سر راه خود نابود می‌کنند و آن حقیقتاً زندگی من پیش از شناخت مسیح بود. چیزی از زندگی اوراق شده من برای بازسازی باقی‌نمانده بود.

دعا می‌کنم که شما باور داشته باشید او می‌تواند در زندگی شما نیز چنین کاری کند!

از طرف شبانم

از زمانی که با شارون دوترا آشنا شده‌ام، اشتیاقی خاموشی ناپذیر برای مسیح نشان داده است. او با لبیک قاطع به دعوت خدا در زندگی اش پاسخ داده است. شارون زندگی هدفمند و پرتثمری را دنبال کرده و اکنون در مناطق مختلف جهان خدمت مسیحی انجام می‌دهد. موفقیت او و برکاتی که خدا به زندگی او بخشیده است نمی‌تواند جز یک امر مافوق طبیعی چیز دیگری باشد. کتابهای شاگرد سازی مسیحی او به سراسر ایالات متحده، آفریقا و مکزیک ارسال شده است. این کتاب‌ها به زبانهای مختلفی ترجمه شده‌اند تا بتوانند در

فهرست



صفحه	عنوان
۹	پیش گفتار
۱۹	بخش اول : قلب شاگردی
۲۱	فصل اول: غیرت برای عیسی مسیح (قسمت اول)
۳۶	فصل دوم: غیرت برای عیسی مسیح (قسمت دوم)
۵۶	فصل سوم: شخم زمین
۷۳	فصل چهارم: پی ریزی شالوده (قسمت اول)
۱۰۰	فصل پنجم: پی ریزی شالوده (قسمت دوم)
۱۲۶	فصل ششم: تسلیم
۱۵۳	بخش دوم : مقام شاگردی
۱۵۴	فصل هفتم: خدمتگزاری
۱۷۲	فصل هشتم: عطایای روحانی
۲۰۶	فصل نهم: بشارت ایمان ما
۲۲۶	فصل دهم: تشخیص اراده خدا
۲۴۶	فصل یازدهم: زندگی پیروزمندانه
۲۶۴	فصل دوازدهم: کلیسا دارای چهار پایه

تقدیم

این کتاب صمیمانه به همه افرادی تقدیم می گردد
که مرا یاری دادند تا از گل و لای، قدم به بیرون برداشته
بر صخره عیسی مسیح بایستم

سایر کتاب های این نویسنده



تبدیل شوید: با روح خدای زنده ۲۰۱۱ (موجود به زبان اسپانیایی و فارسی)

شروعی تازه : اصول مقدماتی ایمان مسیحی ۲۰۱۷ (موجود به زبان اسپانیایی، فارسی و ژاپنی)

حق نشر © : ۱۲ آوریل ۲۰۲۰

صیاد جانها

شاگردان پویای عیسی مسیح شوید

به قلم: شارون دوترا

چاپ ایالات متحده امریکا

ISBN 9798987183816

عکس جلد شرکت ایستوک

طراحی جلد و چیدمان داخلی توسط «مهدی مهاجری» در UpWork.com

تمامی حقوق منحصراً توسط نویسنده محفوظ است. نویسنده تضمین می کند که تمامی محتوا اصل بوده و حقوق قانونی هیچ شخص یا اثر دیگری را نقض نمی کند. هیچ بخشی از این کتاب به هیچ نوعی بدون اجازه نویسنده قابل انتشار نیست.

" ادبیات مسیحی لایف وی " با کسب اجازه تجدید چاپ و استفاده شده است. نباید توسط انتشارات دیگری کپی و استفاده شود. © 2001-2020 LifeWay Christian Resources

آیات کتاب مقدس در اصل انگلیسی این کتاب از ترجمه تفسیری جدید برگرفته شده اند، مگر آنکه خلاف آن ذکر شده باشد. Copyright © 1996, 2004, and 2007 by Tyndale House Foundation

صیاد جانها

شاگردان پویای عیسی مسیح شوید

اثر: شارون دوترا